

WWW.SELVATEB.IR



@SELVATEB



اصول و شیوه‌های عطرسازی

جلد اول: عطاری فاخر



رابرت آر. کالکین
ترجمه شریف عطار

اصول و شیوه‌های عطرسازی

رابرت آر. کالکین • ترجمه شریف عطار



Perfumery Practice and Principles

Robert R. Calkin
Perfumery Training Consultant

Volume I
Fine Perfumery

Translated by
Sharif Attar

First Edition

بنام خداوند زیبایی‌ها

www.selvateb.ir

www.selvateb.ir

على عليه السلام:

الطيبُ نُشْرَةٌ.

بوی خوشی، درمانگر است.

نوع البلاغ: المکمه ۴۰۰، متناسب میزان المکمه: ۳۴۸.

اصول و شیوه‌های عطرسازی

نویسنده:

رابرت آر. کالکین

مشاور آموزش عطاری

جلد اول:

عطاری فاخر

مترجم:

شریف‌عطار

ویرایش نخست

www.selvateb.ir

تقدیم به:

عاشقان عطر

www.selvateb.ir

فهرست اختصاری

۹	دیباچه؛
۱۴	یادداشت مترجم؛
۱۸	بخش اول: مهارت‌ها و فنون پایه؛
۱۹	۱. پیش‌نیازهای ورود به حرفه عطاری؛
۲۷	۲. دانشجوی امروزی؛
۳۳	۳. مهارت‌های استشمام؛
۳۸	۴. مواد اولیّه عطاری؛
۴۶	۵. آموزش و طبقه‌بندی مواد اولیّه؛
۶۹	۶. آکوردهای گل‌بو؛
۹۱	۷. مهارت‌های تطبیق‌سازی؛
۱۱۰	بخش دوم: زیباشناسی و اصول ترکیب؛
۱۱۱	۸. اهمیت نوت‌های جانوری در عطاری؛
۱۱۷	۹. ساختار عطر؛
۱۳۴	۱۰. استفاده از بیس‌ها؛
۱۴۱	بخش سوم: عطرهای فاخر؛
۱۴۲	۱۱. توارث (نژاد) عطرها؛
۱۵۰	۱۲. بررسی شاهکارهای عطاری؛
۲۰۷	ضمائم؛
۲۰۷	ضمیمه شماره یک: ترجمه لغات انگلیسی به فارسی، به ترتیب حروف لاتین؛
۲۲۰	ضمیمه شماره دو: ترجمه لغات فارسی به انگلیسی، به ترتیب حروف فارسی؛
۲۳۴	ضمیمه شماره سه: فهرست عطرها، مواد اولیّه اختصاصی و بیس‌ها؛
۲۴۰	کتاب‌شناسی؛

فهرست تشریحی

۹	دیباچه؛
۱۴	یادداشت مترجم؛
۱۸	بخش اول: مهارت‌ها و فنون پایه؛
۱۹	۱. پیش‌نیازهای ورود به حرفه عطاری؛
۲۰	پیش‌نیازهای فیزیولوژیک؛
۲۱	پیش‌نیازهای شخصیتی؛
۲۲	خلاقیت؛
۲۳	پیش‌نیازهای آموزشی؛
۲۵	آزمایش استعداد؛
۲۷	۲. دانشجوی امروزی؛
۳۳	۳. مهارت‌های استشمام؛
۳۴	محیط کارگاه؛
۳۵	نمونه‌ها؛
۳۶	نوارهای بویایی؛
۳۶	استشمام؛
۳۸	۴. مواد اولیّه عطاری؛
۳۸	مواد اولیّه طبیعی؛
۴۲	مواد اولیّه صنعتی؛
۴۳	ضابطه مبهم تشخیص مواد اولیّه طبیعی از صنعتی؛
۴۶	۵. آموزش و طبقه‌بندی مواد اولیّه؛
۵۴	مواد اولیّه اصلی و طبقه‌بندی آنها؛
۵۵	مواد اولیّه طبیعی؛
۵۷	مواد اولیّه صنعتی؛
۵۹	طبقه‌بندی رایحه‌ها؛

- ۶۹ ۶. آکوردهای گل‌بو؛
- ۹۱ ۷. مهارت‌های تطبیق‌سازی؛
- ۹۲ تطبیق‌سازی به عنوان روش یادگیری؛
- ۹۴ مهارت بویایی تحلیلی؛
- ۹۵ تشخیص الگوهای بویایی؛
- ۹۶ تطبیق‌سازی با استفاده از شامه؛
- ۹۸ تونل بویایی؛
- ۱۰۰ کاربرد و فواید گاز کروماتوگرافی؛
- ۱۰۶ اهداف هم‌تاسازی؛
- ۱۰۶ هم‌تاسازی هم‌خانواده؛
- ۱۰۷ هم‌تاسازی شبیه؛
- ۱۰۸ جایگزین؛
- ۱۱۰ بخش دوم: زیباشناسی و اصول ترکیب؛
- ۱۱۱ ۸. اهمیت نوت‌های جانوری در عطاری؛
- ۱۱۳ روابط بویایی بین گیاهان و جانوران؛
- ۱۱۷ ۹. ساختار عطر؛
- ۱۲۲ آکورد عطاری؛
- ۱۲۵ رابطه بین نوت‌های اولیه، میانی و پایه؛
- ۱۲۹ تعادل بین سادگی و پیچیدگی؛
- ۱۳۴ ۱۰. استفاده از بیس‌ها؛
- ۱۴۱ بخش سوم: عطرهاى فاخر؛
- ۱۴۲ ۱۱. توارث (نژاد) عطرها؛
- ۱۵۰ ۱۲. بررسی شاهکارهای عطاری؛
- ۱۵۲ عطرهاى گل‌بو-سالیسیلات: "ل ایر دو تمپس"، فیجی، "انیس آنیس" و پاریس؛
- ۱۶۶ عطرهاى گل‌بو-آلدهايد: "شنل شماره ۵"، آرپیچ، "مادام راجس"، کلندر، "ریو گاوچ"، "وايت لينن"؛
- ۱۷۵ عطرهاى گل‌بو-شیرين: "ل اورىگان"، "اوسکار دلارنتا"، پویزن، وندربیلت؛

- ۱۷۸ عطرهاى شرقى: شاليمار، ”موسٲ دِ كارتير“، آبسشين، ”يوٲ ديو“، اوييوم، كوكو؛
- ۱۸۷ عطرهاى خانوادهٲ نعاػ هندی-گل بو: ديورلآ، ”آروماتيك الاكسیر“، كورى اندر، نووینگ، ”پالوما پيكاسو“؛
- ۱۹۲ عطرهاى خانوادهٲ چيپر سنتى: ”ما گريف“، فم، ”ميس ديور“، كابوچارد؛
- ۲۰۴ سبك جديد عطارى: اترنيتى، ترزر، اسپل بوند، دوون، كزمير، امراج؛
- ۲۰۷ **ضمائم؛**
- ۲۰۷ ضميمهٲ شمارهٲ يك: ترجمهٲ لغات انگليسى به فارسى، مرتب شده بر اساس حروف لاتين؛
- ۲۲۰ ضميمهٲ شمارهٲ دو: ترجمهٲ لغات فارسى به انگليسى، مرتب شده بر اساس حروف فارسى؛
- ۲۳۴ ضميمهٲ شمارهٲ سه: فهرست عطرها، مواد اوليهٲ اختصاصى و بيسها؛
- ۲۴۰ **كتاب شناسى؛**

دیباچه

سی سال پیش، با تجاری شدن گاز کروماتوگرافی، زلزله‌ای در حرفه عطرسازی (عطاری^۱) ایجاد شد. در نشریات، میزگردها و گفتگوهای اختصاصی، مباحث داغی صورت گرفت که آیا این ابزار آنالیزی، (گاز کروماتوگرافی) با آسان نمودن جداسازی مواد فرار موجود در ترکیب پیچیده، ممکن است نیاز به عطرساز (عطّار) را برطرف نماید؟

مباحث اولیه بزودی فروکش نمود و با این نظر جایگزین گردید که گاز کروماتوگرافی، هرچند برای شیمیدان مسئول آنالیز عطر و بخش کنترل کیفیت شرکت بسیار مفید است، اما تأثیر کمی بر وظیفه عطّار که همانا ساخت عطر می‌باشد، دارد یا اصلاً تأثیری ندارد.

امروزه واضح است واکنش دوّم به این پدیده نیز مانند پاسخ شتابزده اول اشتباه بوده است. چرا که با ورود ابزارهایی از قبیل ستون مویرگی، طیف‌سنجی جرمی و تکنیک‌های آنالیز کمی فضای فوقانی، گاز کروماتوگرافی آرام آرام تأثیرش را توسعه و وظیفه روزانه عطّار را بسیار تغییر داده است. برجسته‌ترین تغییرات پس از پیدایش گاز کروماتوگرافی بدین شرح است: از بین رفتن پنهان-کاری و بالا گرفتن رقابت، افزایش سرعت پیشرفت مد، بالا رفتن ایمنی و ملاحظات حفاظت زیست محیطی و توسعه ابزارهای سنجش و اندازه‌گیری.

یک نسل قبل، کار عطّار و عملیات ساخت عطر، مخفی نگه داشته می‌شد. فقط تعداد کمی از اشخاص قابل اعتماد می‌توانستند به کتاب فرمول دسترسی داشته باشند. عطّاران^۲ هرگونه اطلاعات در

^۱ علی‌رغم آن چیزی که هم‌اکنون، از واژه‌های عطّار و عطّاری به ذهن متبادر می‌شود و آن فروشنده گیاهان دارویی و ممل فروش آن می‌باشد، اما در گذشته این لغات به معنای فردی که عطر را تولید می‌نمود و مکانی که عطر ساخته شده و به فروش می‌رسید نیز اطلاق می‌گردید. برای اثبات این نظر می‌توان به بیت ذیل استناد نمود:

نه آنکه "عطّار" بگویند

مشک آن است که فود ببویند

طبق این بیت، در ادبیات قدیم، عطّار به کسی گفته شده که در امر فروش مُشک، (ماده فوشبو و معطر) فعالیت داشته است.

خصوص ترکیب عطرها‌ی معروف که از طریق همتاسازی به دست می‌آورند را برای خودشان نگه می‌داشتند. حتی تصور ارائه اطلاعاتی در مورد فرمول عطرها به مشتری نیز امری مذموم بود.

امروزه، هر فرد باتجربه و مجهز به ابزار جی.سی.ام.اس. می‌تواند طی چند روز، مقدار زیادی اطلاعات، در خصوص فرمول عطر به دست آورد. این پدیده، تغییرات زیادی در فضای مخفی‌کاری گذشته ایجاد نموده است. هرچند، امروزه نیز فرمول‌ها مخفی نگه داشته می‌شوند، اما ارزش این مخفی‌کاری بسیار کم شده است. چرا که اغلب اوقات، مشتریان و رقبا می‌توانند مواد موجود در عطر را کم و بیش آنالیز نمایند. امروزه رویه اعطای فرمول عطرها به مشتریان عمده (حتی اگر قسمتی از فرمول رمزی بوده و با کلید باز شود، یا درون پاکت مهر و موم شده که می‌بایست تحت شرایط خاصی باز گردد باشد)، امری عادی شده است.

با از میان رفتن پنهان‌کاری، فضای رقابتی شدیدی شکل گرفت که نمای صنعت عطرسازی را تغییر داده است. قبلاً این صنعت، حتی برای شرکت‌هایی که پایین‌تر از حداکثر راندمان و در کارگاه‌های قدیمی کار می‌کردند نیز سود خوبی داشت و می‌توانستند همراه کارخانه‌های با تکنولوژی پیشرفته نیز به زندگی خود ادامه دهند. اما امروزه، فقط شرکت‌هایی سودده هستند که با حداکثر راندمان کار می‌کنند، یا در خدمت بهینه به بخش ویژه‌ای از بازار عطر تخصص یافته‌اند. در مدت کم پنج سال (از سال ۱۹۸۶ لغایت ۱۹۹۱) سهم گردش مالی جهانی ده تولیدکننده بزرگ عطر و طعم، از کمتر از ۵۰٪ به دو سوّم (تقریباً ۶۷٪) افزایش یافته و این روند همچنان ادامه دارد.^۳ ساده‌انگاری است که این پیشرفت را فقط به دلیل ورود گاز کروماتوگرافی بدانیم. اما جی.سی.ام.اس مطمئناً نقش اصلی را در این پیشرفت ایفا نموده است.

^۳ بدین معنی که شرکت‌های کوچک، کم کم از گردونه رقابت خارج می‌گردند.

فشار فزاینده برای ارتقاء راندمان، بر کار عطار عوارض جانبی داشته و آزادی وی را در انتخاب مواد اولیه (به منظور نگهداری موجودی کالا در حالت بهینه) محدود نموده است. عطار مجبور شده نظر بخش ارزیابی یا مشتریان شرکت، در مورد کیفیت آثارش و جاذبه بازار را بپذیرند. بعلاوه وادار گردیده از ابزارهایی از قبیل جی.سی./ام.اس. که نقش مهمی در ایجاد فضای کاری جدید بازی می‌نماید، کمتر استفاده کند. وظیفه کشف فرمول محصولات موفق و مدساز بازار که قبلاً بخش اصلی وقت بسیاری از عطاران را اشغال می‌نمود، بر عهده تیم‌های عطار-شیمیدان متخصص گذارده شده و این تیم‌ها مأموریت‌های محوله را بسیار موثرتر انجام می‌دهند. بدین شکل، وقت عطار آزاد و مجبور شده تلاشش را بر جنبه‌های خلاقانه واقعی شغلش متمرکز نماید.

امروزه آنالیزهای گاز کروماتوگرافی، امکان تشخیص درجه خلوص مواد اولیه معطر طبیعی را فراهم نموده است. در نتیجه، عطاران اگر حاضر باشند قیمت آن را بپردازند، می‌توانند با مواد خالص‌تری کار کنند. حتی اگر بخواهند مواد اولیه با درجه تجاری استفاده کنند نیز می‌توانند درصد خلوص آن را دقیق‌تر از گذشته تشخیص دهند.

عطاری در حال تکامل است. عطار عطرها را مطالعه می‌نماید و بر اساس آن عطرهایی می‌سازد که اجزاء ساختاری عطر قدیمی با مواد جدیدی جایگزین یا مرکز ثقل عطرها جابجا و یا تغییرات جزئی جدیدی وارد عطر می‌گردد. تحقیق برای شناخت عطر مدل، در قلب این فرآیند قرار دارد. تغییرات صورت گرفته در عطره‌های جدید، شبیه به تفسیر متون کلاسیک می‌باشد. در این تغییرات، برخی مشخصات عطر برجسته و در دنیای تغییر مد، ارتباط بین عطرها به نمایش گذارده می‌شود. به دلیل سخت بودن هم‌تاسازی یک مدل، ریتم این فرآیند آهسته است. هنگامی که ”مادام راجس“، تفسیر آرپج، در سال ۱۹۶۰ به بازار عرضه شد، جایش را در تکامل عطره‌های آلد‌هایدی-گل‌بو به دست آورد.

این تکامل از سال ۱۹۲۱، سال تولد "شنل شماره ۵"، بدون وقفه ادامه یافته و فیجی فرزند بلاواسطه^۴ "لِ ایر دو تِمپس" (سال ۱۹۴۸) در سال ۱۹۶۶ خلق گردید.

امروزه فرآیند خلق فرزندان عطرهاى مهم، تقریباً آنی شده و عَرَضه آن‌ها در مدّتِ کمی، حتّی چند ماه پس از تولید عطر مدل اتّفاق می‌افتد. این تغییرات سریع نه تنها دنیای عطّاری فاخر^۴ را تحت تأثیر قرار داده، بلکه دئودورانت‌ها و بقیه مواد آرایشی، حتّی محصولات رخت‌شویی و نگهداری خانه نیز توانسته‌اند از رایحه عطرهاى مُدل بهره ببرند. امّا چون گرایش بازار، سریعاً به سمت مدل‌های دیگر تغییر می‌کند، با همان سرعتی که مُد به وجود آمده با همان سرعت نیز از بین می‌رود.

اشتباه است این آهنگِ سریع را به تکنیک جی.سی./ام.اس. نسبت دهیم. سرچشمه آن، در تغییر دائم اهداف بازاریابی نهفته است. امّا تکنیک جی.سی./ام.اس. امکان ساخت لحظه‌ای هم‌تا را فراهم و شرایط تکنیکی به وجود آورده که سرعت چشمگیر خلق مشتقات عطر را ممکن نموده است. تغییرات عمیق عطّاری، یکی از ایده‌های اوّلیه نوشتن این کتاب بود. دلیل این تغییرات، پیشرفت تکنیک‌های آنالیز است. این تغییرات، سبکِ جدیدی در آموزش عطّاری می‌طلبد که این سبک، یکی دیگر از ایده‌های نگارش این کتاب می‌باشد.

رابرت کالکین، نویسنده این کتاب، در شغلش بعنوان استاد آموزش عطّاری، مشاهده نمود چگونه شناخت دقیق ساختار عطرهاى بزرگ که برای اوّلین بار عمومی شده، آموزش و یادگیری مهارت‌های عطّاری را دگرگون نموده است.

در زمان نگارش این کتاب، پیشرفت‌های سریعی در حال انجام بود. بدین دلیل، این کتاب نمی‌تواند آخرین اطلاعات و علوم را در خصوص همه موضوعات تحت پوشش ارائه نماید. علی‌رغم این، امیدواریم، نه تنها این کتاب به عنوان متن درسی برای عطّاران آینده مفید باشد، بلکه برای کسانی که

^۴ بفشی از عطّاری که هدفش سافت عطر برای انسان است.

در صنایع عطر، مواد اولیّه معطر و محصولات آرایشی-بهداشتی می‌خواهند شناخت‌شان را از عطاری
خلّاق جدید افزایش دهند مفید واقع شود.

رابرت آر. کالکین

هولزمایندن، آلمان

ماه می ۱۹۹۴

www.selvateb.ir

یادداشت مترجم

طبق تحقیق و پژوهش بلندمدت انجام پذیرفته، کتاب پیش رو^۵، بهترین و کامل‌ترین کتاب در خصوص آموزش عطاری می‌باشد. لذا با توجه به عدم وجود اطلاعاتی از این قبیل در کشورمان، تصمیم گرفتم کتاب حاضر را که نسخه اصلی آن قیمت گزافی دارد (حدوداً ۱۵۵ دلار آمریکا) ترجمه و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم. این کتاب برای دانشجویان رشته عطاری، کسانی که در صنایع آرایشی-بهداشتی مشغول به کار می‌باشند، همچنین علاقه‌مندان به این رشته و افرادی که کارشان فروش عطر می‌باشد، مفید است.

نویسنده کتاب^۶ با سخاوت‌مندی تمام، مهارت‌ها و فنون عطاری که طی سال‌ها کار و مشقت فراوان به دست آورده را در اختیار خوانندگان قرار داده است. برخی دیگر از عطاران، معمولاً از انتقال این قبیل اطلاعات و تجربیات گران‌بها به نسل‌های بعدی خودداری می‌نمایند. کمتر کتابی را در این رشته می‌توان یافت که این همه اطلاعات گران‌بها را یک‌جا در بر داشته باشد. اینجانب به نوبه خود، برای علم سرشار، تجربه، بخشندگی و سخاوت نویسنده آن، احترام زیادی قائلم.

برای تسریع در زمان ترجمه، کتاب اصلی به دو مجلد تقسیم گردیده است. عنوان جلد اول، ”عطاری فاخر“ و عنوان جلد دوم ”عطر برای محصولات آرایشی-بهداشتی“ می‌باشد. در ترجمه پیش رو، به ارائه جلد اول پرداخته‌ایم. باید یادآور شوم عطاری فاخر، پایه دیگر رشته‌های عطاری می‌باشد. لذا خواندن جلد اول این کتاب، اساس مطالعه و تحقیق در دیگر رشته‌های عطاری به شمار می‌رود.

پیشروترین و با سابقه‌ترین کشور در عطاری را می‌توان فرانسه نامید و شهر گریس در این کشور، از دیرباز در این خصوص معروف بوده است. علی‌رغم این، نویسندگان آلمانی، بیشتر از همه، به آموزش این رشته خدمت و پس از آن انگلیسی‌زبان‌ها نیز به اعتلای آن کمک نموده‌اند.

هم‌اکنون ”خانه‌های عطاری“^۷ آمریکایی پا به پای اروپاییان، در صنعت ساخت ”عطر تمام-شده“^۸ فعال هستند. در خصوص تولید مواد اولیه عطاری، اروپاییان، مخصوصاً به ترتیب کشورهای

سوئیس، آلمان و هلند پیشتاز می‌باشند، هرچند امروزه شرکت‌های دیگری نیز پا به این عرصه گذاشته‌اند.

علت علاقه‌مندی بنده به این رشته، مشاهده فیلم "عطر، داستان یک قاتل"^۹ بود. در این فیلم به صورت ساده و داستانی، طریقه ساخت عطر نمایش داده شده است. خود فیلم نیز از جذابیت زیادی برخوردار است.

زبان اول رشته عطاری، همانند دیگر علوم روز دنیا، زبان انگلیسی است و برای کسانی که می‌خواهند وارد این رشته گردند، آشنایی با آن واجب می‌باشد. این زبان را می‌توان کلید قفل گنج عطاری نامید. لذا به خوانندگان محترم توصیه می‌نمایم به یادگیری این زبان بپردازند تا بتوانند علم خود را از معدن آن گردآوری کنند.

به دوست‌دارانی که به زبان انگلیسی تسلط دارند، عضویت در گروه اینترنتی ذیل که متشکل از عطاران تجربی، تفننی و بعضاً حرفه‌ای می‌باشد و به تبادل نظر و کمک به یکدیگر می‌پردازند را توصیه می‌نمایم:

Groups.yahoo.com/group/perfumemaking.html

در صورتی که علاقه‌تان به این رشته افزایش یافت و در صدد تهیه مواد اولیه عطاری در سطح آزمایشگاهی برآمدید، باید به استحضارتان برسانم که هم‌اکنون در ایران، این قبیل مواد موجود نیست. لذا ابتدا می‌بایست کارت ارزی بین‌المللی از قبیل ویزا یا مستر در اختیار داشته باشید. شعب ارزی برخی از بانک‌ها، معمولاً این کارت را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. سپس از طریق اینترنت و از سایت‌هایی از قبیل: **www.perumersworld.com**، می‌توانید نسبت به تهیه مواد اولیه عطاری در حجم اندک اقدام نمایید.

گمرک محترم کشورمان که این مواد را چه مصنوعی چه طبیعی، به نام اسانس می‌شناسد، فرقی بین میزان آزمایشگاهی و صنعتی مواد اولیه عطاری قائل نیست و در صورتی که بسته ارسال شده از دو کیلوگرم تجاوز نماید، مجوز وزارت بهداشت را برای ترخیص مرسوله واجب می‌داند. اخذ این مجوز نیز نیاز به هزینه گزافی دارد و آخر الامر معلوم نیست بتوانید این مجوز را اخذ نمایید.

همچنین در صورتی که قیمت مرسوله از ۸۰ دلار تجاوز نماید، گمرگ محترم، داشتن کارت بازرگانی را الزامی می‌داند که تهیه آن نیز بسیار مشکل است. لذا به عزیزان پیشنهاد می‌کنم در صورت خرید مواد اولیّه، وزن مرسوله از دو کیلوگرم و قیمت آن از ۸۰ دلار تجاوز ننماید.

علی‌ایحال، در خصوص ترجمه کتاب، ملاحظاتی وجود دارد که ذیلاً به استحضار می‌رسد: طبق بررسی‌های انجام پذیرفته، فرهنگ لغت بایبلون، در خصوص ترجمه لغات عطّاری، کامل‌ترین فرهنگ می‌باشد. لذا در ترجمه این کتاب، از این فرهنگ استفاده شده است. علی‌رغم این، ممکن است برخی از کلمات، علی‌الخصوص مواد اولیّه طبیعی عطّاری، توسط این فرهنگ لغت، به اشتباه ترجمه شده باشد. به این دلیل، هر جا در خصوص ترجمه لغات، شکی برای مترجم وجود داشت، واژه انگلیسی نیز در پاورقی آورده شده است. لذا در این کتاب، واژگان انگلیسی، مخصوصاً در خصوص مواد اولیّه طبیعی عطّاری، بر واژگان فارسی اولویّت دارند.

همچنین با توجه به ثقیل بودن متن انگلیسی و به منظور راحت نمودن فهم کتاب، سعی شده نسبت به آسان‌سازی جملات اقدام گردد. در این راه، وفاداری به متن، فدای رساندن معنا و سهل نمودن جملات گردیده است.

بعلاوه، برخی مباحث کتاب اصلی، به دلیل ارتباط کم با عطّاری، ترجمه نگردیده و در صورت علاقه دوست‌داران، می‌بایست از متن اصلی کتاب مطالعه گردد.^{۱۰} تقریباً همه کلمات و توضیحات موجود در پاورقی، نوشته مترجم بوده و نویسنده کتاب، به ندرت از پاورقی استفاده نموده است.

در این رشته، همانند دیگر رشته‌ها، ادبیّاتی مابین عطّاران عرف است. در این ادبیّات، کلماتی کلیدی وجود دارند که معنای خاصی را برای عطّار تداعی می‌نمایند. لذا واژگان انگلیسی کلمات کلیدی عطّاری نیز در پاورقی درج گردیده تا خوانندگان محترم، با آشنایی با این کلمات بتوانند، متون انگلیسی این رشته را بهتر درک نمایند. همچنین هنگام برقراری ارتباط با عطّاران خارجی، قادر گردند از این کلمات بهره ببرند.

به این دلیل که این رشته در کشورمان نوپاست، اینجانب مجبور به یافتن معادل‌های فارسی برای کلمات انگلیسی مختص این رشته گردیدم. سعی بنده بر این بوده که بهترین معادل‌ها که بتواند

^{۱۰} متن انگلیسی کتاب، به صورت رایگان در اینترنت موجود می‌باشد.

در زبان فارسی، معنای لغت انگلیسی را منتقل نماید ارائه کنم. در این راه نیز از ترجمه لغت به لغت احتراز نموده و وفاداری به متن را فدای رساندن معنا نموده‌ام.

هنوز در کشورمان از آموزش این رشته خبری نیست. اما در اروپا، این رشته، حتی در برخی از دانشگاه‌ها نیز آموزش داده می‌شود. امیدوارم روزی در کشورمان و در دانشکده هنرهای زیبا و یا در دانشگاه‌های علمی کاربردی، آموزش این هنر کارآفرین در دستور کار قرار گیرد.

سعی بنده در ترجمه کتاب این بوده که حداکثر میزان سودمندی را برای خوانندگان به همراه داشته باشد و کمترین اشتباهی در ترجمه و تایپ، همچنین در محتوا و ماهیت آن رخ ندهد. لذا برای آن زحمات زیادی متحمل شده‌ام. هرچند هنوز کتاب کامل و بی‌عیب نیست. علی‌ایحال از سروران گرامی خواستارم انتقادات، پیشنهادات، سوالات و اشکالات موجود را برای پربارتر نمودن آن، برای حقیر نگارش و ارسال نمایند. مشتاقانه منتظر شنیدن مطالب پربارتان هستیم. لذا، برای ارتباط با اینجانب می‌توانید به آدرس ذیل، نامه الکترونیکی ارسال نمایید:

Sharif.1.attar@gmail.com

با تشکر

دی ماه ۱۳۹۰

شریف‌عطار

بخش اوّل:

مهارت‌ها و فنون پایه

۱. پیش‌نیازهای ورود به حرفه عطّاری

معمولاً، افراد در سنین ۲۳ الی ۲۷ سالگی، تصمیم می‌گیرند وارد این حرفه شوند. این تصمیم، بسیار مهم است. چرا که آموزش‌های این حرفه سخت و طاقت‌فرسا می‌باشد. این آموزش آن‌قدر تخصصی است که در مشاغل دیگر، تقریباً هیچ کاربردی ندارد.

مطمئناً شناخت عطّاری خلاق در حدّ پایه، در بخش‌های دیگری از قبیل خرید، فروش، تولید، تکنولوژی مصرف، کنترل کیفیت، تحقیقات، مدیریت عمومی و ... می‌تواند مثمرثمر باشد. اما آشنایی با این علم، صرفاً در صنعت عطر یا در بخش کوچکی از صنایعی که از عطر استفاده می‌کنند، مانند صنایع آرایشی-بهداشتی، مفید است. مهارت‌های عطّاری که در این قبیل صنایع مفید هستند، طی نیم سال اول دروه آموزش عطّاری تعلیم داده می‌شوند. افرادی که بیشتر از این ادامه می‌دهند، می‌بایست مطمئن شوند که می‌خواهند به حرفه عطّاری و به خلق اثر جدید در آن بپردازند. در کل سوال این است: چه شرایطی لازم است که افراد بتوانند به این حرفه راه یابند؟ ذیلاً به بررسی پاسخ این سوال خواهیم پرداخت.

پیش‌نیازهای فیزیولوژیک

بدیهی است شامهٔ تیز، اصلی‌ترین پیش‌نیاز ورود به حرفهٔ عطاری به شمار می‌رود. اما علی‌رغم آنچه عامهٔ مردم تصوّر می‌کنند، به شامهٔ استثنایی نیازی نیست. مهارت در این حرفه، بیشتر با عمل مغز در خصوص ادراک بو مرتبط است تا خود ادراک.

انسان‌ها، لزوماً به صورت یکنواخت، دارای شامهٔ تیز یا ضعیف نیستند. برخی مواقع افراد به بعضی از بوها بسیار حسّاس‌اند. در صورتی که بقیه را کم‌تر متوجّه می‌شوند، یا اصلاً درک نمی‌نمایند. فیزیولوژیست‌ها این پدیده را ”نبویایی بخشی“^{۱۱} می‌نامند. عطّار نباید به این بیماری، آن هم از نوع حادثش مبتلا باشد. هرچند از این بیماری، هیچ‌کس کاملاً خلاصی ندارد. برخی از عطّاران ماهر، قادر به استشمام برخی از مواد مشخص، در شکل خالص آن (غلیظ) نیستند. (معمولاً رایحه‌های مُشک یا چوب که دارای وزن ملکولی بالایی هستند، جز این دسته از مواد قرار دارند.) اما ایشان تأثیرات این مواد را کاملاً می‌شناسند. پدیدهٔ عجیب دیگری که برای فیزیولوژیست‌ها آشنا می‌باشد اینک استانهٔ بویایی یک ماده در مخلوط‌ها، متفاوت از استانهٔ بویایی همان ماده به تنهایی است.^{۱۲}

حساسیت بویایی، در طول زمان نیز متغیّر است. شاید این موضوع به تأثیرات هورمونی بستگی داشته باشد. عطّار خواهد فهمید حسّاسیت بویایی‌اش، در طول روز متفاوت است. لذا می‌بایست ساعت کاری خود را بر آن اساس تنظیم نماید.

برخی از مردم به درستی معتقدند عطّار نبایستی اهل دود باشد. این واقعیت که افراد دارای اعتیاد شدید به دود، حسّاسیت خود را به برخی از بوها از دست می‌دهند، حقیقتی انکارناپذیر است. علی‌رغم این، تعدادی از عطّاران بزرگ گذشته، اعتیاد شدیدی به سیگار داشته‌اند. برخی مدّعی شده‌اند، به این منظور که عطّار، حسّ بویایی خود را در بالاترین سطح ممکن نگه دارد، می‌بایست از خوردن غذاهای پرادویه خودداری کند. در این زمینه، تجربیات هر عطّار متفاوت است و خود می‌تواند تشخیص دهد چه خوردنی‌ها و آشامیدنی‌هایی، تأثیر منفی بر عملکرد بویایی‌اش دارد.

^{۱۱} Partial Anosmia

^{۱۲} احتمالاً منظور نویسنده از استانهٔ بویایی، مداخل مقدار مادهٔ فوشیو که می‌بایست بکار برده شود تا قابل استشمام باشد، است.

ثابت شده حساسیت بویایی با بالا رفتن سن، زوال پیدا می‌کند و این کاهش، معمولاً بعد از ۶۰ سالگی آشکار می‌گردد. مع‌هذا تمامی عطاران در این سن، بازنشسته نمی‌شوند. تعداد زیادی از ایشان، بعد از این سن و حتی بعد از ۷۰ سالگی نیز با موفقیت به کار خود ادامه می‌دهند. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، حساسیت بالا به بو واجب است، ولی نیازی نیست شامه، استثنایی باشد. توان تمیز، یعنی قابلیت تشخیص تغییرات اندک کیفیت رایحه‌ها، تا حدی قابل یادگیری است. تفاوت‌های ذاتی افراد نیز در اکتساب این مهارت موثر است. ولی عطار، در این زمینه می‌بایست سرآمد باشد. دانشجوی تازه‌وارد، بعد از مدتی قادر خواهد بود توان بالقوه خود را در این زمینه تشخیص دهد. این موضوع در خصوص به خاطر سپردن رایحه نیز صادق است. چرا که این توانایی نیز اکتسابی و قابل آموختن می‌باشد. هرچند تفاوت‌های شخصی زیادی نیز وجود دارد. برای به یاد آوردن رایحه‌ها، مطمئناً توان ذهنی، بیشتر از اندام بویایی دخیل است. برای عطار، حافظه بویایی قوی واجب می‌باشد. دانشجوی عطاری که بعد از ۶ الی ۹ ماه آموزش تمام‌وقت، هنوز توان تشخیص ۲۰۰ ماده اصلی را ندارد، می‌بایست به صورت جدی، در مورد ادامه راه خود بازنگری نماید.

پیش‌نیازهای شخیصتی

عطاران موفق شخصیت‌های مختلفی داشته‌اند. اما وضعیت ذیل برای عطار مطلوب می‌باشد:

۱. صبر، پایداری و پشتکار که آفرینش اثر جدید به آن نیازمند است. همراه با جمع‌گرایی که روح تلاش گروهی موفق به شمار می‌آید؛
۲. اتکا به زیباگرایی شخصی، پیگیری، تلاش خلاقانه، حساسیت در قبال توقعات مشتریان و مصرف‌کنندگان که دارای ذائقه‌ها و سلیق گوناگون می‌باشند؛
۳. نرم بالا و کمال‌گرایی که باعث می‌شود عطار، عطرهایی با کیفیت استثنایی تولید کند. همراه با واقع‌گرایی که می‌بایست در میان محدودیت‌های موجود کار کرد.

اشتیاق برای معروف شدن و موفقیت نیز انگیزه بسیار مهمی می‌باشد. اما این اشتیاق نباید باعث شود هم و غم عطار، معطوف به موفقیت‌های سهل‌الوصول شده یا باعث مأیوس شدن وی پس از شکست‌های پی در پی گردد. ناامیدی، بخش اجتناب‌ناپذیر کار هر عطار است و علت آن، نوع مدیریتی که در خصوص پروژه‌های بزرگ اعمال می‌گردد. در این نوع مدیریت، همیشه، شرکت‌های

عطاری متعددی و در هر شرکت، عطاران زیادی در پروژه ساخت عطر دخیل هستند. ولی در پایان، یک نفر برنده خواهد شد. احتمال برنده شدن فردی که از شکست ناامید نمی‌گردد، از همه بیشتر است.

انسانی که می‌خواهد نوع بشر را به اهداف بزرگ برساند، نباید وارد حرفه عطاری گردد. موفقیت در این حرفه، پاداش‌های مالی قابل توجه و در حلقه محدودی از حرفه‌ای‌ها، شهرت بر جای می‌گذارد. اما این موفقیت، از دیدگاه بشر ناچیز است.

برای فردی که هدفش حکمرانی بر مردم است، شغل عطاری نمی‌تواند حرفه مناسبی قلمداد گردد. هرچند تصمیم عطار در خصوص استفاده یا عدم استفاده از برخی مواد اولیه، ممکن است تأثیرات بسزایی بر تولیدکننده آن بگذارد و عطار موفق در شرکت خود، یک قدرت تلقی گردد. انگیزه قوی و اصلی عطار، اشتیاقی است که از لذت انجام این کار به وجود می‌آید. رغبتی که از تمایل به کشف رایحه‌های دلچسب جدید حاصل می‌گردد. استراوینسکی^{۱۳} (سال ۱۹۴۲، صفحه ۵۵) اشتیاق موصوف را این‌گونه تعریف می‌کند:

”نیاز طبیعی عطار به اعتیاد متناوب اگر نه همیشگی.“

عطار می‌بایست لذت آفرینش را درک کند. هرچند رسیدن به این لذت، نیاز به تلاش و حتی نبردی مجدانه دارد. این، باعث پایداری عطار در مقابل شکست‌ها می‌شود و دوایی علیه ناامیدی است که جز اصلی خلاقیت به شمار می‌رود.

خلاقیت

خلاقیت در عطاری، مانند دیگر هنرها، بدین معنی است: توانایی مشاهده مناظر جدید به صورت بی‌اختیار، مستقیم و غیرمقیّد به دیدگاه‌های سنتی. (در دیدگاه سنتی، چگونگی اشیا مشخص شده است.) توانایی کشف استعدادهای بالقوه، در موادی که تاکنون، صدها بار استفاده شده است. کشف درخشش غیرمنتظره ترکیب اتفاقی مواد، در نسبتی مشخص از رایحه‌های شناخته شده. تشخیص شخصیت خاص ماده خوشبو، برخلاف چیزی که ساختار شیمیایی آن به ذهن متبادر می-

سازد. شاید اتّفاقی نباشد بسیاری از عطّاران ماهر، عکّاسان خوبی نیز هستند. هر دو هنر، مستلزم استعدادِ کشفِ دیدگاه‌های نو، برای شکستنِ پوستهٔ الگوهای سنتی هست.

همچنین خلاقیت، نیازمند تجربه و علم سطح بالاست. البته این حرف در تناقض با مطلب قبلی است. برای تبدیل بارقهٔ یک ایده، به طنین زیبای عطر، به میزان زیادی مهارت نیاز است. حتی درکِ ایده نیز نیاز به پایهٔ قوی علمی دارد. اشتیاق به تنهایی و بدون وجود تجربه، کافی نیست. موردی وجود ندارد که یک عطّار، با تجربهٔ کمتر از چند سال توانسته باشد عطر خوبی بسازد.

جدا از خلاقیتی که خود را در آکوردهای بویایی نو نشان می‌دهد، قوه‌ای وجود دارد که منجر به اختراع راه‌حل‌های جدید، برای برطرف نمودن مشکلات قدیمی می‌شود. مثلاً پوشانیدن بوی محصول آرایشی-بهداشتی بدبو، یا دستیابی به انتشار زیاد رایحه در فضا و یا افزایش ماندگاری عطر ارزان قیمت مخصوصاً در صابون. حالا این سوال پیش می‌آید: آیا این دو خلاقیت که ما آن‌ها را خلاقیت مهارتی و خلاقیت زیباشناسی می‌نامیم، متفاوت هستند؟ در جواب باید بگوییم، از نقطه نظر تجاری، خلاقیت مهارتی نیز به اندازهٔ خلاقیت زیباشناسی مهم است.

خلاقیت زیباشناسی، تضمین‌کنندهٔ موفقیت نیست. موفقیت تجاری، مستلزم شناخت کیش بازار برای استقبال از رایحه‌های جدید و عدم رعایت روند گذشته است.

خلاصتاً، خلاقیت در عطّاری عبارت است از تخیلی که عطّار بتواند ایدهٔ خود را در مورد رایحهٔ غیرموجود به منصهٔ ظهور برساند. همچنین، کشف جنبهٔ بالقوهٔ جدید بویایی، در مادهٔ خوش‌بویی که برای مدت زیادی استفاده شده است. بعلاوه، اتّخاذ راه‌حل‌های جدید، برای رفع مشکلات قدیمی و تخصیص وقت، هزینه و مهارت که باعث می‌گردد تخیل نو تبدیل به عطری خوب شود.

پیش‌نیازهای آموزشی

سوال اساسی این است: آیا عطّار می‌بایست فارغ‌التحصیل رشتهٔ شیمی باشد؟ جواب برخی از عطّاران قاطعانه روشن است: ”نه“ این عکس‌العمل، نظر عطّاران بخش پایه‌الکلی است. نماد اصلی این طرز فکر، ”ادموند راودنیتسکا“^{۱۴} گفته:

”عطار، شمیدانی بیشتر از نقاشی که رنگ‌های شیمیایی را ترکیب می‌کند، نیست. ساخت عطر هیچ ارتباطی به شیمی ندارد.“ (مورنو و همکاران، سال ۱۹۷۴، صفحه ۷۱) ”ترکیب‌کننده، نباید خود را تحت نفوذ افکار علمی قرار دهد. بدون هیچ ایده متشکل قبلی و فقط با ارزیابی هر بو به تنهایی و در سازگاری با بقیه رایحه‌ها، می‌توان بهترین استفاده را از مواد بنماییم.“ (مورنو و همکاران، سال ۱۹۷۴، صفحه ۱۰۹)

نظر راودنیسکا کاملاً صحیح است. عطاری که خیلی نظام‌مند و علمی فکر می‌کند، ممکن است چشمش را به روی واقعیات ببندد. یا مثلاً تفاوت‌های زیاد بین متیل، امیل، هگزیل و ”بنزیل سالیسیلات“^{۱۵} یا بین ”اسانس روغنی خس خس“^{۱۶} و ”وتایوریل استات“^{۱۷} را دست کم بگیرد. ممکن است عطار از ”رز اکساید“^{۱۸} فقط در ترکیب رز و از سیترال^{۱۹} فقط در آکورد مرکبات^{۲۰} استفاده کند. عطار می‌بایست آزادانه با رایحه مواد برخورد نماید. این آزادی با شیمی‌گرایی محض محدود می‌گردد. اما، شناخت فرآیندهای شیمیایی، مخصوصاً هنگام ساخت عطر برای محصولات آرایشی-بهداشتی دارای مواد کنش‌گر^{۲۱}، می‌تواند کار عطار را بسیار راحت نماید. لذا به عطاران پیشنهاد می‌شود، در شیمی آلی، پیش‌زمینه داشته و با اصول شیمی-فیزیک آشنا باشند. مگر آن‌هایی که صرفاً در رشته عطر پایه‌الکلی فعال هستند که نیازی به آشنایی با این علوم ندارند.

گیاه‌شناسی، به شناخت مواد اولیّه طبیعی عطاری و طریقه ساخت آن‌ها می‌پردازد. ولی یادگیری این علم در عطاری ضروری نیست. آشنایی به علم فیزیولوژی حس بویایی و مکانیزم‌های شناخت بو توسط انسان، هرچند به عطار غنا می‌بخشد، اما در حدّ فعلی علم، آشنایی با نظام بویایی، کمک کمی به رویّه عطاری می‌کند.

Benzyl Salicylate^{۱۵}Vetivert Oil (اسانس روغنی فِس فِس)^{۱۶}Vetiveryl acetate^{۱۷}Rose Oxide^{۱۸}Citral^{۱۹}Citrus^{۲۰}active^{۲۱}

اما مطالعهٔ «روانشناسی رایحه‌ها»^{۲۲} که عبارت است از پاسخ انسانی به بوها، می‌تواند بسیار به عطّار کمک نماید. در مورد آنثروپولوژی^{۲۳} بوها نیز می‌توان همین مطلب را بیان نمود. آنثروپولوژی، عبارت است از مطالعهٔ نقش‌های متفاوت و معانی رایحه‌ها در فرهنگ‌های مختلف. متأسفانه اطلاعات منتشره در این خصوص، در مجله‌های تخصصی زیادی که در اختیار عطّاران نمی‌باشد، متفرّق است. در جلد دوم این کتاب، تلاش می‌کنیم نگاهی گذرا به اطلاعات موجود در زمینهٔ روان‌فیزیک^{۲۴} رایحه بیان‌دازیم. روان‌فیزیک علمی است که نهاده‌های حسی را به صورت کمی اندازه‌گیری می‌کند تا قواعد عمومی را استخراج نماید.

تسلّط به زبان انگلیسی نوشتاری، جز جدایی‌ناپذیر مهارت هر عطّار است. زیرا زبان انگلیسی، زبان اصلی ادبیات تجاری بین‌الملل است. عطّارانی که در شرکت‌های فعال در بازارهای بین‌المللی شاغل هستند، علاوه بر مهارت در انگلیسی مکتوب، می‌بایست در انگلیسی گفتاری نیز روان باشند. زیرا به ایشان کمک می‌کند به تبادل نظر رودررو با مشتریان خارجی بپردازند. به علاقه‌مندان عطّاری فاخر، پیشنهاد می‌شود به زبان فرانسهٔ مکتوب نیز مسلّط گردند. زیرا عطّاران فرانسوی و نشریات موجود به این زبان، نقش اساسی در این بخش ایفا می‌نمایند.

آزمایش استعداد

در شرکت درِگاکو^{۲۵} جایی که آموزش دروس عطّاری، رسماً برگزار می‌گردید، کاندیدهای شرکت در دوره، در آزمایشاتی از قبیل شناخت رایحه و تعداد زیادی از تست‌های مثلی شرکت نموده و با نمرات اخذ شده در این امتحانات غربال می‌شدند. در تست‌های شناخت بو، از کاندیدها درخواست می‌شد، رایحه‌های مختلفی که روی نوارهای مقوایی به ایشان عرضه می‌گردید را تشخیص دهند. از بوی میوه‌ها، ادویه‌ها و دیگر رایحه‌های مرتبط با مواد خوراکی، تا بوی چرم، جعبه‌های سیگار و تینر نقّاشی در این امتحان استفاده می‌گردید. امتیاز افراد، نشان‌دهندهٔ توانایی پایه‌ای ایشان برای درک و یادآوری بوها است. در این تست، خانم‌ها اغلب موفق‌تر از آقایان عمل می‌کردند. نمرهٔ بسیار بالا در

^{۲۲} Aroma-ology

^{۲۳} Anthropology

^{۲۴} psychophysic

^{۲۵} Dragoco

این امتحان، پیش‌نیاز ورود به دوره‌های آموزشی نیست. اما نمره بسیار پایین، نشان‌دهنده فقدان جدی یک پیش‌نیاز اساسی است.

تست مثلثی، مقیاس شناخت رایحه است. در این امتحان، سه نوار مقوایی بدون نام در اختیار داوطلب قرار داده می‌شود. از این سه نوار، بوی دو نوار، دقیقاً یکسان و رایحه نوار سوم، مقداری متفاوت است. وظیفه داوطلب، شناخت نوار سوم متفاوت از بقیه می‌باشد. این تست را می‌توان به صورت ساده یا بسیار پیچیده به عمل آورد. اگر تفاوت بین بوی نوارها آن قدر باشد که نصف داوطلبین، به درستی نوار سوم را تشخیص دهند، تست به خوبی انجام گرفته است.

سوالاتی از این قبیل را نیز می‌توان از کاندیداها پرسید: بهترین و ضعیف‌ترین بو، از گروه‌هایی مانند اسطوخودوس^{۲۶} یا اسانس ”روغنی ایلنگ“^{۲۷} یا ”ترکیب رز“^{۲۸} را انتخاب نمایند. بعضی مواقع کاندیداهای بی‌تجربه، نمرات بالایی در این امتحان کسب می‌کنند که نشان‌دهنده توان ذاتی و ادراک کیفیتی آنهاست.

در این امتحانات، فقط نمرات عددی ملاک نیست. بلکه اشتیاق کاندیدا، مشارکت در انجام وظایف و شور و هیجانی که در طول امتحان از خود نشان می‌دهد نیز، مبین استعداد وی می‌باشد.

Lavender ^{۲۶}

Ylang oil ^{۲۷}

Rose base ^{۲۸}

۲. دانشجوی امروزی

عطاری نیز مانند هر هنر خلاق دیگر، علاوه بر انگیزه، به تجربه و مهارت نیاز دارد. تجربه و مهارت را می‌توان با مطالعه صبورانه و کار سرسختانه به دست آورد و بدین طریق از ناامیدی در امان ماند. برای دانشجوی مشتاق و مستعد، موانع، سرچشمه ادراک، کشف و هیجان به شمار می‌رود. آموزش عطاری معمولاً به شکل کارآموز (معمولاً به عنوان ترکیب‌کننده کمکی) عطار ارشد یا تحصیل رسمی در یک دانشکده انجام می‌شود. کارآموز عطاری، می‌بایست برخی از اوقاتش را در به دست آوردن تجربیات دست اول، در قسمت‌های دیگر شرکت، از قبیل بخش‌های تولید، استفاده از عطر در محصولات آرایشی-بهداشتی، ارزیابی محصول، بازاریابی، ارزیابی و کنترل کیفیت، سپری نماید. زمان نشستن عطار در برج عاج سپری شده است. وی یکی از اعضای تیم کارشناسی به شمار می‌آید که برای موفقیت شرکت تلاش می‌کند.

قبلاً عطار می‌توانست بدون گذراندن آموزش رسمی و یا با داشتن کمی مهارت، وارد این حرفه گردد. وی ابتدا به عنوان شیمی‌دان یا دستیار آزمایشگاه، در قسمت‌های مرتبط با آن صنعت مشغول بکار می‌گردید. علم و تجربه عطاری، معمولاً از طریق خودآموزی طویل‌المدت و طاقت‌فرسا به دست می‌آمد. این رویه بر این اصل استوار بود که هیچ جایگزینی برای سعی و تلاش مجدانه وجود ندارد.

کارآموز عطاری، برای موفقیت و به دست آوردن سبک خاص و شخصی خودش و برای شناخت مواد اولیه و فرمول‌های ساده عطاری، می‌بایست سعی وافری از خود نشان می‌داد. اما امروزه، در این صنعت که به صورت فزاینده‌ای، مهارتی و بازارگرا شده، عطار نیاز مبرمی به علم و تجربه دارد که در مدت زمان معقول آموزش سخت و خوب طراحی شده قابل دستیابی باشد.

در گذشته، جزئیات فرمول‌های عطاری، توسط عطارانی که عمرشان را صرف به دست آوردن آن می‌نمودند، محرمانه نگه داشته می‌شد. دانشجوی عطاری می‌بایست ماه‌ها به تنهایی و یا با کمی کمک، برای خلق مجدد یکی از شاه‌کارهای گذشته به کار و تلاش می‌پرداخت. در این مدت، صدها سعی و خطا با تعدادی از مواد اولیه سنتی انجام می‌داد. این عمل هنوز نیز برای آموزش عطاری ارزشمند است. اما برای اینکه دانشجو بتواند سریع‌تر از گذشته پیشرفت کند، تکنیک‌های جدید، این امکان را ایجاد نموده‌اند که مدت آموزش را کم نمایند. (انقلابی شبیه به این، در موسیقی نیز به وجود آمده و روش‌های آموزشی مدرن در این رشته، باعث شده نسل جدیدی از موسیقی‌دانان جوان با توان مهارتی حیرت‌آور، پا به عرصه بگذارند.)

یکی از عوامل تغییر آموزش عطاری، ورود دستگاه "گاز کروماتوگرافی"^{۲۹} است. امروزه شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری اولیه‌ای کمی بیشتر از حقوق سالیانه یک عطار در خرید دستگاه مذکور، می‌توانند در خصوص فرمول‌ها مقدار زیادی اطلاعات به دست آورند. لذا تأثیر دسترسی راحت به اطلاعات را نمی‌توان بر روش‌های جدید آموزش عطاری منکر شویم.

اینجاست که تجربه استاد اهمیت بالایی دارد. آموزش بیش از حد و دادن اطلاعات زیاد، می‌تواند به اندازه اطلاعات اندک مضر باشد. زیرا عطار جوان، خود می‌بایست کشفیات تازه‌ای انجام دهد و شخصیت کاری خود را استحکام بخشد. قرار دادن کتابی پر از فرمول در اختیار کارآموز، او را تبدیل به عطار نمی‌کند. این کار در عمل، باعث کشتن روح خلاقیت، پرسش‌گری و تحقیق می‌شود. استاد، دروس آموزشی که دانشجو می‌بایست بگذراند را تنظیم نموده و خردمندانه، تجربیات و فرمول‌های خود را در اختیار وی قرار می‌دهد. اما فرآیند تبدیل شدن به عطار، می‌بایست توسط خود دانشجو انجام پذیرد.

در عطاری، همانند نقاشی، عکاسی یا موسیقی، مجموعه قواعد مهارتی وجود ندارد. در بهترین حالت، می‌توانیم تعدادی از اصول عمومی راهنما را برای مراجعه مستمر تنظیم کنیم. هیچ دو نفر عطاری، به شیوه یکسان عمل نمی‌نمایند. اما اگر دانشجو می‌خواهد به گونه‌ای پیشرفت نماید که حس تکامل و عزم را به وی ببخشد، بایستی نظم و تکنیک را رعایت کند. تجربه نشان داده، مهمترین نقش استاد و عطار ارشد در آموزش کارآموزان، حفظ اشتیاق ایشان، ایجاد حس پرسش‌گری و تحقیق، همچنین فراهم آوردن نظم و اطلاعات کافی برای پیشرفت سریع که شور و اعتماد به نفس خلاق را تحریک نماید، می‌باشد.

عطار از ابتدای تحصیل و در طول مدت کاری‌اش، می‌بایست با نظم خاصی، به آموزش حس بویایی خود بپردازد و هر صبح، وقتی را برای امتحان شناخت مواد اولیه کنار بگذارد. در این امتحان می‌بایست تعدادی از نمونه‌ها که توسط استاد، همکاران یا دستیارش تهیه شده را بوییده و شناسایی نماید. شناسایی همه مواد اولیه، حتی برای عطار ارشد نیز سخت است. برای حصول و نگه‌داری این شناخت، همانند دیگر مهارت‌ها، تخصص و تمرین نیاز است.

آموزش خوب آزمایشگاهی، یکی دیگر از جنبه‌های آموزش عطاری می‌باشد. عادت نصب برچسب مناسب، نوشتن فرمول‌ها و نگه‌داری آزمایشگاه و لوازم آن، از ابتدا و قبل از اینکه عادات بد ریشه‌دوانی کند، می‌بایست استقرار یابد. امروزه، عطاران می‌بایست میزان زیادی اطلاعات را نگه‌داری و تحت فشار و به سرعت کار کنند. هرچقدر ثبت و ضبط اطلاعات منظم‌تر باشد، عطار برای تفکر خلاقانه آزادتر است. عطار جوان می‌بایستی تشویق شود سوابق کاری‌اش را به خوبی به قید آورده و این کار از طریق نوشتن فرمول‌ها انجام می‌گردد. عطر، ترکیبی تصادفی از مواد نیست که تأثیر زیبایی برجای گذارد. بلکه می‌بایست ساختار خوش‌ترکیبی داشته باشد. البته این موضوع در انواع عطرها متفاوت است و در هشتاد سال اخیر، تکامل انواع سبک‌ها را شاهد بوده‌ایم. دانشجوی عطاری، می‌بایست همیشه چهارچوب ساختاری کارش را بشناسد.

عمل نظیرسازی^{۳۰} یکی از بهترین راه‌های یادگیری هنر عطاری است. همان‌گونه که برای موسیقی‌دانان جوان، مطالعه آثار آهنگ‌سازان بزرگ مهم است، برای دانشجوی عطاری نیز اهمیت

^{۳۰} Matching (سافت عطری شبیه به عطرهاى موجود با کمى شامه و یا ابزارهاى آنالیز مواد)

دارد شاه‌کارهای رشته خود را مطالعه و همتیابی^{۳۱} نماید. اما شبیه‌سازی^{۳۲} زیاد نیز ممکن است ذهن عطّار مشتاق را فلج کند و خطر تنبلی و وابستگی عطّار را به همراه داشته باشد. همچنین باعث شود ابتکار وی رشد ننماید. امروزه، مقدار زیادی از کار پرمشقت نظیرسازی، با کمک دستگاه جی.سی.سی. انجام می‌گیرد. این دستگاه در مدت زمان نسبتاً کمی، امکان آشنایی با تعداد زیادی از شاه‌کارهای این رشته را به دانشجو می‌دهد. اما دانشجویان پیشرفته این رشته، می‌بایست از اطلاعات جی.سی.سی. هوشمندانه استفاده، تا بینش اصیل پشتِ ذهنِ عطّار را درک و نباید صرفاً تقلید کورکورانه نمایند.

امروزه اغلب عطّاران موافقند که پایه آموزش این رشته، در عطّاری فاخر و شاه‌کارهای حال و گذشته است. تمامی هنرها در سبک و مهارت، نسبتاً از گذشته خود الهام می‌گیرند. هر هنرمند، تحت تأثیر گذشته هنر خود است و در آثار جدیدش، ایده‌های خلاق و شخصیت نویی را اضافه می‌کند. در عطّاری هم به همین شکل، پیشرفت خانواده‌های عطّارهای جدید را می‌توان در آثار ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته ردیابی نمود. برخی از این عطرها، مانند هنگامی که اولین بار ساخته شدند هنوز محبوب هستند و آخلاف (فرزندان) کوچک‌تر آن‌ها هم، هنوز به زندگی خود ادامه می‌دهند. لذا یکی از بخش‌های اصلی آموزش عطّاران جوان این است که تمامی خانواده‌های اصلی عطر را مطالعه کنند. تا از این راه ساختمان اساسی آن‌ها را بشناسند. همچنین راه‌های تغییر آن، به منظور ساخت عطر جدید برای استفاده در محصول مورد خواست و با هزینه‌ای پایین‌تر از هزینه نسخه اصلی را کشف نمایند. این سنت، فضای مناسبی برای ابراز پنداشت‌های جدید دانشجویان ایجاد می‌کند.

بسیاری از عطّارهایی که برای محصولات آرایشی-بهداشتی استفاده می‌شوند، از عطّارهای فاخر موفق سرچشمه گرفته‌اند. اقتباس عطرها برای انواع مختلف محصولات و ساخت عطّارهای اصیل برای استفاده‌های مشابه، یکی از مهارت‌هایی است که می‌بایست بعد از مطالعه عطّاری فاخر آموخته شود.

اختصاراً، هرچند امروزه قواعدی برای ساخت عطر وجود ندارد، اما برخی از اصول مشخص که می‌بایست به آن‌ها وفادار بمانیم، موجود است که در صفحات آتی، متناوباً به این اصول اشاره خواهیم کرد. علی‌ایحال اصول مذکور از قرار ذیل می‌باشند:

۱. شناخت عمیق موادِ اولیّه، پایه‌انگیزی و مهارتی عطّاری به شمار می‌رود؛

۲. عطر مجموعه‌تصادفی از موادّ اولیّه خوش‌بو نیست. بلکه نتیجه‌سیستم دقیق ساختارها در

فرمول به شمار می‌رود؛

۳. ساختار عطر بر پایه‌های ذیل استوار است:

الف. رابطه‌بویایی معین بین مواد اولیّه مجزاً که از آن، به آکورد عطّاری یاد می‌شود؛

ب. رابطه‌بین سادگی و پیچیدگی عطر؛

ج. تعادل میان موادی که از فرآریت متفاوتی برخوردارند، متناسب با محصولی که عطر برای

آن در نظر گرفته شده است.

۴. عطر می‌بایست، برخی از پیش‌نیازهای تکنیکی از قبیل پایداری شیمیایی را داشته باشد.

بعلاوه دانشجویان می‌بایست همیشه به یاد داشته باشند، عطّاری سنتی در حال پیشرفت است.

هرچند در نهایت، عطّاران می‌بایست، آثار اصیل و بزرگی بسازند، لکن تلاش اولیّه ایشان، می‌بایست

به تسلط بر مهارت‌هایی که توسط نسل گذشته، پشت در پشت منتقل شده معطوف گردد. بسیاری از

این مهارت‌ها در ساخت عطر پیشرفته به دانشجو کمک می‌کند.

اخطاری برای عطّاران جوان: یکی از مشکلات دانشجویان، حفظ اشتیاق و صبر برای تحصیل

بلندمدت و سخت است. حفظ انگیزه، عملی درونی است. هر لحظه، احتمال دارد دانشجویان بعد از

ماه‌ها تلاش ناامید گردند. اعتماد به نفس، به راحتی قابل از بین رفتن است. مخصوصاً هنگامی که به

دانشجو اجازه داده می‌شود بدون ساخت پایه‌ای قوی در مورد حافظه بویایی و مهارت‌های عطّاری که

موقّیّت به آن وابسته است، رو به جلو حرکت کند. اگر دانشجو از کارش لذت نبرد و یا هر پروژه جدید

را با ترس از شکست بجای امید به موقّیّت انجام دهد، دلیل اصلی اش عدم کفایت مهارت‌هایش

است.

بالا تر اینکه دانشجویان می‌بایست یاد بگیرند نه تنها از کارشان بلکه از زندگی به عنوان عطار نیز لذت ببرند. صرف وقت برای دیگر دلبستگی‌های خارج از محیط کار نیز به همان اندازه مهم است. زیرا بعد از یک تمرکز تمام برای حصول به موفقیت، باعث تمدد اعصاب می‌شود.

۳. مهارت‌های استشمام

در عطاری، مانند دیگر رشته‌های تخصصی، داشتن مهارت‌های پایه مورد نیاز است. عطّار از ابتدا می‌بایست روش صحیح استشمام را یاد گرفته و اتخاذ نماید. بنابراین نظریات ”پاول جِلینک“^{۳۳} (سال ۱۹۵۴) و اِدموند راودنیتسکا (سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۹۱) در این خصوص بیان می‌گردد. هردوی ایشان کارشناسان باتجربه‌ای بوده اما دارای سوابق متفاوتی هستند. جِلینک در صنعت اسانس‌های روغنی فعال بوده و با تمامی رشته‌های عطّاری، از قبیل عطرسازی برای محصولات آرایشی-بهداشتی سروکار داشته است. راودنیتسکا، پس از کسب موقعیتی در صنعت صابون و شوینده، کارگاهی را دره-ای نزدیک گریس^{۳۴} بنا نمود و به عنوان عطّار منفرد و صرفاً در عطّاری فاخر شروع به کار کرد. علی-رغم پیش‌زمینه‌های متفاوت، توافق بین نظریات دو نویسنده، قابل توجه به نظر می‌رسد. امروزه، علی-رغم گذشت چند دهه، هنوز نظریات ایشان کاملاً معتبر است.

Paul Jellinek^{۳۳}

Grasse^{۳۴}

ممیبا کارگاه

نظر جلینگ بدین شرح می‌باشد: ”مشخص است که استشمام در اتاق دارای تهویه مناسب، به مراتب آسان‌تر از آزمایشگاهی پر از بو یا در مکان مملو از پودر صابون می‌باشد. بنابراین عطار می‌بایست اتاق جداگانه‌ای در اختیار داشته باشد که میز، کتاب‌ها، فرمول‌ها و ... را در آن قرار دهد. اما این اتاق می‌بایست از مواد خوش‌بو یا صابون بودار و تمامی عطرها ساخته شده قبلی خالی باشد.“

راودنیتسکا بیان می‌کند: ”آزمایش استشمام می‌بایست در محیطی فارغ از بو، هوایی با رطوبت طبیعی و فضایی ساکت و آرام انجام پذیرد. تمرکز کامل مورد نیاز، در محیط آرام و خلوت به دست می‌آید. آزمایش ماده در محیط بسیار سرد یا در هوای خشک یا در کوران هوا بسیار سخت است.“

علی‌رغم توصیه مذکور، در هوای گرم به تهویه مطبوع نیاز است. در مکانی که از تهویه مطبوع استفاده نمی‌شود، می‌بایست به میزان کافی گردش هوا با محیط بیرون وجود داشته باشد. راودنیتسکا شانس کمی برای کار در محیطی به دور از هرگونه عملیات تولید داشته، ولی میزان مشخصی بو در هر فضایی اجتناب‌ناپذیر است. تازه‌واردها به محیط کار که بوی زمینه را درک می‌کنند، از اینکه بوی زمینه، مزاحم عطار نمی‌گردد کاملاً متعجب می‌شوند. این به دلیل پدیده‌ای عجیب به نام سازگاری بلندمدت است. عطار متوجه بوی ثابتی که قسمتی از اتمسفر محل کارش شده نمی‌گردد. هنگامی که عطار برای مدت نسبتاً زیادی محل کارش را ترک کند و به آن باز گردد، متوجه بوی زمینه می‌شود.

وقتی هوای بیرون آلوده است، می‌بایست فیلترهای ذغالی یا دیگر فیلترهای مناسب در سیستم تهویه مطبوع به کار برده شود. برخی شرکت‌ها سعی نموده‌اند شرایط ایده‌آلی برای بویایی فراهم نمایند. این شرکت‌ها کابین‌هایی با دیواره فلزی یا شیشه‌ای ساخته‌اند که مجهز به هوای فاقد بو می‌باشد. این هوا پایدار نگه داشته شده و دما و رطوبت بهینه‌ای دارد. در فواصل آزمایش‌های بویایی، هوا سریعاً جابجا می‌شود. این قبیل کابین‌ها، کمتر مورد استقبال عطاران قرار گرفته است. استریزه بودن کابین، باعث ایجاد استرس می‌شود که کار را با مشکل مواجه می‌نماید. اتاقی که عطار آزمایشات خود را انجام می‌دهد، می‌بایست مبله و آراسته، اما کاربردی باشد تا سرنشین آن احساس آسایش و راحتی نماید. از کابین‌های فاقد بو، معمولاً برای ارزیابی رایحه‌های موجود در فضا یا عطر شوینده و نرم-

کننده‌ها، پس از خشک شدن لباس، استفاده می‌شود. کابین‌های مذکور، برای این قبیل آزمایشات ایده‌آل هستند.

نمونه‌ها

راودنیتسکا و جلینیک هر دو توصیه می‌کنند استشمام نمونه‌ها با استفاده از محلول رقیق شده انجام گیرد تا از خستگی^{۳۵} و سربار شدن^{۳۶} (اشباع شدن) حس بویایی جلوگیری به عمل آید. هرچند این توصیه بیشتر حالت تئوریک دارد، لکن این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد: برای رقیق نمودن محلول از چه حلالی می‌بایست استفاده نمود؟ برای کار در عطاری پایه الکلی، الکل بهترین حلال است. البته قبل از استشمام نمونه بر روی نوار بویایی، می‌بایست مطمئن گردید الکل کاملاً تبخیر شده است. زیرا استنشاق الکل، توان بویایی را موقتاً از بین می‌برد. اما در دیگر پروژه‌ها، انتخاب حلال، کاری سخت و دشوار است. زیرا هر حلال، عملکرد رایحه‌عطر را به صورت خاصی تغییر می‌دهد. در حالت ایده‌آل، حلالی می‌بایست انتخاب گردد که با محصولی که خوشبو می‌شود، شبیه یا یکسان باشد. اما در عمل این کار بسیار سخت است. تقریباً تمامی عطارها، مواد اولیه را به شکل خالص و رقیق نشده آن استشمام می‌کنند. اما برای جلوگیری از سنگینی و خستگی شامه‌شان، از فرو بردن عمیق نوار مقوایی در مواد اولیه خودداری نموده و فقط استشمام‌های مختصری انجام می‌دهند. این عمل می‌بایست در نهایت تمرکز انجام پذیرد و از استشمام اتفافی و بدون تمرکز حواس، جداً خودداری گردد.

البته مواد اولیه را نباید از سر بطری بویید. زیرا باعث از بین رفتن موقتی حس بویایی می‌گردد. همچنین می‌بایست از استشمام مواد کریستالی (جامد) در شکل حل نشده آن خودداری نمود. زیرا بوی این مواد، به دلیل ناخالصی‌های جذب شده بر روی سطح آن، به شدت تغییر پیدا می‌کند. استشمام مواد پودری مانند وانیلین، موجب افزایش احتمال فرورفتن مواد کریستالی به درون حفره بینی شده و باعث تخریب توان بویایی برای مدت قابل توجهی خواهد گردید.

نوارهای بویایی

راودنیتسکا پیشنهاد می‌کند نوارهای مقوایی ۱۸ سانتی‌متر طول داشته باشند. چلینک حداقل ۱۰ سانتی‌متر را توصیه می‌کند. امروزه اغلب نوارها ۱۳ الی ۱۵ سانتی‌متر طول و نیم‌الی یک سانتی‌متر عرض دارند. راودنیتسکا پیشنهاد می‌کند نوارهای یک سانتی‌متری از طول تا گردند، تا با ایجاد شیاری در وسط آن، از خم شدن نوار جلوگیری به عمل آید. همچنین نوارها، نوک‌تیز بریده شوند که فرو بردن آن در بطری‌هایی با درب کوچک راحت‌تر باشد. نوک‌تیز نمودن نوارها باعث می‌شود مقدار موادی که باید مورد بررسی قرار گیرد، به حداقل ممکن برسد. مقوای مورد استفاده، نباید رویه یا آهار داشته باشد. راودنیتسکا اندازه مقوای ۱۸۰ گرم بر سانتی‌متر مربع پیشنهاد می‌کند. چلینک بیان می‌دارد برای آنالیز بو، هرچقدر نوار بویایی نازک‌تر باشد، بهتر است. زیرا اجازه می‌دهد فازهای (مراحل) مختلف بویایی، بهتر و در زمان کمتری خود را نشان دهند. زیرا نوار نازک، مواد خوش‌بوی فرار را کمتر به خود جذب می‌کند. از طرف دیگر، برای عرضه محصول نهایی به مشتری، کاغذ سنگین‌تر که قدرت جذب بالاتری دارد بهتر است. زیرا کاغذ ضخیم بهتر از کاغذ نازک، ترکیب عطر را در خود نگه می‌دارد.

استشمام

بینی، زود به بوی ثابت عادت می‌کند. بنابراین استشمام موثر، انجام مسابقه‌ای با حریف زمان است. تلاش برای جمع‌آوری حداکثر اطلاعات و اثرات ایجاد شده بر روی انسان، در حداقل زمان ممکن، قبل از اینکه ادراک ایجاد شده محو گردد. عمل استشمام، همیشه می‌بایست با بیشترین تمرکز انجام پذیرد. محیط می‌بایست کاملاً ساکت و بدن، آرام و راحت باشد. بستن چشم، باعث کاهش حواس‌پرتی می‌گردد. تمامی دقت، می‌بایست به حس ایجاد شده از رایحه معطوف گردد. چلینک توصیه نموده اگر هدف از استشمام، تشخیص مواد اولیه بکار رفته در ترکیب باشد، مثل بازی بیست سوالی، سوالات دقیقی که جواب آن بله یا خیر است، پرسیده شود. مثلاً اگر در ترکیب، رایحه گل استشمام گردید، برای شناخت هویت آن، می‌بایست قبل از نزدیک نمودن نوار به بینی از خود سوال

کنیم، آیا این رایحه یاس^{۳۷} است؟ اگر پاسخ نه بود، می‌بایست ادامه داد، آیا رز^{۳۸} است؟ آیا ”زنبق- الوادی“^{۳۹} است؟ آیا ”پیچ امین‌الدوله“^{۴۰} است؟ آیا سنبل^{۴۱} است؟ و ... تا زمانی که رایحه شناخته شود. اگر در پاسخ به این سوالات شکی وجود داشت، به این دلیل است که رایحه گل مورد نظر را به درستی به خاطر نمی‌آوریم. لذا بهتر است به رایحه گل منظور مراجعه، تا تجدید حافظه صورت پذیرد. راودنیتسکا و جِلینک، هر دو بر اهمیت یادداشت احساسات ایجاد شده پس از بوییدن موادّ اولیّه تأکید نموده‌اند. همان‌گونه که جِلینک بیان داشته: ”عطّار هنگام یادداشت‌برداری مجبور است تمرکز نموده و احساساتش را به روشنی بیان نماید. بیان احساسات، نیازمند شناخت روشنی از احساس ایجاد شده است.“ نوشتن ملاحظات، نه تنها باعث ایجاد تمرکز و استشمام با حدّاکثر هوشیاری می‌شود، بلکه یادآوری آن بو را نیز راحت‌تر می‌نماید. هرچند خاطره رایحه خوب شناخته شده، در طول یک عمر باقی می‌ماند، امّا تصویر ذهنی رایحه جدید، زود از ذهن پاک می‌گردد. این موضوع، اهمیت یادداشت‌برداری از احساسات به وجود آمده را بیشتر می‌نماید.

برای جلوگیری از خسته شدن حسّ بویایی، می‌بایست مابین استشمام‌ها، فرجه‌ای برای استراحت شامّه مخاطی در نظر گرفت که حسّ بویایی ترمیم گردد. جِلینک پیشنهاد می‌کند از فرصت به دست آمده برای مطالعه استفاده شود. راودنیتسکا می‌گوید: ”هرموقع ممکن شد، ارزیاب می‌بایست به هوای آزاد برود و بعد از هر سری استشمام و قبل از شروع مرحله بعد، به خارج از ساختمان سر بزند.“ انجام این عمل در محیط صنعتی، ممکن است با عکس‌العمل منفی مدیران مواجه شود. لذا بالا رفتن از پله‌ها را به عنوان جایگزین مناسب پیشنهاد می‌کنیم. این کار باعث تحریک تنفس عمیق و فعال شدن سیستم گردش خون خواهد شد. به نظر می‌رسد این عمل باعث تمیز شدن بینی نیز گردد.

Jasmine ^{۳۷}

Rose ^{۳۸}

Lily of the vally ^{۳۹}

Honeysuckle ^{۴۰}

Hyacinth ^{۴۱}

۴. مواد اولیۀ عطاری

مواد اولیۀ عطاری، به صورت سنتی و با توجه به منشأشان، به دو دسته طبیعی و صنعتی تقسیم می‌گردند. هرچند این تقسیم‌بندی مثل آنچه ابتدا به نظر می‌رسد، شفاف نیست، اما نقطه شروع مناسبی برای بررسی اختصاری به شمار می‌رود.

مواد اولیۀ طبیعی

به موادی که از طریق تکنیک‌های جداسازی^{۴۲} فیزیکی، از قبیل تقطیر^{۴۳} و عصاره‌گیری^{۴۴} و از منابع طبیعی به دست می‌آیند، مواد اولیۀ طبیعی گفته می‌شود. محصولات طبیعی، هزاران سال است که به عنوان مواد اولیۀ عطاری استفاده می‌شوند. تمام قسمت‌های گیاه، اعم از گل^{۴۵}، میوه^{۴۶}، تخم^{۴۷}، برگ^{۴۸}، چوب^{۴۹}، ریشه^{۵۰} و صمغ‌هایی^{۵۱} که از گیاهان تراوش می‌شود، همگی منابع مواد اولیۀ عطاری

separation^{۴۲}

distillation^{۴۳}

extraction^{۴۴}

flower^{۴۵}

fruit^{۴۶}

seed^{۴۷}

leave^{۴۸}

به شمار می‌آیند. از ابتدای تمدن، غده‌های^{۵۲} خوش‌بوی حیواناتی از قبیل ”گربهٔ زیاد“^{۵۳} و ”آهوی ختن“^{۵۴} به عنوان عطر استفاده گردیده‌اند.

در تمدن‌های مصر و یونان باستان، مواد گیاهی خوش‌بو در روغن‌های مرهم‌مانند خیسانده^{۵۵} شده و برای نرم و خوش‌بو نمودن پوست یا برای معطر کردن نوشیدنی‌ها استفاده می‌گردید. در قرون وسطی، دانشمندان ایرانی، تکنیک تقطیر با استفاده از بخار آب که از آن، ”اسانس روغنی“^{۵۶} غلیظی^{۵۷} به دست می‌آمد را توسعه دادند. این اسانس روغنی، از طریق گذر دادن بخار آب، از میان مواد گیاهی نمدار و سپس سرد نمودن بخار و جمع‌آوری مایع حاصله انجام می‌پذیرفت. این روغن‌ها، اصالتاً به عنوان دارو و در عطاری نیز استفاده می‌شدند.

تا سال ۱۸۰۰ میلادی، تمایز روشنی بین عطاری و داروسازی وجود نداشت. در قرون گذشته، هدف اصلی عطرها، دفع و درمان بیماری‌ها، با منشأ نشئه‌های مضر به شمار می‌آمد. امروزه عرق-گیری^{۵۸} با استفاده از بخار آب، هنوز یکی از مهم‌ترین روش‌های تولید مواد طبیعی عطاری به شمار می‌رود. برخی اسانس‌های روغنی از قبیل آن‌هایی که در پوست مرکبات وجود دارند، اغلب اوقات با فشردن^{۵۹} مستقیم پوست این نوع میوه‌ها به دست می‌آیند.

در قرن هجدهم، الکل غلیظ که از تقطیر الکل تخمیری^{۶۰} به دست می‌آمد تولید گردید. این موضوع امکان تهیهٔ تنتورهایی^{۶۱} که با خیساندن مواد جانوری و گیاهی در این نوع الکل‌ها به دست می‌آمد را فراهم نمود. این وقایع مهم‌ترین اتفاقات قرن نوزدهم عطاری به شمار می‌رود. امروزه، به

wood^{۴۹}root^{۵۰}resin^{۵۱}glands^{۵۲}civet cat^{۵۳}musk deer^{۵۴}macerate^{۵۵}essential oil^{۵۶}concentrate^{۵۷}distillation^{۵۸}expression^{۵۹}fermentation^{۶۰}tinctures^{۶۱}

دلایل عملی و هزینه‌ی بالای این قبیل روش‌ها، استفاده از مواد اولیه‌ی طبیعی فقط به “عطاری فاخر”^{۶۲} محدود گردیده است. از مواد طبیعی در برخی از عطره‌هایی که در دهه‌های اول قرن حاضر خلق شدند استفاده شد.

ابداع تکنیک جدیدی به نام “عطرگیری روغنی”^{۶۳} در اواخر قرن هجدهم، طلیعه‌ای در استخراج عطر گل‌ها به شمار می‌آید. در این روش، گل‌ها به صورت مستقیم، روی لایه‌ای از چربی حیوانی یا در مجاورت بسیار نزدیک آن قرار می‌گرفتند. چربی، عصاره‌ی گل را جذب می‌نمود. سپس چربی با الکل شسته می‌گردید. بعد از این، با تقطیر الکل به دست آمده از شستن چربی‌ها، اسانس گل‌ها از آن جدا می‌شد. با این عمل، محصولی غلیظ که به “اسانس خالص”^{۶۴} (ابسولوت) معروف است تولید می‌گردید. برخی آن را ابسولوتِ پماد^{۶۵} یا ابسولوتِ پوست^{۶۶} می‌نامیدند. به دلیل هزینه‌ی بالای نیروی کار، روش “عطرگیری روغنی”، تقریباً به صورت کامل محو گردیده و به ندرت، آن هم فقط برای عطرگیری از “گل مریم” استفاده می‌شود.

توسعه‌ی روش‌های تصفیه‌ی نفت خام در ابتدای قرن بیستم، حلال‌های خالصی از هیدروکربن فرار، از قبیل بنزن^{۶۷} و هگزان^{۶۸} در دسترس عطار قرار داد. این مواد برای عصاره‌گیری^{۶۹} گیاهان خوش‌بو بسیار سودمند بودند. اگر مواد اولیه، دارای موم^{۷۰} باشند (عموماً گل‌ها، ساقه‌ها و برگ‌ها بدین شکل هستند). این موم‌ها هنگام عصاره‌گیری با حلال‌های هیدروکربنی، از گیاه خارج می‌گردند. بعد از جداسازی حلال با استفاده از تقطیر، کانکریت^{۷۱} مومی‌شکلی باقی می‌ماند. مواد خوش‌بو، برخلاف موم، در الکل حل می‌شوند. لذا برای جداسازی مواد معطر از موم، کانکریت به دست آمده با الکل شسته می‌شد. با جداسازی الکل از محلول (الکلی که از شستن کانکریت به دست آمده) با استفاده از روش

Fine Perfumery ^{۶۲}

enfleurage ^{۶۳}

absolute ^{۶۴}

pomade ^{۶۵}

chassis ^{۶۶}

benzene ^{۶۷}

hexane ^{۶۸}

extraction ^{۶۹}

wax ^{۷۰}

concrete ^{۷۱}

تقطیر، معمولاً تحت فشار کم، "اسانس خالص"^{۷۲} باقی می‌ماند. برخی مواد گیاهی از قبیل رزین‌ها یا برگ‌های خشک و خزه‌ها که دارای آب نیستند، مستقیماً و با استفاده از الکل به عنوان حلال عصاره-گیری می‌شوند.^{۷۳} به عصاره به دست آمده که اغلب چسبنده، لزج و صمغی است رزینوئید^{۷۴} گفته می‌شود.

اخیراً به علت محدودیت‌های به وجود آمده در خصوص سطح مجاز حلال در محصول نهایی، مخصوصاً برای صنعت طعم^{۷۵} برای عصاره‌گیری، از حلال‌های جایگزین استفاده می‌شود. با استفاده از حلال دی‌اکسید کربن مایع، تحت فشار بالا، بجای حلال‌های متعارف، نتایج جالب توجهی به دست آمده است. موادی که با استفاده از این روش تولید می‌گردند شخصیت کاملاً متمایزی دارند و چالش جدیدی برای عطار ایجاد نموده‌اند.

به منظور دستیابی به محصولات دارای شخصیت خاص، فرآیندهای دیگری بر روی کانکریت-ها، "اسانس‌های خالص"، رزینوئیدها و "اسانس‌های روغنی" قابل انجام می‌باشد. برای مثال، با استفاده از حلال‌های مناسب حذف اجزا رنگی، محصولات بی‌رنگ به دست می‌آید. این محصولات با "تقطیر ملکولی جزء به جزء"^{۷۶} در خلا^{۷۷} حاصل می‌گردند. نوع دیگری از محصول با روش "کمک-تقطیر در خلا"^{۷۸} با استفاده از حلال مناسب به دست می‌آید. بسیاری از "اسانس‌های روغنی" مخصوصاً "روغن مرکبات"، میزان زیادی از هیدروکربن‌های^{۷۹} تریپنی^{۸۰} "غیرقابل حل"^{۸۱} دارند که

^{۷۲} absolute

^{۷۳} اگر مواد اولیه دارای آب باشند، الکل آب را به خود جذب می‌کند. بدین شکل، غلظت الکل پایین آمده پس نمی‌تواند مواد معطر موجود در گیاهان را حل و استخراج نماید.

^{۷۴} resinoid

^{۷۵} flavor

^{۷۶} fractional molecular distillation

^{۷۷} vacuum

^{۷۸} vacuum codistillation

^{۷۹} hydrocarbons

^{۸۰} terpene

^{۸۱} insoluble

می‌توان با ”تقطیر جزء به جزء“ این هیدروکربن‌ها را زدود. از ”عصاره‌گیری مخالف“^{۸۲} برای تولید روغن‌های ”فاقد ترپن“^{۸۳} یا غلیظ استفاده می‌شود.

با تقطیر ”جزء به جزء“^{۸۴}، مواد شیمیایی منفرد^{۸۵} را می‌توان از ”اسانس‌های روغنی“ در شکل کم و بیش خالص به دست آورد. به این مواد آیسولیت^{۸۶} گفته می‌شود. در زمانی که شیمی آلی^{۸۷}، صنعتی فراگیر و قدرتمند نبود، این روش، تنها راه به دست آوردن مقدار زیادی مواد شیمیایی معطر به شمار می‌آمد. حتی امروزه هم این شیوه، برای برخی مواد از قبیل سیترونالال یا سدرول^{۸۸} اقتصادی-ترین راه است.

مواد اولیّه صنعتی

امروزه هزاران ماده شیمیایی خوش‌بو، در دسترس عطار قرار دارد. بسیاری از این‌ها مثل وانیلین، رز اکساید و دَمِسکونز^{۸۹} اولین بار، در طبیعت کشف و متعاقباً به صورت مصنوعی ساخته برخی دیگر ثمره تخیل شیمیدان بوده و هیچ‌گاه در طبیعت وجود نداشته‌اند. البته برای عطار، تمامی این مواد ارزش یکسانی ندارند و موادی که زیاد در عطاری استفاده می‌شوند صدها ماده از بین هزاران هستند.

در سال ۱۸۶۶، یکی از اولین موادی که به صورت مصنوعی تولید گردید، بنزالدهاید^{۹۰} بود که از تولوئن^{۹۱} به دست آمد. در سال ۱۸۶۸ کومارین برای اولین بار سنتز شد و پس از آن و با فاصله کمی هلیوتروپین، ایونون و وانیلین. اولین ”نیتروماسک‌ها“ در سال ۱۸۸۸ تولید شدند و ”آمیل سالیسیلات“ در سال ۱۸۹۸ به دست آمد. از آن موقع و در صد سال اخیر، تاریخ عطاری سرشار از تولید مواد شیمیایی خوش‌بو بوده است.

countercurrent extraction^{۸۲}

terpeneless^{۸۳}

fractional^{۸۴}

single^{۸۵}

isolate^{۸۶}

organic^{۸۷}

cedrol^{۸۸}

damascones^{۸۹}

benzaldehyde^{۹۰}

toluene^{۹۱}

نقطه شروع تولید مواد شیمیایی جدید، سنتز هیدروکربن‌ها که از تصفیه نفت یا مونوترپن‌هایی^{۹۲} که از ترپنتاین^{۹۳} به دست می‌آمدند، بود. سنتز آلدهایدها، انگیزه‌ای برای خلق عطرهایی از قبیل ”شنل شماره ۵“ و آرپچ گردید. ”فنیل اتیل الکل“ جزء اجتناب‌ناپذیر آکورد رز شد. مرحله مهم دیگر، تجزیه ساختار فarnesol^{۹۴} (پایه‌ای برای سسکویتترین^{۹۵}) در اوایل دهه ۱۹۲۰، توسط برنده جایزه نوبل، ”لئوپولد روزیکا“^{۹۶} که برای ”چوت و نیف“^{۹۷} در ژنو کار می‌کرد، بود. ”سیکلوپنتادکانولاید“^{۹۸} (اگزالتولاید^{۹۹}) نیز اولین مشک ”ماکروسیکلیک“^{۱۰۰} بود که در سال ۱۹۲۸ توسط وی سنتز گردید. در اوایل دهه ۱۹۶۰ ”متیل دهیدرو جاسمونیت“^{۱۰۱} (هدیون^{۱۰۲}) و سپس موادی از قبیل گلاکسولاید^{۱۰۳}، ورتینکس^{۱۰۴}، برهمانول^{۱۰۵} و ”ایزو ای سوپر“^{۱۰۶} ساخته شدند.

ضابطه مبهم تشفیص مواد اولیة طبیعی از صنعتی

خط ممیزه بین مواد طبیعی و مصنوعی، خیلی واضح نیست. اساس این تمایز، خود سوال-برانگیز است. چرا که این پیش فرض وجود دارد که هیچ تغییر شیمیایی در طول فرآیندهایی از قبیل تقطیر با بخار آب و عصاره‌گیری رخ نمی‌دهد. برای مثال گرانول^{۱۰۷} ماده‌ای با ساختار شیمیایی معین که می‌توان آن را از منابع طبیعی از قبیل روغن پالماروزا^{۱۰۸} یا به صورت مصنوعی از پینین^{۱۰۹} استخراج نمود. پالایش زیاد گرانول از هر دو

monoterpenes^{۹۲}turpentine^{۹۳}farnesol^{۹۴}sesquiterpenes^{۹۵}Leopold Ruzicka^{۹۶}Chuit & Naef^{۹۷}cyclopentadecanolide^{۹۸}Exaltolide^{۹۹}macrocyclic^{۱۰۰}methyl dihydrojasmonate^{۱۰۱}Hedione^{۱۰۲}Galaxolide^{۱۰۳}Vertenex^{۱۰۴}Brahmanol^{۱۰۵}Iso E super^{۱۰۶}Geraniol^{۱۰۷}

منبع، از لحاظ شیمیایی، گرانیول خالصی بر جای می‌گذارد. بسته به سرچشمه ماده، می‌بایست آن را طبیعی (از پالماروزا) یا مصنوعی (از پینن) نامید. طبیعی یا مصنوعی بودن این ماده را فقط با آنالیزهای بسیار سخت می‌توان تشخیص داد.

گرانیول با درجه کیفی عطاری از هر یک از دو منبع، ارزش رایحه‌هایشان به صورت قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. زیرا از لحاظ شیمیایی، هیچ‌یک کاملاً خالص نیستند. گرانیول طبیعی، حاوی مقادیر اندکی مواد طبیعی دیگر می‌باشد که از سرچشمه آن انتقال یافته است. گرانیول مصنوعی که از یک واکنش ترکیبی شیمیایی به دست می‌آید، خیلی اوقات، حاوی نسبت زیادی نرول و مواد دیگری که در محصولات طبیعی یافت نمی‌شود، است.

هریک از دو گرانیول با درجه کیفی عطاری، می‌توانند به ”گرانیل استات“^{۱۱۰} تبدیل شوند. این استات‌ها که از واکنش‌های شیمیایی به وجود می‌آیند را می‌توان در هر دو مورد مصنوعی نامید. تفاوت بین استات‌های به دست آمده طبیعی و مصنوعی، به اندازه گرانیول‌های طبیعی و مصنوعی زیاد است. بسیاری از محصولات طبیعی مانند لادن، ”چوب سدر“ و ”مریم گلی“^{۱۱۱} به صورت به اجزا خود تقسیم می‌شوند، تا مشتقات بسیار پیچیده‌ای که برای عطار به عنوان مواد طبیعی عمل می‌کنند را تولید نمایند. این مواد را می‌توان به مواد منفرد خالص تصفیه نمود. وضعیت این مواد به عنوان طبیعی یا مصنوعی، به اینکه آیا در مواد اولیه به همان شکل موجود هستند یا نه؟ بستگی دارد. خیلی اوقات، تولیدکنندگان، مواد اولیه طبیعی را با افزودن مواد مصنوعی ”تقلیل کیفیت داده“^{۱۱۲} یا دگرگون^{۱۱۳} می‌نمایند. این عمل (افزودن مواد مصنوعی) به منظور استانداردسازی کیفی، ثابت نمودن کیفیت متفاوت محصولات کشاورزی (معمولاً توضیحاتی مبنی بر اضافه شدن مواد مصنوعی بر روی بسته‌بندی محصولات طبیعی ارائه می‌گردد) و یا صرفاً برای کاهش هزینه انجام

palmarosa ^{۱۰۸}

pinene ^{۱۰۹}

geranyl acetate ^{۱۱۰}

clary sage ^{۱۱۱}

cut ^{۱۱۲}

touched up ^{۱۱۳}

می‌گردد. هرچند این محصولات، متأسفانه اغلب به اسم خالص فروخته می‌شوند، اما در بیشتر موارد چیزی بیشتر از یک ترکیب^{۱۱۴} نیستند.

یکی از فواید استفاده گسترده از تکنیک‌های کنترل کیفیت با استفاده از “گاز کروماتوگرافی”، تابش نور به عرصه تاریخ مواد اولیه طبیعی بوده است. خریدار، در سایه این تکنیک‌ها می‌تواند بفهمد ماده طبیعی، تا چه اندازه‌ای خالص است؟ امروزه، دوباره در نتیجه ارزیابی دستگاه جی.سی.، اسانس‌های روغنی، “اسانس‌های خالص” و رزنوئیدهای خالص قابل اعتماد، در بازار فراهم گردیده‌اند. همچنین موادی که صادقانه “اسانس‌های روغنی مصنوعی” نامیده می‌شدند، دیگر بیس به حساب نمی‌آیند و مواد شبه طبیعی^{۱۱۵} نامگذاری می‌گردند.

یکی از وظایف عطار، آگاهی از تفاوت‌های مواد و شناخت کیفیت‌های مختلف آن‌ها است. عطاران جوان می‌بایست، ابتدا محصولات طبیعی خالص و مواد مصنوعی کیفی را بشناسند، سپس با مواد به اصطلاح تجاری به کار خود ادامه دهند.

۵. آموزش و طبقه‌بندی مواد اولیه

ساخت شالودهٔ مهارت عطاری، با شناخت مواد اولیه آغاز می‌شود. مواد اولیه برای عطار، مانند رنگ‌ها برای نقاش و کلمات برای شاعر است. هر دانشجو، فقط به همان میزان که مواد اولیه را می‌شناسد می‌تواند در عطاری خبره گردد. مواد اولیه، هم ابزار تجارتِ عطار است و هم الهام‌بخش وی. عطار تازه‌کار، ممکن است از وجود صدها بطری حاوی مواد عجیب و غریبِ اغلب بدبو، در طبقات آزمایشگاه بترسد. اما برای دانشجوی مستعد، شناخت این مواد از آن‌چه ابتدا به نظر می‌رسید آسان‌تر است. هرچند این، فقط اولین پلهٔ شناختِ واقعی مواد است. این مهارت فقط با کار فعالانه با مواد، طی زمان طولانی به دست می‌آید. عطار حرفه‌ای، فقط در زمان خود، کار کشته محسوب می‌شود و اگر از شناخت مواد جدید عقب بماند، نمی‌توان دیگر وی را کار کشته نامید. عطار، باید با کیفیت بویایی و عملکردِ هنگام مصرفِ مواد جدیدی که از محصولات گیاهی یا از تحقیقات شیمیایی به دست می‌آیند، آشنا شود.

همانند آموختن زبان خارجی که اولین قدم در آن، آموختن کلمات است، در عطاری نیز اولین قدم، شناخت مواد اولیه می‌باشد. برای به خاطر سپاری رایحهٔ مواد، ناگزیر از تکرار استشمام و آزمایش

روی آن‌ها هستیم. اگر این کار به صورت سیستماتیک و منظم پیش رود، شناخت رایحهٔ مواد آسان‌تر و در بلندمدت، به صورت موثرتری انجام می‌گردد. اینکه بدانیم مغز انسان چگونه کار می‌کند، می‌تواند به آموزش سیستماتیک کمک نماید.

شناخت مواد اولیّه، با آموزش بینی یا گیرنده‌های بویایی یکسان نیست. مشخص نیست گیرنده‌های بویایی اصلاً قابل آموزش باشند یا نه؟ این، آموزش فرآیندهای ذهنی است که پلی را مابین ادراک بویایی، توانایی شناخت رایحه و یادآوری نام مواد فراهم می‌نماید. فرآیندهای ذهنی، بر شبکهٔ تداعی معانی پیچیده‌ای پایه‌گذاری شده‌اند. هر رایحهٔ جدید، توسط ذهن، درون گروه‌های بویایی موجود گنجانیده می‌شود. خوشبختانه، هر چقدر دانشجو مواد را بیشتر بشناسد، اضافه نمودن مواد جدید به فضای خالی ذهن آسان‌تر است.

فرآیند شناخت بو از زمان ارتباط مواد با سلول‌های حفرهٔ دماغی شروع می‌گردد. هرچند وضعیت دقیق این سلول‌ها هنگام پاسخ، کاملاً شناخته شده نیست. عموم عطاران معتقدند حس ایجاد شده از یک مادهٔ شیمیایی، با ساختار ملکولی آن مرتبط است. برای مثال، تمامی مواد با ریشهٔ فنیل-ایتیل، در محدودهٔ مشخصی از سائز ملکولی، رایحه‌شان مرتبط با هم است. همین موضوع در مورد نیترال‌ها^{۱۱۶} و سالیسیلیت‌ها^{۱۱۷} نیز صادق است. مغز احساس ایجاد شده از ساختار ملکولی را آنالیز نموده و تجربهٔ شناختی که حس بویایی می‌نامیم را ایجاد می‌کند. میزان اطلاعات ورودی، در ترکیبات پیچیده از قبیل محصولات طبیعی و عطرها تکمیل شده که می‌بایست ارزیابی گردد، زیاد است. اعتقادی وجود دارد مبنی بر اینکه یکپارچه‌سازی اولیّه محرک‌های بویایی و تشخیص آن، در نیم‌کرهٔ راست مغز، اما یادآوری نام مواد، در نیم‌کرهٔ چپ مغز انجام می‌گردد. ممکن است یادآوری نام مواد مشکل باشد و بوینده بگوید: نامش ”در نوک زبانم قرار دارد.“^{۱۱۸} در این حالت بوینده رایحه را می‌شناسد، اما نام آن را بخاطر نمی‌آورد. پیشنهاد ”پاول جِلینِک“^{۱۱۹} مبنی بر اینکه هیچ موقع ماده را بدون تمرکز کامل نبویید، اینجا به کار می‌آید. زیرا شناخت بو از لحاظ ذهنی، کاری سخت و دشوار

nitriles ¹¹⁶salicylates ¹¹⁷tip-of-my-tongue ¹¹⁸Paul Jellinek ¹¹⁹

است. تمرین زیاد با رایحه‌ها، رابطه ادراک، شناخت و یادآوری نام مواد را سرعت می‌بخشد. تا جایی که عطر می‌تواند ماده شناخته شده‌ای را بلادرنگ تعیین هویت نماید. جالب است حتی عطر آموزش- دیده نیز، برای یادآوری نام اشیاء مرئی، مقدار کمتری فعالیت ذهنی نیاز دارد.

ترکیبات پیچیده، معمولاً چنان هویتی به خود می‌گیرند که شناخت آن به نسبت مواد شیمیایی منفرد آسان‌تر است. عطرهایی از قبیل آنیس‌آنیس^{۱۲۰} یا جیورجیو^{۱۲۱} همانند مواد منفردی از قبیل ”فنیل‌ایتیل الکل“^{۱۲۲} یا ”آنیس‌آلدهاید“^{۱۲۳} فوراً قابل تشخیص هستند. همان‌طور روغن اسطوخودوس^{۱۲۴} یا ”شمع‌دانی عطری“^{۱۲۵} دارای هویت ”منحصر به فرد“^{۱۲۶} و ”قابل یادآوری“^{۱۲۷} می‌باشد. تجربه ما نشان می‌دهد دانشجویان، ترکیبات پیچیده را اغلب راحت‌تر از مواد شیمیایی منفرد شناسایی می‌نمایند. دلیل اینکه برخی از عطرها، دارای هویتی قوی هستند، شناخته شده نیست. اما همان‌گونه که در آینده خاطر نشان خواهیم کرد، بیشتر مهارت عطاران، ایجاد هویت، برای ترکیبی که می‌سازند است.

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، مهم است دانشجوی تازه‌کار، مواد اولیّه عطاری را به صورت سیستماتیک بشناسد. در ابتدا نباید بیشتر از ۵۰ ماده منتخب مهم، به دانشجو معرفی گردد. این مواد می‌بایست شامل انواع مختلف رایحه‌ها باشد. (لیست ۵۰ ماده پیشنهادی، در این بخش ارائه می‌گردد.) دانشجویان را می‌بایست به یادداشت ملاحظات خود، در مورد هر ارتباطی که از رایحه‌ها به ذهن‌شان خطور می‌کند، تشویق نمود. ممکن است این رایحه‌ها، یادآور خاطرات گذشته، از قبیل بوی گنجه مادر بزرگ، نان داغ سیب‌زمینی یا ریشه درخت تازه از خاک بیرون آورده شده باشد. دانشجویان می‌بایست بین مواد، مقایسه انجام داده و شباهت‌هایشان را نیز بیان نمایند. ملاحظات یادداشت شده در این مقطع، انعکاس وابستگی‌های موجود از مواد در ذهن است. لذا استاد و هم‌شاگردی‌ها، نباید

Anais Anais^{۱۲۰}Giorgio^{۱۲۱}phenylethyl alcohol^{۱۲۲}anisaldehyde^{۱۲۳}lavender^{۱۲۴}geranium^{۱۲۵}unique^{۱۲۶}memorable^{۱۲۷}

ملاحظات را درست یا غلط تلقی کنند. دانشجو در این مسیر، آگاهانه، شبکه‌ای از ارتباطات برای یادآوری رایحه‌ها ایجاد می‌نماید. هنگامی که ۵۰ ماده کاملاً شناخته شد، تعداد مواد را به آرامی و در طول هفته‌های بعد، می‌توان افزایش داد تا همهٔ ۱۶۲ مادهٔ موجود در لیست را شامل شود.

در مرحلهٔ اول، فقط می‌بایست مواد اولیهٔ باکیفیت در اختیار دانشجویان قرار گیرد. مواد مصنوعی و طبیعی، بسته به سرچشمه، شیوهٔ تولید و درجهٔ خلوص‌شان، با کیفیت‌های متفاوتی موجود هستند. دانشجویان می‌بایست قبل از استفاده از درجهٔ تجاری،^{۱۳۸} مواد با کیفیت عالی را تجربه نمایند.

در طول ماه‌های اولیهٔ آموزش، دانشجویان را می‌بایست تشویق نمود دسته‌بندی رایحه‌ها را شروع نمایند. در این کتاب، فقط یک سیستم طبقه‌بندی مواد ارائه شده است. اما مهم این است دانشجویان، فرآیندهای ذهنی دسته‌بندی مواد را خود پشت سر بگذارند، تا بر اثر تلاش و تجربه، طبقه‌بندی خودشان را بسازند. حتی اگر نیاز باشد اصلاحاتی نیز توسط استاد انجام گیرد. هرچند یادگیری از طریق مرتبطسازی مواد با یکدیگر و دسته‌بندی آن‌ها در گروه‌ها، راه مفیدی برای شناخت مواد و تفکر در مورد آن‌هاست، لکن، دانشجویان نباید خود را به چهارچوب انعطاف‌ناپذیر دسته‌ها محدود نمایند. بلکه می‌بایست تشویق شوند ذهن‌شان را به تمامی جوانب مواد بگشایند و دائماً به دنبال ارتباطات جدید بگردند.

دانشجویان برای دانستن اینکه هر ماده، چه مدتی بر روی نوار بویایی ماندگار است؟ می‌بایست آزمایش‌های تبخیر را خود انجام دهند. برخی مواد بیشتر از چند ساعت دوام ندارند. در حالی که بعضی دیگر، بعد از چند روز نیز هنوز بر روی نوار بویایی قابل تشخیص هستند. این نتایج می‌بایست به دقت ثبت گردد. این یادداشت‌ها، پایهٔ تجربهٔ دانشجو در مورد اهمیت فرآینت نسبی مواد در ساختار عطر را شکل خواهد داد.

همچنین دانشجویان می‌بایست بدانند گروه‌های مختلف مواد، شدت (قدرت) بویایی متفاوتی دارند. تعداد زیادی مواد دارای قدرت بویایی، از قبیل آلدهایدهای چربی‌دار و برخی مواد جانوری، حتی بعد از رقیق شدن به میزان ۱۰٪ یا حتی ۱٪ نیز قوی هستند. از طرف دیگر، بقیهٔ مواد که شدت بویایی ضعیفی دارند، از قبیل "بنزیل سالیسیلات" را مشکل می‌توان استشمام کرد، مگر اینکه

^{۱۳۸} درمات تماری مواد اولیه، از کیفیت‌های پایین‌تری برخوردارند.

آشنایی بیشتری با آن صورت گیرد. اما این اطلاعات می‌تواند فریبنده باشد. چرا که موادی که قوی به نظر نمی‌رسند، حتی اگر در غلظت‌های خیلی کم نیز استفاده شوند، ممکن است تأثیر مهمی در ترکیب برجای بگذارند. علاوه بر شناخت شدت مواد، عملکرد آن‌ها نیز با ارزیابی رفتارشان در فرمول‌های متفاوت، بهتر آموخته می‌شود. برای مثال برخی مواقع، ممکن است وانیلین را به میزان ۱۰٪ در فرمول استفاده کرد و در فرمول دیگر ۰/۰۱٪. اما ممکن است این مقدار کم، تأثیر قابل توجهی در عطر بر جای بگذارد. به این دلیل که عطاران جوان نمی‌دانند یک ماده را نباید بیشتر از ۱٪ استفاده نمود، اغلب به تجربیات جدیدی دست می‌یابند. از آنجایی که ایشان، کمتر از عطر باتجربه، طریقه استفاده از مواد را می‌شناسند، ممکن است عطری بسازند که مهیج و اصیل باشد.

مهارت نوشیدنی‌شناس، به هنر عطاری بسیار نزدیک است. هرچند نوشیدنی‌شناس با مزه کردن انواع نوشیدنی‌ها در مورد شخصیت خاص آن‌ها شناخت حاصل می‌کند، لکن تأثیرگذارترین شیوه، برای خبره شدن آن است در آزمون‌هایی که نوشیدنی‌های حاصل از محصولات مختلف، یکی در مقابل دیگری هم‌سنجی و مقایسه می‌گردند، شرکت نماید. این یادگیری از طریق ارتباط‌سازی، (دسته‌بندی) شبیه‌یابی (یافتن هم‌خانواده‌ها) و تباین (یافتن تفاوت‌ها) مهارتی است که در عطاری، بسیار مورد نیاز است.

دانشجویان، هر صبح می‌بایست ۱۰ نوار بویایی فاقد نام منتخب یا بیشتر، از مواد آشنا را استشمام و در مورد آن موادی که قادر به شناخت نیستند، با استاد و هم‌شاگردی‌هایشان بحث و در خصوص دسته (گروه) بویایی آن‌ها مطالبی یادداشت نمایند. بعضی روزها، مواد منتخب توسط استاد، می‌بایست از لحاظ نوع رایحه، تا حد ممکن متفاوت باشند. روزهای دیگر، می‌بایست این مواد را از گروه بویایی یکسان، از قبیل نوت‌های^{۱۲۹} رز، مواد چوب‌بو یا مواد مرتبط از لحاظ شیمیایی از قبیل استات‌ها انتخاب نمود. هنگامی که مواد اولیه شناخته شد، اضافه کردن مواد جدید، به دسته‌بندی ذهنی موجود راحت‌تر است. دانشجوی باهوش با این روش قادر است موادی که قبلاً با آن مواجه شده

را بشناسد و نام ببرد. برای مثال، ممکن است “فَنِیلِ اِیتیلِ فَنِیلِ اَسِتات” را از روی شخصیت رُزگونه‌اش که با نوت‌های عسل از قبیل “فَنِیلِ اَسِتات‌ها” ترکیب گردیده، تشخیص دهد.

حال به نقطه‌ای رسیدیم که می‌توانیم سه مرحله شناخت رایحه را تعریف نماییم. این سه مرحله عبارتند از: اول، رایحه را نسبتاً تشخیص می‌دهیم. سپس در خصوص آن کاملاً آگاه شده و در پایان عملاً آن را شناسایی می‌نماییم. در اولین مرحله آشنایی، ما قادر به توصیف رایحه هستیم. به ذهن مان اجازه می‌دهیم میان ارتباطات و دسته‌بندی‌های ضخیره شده در ذهن جستجو کند. برای مثال بنزوئین، اولین احساس ما از رایحه آن این است: شیرین. این به تنهایی، ما را خیلی به جلو هدایت نمی‌کند. زیرا گروه رایحه‌های شیرین، حاوی تعداد زیادی ماده می‌باشد. سپس ممکن است صفت آن را “شبیبه شکلات با مقدار کمی رایحه بخور”^{۱۳۰} تشخیص دهیم. بعد می‌توانیم بفهمیم این ماده، تولو^{۱۳۱} که در خانواده رایحه‌های شیرین قرار دارد، نیست. چرا که تولو کمی شخصیت چرم‌بو دارد. یا ماده مورد نظر “پرو بالسام”^{۱۳۲} نیست. چرا که “پرو بالسام” نوت بخور^{۱۳۳} ندارد. (دانشجوی باهوش، ابتدا به تفاوت‌ها توجه می‌کند.) اغلب عطاران و خبرگان حرفه‌ای چای و نوشیدنی، لغات متفاوت و پیچیده‌ای، برای تشریح تغییرات اندک رایحه محصولات مشابه استفاده می‌نمایند. عطاران قادرند با یکدیگر ارتباط برقرار نموده و نوع خاصی از نوت سبز را با عنوان “بوی پای فیل”^{۱۳۴} برای یکدیگر تشریح کنند. متأسفانه زبان عطاری بسیار فقیر و دایره لغات آن محدود بوده که نیاز است برخی مواقع از چنین استعاره‌هایی برای توصیف رایحه‌ها استفاده نماییم.

هنگامی می‌توانیم بگوییم شناخت ما از مواد کامل است که یادآوری نام آن، فوری و بدون نیاز به فکر در خصوص صفات ماده باشد. یادآوری رایحه مانند شناخت دوستی قدیمی است. ما بنزوئین^{۱۳۵} را به سادگی چون بوی بنزوئن می‌دهد به خاطر می‌آوریم. اما حتی ممکن است دوستی قدیمی،

chocolatelike with a touch of incense^{۱۳۰}

tolu^{۱۳۱}

peru balsam^{۱۳۲}

incense^{۱۳۳}

smelling like elephant's feet^{۱۳۴}

benzoin^{۱۳۵}

شخصیت و رفتاری از خود نشان دهد که ما را متعجب نماید. البته گهگاه ممکن است حافظه ما خوب عمل نکند و نیاز باشد به معزمان اجازه دهیم از پروسه‌های خودآگاه و نیمه ناخودآگاه دسته‌بندی و شناخت مواد عبور نماید. اما هنگامی که ماده را شناختیم، می‌توانیم از صفت آن، برای تشریح و به یادسپاری رایحه مواد دیگر استفاده نماییم. هنگامی که برای اولین بار تولو را استشمام می‌کنیم، پی می‌بریم به بنزوئین که برایمان شناخته شده، شبیه می‌باشد. همچنین متوجه می‌شویم تولو، کمی بیشتر صفت چرم‌بو^{۱۳۶} دارد. لذا می‌توانیم تولو را هم‌صفت و هم‌خانواده بنزوئین بدانیم. همچنین، هنگام آزمایش رایحه "فنیل‌اتیل فورمات"^{۱۳۷} برای اولین بار، آن را مرتبط با "فنیل‌اتیل استات"^{۱۳۸} تشخیص می‌دهیم. با این تفاوت که "فنیل‌اتیل فورمات" نوعی از تیزی^{۱۳۹} که در "گرانیل فورمات"^{۱۴۰} موجود است را دارا می‌باشد. لذا متوجه خواهیم شد "فنیل‌اتیل فورمات" در خانواده "فنیل‌اتیل استات" قرار دارد.

در مرحله نهایی، ماده کاملاً شناسایی می‌گردد. مثل اینکه در خیابان فردی را بلافاصله به خاطر آوریم. اما این بدان معنی نیست او را کاملاً شناخته‌ایم^{۱۴۱}. در صورتی یک نفر را کاملاً می‌شناسیم که رفتار وی را در موقعیت‌های مختلف دیده باشیم. این موضوع در خصوص مواد اولیه عطاری نیز صحت دارد. وقتی ماده را کاملاً شناخته‌ایم که عملاً با آن کار کنیم. به این دلیل، در هفته‌های اول تحصیل، قبل از پرداختن به بیس‌های گل‌بو و همانندسازی عطرها بزرگ، دانشجو می‌بایست با آکوردهای ساده شروع نماید. (این موضوع، مفصلاً در بخش آتی مورد بحث قرار می‌گیرد.) مانند شناخت افراد، داستان شناخت مواد نیز هیچ‌موقع پایان نمی‌پذیرد. حتی عطار ماهری که سال‌ها با ماده‌ای کار نموده، ممکن است با استفاده از آن در ترکیبات و کاربردهای جدید، شخصیت نو و تازه‌ای کشف نماید. هرچه عطار ذهن خود را به روی کشفیات جدید بیشتر باز نماید، ذهن خلاق‌تری

leathery^{۱۳۶}Phenylethyl formate^{۱۳۷}phenylethyl acetate^{۱۳۸}sharpness^{۱۳۹}geranyl formate^{۱۴۰}knowing^{۱۴۱}

خواهد داشت. لذا می‌توان گفت عطاری، شیوه‌هایی که مواد در ترکیب با یکدیگر، در فرمول‌های متفاوت کار می‌کنند را آموزش می‌دهد.

تا اینجا از این منظر به حافظه نگریستیم که مواد را تشخیص داده و شناسایی نماید. ولی هنوز بخش دیگری از حافظه وجود دارد که مربوط به فراخوانی و تصویرسازی ذهنی است. در این زمینه، به صورت طبیعی، عطار از هنرپیشه یا موسیقی‌دان عقب‌تر است. اغلب ما کم و بیش توان یادآوری احساسات شنیداری و دیداری را داریم و از توان بازسازی اشیاء آشنا در ذهن‌مان، همیشه استفاده می‌نماییم. نقاش آموزش‌دیده می‌تواند تصاویر واقعی موجود در ذهنش را از حافظه بر روی کاغذ پیاده‌سازی نماید. موسیقی‌دان را به همین شکل می‌توان آموزش داد تا صدایی که از نوت‌های موسیقی در اجرای واقعی به دست می‌آید را دقیقاً در ذهن خود بازسازی نماید. اما در انسان، توانایی بازسازی ذهنی رایحه‌ها، کمتر توسعه یافته است. آیا می‌توانیم رایحه گل رز را به همان شکل که رنگ یا ملودی را در ذهن‌مان بازسازی می‌نماییم، به خاطر بیاوریم؟ ممکن است قادر باشیم رایحه را توضیح داده و تمامی مواد مرتبط با آن را نام ببریم. اما آیا واقعاً می‌توانیم تصویر بویایی ذهنی را تجربه نماییم؟

کاری که بدون سختی زیاد می‌توانیم انجام دهیم، مقایسه چیزی که می‌بوییم با خاطره آن و شناسایی اینکه آیا این دو یکسان هستند یا نه؟ این توانایی، مخصوصاً هنگام ارزیابی کیفیت مواد اولیه مهم می‌باشد. در حقیقت این، شکل دیگری از شناخت است. (که آیا این نمونه، مانند همان ماده‌ای که قبلاً بوییده‌ایم است؟) هنگامی که محرکی خارجی ایجاد نشود، تصویر بویایی درستی نیز به وجود نمی‌آید.

دلایلی وجود دارد که انسان، نتوانسته قدرت بازیابی ذهنی بویایی را در مقایسه با دیگر توانایی‌های بازسازی ذهنی توسعه دهد. قدرت بازیابی ذهنی شنیداری، بخش لازم استفاده از اصوات به عنوان وسیله ارتباط و یادگیری زبان است. امکان بازیابی دیداری، از جمله توان ما برای بازیابی ذهنی اشیاء، همان‌گونه که تصور می‌شود، بجای آنچه که هست، برای ساخت اشیاء جدید مورد نیاز

می‌باشد. اما بازیابی ذهنی بویایی، برای خدمت به نیازهای روزمره، استفاده‌ای ندارد. لذا دارای ارزش ظاهری نیست.

با این وجود، برخی از عطاران ادعا می‌کنند، درجاتی از بازیابی ذهنی بویایی را دارا هستند. این توان می‌بایست در عطاران جوان به صورت فعالانه پرورش یابد. تمرین مفید در این زمینه، زنده نگه داشتن آگاهانه احساس بویایی ایجاد شده از ماده، برای حداکثر مدت زمان ممکن بعد از ترک استشمام و سپس مقایسه تصویر باقی‌مانده با تصویر ایجاد شده از بوییدن جدید است. البته این موضوع نیاز به تمرکز زیادی دارد. اما این تمرین، به پیش‌بینی چگونگی عمل کرد مواد در ترکیب با یکدیگر کمک می‌کند. برخی از عطاران مدعی‌اند استعداد بازیابی ذهنی بویایی‌شان را تا حدی توسعه داده‌اند که بسیاری از آثار خلاق، ابتدا در رویاهایشان شکل می‌گیرد.

مواد اولیّه اصلی و طبقه‌بندی آنها

لیست ذیل حاوی ۱۶۲ ماده طبیعی و مصنوعی است که به دانشجویان پیشنهاد می‌شود تا در شش ماهه اول تحصیل با آن آشنا شوند. این لیست، حاوی تعداد زیادی از انواع رایحه‌ها است. این مواد، بیشتر از همه در عطاری فاخر^{۱۴۲} مورد استفاده قرار می‌گیرند. (موادی که با ستاره علامت‌گذاری شده‌اند را می‌بایست در ابتدای لیست یادگیری‌تان قرار دهید.)

مواد اولیه طبیعی

Ambrette seed	*Lemon
Armoise*	Lemongrass
Basil	Lime West Indian
Bay	Mandarin
*Benzoin Siam	Mimosa absolute
*Bergamot	Neroli
Birch tar	Nutmeg
Camomile Roman	*Oakmoss absolute
Cardamon	Olibanum extract
Cassis bourgeons (base)	Opoponax extract
*Castoreum	Orange sweet
*Cedarwood Virginian	*Patchouli
Celery seed	Pepper
Cinnamon leaf	Peppermint
*Cinnamon bark	Peru balsam oil
Cistus oil	*Petitgrain Paraguay
Civet	Pimento
Clary sage	Rose oil
Clove bud	Rose absolute
Coriander	*Rosemary
Costus (base)	Rosewood
Cumin	*Sandalwood East Indian
*Estragon	Styrax oil
*Galbanum oil	Tagete

*Geranium Bourbon	Tonka absolute
Guaiacwood	Tuberose absolute
Iris concrete	Thyme
Jasmine absolute	Vanilla absolute
*Labdanum extract	*Vetyver Bourbon
*Lavender	Violet leaf absolute
Lavandin	*Ylang extra

مواد اولیه صنعتی

Acetophenone	*Eugenol
Aldehyde C10	Evernyl
*Aldehyde C11 undecylenic	Frambinone
Aldehyde C12 lauric	*Galaxolide
*Aldehyde C12 MNA gama-Decalactone	Geraniol
*Aldehyde C14 (gamma-undecalactone)	*Geranyl acetate
Aldehyde C16	Geranyl formate
Aldehyde C18 (gamma-nonalactone)	Geranyl nitrile
	Greenyl acetate
Allyl cyclohexyl propionate	Hedione
Ambroxan	Helional
Amyl cinnamic aldehyde	Heliotropin
*Amyl salicylate	*cis -3-Hexenyl acetate
Anisaldehyde	cis -3-Hexenyl salicylate
Aurantiol	*Hexyl cinnamic aldehyde
Benzaldehyde	*Hexyl salicylate
*Benzyl acetate	*Hivertal
Benzyl salicylate	*Hydroxycitronellal
Brahmanol	*Indol
Calone	Ionone alpha
Cashmeran	*Isobornyl acetate
Cedramber	*Iso butyl quinoline
Cedryl acetate	Isoeugenol
Cinnamic alcohol	Iso E super
Citral	Isogalbanate
Citronellal	cis -Jasmone

*Citronellol	Lilial
Citronellyl acetate	*Linalool
Coumarin	*Linalyl acetate
Cyclamen aldehyde	Lyrall
Cyclopentadecanolide	Maltol
Damascone beta	*Methyl anthranilate
*Dihydromyrcenol	Methyl benzoate
Dimethyl benzyl carbinyl acetate	Methyl cinnamate
	Methyl chavicol
Diphenyl oxide	*Methyl ionone gamma
*Ethyl phenylacetate	Methyl naphthyl ketone
Ethyl vanillin	Methyl octine carbonate
Methyl salicylate	Phenylpropyl alcohol
Musk ketone	Rosalva
Musk T	Rosatol
Paracresyl acetate	*Rose oxide
Phenoxyethyl	isobutyrate Sandela
*Phenylacetaldehyde	*Styrallyl acetate
Phenylacetic acid	*Terpineol
Phenylacetaldehyde dimethyl acetal	Tonalid
	*Vanillin
Phenylethyl acetate	Vertacetal
*Phenylethyl alcohol	*Vertofix
Phenylethyl dimethyl carbinol	Vetiveryl acetate
Phenylethyl phenylacetate	Vertenex (PTBCHA)

طبقه‌بندی رایحه‌ها

نوع	زیرمجموعه	مواد طبیعی	مواد مصنوعی (یا مواد طبیعی)	طبقه	شخصیت خاص
ALDEHYDIC	Aldehydes		Aldehyde C10		Orange
ALDEHYDIC			Aldehyde C11 undecylenic		
ALDEHYDIC			Aldehyde C12 lauric		Soapy ¹⁴³
ALDEHYDIC			Aldehyde C12 MNA		(Pine ¹⁴⁴)
ALDEHYDIC			Citronellal		Citronellal
ALDEHYDIC	(Nitrile)		Geranyl nitrile	Citrus	
ALDEHYDIC	(Alcohol)		Rosalva		Rose
AMBER ¹⁴⁵		Cistus oil			
AMBER		Labdanum ¹⁴⁶ extract		Resinous	
AMBER			Cedramber	Woody	Cedarwood ¹⁴⁷
AMBER			Iso E Super	Woody	Patchouli ¹⁴⁸
AMBER			Ambroxan	Woody	Dry wood ¹⁴⁹
ANIMALIC ¹⁵⁰		Civet ¹⁵¹			Fecal ¹⁵²
ANIMALIC		Castoreum		Leather	
ANIMALIC			Indol	Floral	Jasmine
ANIMALIC			Paracresol	Floral	Narcisse ¹⁵³
ANIMALIC			Phenylacetic acid	Floral	Honey
ANIMALIC		Costus		Iris	Hair ¹⁵⁴
ANIMALIC		Cumin ¹⁵⁵		Spicy	Sweaty
ANISIC ¹⁵⁶		Basil ¹⁵⁷	Methyl chavicol		
ANISIC		Estragon	Methyl chavicol		

صابونی^{۱۴۳}کاجی^{۱۴۴}عنبر^{۱۴۵}لادن^{۱۴۶}چوب سدر^{۱۴۷}نصاع هندی^{۱۴۸}چوب مشک^{۱۴۹}مانوری^{۱۵۰}مشک (ژاد کربه) (ژاد)^{۱۵۱}مدفوعی^{۱۵۲}زرگس^{۱۵۳}موی سر^{۱۵۴}زیره سبز^{۱۵۵}بادیان رومی، انیسون^{۱۵۶}ریمان^{۱۵۷}

AROMATIC-HERBAL ¹⁵⁸		Armoise	(Thujone)	Camphor	
AROMATIC-HERBAL		Roman camomile ¹⁵⁹			Hay ¹⁶⁰
AROMATIC-HERBAL		Clary sage		Linalool	
AROMATIC-HERBAL		Thyme ¹⁶¹			
BALSAMIC ¹⁶²		Benzoin Siam	(Vanillin)	Resinous	Sweet
BALSAMIC		Peru balsam oil	(Vanillin)	Sweet	
BALSAMIC		Styrax oil	(Phenylpropyl alcohol)	Cinnamic	
BALSAMIC			Cinnamic alcohol	Cinnamic	Floral
BALSAMIC			Phenylpropyl alcohol	Cinnamic	Floral
BALSAMIC			Methyl cinnamate	Cinnamic	Floral
BALSAMIC			Benzyl salicylate	Salicylate	Floral
CAMPHOR ¹⁶³ - CINEOL		Armoise	(Camphor, thujone)	Herbal	Aromatic
CAMPHOR-CINEOL		Cardamon ¹⁶⁴	(Camphor)	Spicy	Seed
CAMPHOR-CINEOL		Lavandin	(Camphor, cineol)	Lavender	Linalool
CAMPHOR-CINEOL		Rosemary ¹⁶⁵	(Camphor, cineol)	Lavender	Eucalyptus ¹⁶⁶
CINNAMIC ¹⁶⁷		Cinammon bark	(Cinnamic aldehyde)	Spice	
CINNAMIC		Cinammon leaf	(Eugenol)	Spice	
CINNAMIC			Cinnamic alcohol	Floral	Balsamic
CINNAMIC			Phenylpropyl alcohol	Floral	Balsamic
CINNAMIC			Methyl cinnamate	Floral	Balsamic
CINNAMIC		Styrax oil		Balsamic	
CINNAMIC			Amyl cinnamic aldehyde	Floral	Jasmine
CINNAMIC			Hexyl cinnamic aldehyde	Floral	Jasmine
CITRUS ¹⁶⁸			Citral		Lemon

۱۵۸ گیاهان خوشبو

۱۵۹ بابونه رومی

۱۶۰ یونجه

۱۶۱ آویشن

۱۶۲ کامی، وابسته به بلسان

۱۶۳ کافور

۱۶۴ هل

۱۶۵ رزماری

۱۶۶ اوکالیپتوس

۱۶۷ دارچینی

CITRUS		Lemon ¹⁶⁹	(Citral)	Fruity	Fresh
CITRUS		Lime ¹⁷⁰ distilled	(Terpineol)	Fruity	Fresh
CITRUS		Sweet orange ¹⁷¹		Fruity	Fresh
CITRUS		Mandarin		Fruity	Fresh
CITRUS		Bergamot ¹⁷²	(Linalool, L. acetate)	Fresh	Linalool
CITRUS		Lemongrass ¹⁷³	(Citral)		
CITRUS			Citronellal	Aldehydic	Citronella
CITRUS			Geranyl nitrile	Aldehydic	Lemon
FLORAL ¹⁷⁴	Almond blossom ¹⁷⁵		Anisaldehyde		Lilac ¹⁷⁶
FLORAL			Benzaldehyde		Almond
FLORAL	Carnation ¹⁷⁷		Eugenol	Spicy	Clove ¹⁷⁸
FLORAL			Isoeugenol		
FLORAL	Gardenia ¹⁷⁹		Styrallyl acetate	Fresh	
FLORAL	Hyacinth ¹⁸⁰		Phenylacetaldehyde	Green	Rose
FLORAL			Phenylacetaldehyde dimethyl acetal	Green	Lilac
FLORAL	Honey ¹⁸¹		Ethyl phenylacetate		
FLORAL			Phenylethyl phenylacetate		Rose
FLORAL			Phenylacetic acid	Animalic	Rose
FLORAL	Jasmine ¹⁸²	Jasmine absolute			
FLORAL			Benzyl acetate	Fresh	
FLORAL			Hedione		
FLORAL			Jasmal		Mushroom ¹⁸³
FLORAL			Amyl cinnamic	Cinnamic	

مرکبات^{۱۶۸}لیمو سنگی^{۱۶۹}لیمو^{۱۷۰}پرتقال شیرین^{۱۷۱}ترنج^{۱۷۲}لیمو علفی^{۱۷۳}گل‌بو^{۱۷۴}شکوفه بادام^{۱۷۵}یاس بنفش (یاس شیروانی)^{۱۷۶}میفک صدپر^{۱۷۷}میفک^{۱۷۸}یاسمن^{۱۷۹}سنبل^{۱۸۰}عسل^{۱۸۱}یاس^{۱۸۲}قارچ^{۱۸۳}

			aldehyde		
FLORAL			Hexyl cinnamic aldehyde	Cinnamic	Muguet
FLORAL			Indol	Animalic	
FLORAL		Ylang extra		Linalool	
FLORAL	Lilac		Terpineol		Household
FLORAL			Anisaldehyde	Floral	Almond
FLORAL			Heliotropin	Sweet	
FLORAL	Mimosa	Mimosa ¹⁸⁴ absolute			
FLORAL			Acetophenone		
FLORAL			Hydroxycitronellal		
FLORAL			Lilial		
FLORAL			Lylal		
FLORAL			Cyclamen aldehyde		
FLORAL	Narcisse-Jonquille		Methyl cinnamate	Cinnamic	
FLORAL			Paracresol	Animalic	
FLORAL	Neroli-Orange Blossom		Methyl anthranilate		
FLORAL			Aurantiol		Schiff base
FLORAL			Methyl naphthyl ketone		
FLORAL		Neroli ¹⁸⁵ , Petitgrain		Fresh	
FLORAL	Rose	Rose ¹⁸⁶ absolute	Phenylethyl alcohol		
FLORAL		Rose oil	Citronellol		
FLORAL			Citonellyl acetate		Muguet
FLORAL			Geraniol		
FLORAL			Phenylethyl acetate	Fresh	Fruity
FLORAL			P.E. dimethyl carbinol		Raspberry ¹⁸⁷
FLORAL			DMBCA		
FLORAL			beta-Damascone	Fruity	
FLORAL			Phenoxyethyl isobutyrate	Fruity	
FLORAL			Rosatol		
FLORAL			Phenylethyl phenylacetate		Honey
FLORAL		Geranium ¹⁸⁸		Minty	
FLORAL			Geranyl acetate	Fresh	
FLORAL			Geranyl formate		

۱۸۴ گل ابریشم

۱۸۵ بهار نارنج

۱۸۶ رز

۱۸۷ تمشک

۱۸۸ شمعدانی عطری

FLORAL			Rose oxide	Green	Metallic ¹⁸⁹
FLORAL			Diphenyl oxide		
FLORAL	Trefle (salicylate)		Amyl salicylate		
FLORAL			Benzyl salicylate	Balsamic	
FLORAL			Hexyl salicylate		Azalea ¹⁹⁰
FLORAL			cis-3-Hexenyl salicylate		Green
FLORAL	Tuberose ¹⁹¹	Tuberose absolute			
FLORAL			Aurantiol		
FLORAL			Methyl anthranilate		
FLORAL			Methyl benzoate		Ylang
FLORAL			Methyl salicylate		Wintergreen
FLORAL			Aldehyde C18	Fruity	
FLORAL			gamma-Decalactone	Fruity	
FLORAL	Violet ¹⁹²	Violet leaf absolute		Green	
FLORAL			Methyl octine carbonate	Green	
FLORAL			Ionone alpha	Iris	
FLORAL			Methyl ionone	Iris	Woody
FLORAL		Iris ¹⁹³ concrete		Iris	
FLORAL			Heliotopin	Sweet	Lilac
FLORAL	Ylang	Ylang extra			
FLORAL			Methyl benzoate		
FLORAL FRESH ¹⁹⁴		Neroli		Orange blossom	
FLORAL FRESH			Linalool	Linalool	Woody
FLORAL FRESH			Benzyl acetate	Jasmine	
FLORAL FRESH			Citronellyl acetate	Rose	Muguet
FLORAL FRESH			Geranyl acetate	Rose	Geranium
FLORAL FRESH			Phenylethyl acetate	Rose	Fruity
FLORAL FRESH			Styrallyl acetate	Gardenia	Rhubarb ¹⁹⁵
FLORAL BALSAMIC ¹⁹⁶			Cinnamic alcohol		
FLORAL BALSAMIC			Phenylpropyl alcohol		

۱۸۹ گل‌زی

۱۹۰ آزالیا

۱۹۱ گل مریم

۱۹۲ بنفشه

۱۹۳ زنبق

۱۹۴ گل‌بو- "تر و تازه"

۱۹۵ ریواس

۱۹۶ گل‌بو- کامی

FLORAL BALSAMIC			Benzyl salicylate	Trefle	
FRESH ¹⁹⁷		Bergamot ¹⁹⁸	(Linalyl acetate)	Citrus	Linalool
FRESH		Petitgrain	(Linalyl acetate)		Eau de cologne
FRESH			Linalyl acetate		
FRESH			Isobornyl acetate	Pine	
FRESH			Dihydromyrcenol	Linalool	
FRESH			Vertenex (PTBCHA)	Woody	
FRUITY ¹⁹⁹		Citrus oils			
FRUITY			Aldehyde C14		Peach ²⁰⁰
FRUITY			Aldehyde C16		Strawberry ²⁰¹
FRUITY			Aldehyde C18	Tuberose	Coconut ²⁰²
FRUITY			gamma-Decalactone	Tuberose	Peach
FRUITY			beta-Damascone	Rose	Apple ²⁰³
FRUITY	Tagete				Apple
FRUITY			Allyl cyclohexyl propionate		Pineapple ²⁰⁴
FRUITY			Isogalbanate	Green	Pineapple
FRUITY			Phenoxyethyl isobutyrate	Rose	Mirabelle ²⁰⁵
FRUITY			Helional	Watermelon	
FRUITY			Frambinone	Sweet	Raspberry
FRUITY			Cashmeran	Musk	Sweet
FRUITY		Cassis bourgeons			Cats
GREEN ²⁰⁶		Galbanum ²⁰⁷			Earthy ²⁰⁸
GREEN			Hivertal		Leafy ²⁰⁹
GREEN			cis-3-Hexenyl acetate		Cut grass ²¹⁰

۱۹۷ "تر و تازه"

۱۹۸ ترنج

۱۹۹ میوه‌ای

۲۰۰ هلو

۲۰۱ توت فرنگی

۲۰۲ نارگیل

۲۰۳ سیب

۲۰۴ آناناس

۲۰۵ آلوژرد

۲۰۶ سبزی

۲۰۷ انقوزه

۲۰۸ فاکس

۲۰۹ برگس

۲۱۰ علف بریده شده

GREEN			Isogalbanate	Fruity	Pineapple
GREEN			Phenylacetaldehyde	Hyacinth	Rose
GREEN			PADMA	Lilac	Hyacinth
GREEN			Vertacetal	Sweaty	Rhubarb
GREEN		Violet leaf absolute		Violet	
GREEN			Methyl octine carbonate	Violet	
GREEN			Rose oxide	Rose	Metallic
IRIS ²¹¹		Iris concrete		Violet	
IRIS			Ionone alpha	Violet	
IRIS			Methyl iononee	Violet	Woody
IRIS			Vertenex (PTBCHA)	Woody	Fresh
IRIS		Costus		Animalic	
LAVENDER ²¹²		Lavender 40/42	(Linalool, Linalyl acetate)		
LAVENDER		Lavandin	(Linalool, Linalyl acetate)		Camphor
LAVENDER		Rosemary		Camphor	Eucalyptus
LEATHER ²¹³		Castoreum		Animalic	
LEATHER		Birch tar ²¹⁴			Smoky ²¹⁵
LEATHER		Labdanum ²¹⁶		Amber	
LEATHER		Cistus		Amber	
LEATHER			Isobutyl quinoline		Earthy
LINALOOL ²¹⁷			Linalool	Fresh	Woody
LINALOOL			Dihydromyrcenol	Fresh	
LINALOOL		Bergamot	(Linalyl acetate)	Citrus	Fresh
LINALOOL		Clary sage		Aromatic	
LINALOOL		Coriander		Spicy	Seed
LINALOOL		Lavender	(Linalyl acetate)	Lavender	
LINALOOL		Lavandin	(Linalyl acetate)	Camphor	
LINALOOL		Rosewood	(Terpineol)	Woody	
LINALOOL		Ylang	(Benzyl acetate)	Floral	
MINTY ²¹⁸		Peppermint ²¹⁹			
MINTY		Geranium		Rose	

^{۲۱۱} زلیق

^{۲۱۲} اسپوفودوس

^{۲۱۳} پاره

^{۲۱۴} درفت فان (درفت غوشه)

^{۲۱۵} دودی

^{۲۱۶} لادن

^{۲۱۷} لینالول

^{۲۱۸} نعنای

^{۲۱۹} نعنای بیابانی (نعناع فلفلی، قرص نعنای)

		Bourbon		
MOSSY ²²⁰		Oakmoss		Algal ²²¹
MOSSY			Evernyl	Dusty ²²²
MUSK ²²³			Galaxolide	
MUSK			Musk T	
MUSK			Tonalid	
MUSK			Musk ketone	
MUSK			Cyclopentadecanolide	
MUSK		Ambrette seed	(Ambrettolide)	Seed
MUSK			Cashmeran	Sweet Fruity
PATCHOULI ²²⁴		Patchouli		Pepper ²²⁵
PINE ²²⁶			Isobornyl acetate	Fresh
PINE			Aldehyde C12 MNA	Aldehydic
RESINS ²²⁷		Benzoin Siam		Sweet Balsamic
RESINS			Olibanum extract	Insence
RESINS		Opoponax extract		
RESINS		Labdanum extract		Amber Leather
RESINS		Peru balsam oil		Sweet Balsamic
SEEDS ²²⁸		Ambrette	Musk	
SEEDS		Cardamon		Spice Camphor
SEEDS		Celery		Terpenic
SEEDS		Coriander		Linalool Spice ²²⁹
SEEDS		Cumin		Spice Animalic
SEEDS		Pepper		Spice Terpenic
SPICY ²³⁰		Cinnamon bark	(Cinnamic aldehyde)	
SPICY		Cinnamon leaf		
SPICY			Eugenol	Carnation
SPICY		Clove bud	(Eugenol)	
SPICY		Pimento berry	(Eugenol)	
SPICY		Bay		

۲۲۰ فزهای

۲۲۱ جلبکی

۲۲۲ گرد و خاک

۲۲۳ مشک

۲۲۴ نضاع هندی

۲۲۵ فلفل

۲۲۶ کاجی

۲۲۷ صمغی

۲۲۸ بذری

۲۲۹ ادویه

۲۳۰ ادویه

SPICY		Nutmeg		Terpenic
SPICY		Pepper		Terpenic
SPICY		Cardamon		Camphor Seed
SPICY		Coriander		Linalool Seed
SPICY		Cumin		Seed Sweaty
SWEET ²³¹ (Powdery ²³²)		Vanilla absolute	(Vanillin)	
SWEET (Powdery)			Vanillin	
SWEET (Powdery)			Ethyl vanillin	
SWEET (Powdery)		Benzoin Siam	(Vanillin)	Balsamic
SWEET (Powdery)		Peru balsam oil	(Vanillin)	Balsamic
SWEET (Powdery)			Coumarin	Hay
SWEET (Powdery)		Tonka	(Coumarin)	
SWEET (Powdery)			Heliotropin	Lilac Violet
SWEET (Powdery)			Frambinone	Fruity
SWEET (Powdery)			Cashmeran	Musk Fruity
WATERMELON ²³³ - CUCUMBER ²³⁴			Calone	Marine ²³⁵
WATERMELON- CUCUMBER			Helional	
WATERMELON- CUCUMBER		Violet leaf absolute		Green
WATERMELON- CUCUMBER		Mimosa absolute		Floral
WOODY ²³⁶	Cedarwood	Cedarwood Virginian		Pencils ²³⁷
WOODY			Cedryl acetate	
WOODY			Vertofix	
WOODY			Cedramber	Amber
WOODY	Guaiacwood ²³⁸	Guaiacwood		Smoky
WOODY	Rosewood	Rosewood	(Linalool)	Linalool
WOODY	Sandalwood	Sandalwood E.I.		
WOODY			Sandela	
WOODY			Brahmanol	Musk
WOODY	Vetyver	Vetyver Bourbon		Earthy
WOODY		Vetiveryl		

شیرین^{۲۳۱}

پودری^{۲۳۲}

هندوانه^{۲۳۳}

خیار^{۲۳۴}

دریایی^{۲۳۵}

چوب‌بو^{۲۳۶}

مداد رنگی^{۲۳۷}

چوب گویاک^{۲۳۸}

		acetate		
WOODY				
WOODY	Woody- Amber		Iso E Super	
WOODY			Cedramber	Cedarwood
WOODY			Ambroxan	Dry wood
WOODY	Woody-Iris		Methyl ionone	Violet
WOODY			Vertenex (PTBCHA)	Fresh

۶. آکوردهای گل‌بو

آکورد گل‌ها، بخش لازم مخزن هر عطر را تشکیل می‌دهند. این آکوردها، نه تنها به عنوان بلوک‌های سازنده یا بیس، بلکه به تنهایی به عنوان عطر کامل استفاده می‌شوند و با مقداری اصلاحات، می‌توان به عنوان نوت منفرد گل‌بو، برای محصولات کارکردی از قبیل صابون، مواد آرایشی و محصولات نگهداری خانه بکار برد. ساخت این آکوردها، نقطه شروعی عالی به منظور فرمول‌بندی ترکیبات ساده، برای دانشجویان عطاری به شمار می‌آید.

عطر گل‌ها و ارتباط آن با حس زیباشناسی، جایگاه خاصی را در افزایش رتبه بویایی دارد. از قرون وسطی، یکی از اهداف همیشگی صنعت عطرسازی، به دست آوردن رایحه گل‌ها به روش تقطیر، عطرگیری روغنی و عصاره‌گیری با استفاده از حلال بوده است. آنالیزهای شیمیایی خام محصولات گل‌بوی حاصله که در نیمه اول قرن اتفاق افتاد، مقدار کمی اطلاعات از ترکیب این محصولات ارائه نمود که حتی عطر با تجربه هم نمی‌توانست قبلاً آن را حدس بزند. سپس در نتیجه ورود دستگاه گاز کروماتوگرافی، پیشرفت غیرمنتظره‌ای اتفاق افتاد. این پیشرفت باعث تشخیص

صدها ماده که بیشتر آن‌ها قبلاً ناشناخته مانده بود، گردید. برخی از عصاره گل‌ها، زیباترین مواد اولیه طبیعی استفاده شده در عطاری بودند. اما اغلب آن‌ها نمی‌توانستند شخصیت کامل رایحه گل طبیعی، همان‌گونه که از استشمام آن حاصل می‌شود را نمایش دهند. چرا که در طول فرآیند عصاره‌گیری، تغییرات شیمیایی در اسانس اتفاق می‌افتاد. اخیراً گاز کروماتوگرافی از سطح بالایی گیاهان، هنگامی که مواد خوش‌بو، گیاه را ترک می‌نمایند، آنالیز رایحه طبیعی گل را ممکن نموده است. این امکان به میزان زیادی در خصوص ترکیب رایحه، همان‌گونه که در طبیعت استشمام می‌شود، به اطلاعات ما اضافه نموده است. تعداد زیادی از محصولات تجاری موجود، بر اساس این اطلاعات ساخته شده‌اند.

روش دیگر ساخت نوت‌های گل با استفاده از مواد مصنوعی، از خلاقیت عطار سرچشمه می‌گیرد. بعضی مواد مصنوعی، دارای شخصیتی هستند که از برخی جهات، شبیه به رایحه گل می‌باشند. ممکن است این مواد در طبیعت موجود نباشند. بسیاری از بیس‌های گل‌بو که از این طریق خلق می‌گردند، انعکاس کم‌رنگی از عطر واقعی گل‌ها هستند. بیس‌های گل‌بو، بلوک‌های سازنده‌ای می‌باشند که بیشتر از همه انواع بیس‌ها، در عطاری استفاده می‌شوند.

برای به دست آوردن مصنوعی رایحه گل‌ها که (در جداول ذیل) بیان می‌گردد، مواد ترکیبی، راهنمای فرمول‌بندی مهم‌ترین انواع بیس‌های گل‌بو در عطاری می‌باشد. فرمول مقدماتی (مواد موجود در ستون سمت چپ جداول) حاوی موادی می‌باشد که این مواد عناصر بویایی مهم گل‌ها به شمار می‌آیند. استفاده از این مواد برای ساخت رایحه گل‌ها لازم هستند. ایجاد تعادل بین این عناصر، برای فهم روشی که رایحه گل‌ها ساخته می‌شود مفید است.

برای ساخت ابتدایی بیس‌های گل‌بو، مهم است با آسان‌ترین فرمول ممکن که فقط حاوی مواد کافی برای ساخت شخصیت اساسی آن است، شروع نماییم. این آکورد پایه‌ای را بعداً می‌توان با اضافه نمودن مواد صنعتی و طبیعی اصلاح‌کننده^{۳۳۹} (مواد موجود در ستون سمت راست جداول ذیل) تزئین نمود. تأثیرگذارترین بیس‌های گل‌بو، مخصوصاً هنگامی که می‌بایست به عنوان قسمت اصلی فرمول عطر استفاده شوند، اغلب ترکیب نسبتاً ساده‌ای هستند که حداکثر ۱۵ ماده در آن وجود دارد.

بیس‌های پیچیده‌تر، هنگامی که به این روش یا در ترکیب با دیگر گل‌ها استفاده می‌شوند، اغلب باعث تیرگی^{۲۴۰} و ”نقصان تأثیر عمومی“^{۲۴۱} در عطر نهایی^{۲۴۲} خواهند گردید.

هنگامی که دانشجویان، آکوردی با نسبت‌های^{۲۴۳} مورد پسندشان ساختند، به منظور ساختِ عطرِ همان گل، می‌توانند مواد دیگر یا جایگزین آن‌ها را (ستون سمت راست) از گروه‌های اصلی تجربه نمایند. ابتدائاً می‌بایست خودشان را به حداکثر دو یا سه ماده (ستون سمت چپ) از هر کدام از گل‌ها محدود نمایند. در این مرحله مهم است تا حد ممکن، در انتخاب مواد جسارت به خرج دهند. تمامی تلاش‌ها به موفقیت ختم نخواهد شد. اما با تخیل و جسارت، فرمول‌های جالب و اصیلی به دست خواهد آمد. ساخت رایحه گل رز با ۵۰٪ ”فنیل‌ایتیل الکل“^{۲۴۴} مشکل نیست.^{۲۴۵} اما شروع با ۲۰٪ ”دیفنیل اُکسیاد“^{۲۴۶} اقدامی عجیب است.

موادی که می‌توان با آن‌ها تعداد زیادی از نوت‌های گل را ساخت، همپوشانی دارند. هشت ماده یکسان، ”فنیل‌ایتیل الکل“، ”هیدروکسی سیترونالال“، ”بنزیل آستات“، ”فنیل آست‌آلدهاید“، ”سیترونلول“، ”هگزیل سینامیک آلدهاید“، ”تریپنئول“ و ”اِندول“ در ترکیب با یکدیگر در نسبت‌های متفاوت، می‌توانند گل‌های یاس، یاس بنفش، موگوئت یا سنبل را بسازند. سه ماده که در تمامی ترکیبات رز وجود دارند در این لیست نیز موجود می‌باشند. احتمال از دست رفتن هویت^{۲۴۷} بیس‌هایی که فقط حاوی این مواد هستند، در ترکیب نهایی وجود دارد. این بیس‌ها (که با هشت ماده فوق ساخته می‌شوند) فقط شخصیت^{۲۴۸} گل‌بوی غیرقابل طبقه‌بندی را بدون صفت مشخصه یا با هویت کمی ارائه می‌دهند. بنابراین برای ساخت نوت گل، مهم است نسبت زیادی از مواد دارای ”علامت مشخصه“^{۲۴۹} که رایحه خود را تا پایان حفظ می‌نمایند به میزان ممکن در فرمول وارد نمود.

muddiness ۲۴۰

general lack of impact ۲۴۱

final ۲۴۲

proportions ۲۴۳

phenylethyl alcohol ۲۴۴

چرا که این ماده یکی از بنیادی‌ترین مواد سافت شفافیت رز به شمار می‌رود. ۲۴۵

diphenyl oxide ۲۴۶

identity ۲۴۷

personality ۲۴۸

characteristic ۲۴۹

هرچند بیس متعادل^{۲۵۰} و خوش‌آیند^{۲۵۱} گل‌ها به تنهایی خوش‌بو هستند، اما این نوع بیس‌ها ترکیب نهایی خوب عمل نمی‌نمایند و دارای ارزش کمی می‌باشند. ترکیبات سُنبل^{۲۵۲} در این خصوص ناامیدکننده هستند. زیرا بخودی خود، شخصیت گل‌بوی لطیفی^{۲۵۳} دارند. اما در ترکیب با دیگر نوت‌های گل‌ها در محصول نهایی، چیزی بیشتر از یک "تأثیر سبز"^{۲۵۴} نیستند. موفق‌ترین آکوردها چه آن‌هایی که در بیس‌های گل‌بو پیدا می‌شوند یا آن‌هایی که عطرهای بزرگ بر آن پایه‌گذاری شده‌اند، هر جا قرار گیرند، از لحاظ معنوی فناپذیر هستند. دانشجویان باتجربه یاد می‌گیرند که بیس‌های گل-بو، در ترکیبات مختلف چگونه عمل می‌کنند. بیشتر عطاران، فقط با تعداد محدودی از بیس‌ها که با عملکردشان کاملاً آشنا می‌باشند، کار می‌کنند.

یک استثنا بر قاعدهٔ سادگی^{۲۵۵} در ساخت بیس‌ها، هنگام تقلید رایحهٔ عصارهٔ گل‌های طبیعی، همراه با کاهش هزینه اتفاق می‌افتد. در ساخت این بیس‌ها از نتایج آنالیز بهره‌برداری می‌شود. از این نوع بیس‌ها نه به عنوان قسمتی از "ساختار اساسی"^{۲۵۶} عطر، بلکه به صورت محصولی کمکی که "شخصیتی طبیعی"^{۲۵۷} را به ترکیب^{۲۵۸} وارد می‌نماید، استفاده می‌شود.

در ساخت عطر، نه تنها از مواد گل‌بوی منفرد^{۲۵۹} از قبیل "فنیل‌ایتیل الکل" به عنوان قسمتی از ساختار اصلی فرمول استفاده می‌شود، بلکه برای پشتیبانی^{۲۶۰} از این مواد، استفاده از بیس پیچیده^{۲۶۱} گل رز، بعلاوه مقدار کمی از عصارهٔ طبیعی^{۲۶۲} گل مزبور معمول است. اصل سادگی در ساختار اصلی

-
- balanced^{۲۵۰}
 - pleasing^{۲۵۱}
 - hyacinth^{۲۵۲}
 - fine^{۲۵۳}
 - green effect^{۲۵۴}
 - simplicity^{۲۵۵}
 - basic structure^{۲۵۶}
 - natural character^{۲۵۷}
 - composition^{۲۵۸}
 - individual^{۲۵۹}
 - back up^{۲۶۰}
 - complex^{۲۶۱}
 - natural^{۲۶۲}

عطر و پیچیدگی^{۲۶۳} زیاد در اجزا کوچک‌تر، یکی از اصولی است که در فصل‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

”نوت‌های ترکیبی گل رز“ ^{۲۶۴}	
”فرمول پایه“ ^{۲۶۴}	”مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های منتخب“ ^{۲۶۵}
Phenylethyl alcohol and esters	
Phenylethyl alcohol	Phenylethyl acetate
	Phenylethyl esters
	Phenoxyethyl isobutyrate
Rose alcohols and esters	
Citronellol	Rhodinol
	Geraniol
	Nerol
Geranyl acetate	Geranyl esters
	Citronellyl esters
	Tetrahydrogeraniol
	Rholiate
Other rose chemicals	
	Rose oxides
	Isodamascone
	Damascones
	Orthomethoxy benzyl ethyl ether
"Floral modifiers"^{۲۶۷}	
Ionone alpha	Beta ionone
	Linalool
	Lylal
	Hedione
"Green notes"^{۲۶۸}	
Phenylacetaldehyde	Phenylacetaldehyde dimethyl acetal

Rose—Compounding Notes ^{۲۶۴}Selected Variabts and Modifiers ^{۲۶۵}Basic Formula ^{۲۶۶}اصلاح‌کننده‌های گل‌بو ^{۲۶۷}نوت‌های سبز ^{۲۶۸}

	Methyl heptine carbonate
	Violet leaf absolute
	cis-3-Hexanol and esters
	Hivertal
	Isocyclocitral
	Nonadienal
	Methyl cyclo citrone
	Vertral
Aldehydic notes	
Aldehyde C11 undecylenic	Aldehyde C8
	Aldehyde C9
	Rosalva
	Alcohol C10
	Muguet aldehyde
"Citrus notes"^{۲۶۹}	
Citral	
	Geranyl nitrile
	Agrunitile
"Spicy notes"^{۲۷۰}	
	Eugenol
	Clove
	Cinnamon
	Pepper
Carbinols and their esters	
Rosatol	Phenylethyl dimethyl carbinol
	Dimethyl benzyl carbiny acetate
	Dimethyl benzyl carbiny butyrate
"Honey notes"^{۲۷۱}	
Ethyl phenylacetate	Methyl phenylacetate
	Citronellyl phenylacetate
	Eugenyl phenylacetate
	Phenylethyl phenylacetate

^{۲۶۹} نوت‌های مرکبات

^{۲۷۰} نوت‌های ادویه‌ای

^{۲۷۱} نوت‌های عسل

	Phenylacetic acid
	Cire d'abeille absolute
"Additional base notes"²⁷²	
	Diphenyl oxide
	Cassione
	Frambinone
	Musk T
	Ambrettolide
Naturals²⁷³	
Geranium	Camomile bleue
	Camomile Roman
	Palmarosa
	Carrot seed
	Guaiacwood
	Sandalwood
	Iris concrete
	Mimosa absolute
	Benzoin Siam
Blenders²⁷⁴	
	Nerolidol
	Farnesol

^{۲۷۲} نوت‌های پایه‌ای اضافی

^{۲۷۳} مواد طبیعی

^{۲۷۴} مخلوط‌کننده‌ها

نوت‌های ترکیبی یاس ^{۲۷۵}		
فرمول پایه شماره ۱ (نوع سنتی ^{۲۷۶})	فرمول پایه شماره ۲ (نوت ايسولوتی) ^{۲۷۷}	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های منتخب
Benzyl acetate		
Benzyl acetate	Benzyl acetate	Benzyl propionate
		Benzyl valerianate
		Benzyl isobutyrate
		Dimethyl benzyl acetate
Phenylethyl alcohol and esters		
Phenylethyl alcohol		Phenoxyethyl alcohol
Phenylethyl acetate		Phenylethyl butyrate
Hydroxycitronellal		Phenoxyethyl isobutyrate
Hydroxycitronellal		Lilial
		Lyral
Linalool		
Linalool	Linalool	Linalyl acetate
Floral modifiers		
Geraniol	Geraniol	Citronellyl lactone
	DMBCA	
		Ionone alpha
		Isobutylbenzyl carbonate
	Eugenol	Isoeugenol
Green notes		
	cis-3-Hexenyl acetate	
	Violet leaf absolute	
	cis-3-Hexenyl benzoate	
Floral cinnamic derivatives²⁷⁸		
Amyl cinnamic aldehyde	Hexyl cinnamic aldehyde	Cinnamic alcohol

Jasmin^{۲۷۵}

Classic^{۲۷۶}

Absolute Type^{۲۷۷}

مشتقات^{۲۷۸}

		Benzyl cinnamate
Other jasmine chemicals		
	Hedione	Dragojasimia
		cis-Jasmone
		Dihydro jasmone
Anthranilates and Schiff bases		
Aurantiol	Methyl anthranilate	Other Schiff bases
Indolic		
Indol	Indol	Scatol
		Indolal
		Indolene
		Lactoscatone
Paracresol and esters		
Paracresol	Paracresyl acetate	
	Paracresyl	
	phenylacetate	
Fruity²⁷⁹		
Aldehyde C14		Aldehyde C18
		Aldehyde C16
		Gammadecalactone
	Maltol	Frambinone
		Cycloamylone
Naturals		
Ylang extra		Cananga
	Roman camomile	Foin absolute
	Celery seed	Immortelle absolute
		Mimosa absolute
		Benzoin siam
Blenders²⁸⁰		
Benzyl alcohol	Benzyl alcohol	Nerolidol
	Benzyl benzoate	Isophytol

نوت‌های ترکیب موگونت ^{۲۸۱}	
فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های منتفب
Hydroxycitronellal	
Hydroxycitronellal	Lyral
	Lilial
Additional²⁸² aldehydic notes	
Cyclamen aldehyde	Muguet aldehyde
	Dupical
	Aldehyde C7
	Aldehyde C10
	Oncidal
Linalool	
Linalool	Ethyl linalool
	Rosewood
	Tetrahydrolinalool
	Dimetol
	Linalyl acetate
Phenylethyl alcohol	
Phenylethyl alcohol	Phenylethyl methylethyl carbinol
	Phenylethyl isobutyrate
	Phenylethyl formate
	Phenylethyl phenylacetate
Rose alcohols	
Citronellol	Rhodinol
	Geraniol
	Citronellyl acetate
Floral modifiers	
Benzyl acetate	Hedione
	Ionone alpha
	Isoeugenol

Green notes	
Phenylacetic aldehyde	Phenylacetaldehyde dimethyl acetal
	cis-3-Hexanol and esters
	Hivertal
	Phenylacetaldehyde glycerioacetal
	Acetaldehyde diphenylethyl acetal
Floral cinnamic derivatives	
Hexyl cinnamic aldehyde	Amyl cinnamic aldehyde
	Linalyl cinnamate
	Cinnamic alcohol
	Cinnamyl acetate
	Phenylpropyl alcohol
	Phenylpropyl acetate
"Sweet floral"²⁸³	
	Heliotropin
Indolic	
Indol	Indolal
	Civet
Naturals	
	Sandalwood
	Jasmine absolute
	Rose absolute
Blenders	
Benzyl benzoate	Farnesol

نوت‌های ترکیب "یاس شیروانی" ۲۸۴	
فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های متنوع
Phenylethyl alcohol	
Phenylethyl alcohol	Phenoxyethyl isobutyrate
	Phenylethyl formate
Terpineol	
	Terpineol
Ylang	
Ylang extra	Benzyl acetate
	Linalool
	Methyl paracresol
	Methyl benzoate
Muguet notes	
Hydroxycitronellal	Lilial
	Lyrall
	Cyclamen aldehyde
	Citronellol
	Geraniol
Green notes	
Phenylacetaldehyde	Phenylacetaldehyde dimethyl acetal
	Syringa aldehyde
	para-Tolyl aldehyde
	Methyl acetophenone
	Cuminic aldehyde
Anisic notes	
Anisaldehyde	Anisic alcohol
	Anisyl acetate
	Acetanisol
Sweet floral	
Heliotropin	Vanillin
Floral cinnamic derivatives	

Cinnamic alcohol	Phenylpropyl alcohol
	Phenylpropyl acetate
	Amyl cinnamic aldehyde
Isoeugenol	
Isoeugenol	Methyl isoeugenol
Indolic	
Indol	
Naturals	
	Petitgrain
	Styrax oil
Blenders	
Benzyl alcohol	

نوت‌های ترکیب "میخک صدپر" ۲۸۵	
فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های متناسب
Ylang	
Ylang extra	Ylang no. 2
	Cananga
	Benzyl acetate
Rose notes	
Geraniol	Citronellol
	beta Damascone
	Rose oxide
	Geranium
	Citronellyl acetate
	Phenylethyl alcohol
	Orthomethoxy benzyl ethyl ether
Floral modifiers	
	Linalool
	Isobutyl benzoate
	Hedione
Spicy notes	
Eugenol	Isoeugenol
	Methyl eugenol
	Isoeugenyl acetate
	Benzyl isoeugenol
Honey	
	Eugenyl phenylacetate
	Isobutyl phenylacetate
	Phenylethyl phenylacetate
Floral cinnamic derivatives	
Cinnamic alcohol	Phenylpropyl alcohol
	Cinnamyl acetate
	Methyl cinnamate

	Amyl cinnamic aldehyde	
	Hexyl cinnamic aldehyde	
Salicylate		
Benzyl salicylate	Amyl salicylate	
	Hexyl salicylate	
	cis-3-Hexenyl salicylate	
"Vanilla-Sweet"²⁸⁶		
Heliotropin		
Naturals		
	Clove	Carrot seed oil
	Pepper	Guaiacwood
	Rose oil	Cedarwood
	Iris concrete	Citronella

نوت‌های ترکیب سنبل ۲۸۷

فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های متناسب
Phenylethyl alcohol	
Phenylethyl alcohol	Phenylethyl acetate
	Phenylethyl formate
Benzyl acetate	
Benzyl acetate	Benzyl propionate
	Benzyl formate
Green notes	
Galbanum oil	Galbanum resin
Hydratropic aldehyde dimethyl acetal	Hydratropic aldehyde
	Phenylacetaldehyde
	Phenylacetaldehyde dimethyl acetal
	Phenylacetaldehyde glycerioacetal
	Vertral
	cis-3-Hexanol, acetate
Floral modifiers	
	Linalool
	Cyclamen aldehyde
	Lilial
Rosatol	Heliotropin
Floral cinnamic derivatives	
Cinnamic alcohol	Phenylethyl cinnamate
Phenylpropyl alcohol	Styrax
	Amyl cinnamic aldehyde
Salicylate	
Amyl salicylate	Phenylethyl salicylate
	Benzyl salicylate
Eugenol	
Eugenol	Methyl eugenol
Indolic	

Indol	Indolene
	Indolal

نوت‌های ترکیب بنفشه ^{۲۸۸}	
فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های متنوع
Ionones	
Methyl ionone	Ionone beta
Ionone alpha	
Phenylethyl alcohol and esters	
Phenylethyl alcohol	Phenoxyethyl propionate
	Phenoxyethyl isobutyrate
Green notes	
Methyl octine carbonate	Methyl heptine carbonate
	cis-3-Hexenyl methyl carbonate
	Nonadienal
	Parmavert
	Violet leaf absolute
	Liffarome
	Phenylacetaldehyde glyceracetate
	Fiorivert
Anisic	
Anisaldehyde	
Jasmine notes	
Amyl cinnamic aldehyde	Dragojasimia
	Isojasmone
	Benzyl phenylacetate
Sweet floral	
Heliotropin	Cassione
	Frambinone
Woody²⁸⁹	
	Iso E super

Naturals	
Sandalwood	Cedarwood
	Geranium
	Rose
	Cassie
	Iris
Blenders	
Benzyl benzoate	

نوت‌های ترکیب "بهار نارنج-شکوفه پرتقال" ۲۹۰	
فرمول پایه	مواد جایگزین و اصلاح‌کننده‌های متناسب
Phenylethyl alcohol	
Phenylethyl alcohol	
Linalool	
Linalool	Ethyl linalool
	Dimetol
Fresh²⁹¹	
Petitgrain	Sweet orange
Linalyl acetate	Ethyl linalyl acetate
Green notes	
Acetophenone	Cortexal
	Hivertal
Rose alcohols and esters	
Geraniol	Nerol
Geranyl acetate	Neryl acetate
	Geranyl acetone
	Citronellol
Anthranilates and Schiff bases	
Methyl anthranilate	
Aurantiol	Meaverte
Orange flower chemicals	
Methyl naphthyl ketone	Nerolin bromelia
	Nerolin yara yara
Honey notes	
Phenylethyl phenylacetate	Linalyl phenylacetate
	Benzyl phenylacetate
	Phenylacetic acid
Aldehydic notes	
Aldehyde C10	Aldehyde C8

	Alcohol C12
Indolic	
Indol	Indolene
Blenders	
Benzyl alcohol	Nerolidol

۷. مهارت‌های تطبیق‌سازی^{۲۹۲}

هنگامی که دانشجوی رشته عطاری، با مواد اولیه اساسی آشنا گردید و به مهم‌ترین آکورد گل‌ها تسلط یافت، احساس می‌کند برای ساخت عطر کامل آمادگی دارد. مطمئناً هیچ ضرری ندارد گهگاه به دانشجویان، اجازه نمایش خلاقیت داده شود. دانشجویان در برخی موارد، به صورت شانس‌یابی یا به دلیل استعدادشان، حتی در همان مراحل اولیه، آکوردهای نو و جالبی کشف می‌نمایند. هرچند این کار بسیار مهیج است، اما اغلب به ناامیدی ختم می‌شود. چیزی که ابتدا ایده جالبی به نظر می‌رسید، علی‌رغم مشاوره با همکاران و تبادل نظر با افرادی که نتایج اولیه به ایشان ارائه گردیده، اغلب اوقات نمی‌تواند به صورت عطری متعادل و خوش‌آیند درآید. وقتی دانشجو فهمید ساخت عطر جدید، سخت‌تر از آن چیزی است که ابتدا تصورش را می‌کرد، حال آماده است یکی از مهم‌ترین قسمت‌های اولیه آموزش خود را شروع نماید و آن تطبیق^{۲۹۳} یا تقلید^{۲۹۴} عطرهای بزرگ حال و گذشته است.

Matching^{۲۹۲}

Matching^{۲۹۳}

Matching^{۲۹۴}

تطبیق‌سازی به عنوان روش یادگیری

یادگیری، از طریق بررسی آثار اساتید بزرگ، در مطالعهٔ انواع هنرها مهم است. به این دلیل، دانشجویان هنر، در موزه‌ها، نقاشی اساتید را بازسازی می‌کنند و ریچارد واگنر جوان، سمفونی بتهون را نوت به نوت تولید نمود. قوانین زیباشناسی عطاری، مثل اصول هماهنگی^{۲۹۵} و تباین^{۲۹۶}، ”وحدت تأثیر“^{۲۹۷} و ”قابلیت ماندن در خاطره‌ها“^{۲۹۸} ژرفا^{۲۹۹} و اثر^{۳۰۰} را نمی‌توان فقط با کلمات بیان نمود. اما این قوانین، در عطرهاى بزرگ نهفته است. بهترین راه شناخت این قوانین، ساخت دوبارهٔ عطرها، یعنی مطابق‌سازی^{۳۰۱} است.

تا چند سال قبل، تطبیق عطر، امری ملال‌آور و ناامیدکننده بود. آزمایشات سخت‌زیادی می‌بایست انجام می‌گرفت و نتیجهٔ حاصله، اگرچه بعضی اوقات، عطر جدید قابل قبولی بود، اما معمولاً شبیه عطر اصیل نبود. حتی با کمک عطار ارشد نیز برای به دست آوردن فرمول عطرهاى بسیار ساده، سال‌ها وقت لازم بود. امروزه، به علت فراهم بودن اطلاعات جی.سی، دانشجویان، بیشتر و سریع‌تر یاد می‌گیرند و به نتایجی دست می‌یابند که برای نسل‌های قبلی عطاران، غیرقابل دسترس بود. وجود اطلاعات زیاد نیز ممکن است تأثیر عکس داشته باشد. چرا که خیلی مواقع، اطلاعات زیاد برای پیشرفت دانشجوی عطاری می‌تواند مضر باشد. همان‌گونه که اطلاعات کم ناامیدکننده است، ارائهٔ تعدادی فرمول به دانشجو نیز نمی‌تواند وی را به استاد حرفه‌ای خودش تبدیل نماید. عمل سخت تطبیق‌سازی که قسمت اصلی فرآیند آموزش است، نه تنها مهارت آنالیز بویایی دانشجو را ارتقا می‌دهد، بلکه یکی از بهترین راه‌های یادگیری از طریق سعی و خطای پیوسته است. هنگام انجام سعی و خطا، مواد به نسبت‌های مختلفی با هم ترکیب می‌شوند و ترکیبات متفاوتی دارای رایحه‌های گوناگون، مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

harmony^{۲۹۵}

contrast^{۲۹۶}

unity of impression^{۲۹۷}

memorability^{۲۹۸}

depth^{۲۹۹}

impact^{۳۰۰}

Matching^{۳۰۱}

امروزه اغلب عطاران، با استفاده از اطلاعات جی.سی. کار می‌کنند. اما یکی از وظایف عطاری ارشد مسئول آموزش، سهمیه‌بندی اطلاعات به گونه‌ای است که دانشجویان، مهارت‌های لازم آنالیز بویایی و آکوردهای ایجادکننده ساختار عطر را یاد بگیرند و نسبت هر ماده‌ای که در ترکیب نهایی به بهترین وجه کار می‌کند را کشف نمایند. ارائه عاقلانه اطلاعات، به دانشجویان اجازه می‌دهد پیشرفت کافی و سریعی داشته باشند تا انگیزه خود را حفظ نمایند.

دانشجویان می‌بایست تشویق گردند فهم خردمندانه‌ای از فرمول به دست آورند به گونه‌ای که پس‌زمینه ذهن خالق را کشف نمایند. دانشجویی که تطبیقش را بدون شناخت طریقه کنار هم قرار دادن مواد خوش‌بو تمام نماید، نمی‌تواند عطرهای موفقی بسازد.

دانشجویان هنگام کار روی عطر، دائم می‌بایست به دنبال آکوردهای مهم فرمول و تأثیرات عجیب این آکوردها بگردند. برای مثال، ممکن است دانشجویان، ترکیب مشخصی از ایونون، ”بنزیل استات“ و وانیلین را که شمیمی شبیه رایحه تمشک دارد را کشف نمایند. در ابتدا به نظر می‌رسد که این رایحه، از وجود یک ماده ایجاد می‌گردد. دانشجویان می‌بایست شباهت ساختار عطرهای مختلف را یافته و آکوردهای پایه‌ای خانواده‌های اصلی عطر را تشخیص دهند. اما مهم‌تر اینکه کنجکاوی خود را حفظ نمایند. سعی کنند نه تنها به نزدیک‌ترین تطبیق ممکن برسند، بلکه اهمیت هر ماده موجود در فرمول را بفهمند.

آخرین دلیلی که یاد گرفتن مهارت تطبیق را الزامی می‌نماید این است که در خلق واقعی یک عطر جدید، نوعی تقلید وجود دارد. جایی که عطاری، فرمولی را می‌نویسد یا تغییر می‌دهد، هدفش دستیابی به تأثیر تصوّر شده ذهنی خاصی است. ایشان تصویر ذهنی‌شان را در خصوص حس مورد نظر را با ساختن ترکیب جدید، مطابق‌سازی می‌نمایند. مهارت‌هایی که دانشجویان هنگام تطبیق اثر عطاران دیگر یاد می‌گیرند ایشان را قادر می‌سازد ایده‌های خلاقانه خودشان را درک و پیاده‌سازی نمایند.

هرچند گاز کروماتوگرافی در تطبیق عطر، امری ضروری است، اما در ابتدا فقط با بارزش‌ترین ابزار آنالیزی، یعنی بینی انسان کار می‌کنیم.

”مهارت بویایی تملیلی“^{۳۰۲}

هر مطلبی که در بخش ۳ در مورد مهارت‌های عمومی بویایی گفته شد، در خصوص بویایی تحلیلی نیز قابل اعمال است. همان‌گونه که مواد جدید را می‌بایست بررسی نماییم، ارزیابی رایحه این مواد در مراحل مختلف تبخیرشان در ترکیب نیز مهم است. اجزا ترکیب، به دلیل ”فشار تبخیر“^{۳۰۳} متفاوت، با سرعت‌های گوناگونی بخار می‌گردند. بنابراین مواد خوش‌بو، در مراحل مختلف تبخیر، خودشان را نشان می‌دهند. فرآرترین اجزا در مراحل اولیّه تبخیر، ولی چسبنده‌ترین آن‌ها در مراحل پایانی، وقتی که اغلب مواد دیگر ضعیف شده‌اند، ظاهر می‌گردند. لذا بررسی را می‌بایست تا انتها و تا هنگام نمایش نوت پایانی ادامه داد. چرا که بسیاری از اجزا از قبیل مشک‌ها و ”بنزیل سالیسیلات“ به سختی در نوت اولیّه عطر قابل تشخیص می‌باشند و خود را در نوت پایه نمایش خواهند داد.

بویایی با تمرکز کامل، هنگام ارزیابی ترکیب، مهم‌تر از هنگام بررسی مواد اولیّه مجزاً است. دانشجویان طبیعتاً خواهند توانست توان بررسی اجمالی ترکیب را به دست آورند و بر اجزای مختلف آن، به نوبت تمرکز نمایند. ایشان فرا می‌گیرند سوالات واضحی از این قبیل بپرسند: آیا عطر حاوی سالیسیلات است؟ آیا بوی ادویّه ترکیب، از ادویه‌های شیرین از جمله یوگنول، میخک یا ”فلفل فرنگی شیرین“ می‌آید؟ آیا یوگنول به تنهایی وجود دارد یا در ترکیب با مواد دیگر؟ بویایی با تمرکز یعنی کنار گذاشتن ذهنی اجزائی که حضورشان در ترکیب کاملاً کشف شده و بوییدن در کنار آن برای تشخیص مواد دیگر. لمی که توسط پاول جلینک پیشنهاد گردیده این است: اشباع نمودن بویایی با ماده‌ای که مطمئناً در ترکیب وجود دارد، تا حس بویایی، بیشتر به مواد دیگر حسّاس گردد. استفاده از این لم، هنگامی که ساخت عطر به آخرین مراحل خود نزدیک می‌گردد مفید می‌باشد. موادی که در مراحل قبلی قابل تشخیص نبودند، خود را هنگام مقایسه نسخه تکمیل نشده با نسخه اصلی نشان می‌دهند. تکنیک دیگر، مقایسه دو نوار بویایی از یک عطر، در دو مرحله مختلف تبخیر است. تا اجزایی که از نوار بویایی قدیمی‌تر محو شده‌اند با استفاده از نوار جدیدتر شناخته شوند.

راودنیتسکا برای کمک به بویایی تحلیلی پیشنهاد می‌کند: قطره‌ای از عطر مورد تطبیق را بر روی کاغذ بویایی پهن نمود. بدون اینکه قطره به اطراف کاغذ برسد. این کار باعث می‌شود درجه‌ای از جدایی فیزیکی بین اجزا اتفاق بیافتد. این اصل مانند کروماتوگرافی با استفاده از کاغذ، پایه کروماتوگرافی گازی را نیز تشکیل می‌دهد.

”تشخیص الگوهای بویایی“^{۳۰۴}

عطار باتجربه، حتی هنگام بوییدن ترکیب پیچیده، به آسانی قادر است حضور اجزا طبیعی را در ترکیب تشخیص دهد. وی برای شناخت مواد موجود، نیاز ندارد به هزاران ماده خوشبو فکر کند. ترکیبات ویژه، مانند ”نعناع هندی“، ”شمع‌دانی عطری“ یا ”تولو بالسام“ از لحاظ بویایی، الگویی دارند که عطاران قادرند فوراً آن را بشناسند.

عطاران باتجربه توان شناخت الگوی ”عطرهای ساخته شده نهایی“ را دارند. عطاران باتجربه، الگوی ویژه عطرهای سنتی را می‌شناسند. عطاری که عطر جدید مردانه‌ای از خانواده فوجر را می‌بوید، ترتیب شناخت وی بدین صورت نیست که ابتدا اسطوخودوس، ”نعناع هندی“، ”خزه بلوطی“ و کومارین (حاضران سنتی خانواده فوجر) را تشخیص دهد. سپس و از روی مواد تشکیل‌دهنده آن، عطر فوجر را. ترتیب تشخیص عطار برعکس است. وی ابتدا نوع فوجر را تشخیص می‌دهد و سپس می‌گوید: ”از آنجا که این عطر از نوع فوجر است، می‌بایست دارای اسطوخودوس و ... باشد.“ عطار با استشمام بیشتر عطر، به دنبال مواد دیگر می‌گردد. سپس دقت خود را بر روی ویژگی‌هایی که آن عطر را از الگوی فوجر متعارف متمایز می‌کند متمرکز می‌نماید و اجزا عرفی آن را به صورت ذهنی کنار می‌گذارد. وی ممکن است تغییرات جزئی از قبیل نوت انیسیک^{۳۰۵} یا شخصیت ”سبزبو میوه‌ای“^{۳۰۶} را در عطر مورد بررسی تشخیص دهد.

همان‌گونه که در بخش آتی بحث خواهد شد، اغلب عطرها، در خانواده‌های در حال پیشرفت و مشخصی دسته‌بندی می‌شوند. شناسایی خانواده آن و چگونگی ارتباط عطر با دیگر عطرهای درون آن خانواده، عطار آموزش‌دیده را از مواد موجود در فرمول آگاه می‌نماید.

^{۳۰۴} Smelling in Patterns

^{۳۰۵} Anisic (بادیان رومی، انیسون)

^{۳۰۶} fruity green

مغز انسان (و اکثر حیوانات) در تشخیص الگوها، به صورت ویژه‌ای تخصص دارند. ما فوراً می‌توانیم در اتاقی پر از انسان‌های در حال گفتگو، کلمات خاصی را تشخیص دهیم. یا در ارکستر به صورت مجزاً، به ویولون گوش فرا دهیم. توان شناخت اشیا از میان اطلاعات زیاد ورودی بصری نیز بر توان تشخیص الگوها پایه‌گذاری شده است. مغز انسان، حتی از هوشمندترین کامپیوترها نیز بهتر به انجام این تشخیص می‌پردازد.

توان شناخت الگوها را مانند تمامی مهارت‌ها، به مقدار زیادی می‌توان با تمرین و ممارست ارتقا داد. این مهارت است که کارشناسان را از افراد عادی متمایز می‌کند. خواه در بازی شطرنج باشد، در بافت‌شناسی طبی، در عطاری، در آنالیزهای جی.سی. و یا در دیگر رشته‌ها. زیرا شناخت الگوها، بخش اساسی مهارت هر عطار هست. آموزش عطار، بر شناخت مجموعه‌های (ترکیب مواد، الگوها) بویایی متمرکز است. این مجموعه‌ها، هم شامل آن‌هایی که در طبیعت وجود دارند هست و هم ترکیباتی که توسط عطار ساخته می‌شوند.

تطبیق‌سازی با استفاده از شامه

همان‌گونه که تاکنون بیان گردید، امروزه بیشتر کار تطبیق‌سازی، با کمک دستگاه گاز کروماتوگرافی انجام می‌گردد. اما اجازه دهید فعلاً فراموش کنیم دستگاه جی.سی. در دسترس است و بحث‌مان در خصوص تطبیق‌سازی را فقط با راهنمایی حس شامه ادامه دهیم.

اجازه دهید برگردیم به نمونه‌ای که می‌بایست تطبیق گردد. پس از بوییدن ترکیب و شناخت خانواده عطر، می‌توانیم ساخت ترکیب را با نسبت‌های معقول و از اجزای شناخته شده شروع نماییم. این کار می‌بایست در نهایت احتیاط انجام گردد. اصل ”اگر شک داری، انجامش نده“^{۳۰۷} در اینجا بسیار پرکاربرد است. چرا که جدا نمودن ماده اشتباه از ترکیب، سخت‌تر از اضافه کردن جزء از قلم افتاده می‌باشد.

چون ممکن است ماده اشتباهی در محلول قرار بگیرد، بهتر است از تکنیک ترکیب خطی^{۳۰۸} استفاده گردد. این تکنیک بدین معناست بجای استفاده از بیس‌ها، از مواد منفرد^{۳۰۹} و یا طبیعی استفاده

شود. علی‌رغم این، هنگامی که از وجود بیس‌های پرکاربرد سنتی در عطر اطمینان حاصل گردید، می‌توان آن بیس‌ها را نیز به ترکیب اضافه نمود.

همچنین، هنگام ”پرداخت نمودن“^{۳۱۰} ترکیب ”کامل شده“^{۳۱۱} یا هنگامی که هدف از تطبیق، حصول به عطر کاملاً شبیه^{۳۱۲} نیست، می‌توان از بیس‌ها استفاده نمود. این نوع تطبیق‌ها را اصطلاحاً ”الهام گرفته شده“^{۳۱۳} از عطر اصلی می‌نامند.

انجام تطبیق، نیاز به مهارت بویایی مقایسه‌ای (تحلیلی) دارد. عطر اصیل می‌بایست دوباره و دوباره، با نمونه‌های ساخته شده قبلی مقایسه گردد. بهتر است ابتدائاً نسخه اصلی و آخرین نسخه ساخته شده را با هم مقایسه کنیم. اما مهم است همیشه به عقب برگشته و مطمئن گردیم در مسیرمان به بیراهه نرفته‌ایم. پاسخ صادقانه به این سوال که کدام‌یک از ترکیبات ساخته شده، به نمونه اصلی نزدیک‌تر است؟ اغلب مشکل می‌باشد. چون معمولاً فکر می‌کنیم آخرین نمونه، بهترین و نزدیک‌ترین نمونه به عطر اصلی است.

یکی از مشکلات بویایی مقایسه‌ای این است که رایحه نمونه دوم، قویاً تحت تأثیر احساس ایجاد شده از عطر اول قرار دارد.^{۳۱۴} مخصوصاً هنگامی که دو نمونه پی در پی و بدون وقفه استشمام می‌شوند. پدیده سازگاری^{۳۱۵} بویایی باعث می‌شود نمونه اول، قوی‌تر از دومی به نظر برسد. بعلاوه امکان دارد پدیده ”انتقال احساس به استشمام بعدی“^{۳۱۶} نیز اتفاق بیافتد. بدین معنی که احساس شود نوت شناخته شده در عطر اول، در نمونه دوم، حتی اگر وجود نداشته باشد موجود است. برای کم کردن این قبیل تأثیرات، نبایستی مدت زیادی بر استشمام یکی از دو نمونه معطل گردیم و باید زودتر به نمونه دوم پردازیم. اما وقفه بین دو استشمام نباید زیاد باشد. زیرا خاطره ایجاد شده توسط نوت‌های پیچیده، زود دقت خود را از دست خواهند داد.

single^{۳۰۹}finishing^{۳۱۰}completed^{۳۱۱}close^{۳۱۲}inspired by^{۳۱۳}نمونه اول شامه را اشباع می‌نماید.^{۳۱۴}Adaptation^{۳۱۵}carry-over effect^{۳۱۶}

هنگامی که تفاوت بین دو نمونه شناسایی شد (مثلاً نمونه اصلی دارای "نعناع هندی" است در حالی که دوّمی فاقد آن) می‌بایست فرضیه خود را امتحان کنیم. برای این منظور می‌توانیم نوارها را در دست‌مان جابجا نموده تا جایی که ندانیم کدام نمونه اصلی و کدام یک نمونه تطبیقی است. حال فقط با راهنمایی فرضیه جدیدمان، سعی نماییم نمونه اصلی را تشخیص دهیم. اگر این کار آسان بود، فرضیه‌مان درست است.

تکنیک دیگری که در آزمایش فرضیه مفید است نگه داشتن نوار بویایی ماده‌ای که می‌بایست اضافه شود در کنار نمونه تطبیقی است، به گونه‌ای که بتوانیم دو ماده را هم‌زمان استشمام نماییم. این کار یعنی افزودن آزمایشی (هرچند غیردقیق) ماده مورد نظر به ترکیب.

هم‌اکنون نمونه‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم. این بار بر دیگر جنبه‌های عطر، از قبیل آکوردهای گل‌بو، آلدهایدها یا نوت‌های جانوری تمرکز می‌نماییم. نگه‌داری و ثبت تمامی اطلاعات عطرها و تطبیق آن، به وقت و تلاش زیادی نیاز دارد که شامل مقایسه نمونه‌ها، بارها در همه مراحل تبخیر، از نوت اولیه تا نوت پایانی است.

اینکه چقدر می‌بایست به مقایسه نمونه اصلی با نمونه تطبیقی و اضافه کردن مواد دیگر پرداخت، سوالی است که تجربه و قضاوت، می‌تواند به آن پاسخ دهد. همیشه وسوسه‌ای وجود دارد که بیشتر به پیش برویم و بدون توجه به موادی که می‌بایست کنار گذاشته شود، ماده بیشتری اضافه نماییم. با انجام این کار، فرمول، بیش از حد پیچیده شده و امکان شناخت ایده‌های درست از غلط از بین خواهد رفت. قاعده طلایی در همانندسازی این است که دائم به عقب و به ساختار پایه‌ای عطر برگردیم. قبل از رسیدن به تزئین عطر، ساده‌سازی در هر مرحله‌ای ممکن بوده و می‌بایست انجام گردد.

”تونل بویایی“^{۳۱۷}

یکی از مشکلات تطبیق این است که ترکیب ساخته شده، قبل از اینکه با نمونه اصیل کاملاً یکسان گردد، ما را ارضا نماید. چرا که مستعدیم، رایحه ترکیب را به عطر اصلی نزدیک بدانیم. معمولاً

پدیدهٔ ”بویی که آرزو داریم“^{۳۱۸} در تطبیق‌سازی همیشه وجود دارد. ما آن بویی را می‌فهمیم که انتظارش را داریم و دوست داریم استشمام کنیم. چیزی که اینجا شرح دادیم ”تونل بویایی“ نامیده می‌شود.

اغلب متوجه پیچیدگی‌های عطر نمی‌شویم. خصوصیات قوی‌تر عطر، بر احساس ما غلبه می‌نماید. اگر این صفات را بازسازی نماییم، فکر می‌کنیم راه زیادی را در تطبیق عطر پیموده‌ایم. اما فرد دیگری که خصوصیات دیگر عطر اصیل را متوجه می‌شود، می‌تواند اختلاف بین این دو را شناسایی نموده و کمتر تحت تأثیر پدیدهٔ ”تونل بویایی“ قرار گیرد.

گذشت زمان و بازگشت به محل کار در روز بعد، در چیره شدن بر ”تونل بویایی“ کمک بزرگی می‌کند. همچنین بردن نمونه‌ها به منزل نیز مفید است. زیرا رایحه‌ها در مکان‌های مختلف، متفاوت به نظر می‌رسند. خودرو نیز فضایی عالی را برای استشمام فراهم می‌نماید. علی‌رغم این، بوییدن در راه منزل از محل کار، با دستی بر روی فرمان و دست دیگر در حال استشمام نوار بویایی را پیشنهاد نمی‌کنیم.

روش ساده برای غلبه بر ”تونل بویایی“، نظرخواهی از همکاران است. اینکه این عقاید مفید است یا نه؟ بستگی به شخصیت افرادی دارد که از ایشان نظرخواهی می‌شود. برخی افراد، ذاتاً از یافتن اشتباهات ناتوان هستند و ممکن است ما را به دلیل تذکرات بی‌مسئولانه‌شان گمراه و ناامید کنند. دانشجویان خواهند فهمید برای راهنمایی به چه کسی مراجعه نمایند. اینجا نقش استاد دلسوز، در انجام انتقاد سازنده و تشویق، خیلی مهم است. مساعدت به هم‌دیگر و انجام انتقاد سازنده توسط عطاران ارشد یا دانشجویان، به میزان زیادی به فضای کاری درون بخش عطاری بستگی دارد. اگر عطار با موفقیت‌های شخصی‌اش سنجیده شود، رقابت زیاد شده و انتقاد سازنده از کار یکدیگر کم می‌شود. به این دلیل، دانشجویان از ابتدا می‌بایست تشویق شوند که همکاری دوستانه‌ای داشته یا در قالب گروه‌های دو نفره و در رقابت با یکدیگر کار کنند.

کاربرد و فواید گاز کروماتوگرافی

به گاز کروماتوگرافی "نوار کاغذی بزرگ"^{۳۱۹} یا "نوار بویایی"^{۳۲۰} اطلاق می‌گردد. نوار بویایی، ترکیب عطر را در زمان نسبتاً بلندی در گروه‌های بسیار فرار، کمتر فرار و اجزا چسبنده، از هم جدا می‌کند. گاز کروماتوگرافی این مهم را نه تنها بسیار سریع‌تر (آنالیز کامل یک عطر با این دستگاه، معمولاً ۹۰ دقیقه زمان می‌برد) بلکه بسیار کامل‌تر انجام می‌دهد. متصدی ماهر این دستگاه، عطر را کاملاً از هم جدا می‌کند و اجزا آن یکی پس از دیگری، به صورت مجزاً، از درگاه خروجی دستگاه خارج می‌گردند.

کتاب‌های عالی زیادی در مورد تئوری گاز کروماتوگرافی نگاشته شده، بنابراین این موضوع را در متن حاضر، به صورت جزئی بحث نمی‌کنیم. اما خلاصتاً اینکه گاز کروماتوگرافی، بر اساس انرژی متفاوت مورد نیاز برای هر ماده در ترکیب، تا از فاز مایع به حالت گاز درآید پایه‌گذاری شده است. این ایده پیچیده را با بررسی آن چه به صورت واقعی در دستگاه گاز کروماتوگرافی اتفاق می‌افتد بهتر می‌توان فهمید. هنگامی که قطره عطر، به بخار گاز حامل داخلی تزریق می‌شود، تبخیر و به فاز سیال تبدیل می‌گردد. این گاز از میان برج گرم می‌گذرد. در این برج، گاز از بالای فاز ساکن، حاوی مایعی که به سطح گاز داخلی جذب شده، عبور می‌نماید. اجزای مجزای ترکیب، هنگامی که از میان ستون می‌گذرند از هم جدا می‌شوند. این تجزیه بعلاً سرعت‌های مختلفی است که در آن مواد از فاز ساکن مکرراً جذب شده و پس زده می‌شوند. هر کدام از اجزا، هنگامی که پورت خروجی را ترک می‌کنند به صورت الکترونیکی تشخیص داده شده و به عنوان سری "نقاط ماکزیموم"^{۳۲۱} بر روی کاغذ متحرک کروماتوگرام ثبت می‌شوند. بلندی نقطه ماکزیموم یا به صورت دقیق‌تر سطح زیر آن، متناسب است با میزان ماده‌ای که در ترکیب وجود دارد. زمان اختصاصی که یک جزء نیاز دارد تا تحت شرایط معین از قبیل دما و نرخ جریان گاز حامل از میان ستون بگذرد، "زمان ابقا"^{۳۲۲} نامیده می‌شود. هنگامی که مواد پورت خروجی را ترک می‌کنند، علاوه بر تشخیص مواد با وسایل

super blotter^{۳۱۹}

smelling strip^{۳۲۰}

peaks^{۳۲۱}

retention time^{۳۲۲}

الکترونیکی، ممکن است توسط عطّار استشمام و شناسایی گردند. این کار تجربهٔ مخصوصی نیاز دارد. زیرا مواد در حالت بخار، رایحهٔ متفاوتی دارند تا وقتی که روی نوار بویایی استشمام می‌شوند. هنگامی که گاز کروماتوگرافی، تازه به وجود آمده بود، از ستون‌های شیشه‌ای که با کپسول‌های مادهٔ فاز ساکن بسته شده بودند استفاده می‌گردید. هم‌اکنون به دلایل زیادی، این ستون‌ها با ستون‌های مویرگی که اغلب ۶۰ متر طول دارند و از داخل با مواد فاز ساکن پوشیده شده جایگزین گردیده‌اند. این ستون‌ها میزان کمتری از ترکیب را تزریق می‌کنند و جداسازی، به صورت موثرتری صورت می‌پذیرد. حتی موادی که کمتر از ۰/۰۱٪ کل ترکیب را شکل می‌دهند نیز توسط دستگاه قابل شناسایی می‌باشند.

از مواد مختلفی می‌توان به عنوان فاز ساکن استفاده کرد. موادی که بیشتر از همه در آنالیز عطّاری استفاده می‌گردند را اصطلاحاً مواد قطبی می‌نامند. (کربوواکس‌ها^{۳۳۳} و معادل‌های آن) ستون‌های قطبی، همانند نوار کاغذی بویایی، اجزا را هنگامی که در حال تبخیر شدن هستند، از هم جدا می‌کنند. استفاده از دو نوع مختلف ستون، یکی قطبی و دیگری غیرقطبی، بجای یک ستون، باعث می‌شود اطلاعات بیشتری به دست آید. برخی مواقع تحت شرایط خاص، دو یا چند ماده، زمان ابقای یکسانی دارند که "نقاط ماکزیموم مخفی"^{۳۳۴} را بر روی کروماتوگرام می‌سازند. با استفاده از انواع مختلف ستون یا با تغییر برنامهٔ حرارتی، می‌توان این اجزا را بر روی کروماتوگرام از هم جدا کرد. ستون‌های غیرقطبی را اغلب می‌توان در درجات بالاتری از ستون‌های قطبی روشن نمود. این کار شناخت برخی از مواد دارای نقطهٔ جوش بالا مانند شیف بیس‌ها که با ستون‌های قطبی معمول شناخته نمی‌شوند را ممکن می‌سازد.

علاوه بر نوع سنتی ثبات نمودار، ممکن است از "ادغام‌کننده‌های چارت"^{۳۳۵} که اغلب "چاپگر-رسم‌کننده‌ها"^{۳۳۶} نامیده می‌شوند، استفاده گردد. "چاپگر-رسم‌کننده‌ها" به صورت خودکار، درصد هر جز را در ترکیب کل محاسبه و آن را به شکل لیست زمان‌های ابقا و درصد چاپ می‌نمایند.

carbowaxes^{۳۳۳}

hidden peaks^{۳۳۴}

chart integrators^{۳۳۵}

printer-plotters^{۳۳۶}

اما، این مقادیر که بر پاسخ اختصاصی آشکارساز پایه‌گذاری شده‌اند، معمولاً دقیق نبوده و حدود ۱۰ الی ۲۰٪ نوسان دارند. مگر اینکه برای هر جز، یک عامل تصحیح‌کننده استفاده شود.

جی.سی. را می‌توان به دستگاه "طیف‌سنجی جرمی"^{۳۲۷} (ام. اس.)^{۳۲۸} و رایانه که قادرند اجزا مختلف را به صورت واقعی تعیین هویت نمایند، وصل کرد. پس از آنالیز عطر، لیست تمامی مواد کشف شده که معمولاً ۹۵٪ ترکیب را شکل می‌دهند، بعلاوه درصد تقریبی آن، می‌بایست در دسترس عطار قرار گیرد. با استفاده از این روش، اغلب صدها یا تعداد بیشتری مواد شناسایی می‌گردد. اجزا مواد اولیه طبیعی به صورت انفرادی نیز مانند مواد اولیه صنعتی، در نسخه نهایی گزارش جی.سی. به صورت مجزا نشان داده می‌شوند.^{۳۲۹}

تحلیل گر جی.سی. و عطار، برای تبدیل اطلاعات جی.سی. به فرمول عطر، به تجربه زیادی نیاز و برخی از عطاران در این زمینه تخصص دارند. ایشان مهارت‌های عطاری را با علم جی.سی. ترکیب نموده و قادرند نتایجی را که از خواندن مستقیم آزمون‌های تجزیه‌ای به دست نمی‌آید را تولید نمایند.

اولین قدم در بازسازی عطر اصیل، ساخت فرمول آزمایشی از موادی که در آنالیز جی.سی. کشف شده می‌باشد. عطار مجرب قادر است وجود مواد طبیعی خاص را از روی الگوی اختصاصی نقاط اوج بر روی کروماتوگرام تشخیص دهد و با نگاهی اجمالی، درصد تقریبی آن مواد را حدس بزند. اثر انگشت برخی مواد خاص از قبیل "شمع‌دانی عطری"، "نعناع هندی"، آرموایز، "چوب صندل" و ایلنگ و حتی کیفیت‌های متفاوت‌شان برای عطار باتجربه، از راه استشمام آن آسان‌تر تشخیص داده می‌شود تا با خواندن اطلاعات تجزیه‌ای ادغام‌کننده یا کامپیوتر. (این نیز مثال دیگری از توانایی انسان برای کشف الگوها که قبلاً بحث گردید، می‌باشد.) حتی محصولات طبیعی، به میزان ۱/۰٪ را می‌توان بر روی کروماتوگرام خوب تولید شده به آسانی مشاهده نمود. تشخیص برخی از مواد طبیعی مشکل است. برای تشخیص این مواد، از صفت اختصاصی (علامت مشخصه) آن که توسط ام.اس. ثبت می‌-

^{۳۲۷} mass spectrometer

^{۳۲۸} M.S.

^{۳۲۹} فرض کنید عطار در عطرش از رز طبیعی استفاده نموده باشد. یکی از مواد موجود در رز طبیعی، "فنیل اتیل الکل" بوده و در عطر از "فنیل اتیل الکل" مصنوعی نیز بهره گرفته شده است. در گزارش جی.سی./ام.اس. جمع مقدار این ماده از هر دو منبع (طبیعی و مصنوعی) ثبت می‌شود.

شود، استفاده می‌گردد. برای مثال مواد میریستیسین^{۳۳۰} در روغن ”درخت جوز“^{۳۳۱} یا استایرین^{۳۳۲} در استیراکس، صفت اختصاصی آن مواد به شمار می‌روند. برخی مواد اولیه معطر از قبیل مواد طبیعی، از جمله آنقوزه و ”درخت عرعر“^{۳۳۳} و تعداد کمی مواد قوی، هنگام ترک درگاه^{۳۳۴} خروجی ماشین ج.سی. از طریق استشمام به راحتی قابل تشخیص هستند.

پس از ساخت اولین ترکیب آزمایشی، حاوی تمامی مواد اصلی شناسایی شده، آن را به وسیله استشمام و آنالیز جی.سی. با نسخه اصلی مقایسه می‌نماییم. از مقایسه بین کروماتوگرام‌های عطر اصیل و اولین نسخه آزمایشی، تنظیمات مورد نیاز دستگاه جی.سی. و از قلم افتادگی‌هایی که می‌بایست برطرف گردد، مشخص می‌شود. سپس برای شناخت مواد دیگری که با مقایسه دو نمونه بهتر خود را نشان می‌دهند، عطر از مهارتش در بویایی تجزیه‌ای استفاده می‌نماید. حضور این مواد را با آنالیز یا استشمام اجزایی که از آخرستون دستگاه خارج می‌شوند می‌توان تأیید نمود.

عطر، مواد کم‌حجم موجود در فرمول عطر که نشانه وجود بیس‌ها می‌باشد را جستجو می‌نماید. این بیس‌ها را می‌توان با آنالیز عطر، سپس ترکیب مواد مجزای موجود در بیس ساخت. بجای این کار می‌توان از همان بیس نیز در فرمول استفاده نمود. بیس‌های معروف را می‌توان از حضور اجزای اصلی‌شان در نسبت خاص، تشخیص داد. برای مثال وجود هم‌زمان ”فنوکسی‌اتیل ایزوبوتیرات“^{۳۳۵} و ”دیمتیل‌بنزیل کاربینیل بوتیرات“^{۳۳۶} نشانه وجود نوع خاصی از بیس میوه‌ای است. اینجا عطر سعی می‌کند ذهن خالق عطر را بخواند. به این فکر می‌کند که وی بجای مواد مجزا چگونه ساختار عطر را در کنار یکدیگر قرار داده است.

قبل از اینکه همتای بویایی نزدیکی به دست آید، می‌بایست ترکیب‌های آزمایشی مختلفی ساخته شود. یکی از مشکلات مرحله فعلی همتاسازی این است که تشخیص دهیم کمیّت (درصد)

myristicene^{۳۳۰}

nutmeg^{۳۳۱}

styrene^{۳۳۲}

juniper berry^{۳۳۳}

Port^{۳۳۴}

phenoxyethyl isobutyrate^{۳۳۵}

dimethylbenzyl carbinyl butyrate^{۳۳۶}

یک مادهٔ مجزاً که در گزارش جی.سی.سی. آمده از کجا ناشی می‌شود؟ برای مثال سیترونیلول^{۳۳۷} ممکن است به عنوان یک جز مجزاً در فرمول قرار گرفته، یا به دلیل وجود در تعدادی از اسانس‌های روغنی، یا بوسیلهٔ بیس‌های موجود در عطر وارد فرمول گردیده باشد. همچنین تعداد زیادی از ترپن‌ها^{۳۳۸} از قبیل ”دی-لیمونین“^{۳۳۹} در اسانس‌های روغنی متعددی وجود دارند. لذا باید بدانیم دوباره‌سازی فرمول اصیل، به قدرت استقرایی و ابتکار عطار نیاز دارد.

توصیه می‌شود برای هم‌تاسازی عطر، تا حدّ ممکن، از نمونهٔ تازه استفاده شود. زیرا ممکن است در نمونهٔ کهنه، تغییرات شیمیایی رخ داده باشد که آنالیز را سخت‌تر نماید. ممکن است به دلیل حضور ”متیل آنترانیلیت“^{۳۴۰} ”شیف بیس‌ها“^{۳۴۱} به وجود بیایند. یا در عطرهای پایه‌الکلی، آلدهایدها به صورت تصاعدی به ”دی‌ایتیل آستال‌ها“^{۳۴۲} تبدیل شوند و یا برخی از ترپن‌ها، اکسید شده و نسبت-های مربوطه را تغییر دهند.

از مطالبی که تاکنون گفتیم، ممکن است فرض شود ج.سی.سی./ام.اس. راه حل کاملی برای هم‌تاسازی است. اگر ساختار عطر ساده باشد، با این روش و توسل کمی به بویایی انسانی، عطر به دقت دوباره‌سازی می‌شود. امّا، هم‌تاسازی کاملاً نزدیک به نسخهٔ اصیل، به کمک عطار نیاز دارد. شناخت برخی مواد طبیعی، هنگامی که به میزان اندکی در فرمول استفاده شده‌اند سخت می‌باشد. مواد طبیعی هرچند در حجم اندک، می‌توانند غنای فوق‌العاده‌ای به عطر ببخشند. به دلیل بالا بودن نقطهٔ جوش رزین‌ها، ممکن است این مواد، از میان ستون دستگاه جی.سی. عبور نمایند. هرچند کشف برخی از اجزای رزین‌ها در گزارش جی.سی.سی.، نشان‌دهندهٔ استفاده از آن‌هاست. این قبیل مواد را فقط از طریق استشمام عطر اصیل می‌توان شناخت. برخی مواقع ماده‌ای در ترکیب یافته می‌شود که در پایگاه داده‌ای ام.اس. وجود ندارد. این ماده هنگامی که درگاه خروجی دستگاه را ترک می‌کند و با

citronellol^{۳۳۷}terpenes^{۳۳۸}d -limonene^{۳۳۹}methyl anthranilate^{۳۴۰}Schiff bases^{۳۴۱}diethyl acetals^{۳۴۲}

حس بویایی می‌توان شناخت. برای به دست آوردن تأثیر مشابه در عطر، اگر ممکن باشد می‌توان از جایگزین ماده کشف نشده استفاده نمود.

تا اینجا ما فقط عطرهاى الكلى كه مستقیماً به دستگاه جى.سى. تزریق می‌گردند را بررسی کردیم. علی‌رغم این، برخی مواقع از عطر خواسته می‌شود رایحه محصولات کارکردی از قبیل صابون یا نرم‌کننده‌های لباس را هم‌تاسازی نماید. بیشتر شرکت‌ها برای خارج نمودن مواد عطری از بیس محصولات کارکردی، تکنیک‌هایی ایجاد نموده‌اند. هرچند در فرآیند خارج نمودن عطر از بیس محصول، ممکن است برخی از اجزاء عطر، جا بیافتد و ترکیب حاصله، از لحاظ کمیّت، از نوع اصیل آن متفاوت باشد. در این قبیل موارد، عطر می‌بایست به تونایی بویایی‌اش اتکا نموده و از آنالیزهای جى.سى./ام.اس. فقط به عنوان راهنما استفاده کند و آن را منبع دقیق اطلاعات به شمار نیاورد.

برخی هم‌تاسازی‌ها برای ساخت ترکیب کاملاً شبیه است. اما بیشتر استفاده از دستگاه جى.سى./ام.اس. با کمک عطر، برای ساخت هم‌تای تقریبی (تقریباً یکسان) می‌باشد. فرمول‌های به دست آمده از این نوع هم‌تاسازی‌ها، برای توسعه خلاقانه عطر، اقتباس برای بیس‌های مختلف، یا حتی الهام گرفتن برای خلق آثار اصیل جدید استفاده می‌گردد.

برخی از افراد معتقدند رشد روش "جى.سى./ام.اس. و عطر"^{۳۴۳} تهدیدی برای نقش سنتی عطر به شمار می‌آید، چرا که کارکردشان را منسوخ می‌کند. اما این دیدگاه بی‌پایه است. زیرا آنالیزهای جى.سى./ام.اس. تکنیک هم‌تاسازی بوده و نه روش آفرینش عطر جدید. با این حال، این تکنیک، در حال ایجاد تغییرات اساسی در صنعت عطاری می‌باشد و باعث شده اغلب عطاران، بخش مهمی از اوقات روزانه‌اشان را به هم‌تاسازی اختصاص دهند. در نتیجه، به عطاران برای تمرکز بر خلاقیت، کمک شایانی نموده است.

آنالیزهای جى.سى./ام.اس. به شکستن پرده پنهان کاری گذشته که فرمول‌های عطاری را احاطه کرده بود، کمک شایانی نموده است. همچنین اطلاعات به دست آمده از جى.سى./ام.اس. بر ساختار اقتصادی این صنعت نیز تأثیر گذاشته و این انقلاب در حال ادامه می‌باشد.

اهداف همتاسازی

درخواست همتاسازی عطر از جانب مشتری با یکی از اهداف سه‌گانه ذیل انجام می‌شود:
با توجه به موفقیت یا مرسوم شدن نوع مشخصی از عطر در بازار، مشتری می‌خواهد محصول مورد نظرش نیز از آن توفیق منتفع گردد. در این قبیل موارد، مشتری عطر "در مسیر"^{۳۴۴} یا "هم-خانواده"^{۳۴۵} عطر معروف را طلب می‌نماید.

اگر مشتری بخواهد محصولی روانه بازار کند که شبیه محصول موفق موجود باشد، شرایط متفاوت است. در این قبیل موارد، ظاهر، نام و طراحی بسته، به اندازه‌ای که قوانین و اخلاق اجازه می‌دهند، به مدل اصلی نزدیک است و رایحه آن نیز می‌بایست شبیه به عطر اصیل باشد.
اگر مشتری، قبلاً محصولی را در بازار داشته که بدلایلی از قبیل تغییر در مقررات واردات، نارضایتی از فروشنده فعلی، شرایط اقتصادی و ... تصمیم بگیرد عطرش را بدون هویدا شدن تغییرات برای مصرف‌کننده جایگزین نماید، وضعیت متفاوتی حاکم است. در این مورد، رایحه همتا می‌بایست با عطر اصیل کاملاً یکسان باشد.

همتاسازی "هم‌خانواده"^{۳۴۶}

ساخت عطر در خانواده عطرهاى معروف، عرف جدایی‌ناپذیر فرهنگ عطاری است. وجود مُد در دنیای عطاری، از طرف دیگر مرسوم بودن نوت‌های کلاسیک شامپو و رایحه‌های سنتی محصولات شوینده خانه و ... در برهه زمانی خاص، باعث به وجود آمدن این عرف گردید.
برای ساخت عطری از یک خانواده، نیازی نیست دقیقاً از آن مدل تقلید نماییم. بلکه می‌بایست با آکورد پایه‌ای آن آشنا باشیم. در حقیقت عطر می‌بایست نسبت به عطرهاى پیش‌تاز بازار، حتی اگر هدفش، ساخت عطر کاملاً جدید باشد، شناخت کافی داشته باشد. مشتریان، رایحه غیرعرفی را معمولاً دوست ندارند. تغییرات اساسی موفق در عطاری، همانند دیگر هنرهای کاربردی اندک و نایاب است.

”همتاسازی شبیه“^{۳۴۷}

هدف ساخت عطر جدید شبیه به مدل خاص، فراتر از همتاسازی درون خانواده است. اما این نوع همتاسازی، مشکلات تکنیکی، عملی و اخلاقی دارد. مشکل تکنیکی به این دلیل است که حتی با کمک جی.سی.ام.اس. تلاش زیادتری برای ساخت همتای نزدیک (شبیه، تقلیدی) نیاز است تا هتمای تقریبی. اگر شخصیت عطر، به وسیله بیس محصول آرایشی-بهداشتی تغییر زیادی یابد و قرار باشد عطر با هزینه کمتری تولید شود که معمولاً چنین است، مشکلات چندین برابر می‌شود.

مشکل عملی ساخت همتای شبیه این است که این درخواست، اغلب به دلیل سوءتفاهم شکل می‌گیرد. این مشتریان تصور می‌کنند با یکسان‌سازی خصایص فیزیکی و رایحه عطر محصولات آرایشی بهداشتی، می‌توانند موفقیت مدل اصلی را به دست آورند. تولیدکنندگان و بازاریابان محصولات تقلیدی، تأثیر این مشخصات را بر پذیرش کلی محصول، بزرگ‌نمایی می‌کنند و اهمیت مشخصاتی از قبیل بسته‌بندی، توزیع و قیمت را دست کم می‌گیرند. در عطاری پایه الکلی و دیگر دسته‌ها نیز این موضوع صدق می‌کند.

محصولات تقلیدی، اغلب اوقات، تولیدکنندگان‌شان را ناامید می‌کنند. موفقیت گهگاه این قبیل محصولات، به دلیل شباهت رایحه‌شان به محصول اصیل نیست. بلکه صرفاً به دلیل قیمت ارزان‌تر است. چرا که وقت عطار، کمتر مصرف و منافع مشتری، بهتر در نظر گرفته می‌شود. اما ساخت عطره‌های ”هم‌خانواده“ نیاز به زمان و تلاش بیشتر عطار دارد تا عملکرد و ارزش بهینه‌ای را برای قیمت محصول فراهم نماید.^{۳۴۸}

در مواردی که هدف مشتری، تقلید دقیق همه‌جانبه خصوصیات فیزیکی، از جمله بسته‌بندی و نام محصول است، شرایط متفاوت می‌باشد. این کار، یعنی تولید محصولات تقلبی. نیازی نیست مشکلات قانونی و اخلاقی همدستی با تولیدکنندگان این قبیل محصولات را تشریح نماییم.

^{۳۴۷} Close Matches

^{۳۴۸} چرا که در ساخت عطره‌های ”هم‌خانواده“ عطر جدیدی ساخته می‌شود. اما در عطره‌های شبیه (نزدیک) صرفاً از مدل قبلی تقلید می‌گردد که این کار هزینه و وقت کمتری نیاز دارد.

نوع خاصی از محصولات را اصطلاحاً عطرهاى مقلد^{۳۴۹} می‌نامند. در این قبیل محصولات، نام مدل یا نوع بسته‌بندی تقلید نمی‌گردد. برای فروش این قبیل محصولات، معمولاً این جمله بیان می‌شود: عطری دلپسند با قیمتی پایین‌تر. در این نوع تقلید، مشکلات اخلاقی کمتر نمود دارد. مشخص است سازنده محصول اصیل، نسخه مقلد را نمی‌سازد. امروزه اغلب شرکت‌ها، با استفاده از دستگاه جی.سی.ام.اس نظایر محصولات موفق را می‌سازند. لذا سازنده عطر اصیل که نمی‌تواند از ایده‌های خلاقش، سود مادی کسب کند، مغموم می‌گردد.^{۳۵۰} اینکه عطار تا چه حدی می‌تواند به نسخه اصیل نزدیک شود؟ سوالی است که قضاوت اخلاقی و انسانی پاسخگوی آن می‌باشد.

جایگزین^{۳۵۱}

در جایگزین، عطری که از همه جوانب فیزیکی شبیه نسخه اصیل باشد مورد نظر مشتری نیست. ولی رایحه هم‌تا نبایستی از نظر مصرف‌کنندگان محصول، متفاوت از نسخه اصلی باشد. اصول اخلاقی امر می‌کند تا جایی که امکان دارد پیشنهاد ساخت این قبیل محصولات، به شرکت عطاری سازنده نسخه اصیل احاله شود.

اما در برخی مواقع، توجیهاتی اخلاقی در این خصوص وجود دارد. فرضاً اگر دسترسی به فراهم‌کننده اصلی، به دلیل این که تجارت خود را تعطیل کرده یا به دلیل محدودیت‌های جدید واردات ممکن نباشد، ساخت جایگزین از نظر اخلاقی بلامانع است. جایی که درخواست هم‌تاسازی، برای فشار به تولیدکننده اصلی انجام می‌گردد، اجابت آن، اساساً عملی غیر اخلاقی می‌باشد.

مشکلات اخلاقی، نه تنها بر منافع فروشنده، بلکه بر صنعت تولید نیز اثر می‌گذارد. پایه اقتصادی این صنعت، بر حاشیه سود بنا شده تا در مدت معقولی، هزینه توسعه عطر به تولیدکننده بازگردد. عرف ساخت جایگزین ارزان قیمت، این حاشیه سود را از بین می‌برد.

مشکلات عملی نیز به این دلیل است که جایگزین، برای تولیدکننده فرعی هم ارزش اقتصادی زیادی ندارد. ساخت جایگزین نیاز به تلاش زیادی دارد، اما حاشیه سودش اندک است. بعلاوه سودی که از برنده شدن در این مسابقه نابرابر به دست می‌آید، معمولاً بی‌دوام است. چرا که

^{۳۴۹} copycat

^{۳۵۰} ساخت عطر اصیل برای تولیدکننده اولیه، هزینه و زمان بیشتری خواهد برد. چرا که نیاز به استفاده عطر به صورت بلندمدت دارد.

^{۳۵۱} Replacement

مشتری هیچ‌گونه محدودیتی برای قیمت پایین‌تر قائل نیست. لذا ممکن است تولیدکنندهٔ دیگر، قیمت پایین‌تری ارائه دهد و بدین طریق گوی سبقت را از وی برباید.

برخی مواقع، به دلیل نارضایتی از تولیدکنندهٔ فعلی، یا اینکه وی قادر نیست نیازهای مشتری را برآورده نماید، (برای مثال به دلیل محدودیت تولید گیاهان یا دسترسی کم به مواد اولیه) رجوع به فراهم‌کنندهٔ جایگزین، دارای توجیه است. لذا در هر مورد می‌بایست به صورت جداگانه قضاوت نمود.

هرچند هدف این کتاب، ترویج اصول اخلاقی نیست، اما عطار می‌بایست بداند، اعتبار شخصی و موفقیتی که وی در این صنعت به دست می‌آورد، به میزان زیادی بر اخلاق شخصی و پابندی شرکتی که عطار برای آن کار می‌کند به این اصول بستگی دارد.

بخش دوم:

زیباشناسی و اصول ترکیب

۸. اهمیت نوت‌های جانوری در عطّاری

هرچند بوی بدن انسان، بخش طبیعی محیط اجتماعی اطرافمان را شکل می‌دهد، اما در جوامع متمدن، این یک اصل اساسی است که بدن، نبایستی بوی انسان بدهد. این اعتقاد، اغلب به دلیل توسعه اجتماعی و آموزش‌های دوران کودکی، در خصوص بهداشت و شرم جنسی ایجاد می‌گردد. اما اعصابی که حس بویایی را به مراکز خوشی در مغز وصل می‌نمایند، از قدیم‌الایام باقی مانده و انسان‌ها از دوران اوّلیه، از مواد معطر جانوری، از هر حیوانی بجز انسان لذت برده‌اند. از زمان‌های کهن تا قرون وسطی، مشک و مشک زباد، به عنوان عطر استفاده گردیده‌اند. این مواد نه تنها به دلیل خاصیت ادّعایی برانگیزنده قوای جنسی، بلکه برای پوشاندن بوی بدن شسته نشده انسان استفاده شده‌اند. این قبیل مواد، امروزه، به دلیل شخصیت جانوری‌شان پذیرفته شده نیستند. مگر اینکه به

میزانی در عطر استفاده شوند که ارتباط ذهنی انگیزته شده توسط این مواد، در حالت ناخودآگاه ذهن باقی بماند. مواد جانوری بسیار قوی طبیعی و همتایان صنعتی‌شان، مانند نوت‌های مدفوعی^{۳۵۲} با استفاده از مواد ایندول و اسکاتول^{۳۵۳} به صورت وسیع اما در حجم کم، در ترکیب انواع عطرها استفاده می‌شوند. رایحه بسیاری از محصولات گیاهی، با نوت‌های حیوانی مرتبط بوده و احتمالاً دارای تأثیر ناخودآگاه شهوانی هستند. مثلاً رایحه قسط^{۳۵۴} با بوی غدد چربی مو مرتبط است. ”زیره سبز“^{۳۵۵} شدیداً بوی عرق می‌دهد. ”مُشک دانه“^{۳۵۶} و ”سنبل خطایی“^{۳۵۷} حاوی اجزائی هستند که قویاً رایحه مُشک دارند. اخیراً شکوفه‌های کسپس^{۳۵۸} در بسیاری از عطرها مدرن وارد شده است. این نوت، به بوی غدد جنسی گربه نر شباهت دارد. البته مصرف‌کننده نمی‌بایست از این ارتباط آگاه شود. چرا که بر دیدگاهش نسبت به عطر و فروش آن، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

مواد صنعتی و گیاهی زیادی از قبیل مُشک و ”عنبر سائل“^{۳۵۹} وجود دارد که به بوی طبیعی حیوانات شبیه هستند. این مواد، نوت‌های فرعی ادرار یا مدفوع را ندارند. اگر ماده‌ای دارای این نوت‌ها باشد، بوی آن می‌بایست توسط مواد معطر دیگر در عطر، مخفی گردد. این مواد از لحاظ شیمیایی کاملاً متفاوت از محصولات طبیعی هستند. اما رایحه و تأثیر بویایی یکسانی دارند. نوت‌های عنبری که از لادن^{۳۶۰} و ”مریم گلی“^{۳۶۱} گرفته می‌شوند، بعلاوه بسیاری از مُشک‌های صنعتی، از قبیل گلکسولاید^{۳۶۲} و ”مُسک کتون“^{۳۶۳} در این دسته قرار دارند.^{۳۶۴}

fecal^{۳۵۲}scatol^{۳۵۳}Costus^{۳۵۴}cumin^{۳۵۵}ambrette seed^{۳۵۶}angelica^{۳۵۷}cassis^{۳۵۸}ambergis^{۳۵۹}labdanum^{۳۶۰}clary sage^{۳۶۱}galaxolide^{۳۶۲}musk ketone^{۳۶۳}^{۳۶۴} یعنی نوت‌های فرعی ادرار و مدفوع را ندارند.

استفاده از گونه‌های مختلف نوت‌های مشک و "عنبر سائل" دارای اهمیت زیادی در عطاری هستند. هنگامی که این نوت‌ها به عنوان قسمتی از عطر استشمام می‌شوند، حس خوشی مرتبط با راه‌های عصبی کهن انسانی را تولید می‌نمایند. ولی دریافت‌کننده، از طبیعت واقعی محرک‌ها آگاه نیست. این نوت‌ها، تقریباً بخش مهم همه عطرهاى موفق را شکل می‌دهند.

روابط بویایی بین گیاهان و جانوران

رایحه گل‌ها بسیار در عطاری استفاده می‌شوند. این نوت‌ها برای روح انسان، زیباترین رایحه‌ها به شمار آمده و الهام‌بخش عطار هستند.

حس بویایی حیوانات و پاسخ‌های رفتاری‌شان به انواع مشخصی از ملکول‌ها، در فرآیند تولید نسل گیاهان مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از گیاهان، رایحه‌هایی تولید می‌کنند که از فرمون‌های^{۳۶۵} حشرات، یا مواد بویایی فضولات جانوری تقلید می‌نمایند. این تقلید با هدف جذب حشرات به گل‌ها و برای گرده‌افشانی انجام می‌گردد. ایندول که جزء ترکیبی ممیز و اختصاصی مدفوع بسیاری از حیوانات است، به میزان گسترده‌ای در اسانس‌های روغنی گل‌های یاس، "شکوفه پرتقال"، موگوئیت و "یاس شیروانی" وجود دارد. هرچند اغلب حیواناتی که گرده‌افشانی گل‌ها را انجام می‌دهند، حشرات هستند، اما برخی حیوانات کوچک، از قبیل سنجاب^{۳۶۶} و موش نیز توسط گیاهان بدین منظور بکارگیری می‌شوند. این حیوانات به رایحه‌هایی که برایشان شهوت‌انگیز است، جذب می‌شوند.

حتی قارچ‌ها نیز با هدف گسترش هاگ، از حیوانات بهره‌برداری می‌کنند. در طول قرن‌های متمادی، از خوک‌ها برای یافتن قارچ که به آن کنجکاوای سیرنشده‌ی نشان می‌دهند استفاده می‌گردد. مشخص شده قارچ‌هایی که در زیر زمین، بدن‌های میوه‌دار تولید می‌نمایند، دارای فرمون زیادی که گرازهای نر، برای جذب ماده خوک‌های جوان تولید می‌نمایند هستند. خوک با شکافتن زمین و یافتن قارچ و خوردن آن به تکه‌های کوچک‌تر، عملاً به پخش شدن هاگ کمک می‌کند. این حقیقت که

قارچ‌ها بسیار خوشمزه هستند، بدون شک با ضمیر ناخودآگاه ما از ارتباط آن با فرمون‌های حیوانی مرتبط است.

اما بسیاری از گیاهان برای تقلید مواد شهوت‌زا، از این نیز فراتر رفته و به منظور نشان دادن حضورشان برای حیواناتی از قبیل زنبورها و بقیه حشرات، عطرهای بسیار پیچیده‌ای تولید نموده‌اند. گل‌ها برای حشرات بازدیدکننده، در عوض خدمت انتقال گرده از گلی به گل دیگر، جایزه غذا ارائه می‌دهند. گیاهان از بال حشرات، برای حمل گرده‌هایشان از گلی به گل دیگر استفاده و سوخت این حشرات را با شهد خود فراهم می‌نمایند.

این همکاری متقابل بین گیاهان و جانوران، فواید دوطرفه‌ای دارد. این همکاری، نه تنها باعث به وجود آمدن عطرهای منحصر به فرد و پیچیده‌ای شده، بلکه رنگ‌ها و ساختار شگفت‌انگیزی در گل‌ها ایجاد نموده است. اینکه آیا حشراتی مثل زنبورها، دقیقاً می‌توانند طیف یکسانی با انسان‌ها را ببینند؟ برای ما مشخص نیست. همچنین این سوال که آیا حس بویایی‌شان به همان شکل حس بینایی‌شان از ما متفاوت است؟ زنبورها قادرند نور فرابنفش و الگوی گل‌ها که زنبور را به سمت منبع غذا راهنمایی می‌کند را ببینند. به نظر می‌رسد برای زنبورها، رایحه، از آنچه به ذهن ما می‌آید کاملاً متفاوت باشد. اما از آنجا که ما قادریم اغلب ترکیب اسانس‌های روغنی را ببوییم، احتمالاً وسعت بویایی ما با زنبورها کاملاً یکسان می‌باشد. شاید زنبورها ایده بویایی واضح‌تری از “بنزیل الکل”^{۳۶۷} که در بسیاری از گل‌ها وجود دارد داشته باشند، تا عطاران. نمی‌توانیم تصور کنیم رایحه آن، از نظر ایشان چگونه است؟ همان‌گونه که در مورد رنگ فرابنفش نمی‌توانیم تصور نماییم.

اجازه دهید ارتباط بین حشرات و گل‌ها را با جزئیات بیشتری بررسی نماییم. چرا که در این بررسی، اسرار مهمی برای عطاران نهفته است. تمامی گیاهان با حشرات یا دیگر جانوران، گرده‌افشانی نمی‌کنند. مثلاً بسیاری از علف‌ها، برای گرده‌افشانی به باد وابسته‌اند. اما هنگامی که توزیع گرده به وسیله حشرات، در دنیای گیاهان استقرار یافت، فشار برای رسیدن به تأثیر حداکثری از دیاد پیدا نمود. گیاهان به منظور نمایش حضورشان برای حشرات، با تکامل بیشتر و بیشتر شکل و رایحه خود، با یکدیگر به رقابت برخاستند. حشرات نیز به نوبه خود، برای تغذیه از شهد و گرده گل‌ها بسیار تخصص

یافتند. نه تنها گیاهان به حشرات بلکه حشرات نیز به گیاهان وابسته‌اند. هردو منافع واگذار شده در بقا و حیات دیگری دارند. هنگامی که حشره، فقط از شهد یکی از گونه‌های گل‌ها استفاده می‌کند، کارایی‌اش در گرده‌افشانی بالا می‌رود. چرا که از توزیع بی‌فایده‌گرده به دیگر گل‌ها خودداری می‌نماید. برخی حشرات، برای به خاطر سپاری بوی خاص منبغ غذا، توانایی غریزی به دست آورده‌اند. زنبورها، که به کندویشان مراجعت می‌نمایند، قادرند به دیگر زنبورها، اطلاعاتی از قبیل مسیر، فاصله تا منبع شهد و رایحه آن‌ها را منتقل نمایند. با توجه به این برنامه‌ریزی، زنبورها با همان نوع گل خاص دیدار خواهند کرد.

عطار، همان همکاری تکاملی بین حیوان و گیاه است.^{۳۶۸} گیاهان برای رقابت با هم‌تایان خود، به منظور جذب بیشتر حشرات، بجای اینکه رایحه‌ای بسازند که بر یک یا دو فرومون پایه‌گذاری شده، به ساخت عطرهای پیچیده که اغلب از صدها ماده تشکیل یافته می‌پردازند.

گیاهان مرتبط با هم، مانند رز، یاس و اسطوخودوس که دور از هم قرار دارند، با توسل به گروهی از مواد، در مسیر پیچیدگی رایحه‌شان جلو رفته‌اند. لذا می‌توانیم نتیجه بگیریم پیچیدگی رایحه، موثرترین روش برای برانگیختن پاسخ مطلوب جانور، با توان بویایی و به خاطر سپاری شمیم گل‌ها است. گل‌ها برای تولید رایحه‌شان، ترکیب خاصی از مواد را می‌سازند. قابل توجه اینکه این ترکیب برای حس بویایی ما، هویتی واقعی می‌سازد و ترکیب تصادفی تعداد زیادی از مواد شیمیایی نامتجانس نیست. شاید به دلیل شباهت سلول‌های گیرنده‌مان به این نتیجه برسیم تعادل مواد در مکانیزم بویایی ما، به همان اندازه برای زنبور هم مهم است. چرا که برای ما حس هویت و لذت زیباشناسی تولید می‌نماید.

اگر ما به ترکیب شیمیایی عطرها که توسط گل‌هایی مثل رز به عنوان نمونه بارز نگاه کنیم، درمی‌یابیم بخش اصلی اسانس آن، معمولاً حداکثر از چهار یا پنج ماده ساخته شده است. صدها ماده دیگر نیز در این ترکیب، تعادل را به وجود می‌آورند. اگر ما در آزمایشگاه، فقط موادی که بخش اصلی

^{۳۶۸} بدین معنا که عطار عطری می‌سازد که دیگران را به سمت منبع رایحه (انسانی که عطر استفاده نموده) جذب کند. همچنین عطر می‌تواند در جذب جنس مذکر به مؤنث، برای باروری و تولید نسل مؤثر واقع شود.

محصول را می‌سازند با هم ترکیب نماییم، هرچند ترکیب ما بوی گل رز می‌دهد، اما شخصیت واقعی، قدرت و جاذبه زیباشناسی کمتری نسبت به رایحه طبیعی دارد. چیزی که رایحه گل رز را منحصر به فرد می‌نماید، مواد اندک دیگری است که در ترکیب با ساختار اصلی، کل رایحه را می‌سازد.

تعادل بین سادگی و پیچیدگی، ملاحظه مهمی در ساخت عطرهاى خوش ساخت است که در فصل بعدی این کتاب به بحث گذاشته خواهد شد.

۹. ساختار عطر

عطر مخلوطی از مواد معطر است که شخصیت منحصر بفرد و زیبایی را می‌سازد. این ترکیب متعادل و دقیق، دارای ساختار ثابتی است که در آن، هر ماده‌ای، نقشش را در حصول به رایحه کلی ایفا می‌نماید. در کل می‌توان گفت، عطر فقط مخلوطی از مواد خوش‌بو نیست.

بغیر از هویت ممتاز و قابل تشخیص، عطر می‌بایست دارای برخی پیش‌نیازهای تکنیکی نیز باشد که عبارتند از: قدرت^{۳۶۹}، پخش‌شوندگی^{۳۷۰} و ماندگاری. بعلاوه عطر می‌بایست شخصیت اصلی-اش را در طول مدت تبخیر نگه دارد. عطر فاخر^{۳۷۱} خوش‌ساخت، ساعات زیادی پس از استفاده بر روی پوست، هنوز قابل تشخیص است. عطرهایی که برای ”محصولات کارکردی“^{۳۷۲} طراحی می‌گردند، می‌بایست به اندازه‌ای ماندگار^{۳۷۳} باشند که مناسب محصولات کارکردی مدنظر است. همچنین باید در محصول نهایی، از لحاظ شیمیایی پایدار^{۳۷۴} باشند.

strong^{۳۶۹}

diffusive^{۳۷۰}

fine^{۳۷۱}

functional products^{۳۷۲}

persistence^{۳۷۳}

stable^{۳۷۴}

برآوردن معیارهای فوق، بخش اساسی هنر عطّار است و به سال‌های متمادی کار اختصاصی نیاز دارد. پس از سال‌ها کارِ تخصصی، سطحی از تجربه حاصل می‌گردد که برای فرمول‌بندی عطرها اصیل و خوش‌ساخت مورد نیاز می‌باشد.

هیچ دو عطّار، به شیوه کاملاً یکسان عمل نمی‌کنند. همچنان که نقّاشان و موسیقی‌دانان سبک متفاوتی دارند. در عطّاری همانند هر هنر دیگر، سبک‌های^{۳۷۵} خاصی وجود دارد. تکنیک‌هایی که عطّاران استفاده می‌نمایند، در طول صد سال گذشته، تغییرات زیادی داشته و در ساختار عطرها منعکس گردیده‌اند. سبک‌های متفاوت عطّاری، در ساخت عطرهایی از قبیل شالیمار،^{۳۷۶} ل ایر دو تِمپس^{۳۷۷} و تِرِزِر به کار گرفته شده است. این عطرها، سه سبک متفاوت تکنیک عطّاری که در زمان ساخت‌شان متعارف بوده را در خود خلاصه کرده‌اند. این تکنیک‌ها متمایز و متفاوت از یکدیگر هستند. همان‌گونه که نقّاشی‌های سنتی فرانسه در قرن ۱۷، مکتب‌های امپرسیونیسم و مکتب کوبیسم، متفاوت از هم می‌باشند.

تمامی هنرها به شکل^{۳۷۶} و ساختار^{۳۷۷} خود وابسته هستند. خشنودی که ما از نگاه کردن به نقّاشی‌های مونت یا با گوش دادن به سمفونی موتزارت کسب می‌کنیم، به دلیل ساختاری می‌باشد که سازنده اثر، ایده‌اش را طبق آن مرتب نموده است. اغلب این ساختارها، به وسیله تجربه و درک مستقیم به دست آمده‌اند. نیازی نیست بدانیم چرا این ساختارها با هم خوب کار می‌کنند. بلکه کافی است بدانیم که موثر واقع می‌شوند. این ساختارها قسمتی از سنت و تجربه هستند که تاریخ هنر را می‌سازند. هنگامی که ساختار موفقی کشف گردید، برای اثرهای دیگر الهام‌بخش است. این ساختار موفقی، دیگر در قُرُق خالق آن نیست. هرچند سمفونی، به میزان زیادی ساخته دست هایدن است. اما تقریباً همه سازندگان بزرگ بعد از وی، از آن به عنوان وسیله‌ای برای خلق آثارشان استفاده نموده‌اند. در عطّاری نیز به همین شکل، عطّاران عطرهایشان را بر پایه شکل‌های بزرگ سنتی، از قبیل آکوردهای چپیر، گل‌بو، آلدایدی و شرقی می‌سازند. (این مطالب در فصل ۱۲ مورد بحث قرار خواهد

styles^{۳۷۵}

form^{۳۷۶}

structure^{۳۷۷}

گرفت.) آثاری که بر طبق شکل‌های سنتی ساخته شده‌اند، برای مصرف‌کننده غیرمتخصص، رایحه‌ای جدید و اصیل به شمار می‌روند. در سال‌های اخیر، با ابداع سبک‌های جدید فرمول‌بندی و تکنیک، همانند دیگر هنرها، از ساختارهای سنتی فاصله گرفته شده است.

عطّاری در جهان غرب، با ابداع محصولاتی از قبیل ”مایع کُن“^{۳۷۸}، ”مایع مجارستانی“^{۳۷۹} (محصولی که از عصاره گیاهانی از قبیل رُزماری و آویشن ساخته شده) و ”مایع اسطوخودوس“^{۳۸۰} شروع گردید. این محصولات از ترکیب نسبتاً ساده اسانس‌های روغنی که از تقطیر یا فشردن اجزا گیاهان به دست می‌آمدند، در ترکیب با الکل ساخته شدند. به این ترکیب ”ثبیت‌کننده‌ها“^{۳۸۱}، تنتورهای^{۳۸۲} محصولات جانوری از قبیل مشک^{۳۸۳}، ”عبر سائل“^{۳۸۴} و ”مشک زباد“^{۳۸۵}، مواد بالسانی^{۳۸۶} از قبیل بنزوئین^{۳۸۷} و مُر^{۳۸۸}، مواد شیرین^{۳۸۹} از قبیل وانیل و تونکا^{۳۹۰} و مایع‌هایی که از شستشوی پمادها^{۳۹۱} به دست می‌آمدند نیز اضافه می‌گردید. در انتهای قرن نوزدهم، سنتز مواد خوش-بوی شیمیایی، بعلاوه، ابداع تکنیک ”عصاره‌گیری با استفاده از حلال“^{۳۹۲} از مواد گیاهی، سرآغاز توسعه آرام سبک‌ها و تکنیک‌های جهان امروزه عطّاری شد.

Eau de Cologne^{۳۷۸}Hungary Water^{۳۷۹}Lavender Water^{۳۸۰}fixatives^{۳۸۱}tinctures^{۳۸۲}musk^{۳۸۳}ambergris^{۳۸۴}civet^{۳۸۵}balsamic^{۳۸۶}Benzoin^{۳۸۷} (درخت مسن لبه، عسل‌بند)Myrrhe^{۳۸۸} (مر، درخت مرمتی)sweet^{۳۸۹}tonka^{۳۹۰}pommades^{۳۹۱}solvent extraction^{۳۹۲}

در ابتدای قرن حاضر، بیشتر ساختار سنتی عطرهاى گذشته باقى ماند. مواد طبيعى ”تر و تازه“^{۳۹۳} از قبيل ترنج^{۳۹۴} و ”ليمو سنگى“^{۳۹۵} در تركيب با اسانس‌هاى روغنى ديگر، نسبت زيادى از فرمول‌ها را شكل دادند و با تثبيت‌کننده‌هاى حيوانى و بالسان پشتيباني گرديدند. ”مواد صنعتى تازه کشف شده“^{۳۹۶} و مواد اشتقاقى^{۳۹۷} از قبيل وانيلين^{۳۹۸}، کومارين^{۳۹۹}، ”هيدروکسى سیترونال“^{۴۰۰}، ”وتایوریل استات“^{۴۰۱} و ”متیل ایونون“^{۴۰۲} بعلاوه ”اسانس‌هاى خالص“^{۴۰۳} تازه ساخته شده گل‌ها به اين مواد اضافه گرديد. مواد خوش‌بوى جديد، در دسترس عطّار قرار گرفت و الهام‌بخش نسل جديد عطرها شدند. شاليمار^{۴۰۴} يکى از مثال‌هاى شگفت‌انگيز عطر فرموله شده با اين روش مى‌باشد.

رفته رفته مواد صنعتى، شامل آلدهايدهاى چربى‌دار^{۴۰۵} و بسيارى از نوت‌هاى گل^{۴۰۶} ساخته شدند. اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بيستم، برهه‌ى زمانى مهمّى براى عطّارى بود و اين دوران، الهام-بخش ساخت عطرهاى جديد گرديد. مواد طبيعى، بيشتر بعنوان نوت‌هاى اصلاح‌کننده^{۴۰۷} و غنابخش^{۴۰۸} استفاده شدند. محصولات صنعتى به عطار اجازه داد، رابطه بين مواد داراى فراريت متفاوت در عطرها را ”به صورت منظم“^{۴۰۹} مطالعه نمايد. اين مواد از لحاظ زيباشناسى راضى‌کننده بوده و هنگام استفاده خوب عمل مى‌کردند. اين رويکرد نوعى از تکنیک را به وجود آورد که خالق آن،

-
- Fresh ^{۳۹۳}
 - bergamot ^{۳۹۴}
 - lemon ^{۳۹۵}
 - newly discovered synthetic ^{۳۹۶}
 - derived ^{۳۹۷}
 - vanillin ^{۳۹۸}
 - coumarin ^{۳۹۹}
 - hydroxycitronellal ^{۴۰۰}
 - vetiveryl acetate ^{۴۰۱}
 - methyl ionone ^{۴۰۲}
 - absolutes ^{۴۰۳}
 - Shalimar ^{۴۰۴}
 - aliphatic ^{۴۰۵}
 - floral ^{۴۰۶}
 - modifying ^{۴۰۷}
 - richness ^{۴۰۸}
 - systematically ^{۴۰۹}

عطار بزرگ "جین کارلز"^{۴۱۰} بود. کارلز عطرهايش را با استفاده از آکوردهای آزمایشی برگزیده، در ساختاری که بر "نوت پایه"^{۴۱۱} فرموله گردیده بود، ساخت. نوت پایه متشکل از موادی هستند که فراریت^{۴۱۲} کمی دارند. "نوت میانی"^{۴۱۳} یا نوت اصلاح‌کننده^{۴۱۴} "فراریت متوسط"^{۴۱۵} و "نوت اولیه"^{۴۱۶} فراریت بالایی دارند. عطرهایی از قبیل کَنو^{۴۱۷}، "ما گریف"^{۴۱۸} "ل ایر دو تمپس" و کابوچارد^{۴۱۹} منعکس‌کننده این ساختار هستند. تأثیر این ساختار در تعدادی از عطرهایی باقی‌مانده اخیر نیز دیده می‌شود. تمامی این عطرها، بافت شفافى دارند و دارای کیفیت سه بعدی^{۴۲۰} بوده که ما را به قلبِ عطر رهنمون می‌سازند.

در بیست سال اخیر، حرکت تدریجی از این سبک عطاری به سمت نسل جدید عطرها که بر نوع کاملاً متفاوتی از ساختار پایه‌گذاری شده، دیده می‌شود. سبکی که با کار "سوفیا گِراجِسْمَن"^{۴۲۱} بسیار مرتبط است. در این سبک، تعداد نسبتاً کمی (در برخی موارد چهار یا پنج) از مواد در آکوردی ساده مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تعداد کم مواد، ۸۰٪ حجم فرمول را شکل می‌دهند. در کنار این ساختار ساده، تعداد دیگری از مواد، شامل بیس‌ها و مواد طبیعی استفاده می‌گردد. بیس‌ها و مواد طبیعی، غنا و پیچیدگی لازم را برای تکمیل هویت عطر فراهم می‌نمایند. ممکن است عطره‌های مدرن، فاقد کیفیت زیباشناسی عطره‌های گذشته باشند. اما این مزیت را دارند که کم و بیش، رایحه-شان بدون تغییر باقی می‌ماند. رایحه این عطرها از تأثیر اولیه، تا ساعات زیادی پس از آن ثابت باقی می‌ماند.

Jean Carles^{۴۱۰}

base note^{۴۱۱}

volatility^{۴۱۲}

middle note^{۴۱۳}

modifying^{۴۱۴}

medium volatility^{۴۱۵}

top note^{۴۱۶}

Canoe^{۴۱۷}

Ma Griffe^{۴۱۸}

reflect^{۴۱۹}

^{۴۲۰} امتلاً منظور نویسنده از عبارت "کیفیت سه بعدی" همان نوت‌های اولیه، میانی و پایه که در این نوع عطرها فود را به ترتیب به نمایش می‌گذارند

باشد.

Sophia Grojzman^{۴۲۱}

نمونه بارز این نوع عطرها تِرِزِر است که ۸۰٪ فرمول آن، از چهار مادهٔ "میتیل ایونون"، "ایزو ای سوپر"^{۴۲۲}، هدیون^{۴۲۳} و گلکسولاید^{۴۲۴} تشکیل شده است. در این نوع فرمول‌بندی، تمامی این مواد بخوبی با هم ترکیب شده‌اند. خیلی اوقات، نوت اولیّه سنتی "تر و تازه" در این عطرها، کاملاً غایب بوده و با مقادیر اندکی از مواد "بسیار قوی"^{۴۲۵} جایگزین گردیده‌اند. این ساختار اجازه داده بجای منتظر ماندن برای تبخیر نوت اولیّه، شخصیت اصلی عطر فوراً هویدا شود. این، ملاحظهٔ مهمی در عطر تلقی می‌گردد. چرا که امروزه مشتری، فرصت زیادی ندارد تا مثلاً در فروشگاه‌های شلوغ یا فرودگاه، منتظر بماند تا نوت اولیّه تبخیر شده و شخصیت اصلی عطر خود را نشان دهد.

برای بررسی ساختار عطر با جزئیات بیشتر، سه سرفصل "آکورد عطاری"، "رابطهٔ بین نوت-های اولیّه، میانی و پایه" و "تعادل^{۴۲۶} بین سادگی^{۴۲۷} و پیچیدگی^{۴۲۸}" را ذیلاً بررسی می‌نماییم.

آکورد عطاری

یکی از مفیدترین تمرین‌هایی که دانشجوی عطاری می‌تواند انجام دهد این است که دو ماده^{۴۲۹} را انتخاب نموده و آن‌ها را با نسبت‌هایی از قبیل ۹:۱، ۸:۲، ۷:۳، ... ۱:۹ با یکدیگر ترکیب نماید. ابتدائاً بهتر است موادی انتخاب گردند که از فراریت مشابهی برخوردارند. در نهایت یکی از این آکوردها که از لحاظ زیباشناسی خوش‌آیندتر از همه است انتخاب می‌گردد. معمولاً آکوردی انتخاب می‌شود که نسبت‌های دو ماده در کنار هم، از قدرت^{۴۳۰} بویایی یکسانی برخوردار باشند. به گونه‌ای که از لحاظ بویایی، هیچ‌یک چیره نگردند. برخی مواقع از این آزمایش، رایحهٔ جذّابی به دست نمی‌آید. اما گهگاه، آکوردی قابل توجه و چشمگیر حاصل می‌شود. آکوردی که در آن هیچ‌یک از دو ماده چیره

Iso E super^{۴۳۱}

Hedione^{۴۳۲}

Galaxolide^{۴۳۳}

intensely powerful^{۴۳۴}

balance^{۴۳۵}

simplicity^{۴۳۶}

complexity^{۴۳۷}

بهرتر است مواد انتخاب شده از مواد سافت‌تری (موادی که به صورت منفرد زنده و تند نیستند و می‌توان این مواد را در حجم زیاد در عطر استفاده نمود)

باشد.

intensity^{۴۳۸}

نباشند، شخصیت منحصر به فردی کسب می‌نماید که از رایحه اجزا تشکیل‌دهنده‌اش متمایز است. آکوردهایی مابین ”نعناع هندی“^{۴۳۱} و ”هیدورکسی‌سیترونال“^{۴۳۲} یا یوگنول^{۴۳۳} و ”بنزیل سالیسیلات“^{۴۳۴} بارها توسط عطاران استفاده گردیده و این آکوردها، تونایی قابل ملاحظه‌ای برای نگه داشتن شخصیت‌شان در بین دیگر مواد در ترکیب پیچیده از خود نشان داده‌اند.

پس از انجام این تمرین، دانشجویان می‌توانند با آکوردهایی مابین سه یا چهار ماده یا با مواد دارای فراریت متفاوت ادامه دهند. در این روش، ادراک (غریزه) عطار، هدایت‌گر وی بوده تا به تعادل زیباشناسی خوش‌آیندی دست یابد. برای مثال، ایلنگ^{۴۳۵} را می‌توان به ترکیب یوگنول و ”بنزیل سالیسیلات“ اضافه نمود تا نوت پایه‌ای ”میخک صدپر“^{۴۳۶} که در عطر ”ل ایر دو تمپس“ وجود دارد را ایجاد کند.

کارلز در سال ۱۹۶۱، در مقاله‌ای با عنوان ”روشی برای آفرینش در عطاری“^{۴۳۷} پیشنهاد داد مواد اولیه مهم عطاری، مورد مطالعه سیستماتیک (منظم) قرار گیرند. برخی از این مواد عبارتند از خزه بلوطی^{۴۳۸}، ”نعناع هندی“، ”متیل ایونون“. این مواد می‌بایست با محصولات متنوع صنعتی و طبیعی، بعلاوه بیس‌ها و بیس‌های ویژه، مطالعه گردند. وی پیشنهاد نمود ساخت آکورد را با دو یا سه ماده شروع نموده و تا پنج یا شش ماده ادامه دهیم. آزمایش، کاملاً تجربی بوده و با ترکیب مواد در نسبت‌های ریاضی ساده، برای مثال ۱:۱:۱، ۳:۱:۱ یا ۳:۳:۱ و ... انجام می‌گردد. این تجربه ترکیب، در نسبت‌های ساده ریاضی، می‌بایست قبل از این باشد که دانشجو اجازه یابد آکورد نهایی را تغییر داده و اصلاح نماید. نتیجه این آزمایشات می‌بایست آموخته و به خاطر سپرده شود. کارلز ادعا نموده خودش، این آزمایش را فقط با خزه بلوطی، هزاران بار انجام داده است. هرچند، این روش، مفید بوده و می‌توان آن را به عنوان تمرینی برای یادگیری و راهی برای یافتن روابط جدید و شگفت‌انگیز بین مواد دانست،

patchouli^{۴۳۱}

hydroxycitronellal^{۴۳۲}

eugenol^{۴۳۳}

benzyl salicylate^{۴۳۴}

ylang^{۴۳۵}

carnation^{۴۳۶}

A Method of Creation in Perfumery^{۴۳۷}

oakmoss^{۴۳۸}

اما هنگام ساخت عطر کامل، اشتباه است خود را محدود به این قبیل نسبت‌ها نماییم. زیرا با اضافه نمودن مواد دیگر به آکورد، نیاز است تعادل به دست آمده ابتدایی را تغییر دهیم. هنگامی که عطر به پیچیدگی کامل رسید، نیاز است که ادراک (غریزه) و آزمایشات بعدی، ما را برای رسیدن به زیباترین تعادل فرمولی، راهنمایی نمایند. ”آرتورو جوردی-پی“^{۴۳۹} مردی با تجربه و با فرهنگی والا، عادت داشت عطّاری را بدین شکل تشریح نماید: ”هنر خلق آکوردِ فطری (غریزی)“^{۴۴۰}

می‌بایست اعتراف نماییم استفاده مکرر از عبارت ”خوش آیند از لحاظ زیباشناسی“^{۴۴۱} برای احتراز از توصیف بیشتر است. چرا که دلیل دقیق سینرژی^{۴۴۲} بین مواد بویایی را نمی‌دانیم. توضیح دادن آن هم ساده نیست. اما به نظر می‌رسد موادی که در آکوردی متعادل با یکدیگر همکاری دارند، همنوایی^{۴۴۳} و هماهنگی^{۴۴۴} خشنودکننده حسّی را بوجود می‌آورند. همان تأثیری که صدای ارکستری هماهنگ برای حس شنوایی ما ایجاد می‌نماید.

این سینرژی به همان اندازه، در دنیای طعم‌ها نیز وجود دارد. ترکیب برخی از پنیرها و نوشیدنی‌ها، یا بین زعفران و غذاهای دریایی، خوشی و حیرت شگفت‌انگیزی ایجاد می‌نمایند. اتفاقاً اغلب عطّاران، در تشخیص غذاهای لوکس نیز خبره بوده و بسیاری از ایشان، آشپزان عالی هم هستند.

در کل می‌توان گفت عطر، آکوردی خوش‌بو از تمام مواد تشکیل‌دهنده‌اش است که در کنار همدیگر، هویت واحد و منحصر به فردی را تولید می‌کنند. یکی از مهیج‌ترین لحظات عمر کاری هر عطّار، موقعی است که ترکیبش، شروع به گرفتن شخصیت منحصر به فردی می‌نماید. سپس می‌تواند آن ترکیب را توسعه داده و به عطر کاملی تبدیل نماید. برای حصول به این مرحله، عطّار بارها تعدادی از آکوردهای کوچک‌تر را، به عنوان بلوک‌های ساختمانی ترکیب نهایی، به هم متصل می‌کند. در قلب

Arturo Jordi-Pey^{۴۳۹}

the art of the intuitive accord^{۴۴۰}

aesthetically pleasing^{۴۴۱}

synergism^{۴۴۲}

resonance^{۴۴۳}

harmonically^{۴۴۴}

موفق‌ترین عطرها، چیزی است که از آن، به عنوان آکورد ساختاری^{۴۴۵} یاد می‌کنیم. این آکورد مهم “شخصیت اساسی”^{۴۴۶} عطر را می‌سازد. حال چه این آکورد، چپ‌پا باشد چه شرقی یا مدرن (معمولاً آکورد مدرن، بر چهار ماده یا کمی بیشتر پایه‌گذاری می‌گردد). به این چهارچوب، مواد اصلاح‌کننده^{۴۴۷} (بهبوددهنده) و آکوردهای دیگر، آن هم اغلب در شکل بیس‌های “ساخته‌شده”^{۴۴۸} اضافه می‌شود. تمامی این مواد، با یکدیگر پیوند داده می‌شوند، تا بافت ساختاری دقیقی را شکل دهند و عطر نهایی را بسازند. “سوفیا گروجسمن”، ماهرانه این فرآیند را همانند کنار هم قرار گرفتن مربّع‌های “مکعب کوبیک”^{۴۴۹} تشریح نموده است.

رابطه بین نوت‌های اولیّه، میانی و پایه

فرآیند مواد عطّاری به میزان نسبتاً زیادی متفاوت است. برخی از آن‌ها فقط چند دقیقه بر روی نوار بویایی باقی می‌مانند و برخی دیگر هفته‌ها. از این رو معمول است مواد اولیّه را به سه گروه تقسیم کنیم. (پوچر^{۴۵۰}، سال ۱۹۵۵؛ کارلز، سال ۱۹۶۱) نوت‌های پایه بیشتر از همه دوام و ماندگاری دارند. نوت‌های میانی، یا تصحیح‌کننده از فرآیند متوسطی برخوردارند و نوت‌های اولیّه، از همه بیشتر فرآیند. برقرار نمودن تعادل میان این سه گروه از مواد در فرمول،^{۴۵۱} هنگام انتشار عطر در طول تبخیر و کیفیت زیباشناسی آن اهمیت زیادی دارد.

کارلز، ساختار عطر را به شکل مثلثی که به سه قسمت افقی تقسیم شده نشان می‌دهد. این سه قسمت، به ترتیب از بالا به پایین، مبین نوت‌های اولیّه، میانی و پایه و نسبت آن‌هاست. (نمودار ۹-۱). مثال کامل عطری که بدین شکل فرموله شده را در “ل ایر دو تِمپس” شاهد هستیم.

structural^{۴۴۵}

essential character^{۴۴۶}

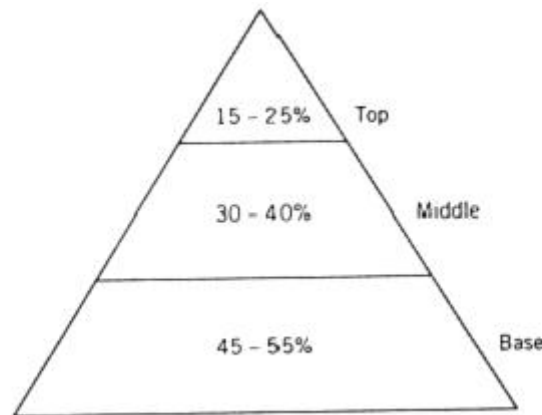
modifying^{۴۴۷}

preblended^{۴۴۸}

Rubik's cube^{۴۴۹}

Poucher^{۴۵۰}

^{۴۵۱} به نظر می‌رسد منظور نویسنده از برقراری تعادل، قرار دادن مواد از هر سه گروه فرآیند در فرمول، به گونه‌ای که در تمامی مراحل تبخیر، عطر رایحه‌ای قوی و قابل استشمام داشته و شمیم آن در هماهنگی و همکاری با دیگر نوت‌هایی باشد که در آن مرملة از فرآیند خود را نمایش می‌دهند.



نمودار ۹-۱

نظریات عطاران در خصوص فرآریت مواد که با آزمایشات تبخیر، بر روی نوار بویایی انجام پذیرفته، به صورت قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. برای مثال ”هلموت فیورر“^{۴۵۲} (۱۹۷۰) ”بنزیل سالیسیلات“ و ”متیل ایونون“ را نوت اولیه می‌داند. در حالی که کارلز این مواد را نوت پایه به شمار می‌آورد. (نظر کارلز درست است.) اینکه فیورر ”بنزیل سالیسیلات“ را نوت اولیه می‌شناسد، شاید به دلیل ضعف آشکار رایحه آن، مخصوصاً بعد از اینکه ناخالصی‌های اندک آن تبخیر گردید، می‌باشد. ما ”متیل ایونون“ را بالای نوت پایه قرار می‌دهیم که در بسیاری از عطرها به عنوان پلی مابین نوت میانی و پایه عمل می‌نماید.

جانمایی مواد اولیه طبیعی، در میان نوت‌های اولیه، میانی و پایه سخت می‌باشد. چرا که این محصولات، دارای اجزایی زیادی هستند که از لحاظ فرآریت با هم متفاوت می‌باشند. برای این‌گونه محصولات، معمول است فقط چسبندگی اجزا مشخصه محصول را در نظر بگیرند. در خصوص فرآریت محصولات طبیعی نیز شاهد تفسیرهای متفاوتی هستیم. برای مثال اسانس روغنی ایلنگ^{۴۵۳} دارای اجزایی است که در سرتاسر تبخیر عطر ایفای نقش می‌کند. به طور کلی اغلب نوت‌های ”تر و تازه“^{۴۵۴} سنتی از قبیل ”اسانس‌های روغنی مرکبات“^{۴۵۵}، ”لینالول“^{۴۵۶}، ”لینالیل آستات“^{۴۵۷} و

Helmut Führer^{۴۵۲}Ylang^{۴۵۳}fresh^{۴۵۴}citrus oils^{۴۵۵}linalool^{۴۵۶}linalyl acetate^{۴۵۷}

اسطوخودوس^{۴۵۸} و مواد مدرن‌تری از قبیل ”دی‌هیدرومیرسینول“^{۴۵۹}، ”رز اُکساید“^{۴۶۰} و ”کیس-۳-هیگزانونول“^{۴۶۱} در نوت اولیّه قرار دارند. نوت میانی اغلب شامل مواد گل‌بو^{۴۶۲} از قبیل تریپینئول^{۴۶۳}، ”رز الکل‌ها“^{۴۶۴} و بسیاری از مهم‌ترین مواد شیمیایی که در ساخت موگوئت^{۴۶۵} و یاس^{۴۶۶} استفاده می‌گردد، است. یوگنول^{۴۶۷}، به عنوان عنصر اساسی ”میخک صدپر“^{۴۶۸} بعلاوه بسیاری از نوت‌های شرقی^{۴۶۹} و ادویه‌ای^{۴۷۰} در نقطه پایینی نوت میانی قرار می‌گیرند. همان جایی که آمیل^{۴۷۱} و ”هیگزایل سینامیک آلدهاید“^{۴۷۲} قرار دارند. چه بسا راحت‌تر است این مواد را نوت پایه بشناسیم. از نوت‌هایی که مطمئناً پایه به شمار می‌روند می‌توان به خزه‌بلوطی^{۴۷۳}، ”نعناع هندی“^{۴۷۴}، اغلب مواد چوب‌بو^{۴۷۵}، مشک‌ها^{۴۷۶} و وانیلین^{۴۷۷} اشاره نمود.

در یک عطر فاخر^{۴۷۸} خوش‌ساخت، بخش مرکزی عطر، می‌بایست در پایین مثلث فراریت قرار داشته باشد. چرا که مواد موجود در این قسمت، تا ساعات متمادی بعد از استفاده، بر روی پوست باقی می‌ماند. بسیاری از این مواد ماندگار^{۴۷۹}، همان‌گونه که کارلز گفته، هنگامی که ابتدائاً استشمام می‌

lavender	۴۵۸
dihydromyrcenol	۴۵۹
rose oxide	۴۶۰
cis -3-hexanol	۴۶۱
floral	۴۶۲
terpineol	۴۶۳
rose alcohols	۴۶۴
muguet	۴۶۵
jasmin	۴۶۶
Eugenol	۴۶۷
carnation	۴۶۸
oriental	۴۶۹
spicy	۴۷۰
amyl	۴۷۱
hexyl cinnamic aldehyde	۴۷۲
oakmoss	۴۷۳
patchouli	۴۷۴
woody	۴۷۵
musks	۴۷۶
vanillin	۴۷۷
fine	۴۷۸
long-lasting	۴۷۹

گردند، بوی نسبتاً نامطبوعی دارند. لذا یکی از وظایف اجزا بهبوددهنده (اصلاح‌کننده، نوت میانی) و نوت‌های اولیّه این است که شخصیت این محصولات را در آکورد نهایی مقهور و آرایش نماید.

در اینجا مفید است زمان‌های ابقای مواد که به وسیله گاز کروماتوگرافی با استفاده از ستون-های قطبی نوع کاربوواکس^{۴۸۰} مشخص گردیده را بیان نماییم. این زمان‌ها نشانه واقعی تری از میزان فرآریت نسبی مواد در ترکیب می‌باشند. علی‌ایحال، اغلب عطاران با آزمایشاتی که شخصاً انجام داده‌اند و طبق روش کارشان، تفسیر متفاوتی از فرآریت مواد دارند. چرا که شیوه زیاد علمی نیز می‌تواند گمراه‌کننده باشد و به قول کارلز، دانشجوی عطاری، با فراموش نمودن اطلاعات تئوریک که داشته و با بنا نهادن طبقه‌بندی تجربی خودش، به زودی خبرگی غیرمنتظره‌ای را در این خصوص به دست می‌آورد.

رابطه بین نوت‌های اولیّه، میانی و پایه در همه انواع فرمول‌های عطر اعمال می‌گردد. به هر حال، نسبت‌های فعلی که در مثلث نمودار ۱-۹ نشان داده شده، در عطر فاخری که بین ۱۲ تا ۱۸٪ با الکل رقیق می‌گردد، اعمال می‌شود. به دلیل تأثیر خود الکل، دز بهینه برای ترکیب عطر، لزوماً برای تمامی بیس‌ها یکسان نیست و درصدها می‌بایست با سعی و خطا، مجدداً محاسبه شود. در عطرهای مردانه که اغلب رقیق‌تر بوده و غلظت مواد خوش‌بو پایین‌تر است، معمولاً نسبت بیشتری از مواد فرار استفاده می‌شود. چرا که باید حس "تر و تازگی"^{۴۸۱} که برای این قبیل ترکیبات نیاز است را به محصول بدهد. همان‌گونه که تاکنون بیان گردید، در بسیاری از عطرهای مدرن، نسبت نوت اولیّه، به میزان زیادی تقلیل یافته و بجای نوت "تر و تازه" سنتی، از مقدار کمتری از مواد شدیداً قوی استفاده می‌گردد. در محصولات کارکردی از قبیل صابون‌ها و کرم‌های آرایشی، بیس محصول می‌تواند به میزان یکسانی، نقش مهمی را بر مناسب‌ترین تعادل بین اجزا بازی کند. در نهایت، می‌بایست قضاوت زیباشناسی شخصی و تجربه، راهنمای کار عطار باشد. اصول ذکر شده فقط به عنوان راهنما هستند و نبایستی آن‌ها را به عنوان روش کار ثابت تحمیل نمود.

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، هر رایحه‌ای خودش را در یکی از مراحل نوت‌های سه‌گانه، قوی‌تر نشان می‌دهد تا در مراحل دیگر. این موضوع از یک طرف به دلیل ارتباط بین ساختار ملکولی و فرآریت و از طرف دیگر به دلیل ارتباط بین ساختار ملکولی و رایحه است. برای مثال استات‌ها اغلب فرآرتر بوده و شخصیت “تر و تازه‌تری” دارند تا الکل‌های معادل‌شان^{۴۸۲}. نوت‌های سبز و “تر و تازه” در قسمت بالایی طیف مثلث فرآریت قرار می‌گیرند، در حالی که نوت‌های جانوری، شیرین و چوب‌بو در نیمه پایینی آن. یکی از چالش‌های عطار، دستیابی به هارمونی (توازن) بین سطوح مختلف عطر است که از طریق این هارمونی، شخصیت عطر از یک قسمت به قسمت دیگر حمل می‌شود. مخصوصاً در عطرهاى مردانه که حاوی نسبت زیادتری مواد فرآر و “تر و تازه” است، ایجاد هماهنگی بین قسمت‌های مختلف عطر، کار بسیار سختی می‌باشد.^{۴۸۳} عطر “ایو سَویج”^{۴۸۴} مثالی شگفت‌انگیز از روشی می‌باشد که این مشکلات در آن حل گردیده است. چرا که شخصیت اساسی خود را در طول مدت تبخیر حفظ می‌نماید.

تعادل بین سادگی و پیچیدگی

همان‌گونه که در بخش قبل دیدیم، بسیاری از زیباترین عطرهاى طبیعی، مثل رایحه گل‌ها، از ترکیب صدها ماده مجزاً ساخته شده‌اند. اما تعداد نسبتاً کمی از این مواد، ساختار اصلی رایحه را می‌سازند و بقیه مواد، قسمت کوچک باقی‌مانده را. این تعادل بین سادگی و پیچیدگی، نقش اساسی در ساخت عطرهاى خوش‌ساخت بازی می‌کند. این عطرها، هم دارای هویت و هم کیفیت هستند. دوباره، نیازی نیست بدانیم چرا این تعادل، به وجود آورنده کیفیت است؟ (هرچند تفکر در مورد آن جالب است.) اما تجربه، آن را به ما نشان داده و قسمتی از تکنیک مسلّم عطاری شده است.

عطار و نویسنده انگلیسی “دبلیو. ای. پوچر” عادت داشت به دانشجویانش بگوید: “فقط سه قاعده در عطاری وجود دارد؛ سادگی^{۴۸۵}، سادگی و دوباره سادگی.” البته او در زمانی زندگی و کار می‌کرد که استفاده از نسبت زیادی از اسانس‌های طبیعی در ساخت عطر، غیرمعمول نبود. مواد اولیه

^{۴۸۲} مشابه و هم‌ارز

^{۴۸۳} چرا که شخصیت عطر در نوت اولیه که معمولاً “تر و تازه” است، متفاوت از بقیه نوت‌ها خواهد گردید.

^{۴۸۴} Eau Sauvage

^{۴۸۵} simplicity

طبیعی، هر کدام به تنهایی حاوی صدها جزء هستند که پیچیدگی لازم را به ارمغان می‌آورند. همچنین پوچر، عکاس چشم‌انداز نیز بوده و اصل سادگی را به همان میزان، در عکس‌هایش نیز اعمال نمود. وی در عکس‌هایش اجازه می‌داد جزئیات و بافت^{۴۸۶}، کیفیت که عیار کارش بود را فراهم نماید.

یکی دیگر از تمرین‌هایی که دانشجویان می‌توانند انجام دهند این است که شخصیت اساسی عطر را با حداکثر ۱۰ الی ۱۲ ماده دوباره‌سازی کنند. این کار نه تنها آکوردهای زیرین و ساختاری عطر را آموزش می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد با مواد نسبتاً کم، به چه رایحه‌ای می‌توانیم دست یابیم. همچنین این تکنیک، در ساده‌سازی فرمول جدید یا هنگام ساخت هم‌تای عطرها موجود که ترکیب‌شان بسیار پیچیده و غیرعملی شده، فوق‌العاده کاربردی است. این ساده‌سازی، برای بازگشت به ساختار اصلی و شروع دوباره از آن نقطه انجام می‌گردد.

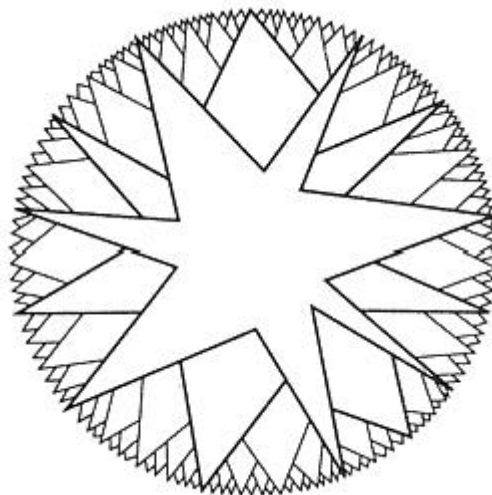
هر چند می‌بایست عطر خوش‌ساخت را از آکورد نسبتاً ساده و قوی به دست آورد، اما وجود تعداد کثیری از مواد، شخصیت عطر را تمام نموده و به آن کمال^{۴۸۷} و ”کیفیت زیباشناسی“^{۴۸۸} می‌دهد. البته ما از پیچیدگی فرمول، به خودی خود طرفداری نمی‌کنیم. اما عطاری که به اضافه نمودن بیشتر و بیشتر مواد ادامه می‌دهد، به امیدی که این مواد، به گونه‌ای عیوب (نقص) آکورد اصلی را بپوشانند، به احتمال زیاد ناامید خواهد شد. پیچیدگی عطر می‌بایست در ساختار کلی آن نمود پیدا کند. نه اینکه مواد صرفاً برای ایجاد پیچیدگی اضافه گردند.^{۴۸۹} هر ماده‌ای می‌بایست برای هدفی در عطر استفاده شده و به آکورد نهایی کمک نماید که عطر کامل گردد. عطر می‌بایست بداند هر ماده در فرمول، در ارتباط با ایده خلاقش، چگونه عمل می‌کند. در غیر این صورت، می‌بایست آن را کنار گذارد. لحظه حیرت‌آوری در فیلم آمادوس^{۴۹۰} وجود دارد و آن هنگامی بود که امپراطور^{۴۹۱} در پایان یکی از اپراهای موتزارت، نظر خود را ارائه می‌دهد: در اپرا ”نوت‌ها، بیش از حد“^{۴۹۲} به کار رفته است.

texture^{۴۸۶}roundness^{۴۸۷}aesthetic quality^{۴۸۸}

^{۴۸۹} یعنی هدف از اضافه نمودن مواد اولیه در موم کم که موجب پیچیدگی عطر خواهد شد می‌بایست برآوردن جنبه‌های مختلف صفات عطر که در ابتدا در ذهن عطر وجود داشت، باشد.

Amadeus^{۴۹۰}

موتزارت با اطمینان خاطر بالایی جواب می‌دهد: در اپرا فقط به اندازه‌ای از نوت‌ها استفاده شده که نیاز بوده، نه کمتر و نه بیشتر. استعداد قضاوت در مورد تعادل بین پیچیدگی زینتی^{۴۹۳} ترکیب و ساختار پایه‌ای آن، چه در موسیقی، چه نقاشی و یا در عطاری، یکی از نشانه‌های عظمت خلاقیت واقعی است. این ارتباط بین سادگی و پیچیدگی در عطاری را می‌توان با نمودار ۲-۹ نمایش داد.



نمودار ۲-۹

این نمودار نشان می‌دهد که هر ماده هرچند در حجم اندک در ترکیب استفاده شده باشد، نه تنها نقشش را در ساخت شخصیت کلی عطر (در لبه خارجی دایره) بازی می‌کند، بلکه به ساختار و هارمونی (هماهنگی) داخلی آن نیز کمک می‌نماید.

با استفاده از بیس‌ها یا زیرترکیبات^{۴۹۴} و محصولات طبیعی، می‌توان به پیچیدگی در عطر دست یافت. انواع مختلف بیس‌ها و کاربردها، به صورت جزئی‌تر در فصل بعد به بحث گذاشته خواهد شد. اما در این زمینه، می‌بایست بدانیم، بیس‌ها به شیوه یکسانی با اسانس‌های روغنی بکار برده می‌شوند. بیس خوب آن است که شخصیت ویژه‌ای (خاصی) را که به آکورد کلی کمک می‌کند، وارد ترکیب نموده و به غنا و پیچیدگی عطر، آن هم اغلب با وارد نمودن مواد، در حجم اندک کمک نماید. به دلیل زیاد بودن قدرت مواد موجود در بیس‌ها، نمی‌توان آن‌ها را به راحتی و به صورت مجزاً

Emperor^{۴۹۱}too many notes^{۴۹۲}Decorative (آرایش)^{۴۹۳}Subcompounds (ترکیبات فرعی)^{۴۹۴}

به فرمول اضافه نمود. غیرمعمول نیست برخی از انواع مشخصی از بیس‌ها از قبیل سبزیو، میوه‌ای و جانوری، قبل از اضافه نمودن به ترکیب، به صورت جداگانه ساخته می‌شوند. مزیتی که این کار دارد این است که عطر، بالقوه، غیرقابل کپی می‌شود. چرا که همه فرمول در دست یک نفر ترکیب نمی‌گردد.^{۴۹۵}

عطار می‌بایست پیچیدگی فرمول و استفاده از بیس‌ها را برای شرکت سازنده توجیه نماید. چرا که این دو، هزینه "ترکیب نمودن"^{۴۹۶} را بالا می‌برند و شرکت‌ها، معمولاً می‌خواهند هزینه‌شان را در حداقل سطح ممکن نگه دارند. مثلاً استفاده از شش بیس یا بیشتر در فرمول که همه، حاوی تعداد زیادی از مواد مشابه هستند، از دیدگاه تولید، کاملاً غیرقابل توجیه است. عطار می‌بایست هرکجا ممکن است سعی نماید، بجای بیس‌های خودساخته از بیس‌های موجود استفاده کند. اینکه شرکت‌ها تحمل نمایند که از تعداد زیادی بیس در فرمول استفاده کنند، اغلب به اهمیت، میزان فروش و نوع مصرف احتمالی پروژه بستگی دارد. معمولاً شرکت‌ها به استفاده از بیس‌های ویژه‌ای که در موفقیت‌های عظیم عطاری نقش داشته‌اند، بیشتر تمایل نشان می‌دهند تا ترکیبات ویژه‌ای که تقاضا برای آن، سالانه کمتر از ۱۰۰ کیلوگرم می‌باشد.

برخی از شرکت‌ها به منظور نگه داشتن هزینه‌های تولید در حداقل میزان ممکن، سیاست دوباره نویسی یا گسترش^{۴۹۷} فرمول‌های نوشته شده توسط عطاران را اقتباس می‌نمایند. بدین معنا که برای خلاص شدن از شر بیس‌ها، فرمول آن‌ها را ریز نموده و با مابقی فرمول جمع و به شکل خطی^{۴۹۸} ساده دوباره نویسی می‌نمایند.^{۴۹۹} سپس برای اینکه هر ماده‌ای که از درصد مشخصی پایین‌تر است از فرمول کسر گردد "سطح حذف"^{۵۰۰} را اعمال می‌نمایند. این شیوه، (سطح حذف) می‌بایست بسیار محتاطانه انجام شود. اعمال این شیوه، به نوع محصولی که عطر برای آن در نظر گرفته شده و فرمول نهایی بستگی دارد و همیشه می‌بایست تحت نظارت و کنترل عطار انجام گردد.

^{۴۹۵} یعنی فردی، بیس‌ها را ترکیب می‌کند و دیگری پس از آماده نمودن مابقی فرمول عطر، بیس ساخته شده را به مخلوط اضافه می‌نماید.

^{۴۹۶} Compound

^{۴۹۷} exploding

^{۴۹۸} linear

^{۴۹۹} با این کار وزن مواد مشابه، موجود در بیس‌های مختلف، با هم جمع شده و مهم کل آن، فقط یک‌بار در فرمول نوشته می‌شود.

^{۵۰۰} cutoff level

بیشتر آن چیزی که به عنوان کیفیت می‌شناسیم از پیچیدگی محصولات طبیعی، مخصوصاً رایحه گل‌ها به دست می‌آید. جین کارلز، "اسانس خالص" یاس در عطاری را به گره در آشپزی تشبیه می‌نمود. تأثیر مارگارین هیچ‌گاه با گره یکسان نیست. می‌توانیم عطرهاى ارزان‌قیمتی فرمول-بندی کنیم که فوراً به عنوان عطر نوع "شنل شماره ۵"^{۵۰۱} یا "ل ایر دو تمپس" قابل تشخیص باشند. اما بدون اضافه نمودن "اسانس‌های خالص" رز و یاس، این عطرها، فاقد کیفیت و جاذبه عطر اصیل هستند. البته امروزه تعداد کمی از عطاران، استطاعت مالی استفاده از این مواد به میزانی که در عطرهاى بزرگ گذشته استفاده می‌شده را دارند. اما مواد اولیه طبیعی، بخش واجب این عطرها باقی مانده‌اند. حتی در فرمول‌بندی عطرهاى محصولات کارکردی، استفاده از میزان کمی از مواد اولیه طبیعی، از قبیل لوندین^{۵۰۲} و "شمعدانی عطری"^{۵۰۳} می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد عطر داشته باشد.

پیچیدگی که از محصولات طبیعی به دست می‌آید، نقش مهمی در ترکیب عطرهاى فاخر بازی می‌کند. هرچند، ساختار زیرین (پایه‌ای) عطر، می‌بایست ساده باشد، اما این پیچیدگی است که به عطر، کیفیت زیباشناسی می‌دهد و مصرف‌کننده فهمیده، آن را تحسین می‌نماید. در پایان، مطلب ناراحت‌کننده اینکه مصرف‌کننده متوسط امروزی، اغلب علاقه‌مند و نگران عملکرد عطر (یعنی شدت^{۵۰۴} و ماندگاری^{۵۰۵}) است تا زیبایی و لطافت^{۵۰۶} آن.

Chanel ۵^{۵۰۱}

lavandin ۵۰۲

geranium ۵۰۳

Strength (قدرت) ۵۰۴

staying power ۵۰۵

subtlety ۵۰۶

۱۰. استفاده از بیس‌ها

بیس‌ها را می‌توان بلوک‌های پیش‌ساخته ساختمانی در عطاری به شمار آورد. این بیس‌ها ممکن است به سادگی آکوردی مابین سه یا چهار ماده باشد یا به پیچیدگی عطر کامل. بیس‌ها می‌بایست شخصیت واضح، آشکار و شفافی داشته باشند. زیرا که این، یک عامل ساختاری ضروری در ترکیب عطر است.

گرایش عطاران در استفاده از بیس‌ها برای ساخت عطرهاشان بسیار متفاوت است. برخی از ایشان معتقدند ساخت بیس‌ها یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کار خلاقانه در عطاری است. ایشان در بیس‌هایشان ایده‌های بسیار ناب را وارد می‌کنند و این بیس‌ها را می‌سازند تا شخصیت اصلی ساختار سنتی عطرشان را ایجاد نماید. ”مایکل هی“^{۵۰۷} به دانشجویانش می‌گفت ممکن است ساخت یک بیس خوب، یک سال از وقت وی را بگیرد. اما هنگامی که بیس کامل گردید، با استفاده از آن، ظرف یک هفته، ساخت عطر به اتمام می‌رسد. حتی در برخی مواقع، آن را در زمان کمتری انجام می‌داد.

برخی دیگر از عطاران ترجیح می‌دهند عطرها را با فرمول باز^{۵۰۸} بسازند و از بیس‌ها فقط برای وارد نمودن تأثیرات خاص، از قبیل ایجاد رایحهٔ سبز یا میوه‌ای استفاده نمایند. به نظر می‌رسد بسیاری از عطرهاى مدرن بدین نحو ساخته شده و بجای استفاده از بیس‌ها، اغلب فرمول، از مواد ساده تشکیل می‌گردد.

تاریخ ساخت بسیاری از بیس‌های قدیمی که برخی از آنها هنوز به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود، به اوایل قرن حاضر بر می‌گردد. در آن زمان، شرکت‌های فراهم‌کنندهٔ مواد اولیه، کمتر از امروزه، به ساخت و فرمول‌بندی عطر کامل^{۵۰۹} می‌پرداختند.^{۵۱۰} در آن زمان، اغلب مواد صنعتی جدید که توسط این شرکت‌ها تولید می‌گردید، ابتدائاً به شکل ”بیس‌های ویژه“^{۵۱۱} در دسترس عطاران مستقل یا مستخدم شرکت‌های مُد قرار می‌گرفت. با این روش، انحصار این قبیل مواد حفظ می‌شد، در حالی که نوت‌های جدید، به دست عطاران می‌رسید. ”بیس‌های ویژه“^{۵۱۲} از قبیل پارمانتیم^{۵۱۳} بر نونادینال،^{۵۱۴} فلوریزیا^{۵۱۵} بر ”آلیل ایونون“^{۵۱۶} و ”موس دِ سَکس“^{۵۱۷} بر ”ایزوبوتیل کوینولین“^{۵۱۸} پایه‌گذاری گردید. بیس‌های موصوف، همگی مربوط به آن دوره می‌باشند. این شیوهٔ کار، هنوز هم امروزه ادامه دارد. هم‌اکنون دلیل تولید این بیس‌ها این نیست که هویت مواد در بند^{۵۱۹} را پنهان نماید. (چرا که معمولاً با آنالیز جی.سی.سی. هویت مواد موجود در بیس فاش می‌گردد.) بلکه برای فروش مواد به شکل آماده و به منظور آسان نمودن قرار دادن آنها در فرمول ساخته می‌شوند. از

open^{۵۰۸}finished^{۵۰۹}این شرکت‌ها امروزه عطرهاى کاملی می‌سازند.^{۵۱۰}speciality bases^{۵۱۱}Specialities^{۵۱۲}Parmantheme^{۵۱۳}nonadienal^{۵۱۴}Florizia^{۵۱۵}allyl ionone^{۵۱۶}Mousse de Saxe^{۵۱۷}isobutyl quinolene^{۵۱۸}captive^{۵۱۹}

بیس‌های تولید شده اخیر می‌توان به ورترالیس^{۵۲۰} بر پایه ورترال^{۵۲۱}، "کسیس ۲۸۱"^{۵۲۲} بر پایه بوکوکسایم^{۵۲۳} و دورینیا^{۵۲۴} بر پایه "بتا دمِسکون"^{۵۲۵} اشاره نمود.

دسترسی به مواد صنعتی جدید در دهه‌های اول قرن بیستم، انگیزه ساخت بیس‌های گل‌بو شد. هم‌اکنون بسیاری از این قبیل بیس‌ها در عطاری استفاده می‌شوند. یکی از رایحه گل‌هایی که بدین شکل "تقلید گردید"^{۵۲۶} "یاس بنفش"^{۵۲۷} بود که از ترکیب تریپینئول^{۵۲۸}، هلیوتروپین^{۵۲۹} و "سینامیک الکل"^{۵۳۰} ساخته شد. "بنزیل آستات"^{۵۳۱} و ایندول^{۵۳۲} برای ساخت یاس^{۵۳۳} استفاده گردید. اینون‌ها^{۵۳۴} ساخت بنفشه^{۵۳۵} را ممکن ساختند. "هیدروکسی-سیترونال"^{۵۳۶} نقطه آغاز ساخت موگوئت^{۵۳۷} شد. یوگنول^{۵۳۸} "سینامیک الکل"^{۵۳۹} و انیلین^{۵۴۰} و "بنزیل سالیسیلات"^{۵۴۱} پایه‌های ساخت "میخک صدپر"^{۵۴۲} را شکل دادند. استفاده از بیس‌های گل-

Vertralis	۵۲۰
Vertral	۵۲۱
Cassis	۲۸۱ ۵۲۲
Buccoxime	۵۲۳
Dorinia	۵۲۴
beta damascone	۵۲۵
imitated	۵۲۶
Lilac (یاس شیروانی)	۵۲۷
terpineol	۵۲۸
heliotropin	۵۲۹
cinnamic alcohol	۵۳۰
amyl cinnamic aldehyde	۵۳۱
indol	۵۳۲
Jasmine	۵۳۳
ionones	۵۳۴
violet	۵۳۵
hydroxycitronellal	۵۳۶
muguet	۵۳۷
eugenol	۵۳۸
cinnamic alcohol	۵۳۹
vanillin	۵۴۰
benzyl salicylate	۵۴۱
carnation	۵۴۲

بوی مذکور و جانشین‌های مدرن‌شان، بخش جدایی‌ناپذیر تکنیک عطّاری امروزه در خلق عطرها را شکل می‌دهد. مواد موجود در برخی از بیس‌های گل‌بو، در فصل ششم به تفصیل ارائه گردید.

پیشرفت عظیمی که اخیراً در آنالیز شیمیایی و سنتز^{۵۴۳} ”مولکول‌های پیچیده آلی“^{۵۴۴} ایجاد شده، امکان تولید رایحه‌ای شبیه به اسانس طبیعی گل‌ها را ممکن نموده است. علی‌رغم این، ترکیبات تقلیدی از مواد طبیعی، هرچند فوق‌العاده باارزش هستند، اما تعداد کمی از آن‌ها می‌توانند جایگزین کاملی برای محصولات خالص و اصیل طبیعی به شمار آیند. ترکیبات گل‌بو را فقط می‌توان به عنوان بیس‌های ویژه که از همکاری بین شیمیدان و عطّار خلاق به دست آمده در نظر گرفت.

تکنیکی که گهگاه در تولید بیس‌های گل‌بو استفاده می‌شود، عمل آوردن ترکیبات مصنوعی از طریق محصول طبیعی است. برای مثال، ترکیب مصنوعی ”بهار نارنج“^{۵۴۵} قبل از تقطیر مواد طبیعی، به گل‌ها اضافه می‌شود. یا ترکیب مصنوعی یاس به ”موم‌های مصرف شده“^{۵۴۶} در ساخت ”اسانس خالص“^{۵۴۷} از کانکریت^{۵۴۸} وارد شده و موم‌ها تقطیر می‌گردند. این قبیل محصولات سرفلور^{۵۴۹} از حالتی طبیعی برخوردارند که نمی‌توان به تنهایی از ترکیب مواد صنعتی به دست آورد.

بسیاری از آکوردهای مهم عطّاری که اولین بار در نیمهٔ اول قرن بیستم کشف گردیدند، در برخی از بیس‌های معروف آن زمان قرار داده شدند. تعدادی از این بیس‌ها، هنوز در دسترس هستند و به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شوند. بیس‌های آمبرین^{۵۵۰} و ملیس^{۵۵۱} که در مبحث عطرهاى شرقی به آن‌ها می‌پردازیم، مثال‌هایی از این قبیل آکوردها هستند. همچنین بسیاری از بیس‌های جانوری، از مشتقات^{۵۵۲} پاراکریسیل^{۵۵۳}، ”فنیل‌استات‌ها“^{۵۵۴} و ”چوب سدر“^{۵۵۵} ساخته شدند.

synthesis^{۵۴۳}

complex organic molecule^{۵۴۴}

neroli^{۵۴۵}

spent waxes^{۵۴۶}

absolute^{۵۴۷}

concrete^{۵۴۸}

surfleurs^{۵۴۹}

Ambreine^{۵۵۰}

Mellis^{۵۵۱}

derivatives^{۵۵۲}

paracresyl^{۵۵۳}

phenylacetates^{۵۵۴}

برخی از موفق‌ترین بیس‌ها، حاوی آکورد ساده‌ای از دو یا سه ماده هستند و شاید با تعدادی از مواد کمکی^{۵۵۶} ”تزیین گردیده باشند.“^{۵۵۷} ترکیب ”فنوکسی‌ایتیل ایزوبوتیرات“^{۵۵۸} و ”دیمتیل بنزیل کاربنیل استات“^{۵۵۹} که در بسیاری از نوت‌های میوه‌ای استفاده شده، شخصیت متمایزی می‌سازد که حتی اگر به میزان اندکی در عطر نهایی استفاده شود، دوام زیادی دارد. شبیه به بیس پیشین، بیس ”عنبر سائل“^{۵۶۰} که از ترکیب ساده لادن^{۵۶۱}، کُنْدُر^{۵۶۲} و وانیل ساخته شده، تأثیر بسزایی بر جای می‌گذارد. این قبیل بیس‌ها که عطّار برای خودش می‌سازد، نه تنها بلوک‌های ساختمانی باارزشی در ساخت عطر هستند،^{۵۶۳} بلکه روش آسانی برای وارد نمودن میزان اندکی مواد به ترکیب می‌باشند که کمک خاصی به شخصیت ترکیب نهایی می‌نماید.

تکنیک دیگری که امروزه کمتر عمومی و محبوب است ولی در گذشته بسیار استفاده شده، اخذ مواد اولیّه معروف از قبیل ”متیل ایونون“، ”وتایوریل استات“ یا ”هیدروکسی‌سیترونال“ که هر کدام می‌توانند ۱۰ الی ۲۰٪ فرمول عطر کامل را شکل دهند و تزیین^{۵۶۴} آن‌ها با تعداد مواد جانوری و شیمیایی دیگر، برای ساخت بیسی که به میزان زیادی پیچیدگی و کمال^{۵۶۵} عطر کامل را دارا می‌باشد. بسیاری از این قبیل بیس‌ها، برای مثال آلتنول^{۵۶۶} و سلون^{۵۶۷} (که در ”ما گریف“^{۵۶۸} استفاده گردید.) توسط عطّار بزرگ ”جین کارلز“ خلق شد. کارلز، نه تنها این بیس‌ها را خودش استفاده می‌نمود، بلکه عطّارانی که از لحاظ خبرگی تکنیکی، در سطح وی نبودند نیز مشتری این قبیل بیس‌ها به شمار می‌رفتند.

۵۵۵ Cedarwood (سرو آزاد)

۵۵۶ auxiliary

۵۵۷ dressed up

۵۵۸ phenoxyethyl isobutyrate

۵۵۹ dimethyl benzyl carbonyl acetate

۵۶۰ ambergris

۵۶۱ labdanum

۵۶۲ olibanum

۵۶۳ یعنی می‌توان از این بیس‌ها به عنوان اجزا ساختاری در عطر استفاده نمود.

۵۶۴ decorate

۵۶۵ Roundness (همپنین به معنای غنا)

۵۶۶ Althenol

۵۶۷ Selvone

۵۶۸ Ma Griffe

امروزه یکی از باارزش‌ترین فواید استفاده از بیس‌ها، وارد نمودن میزان کمی از مواد به شدت قوی در عطر است که در صورت استفاده از این مواد به صورت مجزاً، می‌توانند تأثیر خشن^{۵۶۹}، زننده^{۵۷۰} و نامالایم^{۵۷۱} غیرقابل پذیرشی بر جای بگذارند. بسیاری از نوت‌های سبز، جز این دسته از مواد قرار دارند. اما، هنگامی که این مواد در آکوردی دقیق در کنار هم قرار گیرند، می‌توانند تأثیری طبیعی به عطر وارد و کپی کردن عطر را بسیار سخت نمایند. بیس‌های میوه‌ای، مثال دیگری از این تکنیک است. ترکیب مواد قدرتمند میوه‌ای که اغلب از موادی از قبیل ”فنوکسی‌ایتیل ایزوبوتیرات“ یا ”هگزیل سینامیک آلدهاید“^{۵۷۲} به عنوان حامل^{۵۷۳} استفاده می‌نمایند، تأثیری ایجاد می‌کنند که از طریق فرمول‌بندی مواد مجزاً، غیرقابل دستیابی است. امروزه برخی از بیس‌های میوه‌ای، گسترده‌ترین استفاده را در عطاری دارند.

نوع دیگری از بیس وجود دارد که در آن، شخصیت اصلی عطر موجود، بدون پیچیدگی‌های نسخه اصیل دوباره‌سازی می‌شود. این بیس‌ها را می‌توان برای ایجاد پیچیدگی در اثر جدید یا به عنوان نقطه شروع عطری که قرار است ”در امتداد“^{۵۷۴} عطر اصیل ساخته شود، استفاده نمود. این قبیل بیس‌ها، حتی اگر در فرمول نهایی ادغام شوند، ارزش خاصی در ساخت عطرهای دورگه^{۵۷۵} دارند. مثلاً عطری بین ”آنس آنس“^{۵۷۶} و پاریس. یا بین کلندر^{۵۷۷} و ”ریو گاوچ“^{۵۷۸} که خیلی اوقات برای ”دئو-کلن‌ها“^{۵۷۹} و دیگر محصولات آرایشی^{۵۸۰} استفاده شده‌اند.

تکنیک مشابهی که عطر می‌تواند استفاده نماید، کار با اطلاعات جی.سی.سی. است. در این تکنیک، مواد شناخته شده که یکی از جنبه‌های عطر را می‌سازند استخراج می‌گردد. برای مثال، عطر

harsh^{۵۶۹}harsh^{۵۷۰}harsh^{۵۷۱}hexyl cinnamic aldehyde^{۵۷۲}carrier^{۵۷۳}within the area^{۵۷۴}hybrid^{۵۷۵}Anais Anais^{۵۷۶}Calandre^{۵۷۷}Rive Gauche^{۵۷۸}deo-colognes^{۵۷۹}toilettry^{۵۸۰}

تمامی نوت‌های رز که در فرمول عطر وجود دارد را جدا نموده و به شکل بیس، در کنار هم قرار می‌دهد. برخی مواقع نیز ممکن است عطر، بیس واقعی که در نسخه اصیل استفاده شده را دوباره‌سازی نماید.

برخی از عطاران که از کسانی که بیس‌های اصیل و واقعی را ساخته تا بقیه از آن استفاده نمایند، کمتر قابل ستایش‌اند، با هدف محرمانه نگه داشتن فرمول، قلب ترکیب نهایی را به شکل بیس استخراج می‌کنند. این عطاران جنبه‌های مهم عطر را از ”افرادی که کار ترکیب را انجام می‌دهند“^{۵۸۱} یا از عطارانی که ممکن است نگاهی اجمالی به فرمول بیاندازند، مخفی می‌نمایند. این کار، مخصوصاً هنگامی که تعداد زیادی از این شبه‌بیس‌ها استفاده می‌شوند، می‌تواند باعث ایجاد مشکلات بزرگی هنگام تولید یا اصلاح (تغییرات) عطر برای استفاده‌های دیگر شود. برخی از شرکت‌ها وقتی که فرمول‌های عطر را به شعبه‌هایشان ارسال می‌کنند، به صورت قانونی از این روش استفاده می‌نمایند. اما این کار، نباید پیشنهاد و تشویق گردد.

سبک عطاری امروزه، خواهان ایجاد تأثیر اولیه بیشتر، به وسیله ساده نمودن فرمول است. همچنین در این سبک، استفاده از بیس‌هایی که نسبت زیادی از ترکیب نهایی را شامل می‌شوند، کاهش پیدا کرده است. اما بیس‌های گل‌بو و بیس‌هایی که شخصیت مثبت قوی‌ای را به عطر وارد می‌سازند، هنوز به شکل وسیعی استفاده می‌گردند و شناخت این قبیل بیس‌ها، بخش مهم آموزش عطاری است.

بخش سوّم: عطرهای فاخر

۱۱. "توارثِ (نژاد) عطرها" ۵۸۲

امروزه تعداد کمی از عطرهایی که به بازار عرضه می‌شوند، کاملاً اصیل هستند و اگر کاملاً اصیل باشند بعید است مورد پسند مشتری واقع گردند. عطره‌های جدید، از آثارِ موفقِ ماقبلِ خود مشتق شده‌اند. موفقیتِ عطری اصیل، پس از مدتِ کوتاهی، الهام‌بخشِ عطره‌های نزدیک به عطر اصلی می‌گردد. برخی از عطره‌های جدید، ممکن است به اندازهٔ عطر اصیل، معتبر و باحیثیت باشند. در حالی که بیشتر عطره‌های اقتباسی، برای بازارهایی در نظر گرفته می‌شوند که خواستار قیمت پایین‌تری هستند. فرآیند یکسانی نیز در دنیای مُد وجود دارد. چیزی که امسال در شهر پاریس جدید به شمار می‌رود، احتمالاً سال بعد در فروشگاه‌های زنجیره‌ای قابل دسترس است.

این بدان معنا نیست که عطار، خلاقیت کمتری نسبت به دیگر هنرمندان دارد. تاریخ همهٔ اشکالِ هنر در حال تکامل است. هنر جدید از هنر قدیم مقتبس می‌گردد. فرآیند تغییرات تدریجی، با

الهام ذهنی، به جهش‌های بزرگی دست می‌یابد. بدون هایدن^{۵۸۳} امکان نوشتن سمفونی‌های بتهوون^{۵۸۴} وجود نداشت و بدون سمفونی‌های بتهوون، سمفونی برامز^{۵۸۵} به وجود نمی‌آمد. بدون نقاشی‌های سوزان^{۵۸۶} نقاشی‌های پیکاسو و نقاشی‌هایی که ما با آن‌ها آشنا هستیم خلق نمی‌گردید. تمامی هنرمندان، تحت تأثیر دوره خود هستند. آثار هنرمندان، بر گذشته پایه‌گذاری شده و به تغییرات فرهنگی محیط جدید پاسخ می‌دهند. در عطاری نیز می‌توانیم منشأ (و مبدأ) تعداد زیادی از فرمول‌های امروزمین را در عطرها ساختن شده در ابتدای قرن ردیابی نماییم. محرک‌های این تکامل، می‌تواند از قرار ذیل باشد:

فراهم شدن مواد جدید، نبوغ (استعداد) عطار خلاق و تقاضای در حال تغییر بازار.

کار شیمیدانان آلی در انتهای قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم، پیدایش عطاری مدرن را ممکن ساخت. مواد جدیدی به وجود آمد، ایده‌های نویی کشف گردید و بازار که از آثار گذشته بسیار خسته شده بود. اینجا بود که انواع مختلفی از عطرها ظاهر گردیدند. برخی از آن‌ها، به میزان شگفت‌انگیزی اختراعی و نو و جامعه هدفشان را نخبگان جامعه مد قرار داده بودند. بسیاری از این عطرها اختراعی، بدون هیچ‌گونه ردی ناپدید گردیده و برخی دیگر نیز به عنوان یادگاران زنده عصر قدیم، باقی مانده‌اند. اما در این عطرها، برخی از ترکیبات خاص، از مواد پیدایشی^{۵۸۷} عطاری ظهور کرد که در رقابت برای کسب سهم بازار، موفق‌تر از دیگران عمل نموده‌اند. این ترکیبات نه تنها به خودی خود موفق بودند، بلکه این امکان وجود داشت که با معرفی مواد و ایده‌های جدید و بسته به شرایط متغیر بازار محیط، تغییر یابند. این ترکیبات خاص، در عطرهایی با اکورد چپیر، شرقی و ”گل‌بو-آلدهایدی“ ظاهر گشتند. این اکوردها، در ترکیب با گونه‌های خلاق و به دلیل انتخاب مشتری، بازار را فتح نمودند. خانواده‌های مختلف عطر تولید و برای محصولات متفاوت اقتباس گردیدند. این اکوردها به هر ”جایگاه ویژه“^{۵۸۸} در بازار عطر پرتو افکندند.

Haydn ^{۵۸۳}

Beethoven ^{۵۸۴}

Brahms ^{۵۸۵}

Cézanne ^{۵۸۶}

genetic ^{۵۸۷}

niche ^{۵۸۸}

در سال‌های اخیر، به دلیل شیوهٔ تکامل عطاری، معمول گردیده عطرها را در شکل شجره‌نامه طبقه‌بندی نمایند. این قبیل شجره‌نامه‌ها برای نشان دادن ارتباط عطرها، بر پایهٔ آکوردهای اصلی‌شان طراحی شده است. برای مثال ما می‌توانیم، نژاد^{۵۸۹} بسیاری از عطرهاى مدرن ”گل-بو-شرقی“^{۵۹۰} از قبیل ”ل هیرو بلو“^{۵۹۱} و ”ل اوریگن“^{۵۹۲} تا ”اسکار د لا رنتا“^{۵۹۳} و ”وئدریلت“^{۵۹۴} را در عطرهاى ”پویزن“^{۵۹۵} و ”لولو“^{۵۹۶} ردیابی نماییم. تمامی این عطرها بر آکورد ”دارای صفت اختصاصی (ممیز)“^{۵۹۷} بین ایلنگ، یوگنول^{۵۹۸} (نمایندهٔ میخک صدپر) شیف بیس‌ها (نشان‌دهندهٔ ”شکوفهٔ پرتقال“^{۵۹۹} یا ”گل مریم“^{۶۰۰}) ”متیل ایونون“ (به استثنای عطر ”پویزن“^{۶۰۱}) وانیلین^{۶۰۲} با هلیوتروپین^{۶۰۳} و کومارین^{۶۰۴} پایه‌گذاری گردیده‌اند. ارتباط بین عطرها، حالت‌های متفاوتی دارد و می‌تواند از کپی ”دارای شباهت تبلیغاتی“^{۶۰۵} شامل شود تا هم‌نژادی. (مثل ارتباط بین ”فیجی“ و ”ل ایر دو تمپس“ که هم‌نژاد هستند.) یا عطر اصلی که در خانوادهٔ موجود قرار می‌گیرد. (مثلاً ایساتیس^{۶۰۶} به عنوان تفسیری مدرن از آکورد چیپر) گهگاه ممکن است عطر موجود، بر عطر جدید خانوادهٔ دیگر تأثیر بگذارد. مثلاً در آبسین^{۶۰۷} (عطر شرقی مدرنی که از شالیمار^{۶۰۸} زاده شده) نوت

descent^{۵۸۹}floral-oriental^{۵۹۰}L'Heure Bleue^{۵۹۱}L'Origan^{۵۹۲}Oscar de la Renta^{۵۹۳}Vanderbilt^{۵۹۴}Poison^{۵۹۵}Loulou^{۵۹۶}characteristic^{۵۹۷}eugenol^{۵۹۸}orange blossom^{۵۹۹}tuberose^{۶۰۰}Poison^{۶۰۱}vanillin^{۶۰۲}heliotropin^{۶۰۳}Coumarin^{۶۰۴}me-too^{۶۰۵}Ysatis^{۶۰۶}Obsession^{۶۰۷}Shalimar^{۶۰۸}

اولیّه، به وضوح از اَلج^{۶۰۹} (عطرِ چیپرِ سبزبو-میوه‌ای) قرض گرفته شده است. در عمل، عطری که کاملاً جدید و غیرمرتبط با عطرهاى گذشته باشد، به ندرت وجود دارد. ”ایو سَویج“ که از ”مایع کُن“^{۶۱۰} سنتی نشأت گرفته نیز نقطه شروع خانواده جدیدی از عطرها، به نام گروه ”تر و تازه“^{۶۱۱} است. این عطر، گامِ بزرگی به جلو به شمار می‌آید. ”کوری‌آندر“^{۶۱۲} نیز با تأکید بر ”نعناع هندی“^{۶۱۳} بعلاوه هدیون^{۶۱۴} و رز^{۶۱۵} (به عنوان نوت گل^{۶۱۶} غالب^{۶۱۷}) نقطه شروع خانواده جدیدی در عرصه چیپر شد که منجر به خلق عطرهایی از قبیل ”آرامیس ۹۰۰“^{۶۱۸}، ”پالوما پیکاسو“^{۶۱۹} و نووینگ^{۶۲۰} گردید. در فصل بعد، ترکیب بسیاری از این عطرها، به صورت جزئی‌تر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

غیر معمول نیست عطر جدیدی را بیابیم که با عطری از زمان‌های خیلی دور مرتبط است. مانند ارتباط بین ”اُسکار دِلارنتا“ و ”لِ اُریگان“. مُد عطّاری به صورت دوره‌ای می‌چرخد. ممکن است خانواده‌های عطر، برای مدّت زیادی در خواب بمانند و سپس دوباره معرفی گردند. این معرفی دوباره، اغلب با تولید عطری که مستقیماً از گذشته الهام گرفته و با استفاده از مواد جدیدی که در فاصله زمانی ساخت دو عطر فراهم گردیده انجام می‌شود.

بسیاری از شاهکارهای عطّاری، با تفسیر عطرهاى گذشته نوشته شده‌اند. حتی ”جین کارلر“ بزرگ نیز بسیاری از آثارش را بر آکوردهای خوش ساخت چیپر و فوجِر^{۶۲۱} پایه‌گذاری نمود و به آنها درجه‌ای از اصالت^{۶۲۲} داد که به ندرت در عطّاری مدرن پیدا می‌شود. امروزه تعداد کمی از عطرها می-

Alliage^{۶۰۹}Eau de Cologne^{۶۱۰}fresh^{۶۱۱}Coriandre^{۶۱۲}patchouli^{۶۱۳}hedione^{۶۱۴}rose^{۶۱۵}floral^{۶۱۶}dominant^{۶۱۷}Aramis 900^{۶۱۸}Paloma Picasso^{۶۱۹}Knowing^{۶۲۰}fougere^{۶۲۱}originality^{۶۲۲}

توانند نظیر مبهوت‌کننده ترکیب موادی که در “کنوئ”^{۶۲۳} یا “ما گریف” استفاده شده باشند. مطالعه این آثار که در تکامل خانواده‌های عطاری نقش داشته‌اند، یکی از ارزنده‌ترین تمرین‌هایی است که عطار جوان می‌تواند انجام دهد.

روش‌های مدرن آنالیز عطر، نه تنها جمع‌آوری بیشتر داده‌هایی در خصوص عطرهای گذشته را برای دانشجویان عطاری ممکن ساخته، بلکه موجب ساخت بیشتر عطرهای اشتقاقی شده است. برخی از این عطرها، حرف جدیدی برای ارائه دارند و برخی دیگر نیز صرفاً کپی‌های تبلیغاتی به شمار می‌روند. دو علت الف. فشار بازار و ب. پیدایش آنالیزهای جی.سی. منجر به افزایش سرعت تکامل عطاری گردیده است.

البته گفته‌های فوق بدین معنا نیست که در طول ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته، عطرهای بزرگ و اصلی تولید نشده‌اند. از عطرهای اصیل و بزرگ اخیر می‌توان به عطرهای “استی لودر”^{۶۲۴} از قبیل “وایت لین”^{۶۲۵} و “آلج”^{۶۲۶} بعلاوه عطرهایی از قبیل دیورلا^{۶۲۷}، اترنیتی^{۶۲۸} و سمسرا^{۶۲۹} اشاره کرد. این قبیل عطرها را مشکل می‌توان در خانواده‌ای جای داد یا مستقیماً با عطرهای گذشته مرتبط دانست. این عطرها، خارج از مسیر اصلی توارث عطاری قرار دارند. هرچند، گهگاه دیده شده این عطرها، نقطه شروع مسیر خانواده کاملاً جدید و اصیل گردیده‌اند. در میان عطرهای اخیر، تریزر^{۶۳۰} نشان‌دهنده سبک جدید تکنیک عطاری است که برای برخی از عطرهای مابعد خود، از قبیل اسکپ^{۶۳۱}، دون^{۶۳۲} و وُلپت^{۶۳۳} الهام‌بخش گردید.

Canoe^{۶۲۳}

Estee Lauder^{۶۲۴}

White Linen^{۶۲۵} (به معنای کتان سفید)

Alliage^{۶۲۶}

Diorella^{۶۲۷}

Eternity^{۶۲۸}

Samsara^{۶۲۹}

Trésor^{۶۳۰}

Escape^{۶۳۱}

Dune^{۶۳۲}

Volupté^{۶۳۳}

شیوه توارث در دسته‌بندی عطرها، به صورت وسیعی بین عطاران پذیرفته شده است. این شیوه راه درستی است که تأثیرات خلاقانه‌ای را نشان می‌دهد که عطار طبق آن کار می‌کند. اما اشتباه است در مرتب کردن عطرها در قالب شجره خانوادگی، بیش از حد سخت‌گیر باشیم. تقریباً غیرممکن است برخی از عطرها، هرچند اصیل و بزرگ نیستند را در این گونه دسته‌ها قرار دهیم. مثلاً "امیر رز"^{۶۳۴} را می‌توان مرتبط با "شنل شماره ۵"، به عنوان عطر "گل-بو-شرقی" یا حتی آن را نزدیک به و یا الهام گرفته شده از "پودر نوزاد"^{۶۳۵} جانسون^{۶۳۶} بدانیم.^{۶۳۷}

بجز عطر فاخر که تاکنون بدان اشاره گردید، بازار بزرگی برای عطرهاى محصولات آرایشی از قبیل دئو-کلن‌ها وجود دارد. بسیاری از این عطرها، کم و بیش، کپی عطرهاى فاخر و موفق می‌باشند که برای بازار و قیمت خاصی اقتباس گردیده‌اند. هرچند اغلب، دورگه‌هایی مابین عطرهاى شبیه به هم، مثلاً "ل ایر دو تمپس" و فیجی یا بین "انیس انیس" و پاریس می‌باشند. این عطرها هرچند خیلی اصیل نیستند، اما برای بازار مناسب‌اند. چرا که مطمئناً مقبول می‌گردند. این عطرها، شخصیتی کافی، برای هویت‌بخشی به محصول را دارند. همان‌گونه که در ارتباط مابین "آب‌سین" و "الچ" دیدیم، بعضی اوقات ممکن است برخی از نوت‌های کمکی، از قبیل آکوردهای میوه‌ای یا سبزیوی خاصی قرض گرفته شوند.

مشکلی که دانشجوی عطاری، هنگام بررسی عطرهاى قدیمی با آن مواجه است، شناخت تغییرات صورت پذیرفته در عطر، از زمان معرفی به بازار، تاکنون می‌باشد. متأسفانه، برخی از عطرهاى بزرگ گذشته، آن قدر تغییر یافته‌اند که دیگر رایحه اولیه را ندارند. برخی مواقع، به دلیل هزینه بالای مواد موجود در فرمول و فراهم نبودن بعضی مواد اولیه، ایجاد تغییراتی در فرمول اجتناب‌ناپذیر است. یکی از راه‌های بد دیگر، پایین آوردن کیفیت مواد اولیه است که بسیاری از عطرهاى بزرگ گذشته، از این طریق رو به انحطاط گذاشته و فقط سایه‌ای از جلال و شکوه سابق باقی مانده است.

Ombre Rose^{۶۳۴}Baby Powder^{۶۳۵}Johnson^{۶۳۶}^{۶۳۷} اما نمی‌توانیم آن را در دسته‌بندی‌های متعارف جای دهیم.

برخی مواقع، یک عطر، مجدداً به بازار عرضه و معمولاً دوباره فرموله می‌شود. فرمول‌بندی مجدد، معمولاً برای تنظیم قیمت عطر با بازار کنونی و هماهنگ نمودن بیشتر آن با نیازمندی‌های روز، بدون قربانی نمودن شخصیت و کیفیت اصیل آن انجام می‌گردد. در موارد دیگر، پس از گذشت سال‌ها، با وارد نمودن میزان کمی از محصولات صنعتی جدید به فرمول، از قبیل مواد دارای رایحه یاس، "چوب صندل" و مشک، برخی از عطرها تغییر کرده‌اند، تا شخصیت اصیل آن تقویت گردد و قدرتی به آن ببخشند که بازار امروزه آن را طلب می‌کند. اما، بلاشک نیم‌نگاهی هم به پایین آوردن جزئی هزینه‌ها داشته‌اند.

گهگاه رایحه عطر قدیمی، اساساً و از پایه تغییر می‌یابد. این تغییر پایه‌ای، معمولاً به دلیل مشکلات تهیه مواد اولیه یا در برخی مواقع، فقط به این دلیل که فروش عطر اصیل تنزل پیدا کرده، می‌باشد. "ج رِوینز"^{۶۳۸} بازمانده منحصر به فرد سبک سابق عطّاری و یکی از دوست‌داشتنی‌ترین عطرها در میان استفاده‌کنندگان متعهدش، متأسفانه متحمل این تغییر گردیده است. امروزه بعید است این عطر، دیگر بتواند مشتریان ثابتش را راضی نماید یا در انجام اصلاحات جدید، موفق گردد که این خسرانی عظیم برای عطّاری می‌باشد.

در کنار شیوه شجره‌ای در دسته‌بندی عطرها که به موضوع این فصل مرتبط است، طبقه‌بندی‌های دیگری با معیارهای متفاوت و یا با مقیاس سودمندی وجود دارد. "کتاب طبقه‌بندی عطرها"^{۶۳۹} که به وسیله "جامعه عطّاران فرانسه"^{۶۴۰} در سال ۱۹۸۴ منتشر گردید، آگاهانه از سبک شجره‌ای احتراز نموده و صرفاً ترجیح داده عطرها را با هم گروه‌بندی نماید. این گروه‌بندی با معیار تعریف رایحه عطر انجام می‌گردد. "هالدیمن و اسکونمن"^{۶۴۱} در "شش ظلعی عطرها"^{۶۴۲} که در سال ۱۹۸۸ توسط درگاگو منتشر شد، از این سبک پیروی نموده‌اند. از این سبک، در بازار و در نمایش مدهای عطّاری استفاده می‌گردد. "جامعه عطّاران فرانسه" از آن، صرفاً در قالب کاتالوگ استفاده نمود. نتایج این قبیل طبقه‌بندی‌ها اغلب با سبک و شیوه شجره‌ای مطابقت دارد. اما یکی از تفاوت-

Je Reviens ^{۶۳۸}Classification des parfums ^{۶۳۹}Société Technique des Parfumeurs de France (STPF) ^{۶۴۰}Haldimann and Schuenemann ^{۶۴۱}Hexagon of Perfumes ^{۶۴۲}

های موجود بین این دو سبک، در جانمایی عطرها گل بو است. این قبیل عطرها، به دلیل شخصیت منحصر به فردشان، اغلب تحت عنوان ”سبز-گل بو“ در یک گروه قرار می‌گیرند. در دسته‌بندی ”جامعه عطاران فرانسه“، عطرها فیجی، فرزند بلاواسطه ”ل ایر دو تمپس“، آلیج که مطمئناً ”چیپر-گل بو“ است و ”شنل شماره ۱۹“ که مربوط به خانواده چوب بو^{۶۴۳} و ”سبز-گل بو“^{۶۴۴} می‌باشد در یک گروه و در کنار هم قرار گرفته‌اند. این سه عطر، مشترکات کمی دارند، مگر شخصیت سبزشان. حتی ترکیب مواد سبزبو هم در عطرها فوق متفاوت از هم است. از طرف دیگر، هرچند از نظر مردم، عطر ”بیوتیفول“^{۶۴۵} از ”شنل شماره ۱۹“ مشتق شده، اما راحت‌تر است آن را در طبقه‌بندی توصیفی^{۶۴۶} قرار دهیم. چرا که این عطر، کمی دارای شخصیت سبزبو که در قلب اجدادش قرار دارد است و با نوت‌های گل بو و پودری از قبیل رایحه ”اتریتی“ نسبتاً مشترک می‌باشد.

سبک دیگری که توسط ”جی. اس. جلینیک“ در سال ۱۹۹۲ در مقاله ”نقشه عطرها“^{۶۴۷} اقتباس گردید، دسته‌بندی عطرها بر اساس درک مشتری است. درک مشتری از عطار گرفته تا ”متخصص عطر“^{۶۴۸} در صنعت عطاری، به میزان زیادی با یکدیگر فرق دارد. این طبقه‌بندی در موقعیت‌یابی عطرها جدیدی که به بازار عرضه می‌گردد، با ارزش می‌باشد.

در بخش آتی، ترکیب برخی از عطرها بزرگ گذشته را بررسی می‌نماییم و به صورت خاص، به روابط مابین عطرها یک خانواده می‌پردازیم. این قبیل مقایسه‌ها، حتی اگر سرچشمه واقعی عطرها را منعکس ننماید، برای دانشجوی عطاری، در فهم پایه‌های تکنیکی تولید و فرمول‌بندی، بسیار گران‌بهاست. در بقیه موارد، جایی که عطر به هیچ‌یک از نسل‌های شناخته شده گذشته متعلق نیست، سبک توصیفی دسته‌بندی را اقتباس می‌نماییم.

woody ۶۴۳

floral-green ۶۴۴

Beautiful ۶۴۵

Descriptive ۶۴۶

Map of Perfumes ۶۴۷

fragrance specialist ۶۴۸

۱۲. بررسی شاهکارهای عطاری

در سال‌های نه چندان دور، صحبت کردن از جزئیات ترکیب عطرها، غیرممکن بود و فرمول‌های واقعی، در دست آفریننده آثار یا شرکت‌هایی که برایشان کار می‌کردند قرار داشت. هرچند برخی مواقع این فرمول‌ها به دست دیگران می‌رسید، لکن ایشان نیز اطلاعات به دست آمده را محرمانه نگه می‌داشتند.

عطار با تلاش بسیار زیاد، شاید می‌توانست همتای بویایی کم و بیش نزدیکی را بیابد و از این طریق در خصوص ترکیب عطرها، مطالب مهمی بیاموزد. اما معلوم نبود فرمول جدید، چقدر دقیق است. مضافاً عملیات شبیه‌سازی، مستلزم سرمایه‌گذاری زیاد در وقت و هزینه بود و به این دلیل، کسی به فکر منتشر نمودن اطلاعات به دست آمده نمی‌افتاد.

امروزه با دسترسی به روش‌های جدید تحلیل، با استفاده از تکنولوژی روز، اطلاعات زیادی در دسترس عطار قرار دارد. گزارش خوب جی.سی./ام.اس. نه تنها ساختار اصلی عطر، بلکه اغلب جزئیات اجزا سازنده، اعم از طبیعی و مصنوعی را نشان می‌دهد. استفاده از گزارش جی.سی./ام.اس. به عنوان نقطه شروع، می‌تواند عطار را در بازسازی فرمول بسیار پیش ببرد.

هرچند نمی‌توان به منویات ذهن خالق اثر پی برد و این طبیعت هنر است که حتی اگر از خالق آن هم سوال شود، نمی‌تواند پاسخ منسجمی ارائه دهد. خالق اثر، از تجربیاتی که بر روی کارش اثر گذاشته کاملاً ناآگاه است. ممکن است پس از ارزیابی عطر به این نتیجه برسیم ساختار آن، مثلاً شبیه به ”مادام راجس“^{۶۴۹} یا کلندر^{۶۵۰} است. اما اگر این نتیجه‌گیری را برای خالق آن بیان نماییم، ممکن است خود وی نیز تا آن موقع، به این ارتباط پی نبرده باشد و موضوع را با تعجب تأیید نماید.

هر عطار، دیدگاه متفاوتی نسبت به عطر دارد. هدف ما در این کتاب، ترویج این ایده نیست که تمامی عطرها در شجره فامیلی، قابل طبقه‌بندی هستند. لذا ممکن است برخی از عطاران، با نظریات مطرح شده در این کتاب موافق نباشند که با احترام، نظریات مخالف را پذیرا هستیم.

اطلاعات ذیل‌الذکر از داده‌های آنالیز جی.سی. و کار بعدی صورت گرفته روی آن به دست آمده است. عطرها، در انواع متفاوتی در بازار موجود هستند. نوع غلیظ آن عطر^{۶۵۱} نامیده می‌شود و انواع رقیق‌تر ”مایع آرایش“^{۶۵۲} و ”مایع عطر“^{۶۵۳} می‌باشند. این محصولات، معمولاً فرمولی متفاوت از فرمول اولیه دارند. اغلب، مواد اولیه جدیدتر و ارزان‌تر، برای بازسازی همان ایده مورد استفاده قرار گرفته است. ولی برای ساخت عطر در غلظت پایین، فرمول جدید، اقتصادی‌تر و مناسب‌تر می‌باشد. در غلظت‌های متفاوت، فرمول‌های مختلفی استفاده می‌شود. به این دلیل و به علت تغییرات صورت پذیرفته در فرمول‌های قدیمی، نمی‌توان مطمئن بود برای یک عطر، فقط فرمول واحدی وجود دارد. هرچند، اغلب اطلاعات‌مان، از ارزیابی نسخه اکستریت^{۶۵۴} عطرها موجود در بازار امروزه به دست آمده، اما در برخی موارد نیز نسخه‌های رقیق‌تر را بررسی نموده‌ایم.

قصد ما شبیه‌سازی یا به دست آوردن فرمول‌های عملی نبوده، زیرا این کار برای دانشجویی که می‌خواهد از راه بازسازی عطرها بزرگ آموزش ببیند، فاقد ارزش است. همچنین نیت ما از ارائه فرمول‌ها، استفاده برای تقلید غیراخلاقی بازاری یا بدتر از آن، ساخت محصولات تقلبی نیست. حال به

Madame Rochas ^{۶۴۹}

Calandre ^{۶۵۰}

Perfume ^{۶۵۱}

toilet water ^{۶۵۲}

eau de parfum ^{۶۵۳}

extrait ^{۶۵۴}

خود دانشجو یا عطار بستگی دارد که تلاش نماید بازسازی را خود انجام داده و به فرمول‌های خودساخته شاهکارهای بزرگ عطاری برسد. در برخی مواقع، به منظور راهنمایی برای پی بردن به ساختار اصلی عطر، به عنوان نقطه شروعی برای اقدامات بعدی، درصد مواد موجود در فرمول ذکر می‌گردد.

در انتخاب عطرهای مورد مطالعه، بر نمایندگان برجسته خانواده‌های اصلی متمرکز شده و اغلب، تلاش خود را به بررسی عطرهای زنانه محدود نموده‌ایم.

عطرهای گل‌بو^{۶۵۵} - سالیسیلات^{۶۵۶}: "ل ایر دو تمپس"^{۶۵۷}، "فیجی"^{۶۵۸}، "انیس انیس"^{۶۵۹} و پاریس^{۶۶۰}

در این گروه، چهار عطر را بررسی خواهیم کرد که به صورت برجسته‌ای دارای صفت گل‌بو، بر پایه سالیسیلات‌ها در ترکیب با نت‌های چوب و مشک هستند. این آکورد پایه، یکی از موفق‌ترین آکوردهای عطاری و نقطه شروع تعداد زیادی از آثار شگفت‌انگیز و متفاوت بوده است.

"ل ایر دو تمپس" ساخته "نینا ریچی"^{۶۶۱} را می‌بایست یکی از مهم‌ترین عطرهایی قلمداد نمود که تا به حال ساخته شده است. این عطر نه تنها موفقیت تجاری بزرگ و بلندمدتی به دست آورد، بلکه تأثیرش را می‌توان در ساخت عطرهای بعدی، از قبیل فیجی، چارلی^{۶۶۲}، "کلوئ"^{۶۶۳}، "انیس انیس" و پاریس دید. این عطرها کم و بیش یک خانواده را به وجود آورده و الهام‌بخش تعداد بی‌شماری از رایحه‌ها، مخصوصاً برای محصولات آرایشی گردیدند.

Floral^{۶۵۵}

Salicylate^{۶۵۶}

L' Air du Temps^{۶۵۷}

Fidji^{۶۵۸}

Anais Anais^{۶۵۹}

Paris^{۶۶۰}

Nina Ricci^{۶۶۱}

Charlie^{۶۶۲}

Chloe^{۶۶۳}

”لِ اير دو تَمپس“^{۶۶۴}

”لِ اير دو تَمپس“ که در سال ۱۹۴۸ ساخته شد، نمونه‌ کاملی از عطرهای عصر میانی به شمار می‌رود. فرمول این عطر از نوت‌های اولیّه، میانی و پایه که به خوبی با هم ترکیب گردیده، به وجود آمده است. سادگی فوق‌العاده و اتکا به مواد اولیّه طبیعی، به منظور ایجاد پیچیدگی و غنای رایحه، نه تنها آن را متمایز نموده بلکه نقطه آغاز ساخت بسیاری از مشتقات و انواع پیچیده‌تری از فرمول‌ها گردیده است.

در سال‌های اولیّه قرن بیستم، با استفاده از سالیسیلات‌ها، معمولاً از ترکیب آمیل^{۶۶۵} و ”بنزیل“^{۶۶۶} سالیسیلات، عطرهای موفق‌تری ساخته شدند. در میان این‌ها، از عطرهای ”گل‌بو-آلدهاید“^{۶۶۷} مانند ”کولکوئس فلورز“^{۶۶۸} و ”فلورز دروکیلز“^{۶۶۹} با رایحه غالب ”یاس بنفش“^{۶۷۰} و ”جِ روینز“^{۶۷۱} بر پایه نرگس^{۶۷۲} و نسترن^{۶۷۳} می‌توان یاد کرد. اغلب این عطرها، دارای مخلوطی از یوگنول^{۶۷۴} و ”ایزو یوگنول“^{۶۷۵} به عنوان قسمتی از رایحه ”میخک صدر“^{۶۷۶} هستند. این دو ماده، در ترکیب با ”بنزیل سالیسیلات“^{۶۷۷} الهام‌بخش ساخت ”لِ اير دو تَمپس“ گردید.

سالیسیلات‌ها به عنوان قسمتی از اکورد ملیس^{۶۷۷} در عطرهایی از قبیل ”بلو گراس“^{۶۷۸} و ”مومنت سوپریم“^{۶۷۹} در ترکیب با یاس، رُز، یوگنول، میخک^{۶۸۰}، کومارین^{۶۸۱} و ”وتایوریل آستات“^{۶۸۲}

L' Air du Temps^{۶۶۴}Amyl^{۶۶۵}Benzyl^{۶۶۶}Aldehydic^{۶۶۷}Quelques Fleurs^{۶۶۸}Fleurs de Rocailles^{۶۶۹}Lilac (یاس شیروانی)^{۶۷۰}Je Reviens^{۶۷۱}Narcisse^{۶۷۲}Jonquille^{۶۷۳}Eugenol^{۶۷۴}Isoeugenol^{۶۷۵}Carnation^{۶۷۶}Mellis^{۶۷۷}Blue Grass^{۶۷۸}Moment Supreme^{۶۷۹}Clove^{۶۸۰}

و در فوجرها^{۶۸۳}، مانند ”کنوء“^{۶۸۴} و ”فوجر رویال“^{۶۸۵} در ترکیب با خزهبلوپی به کار برده شدند. هم- اکنون تعداد کمی از این عطرها در شکل اولیّه خود باقی مانده‌اند و ”امیل سالیسیلات“ در عطاری فاخر، طرفداران خود را به عنوان جزء ساختاری از دست داده و جای خود را به ماده زیباتری به نام ”کیس-۳-هگزینیل سالیسیلات“^{۶۸۶} سپرده است.

در قلب ”ل ایر دو تمپس“ این آکورد نهفته است: ۴/۵: ۱ بین ”بنزینیل سالیسیلات“^{۶۸۷} (۱۵٪) و یوگنول. (چهار و نیم برای ”بنزینیل سالیسیلات“ و یک برای یوگنول) این دو ماده، به همراه ایلنگ^{۶۸۸} و ”ایزو یوگنول“ شخصیت اصلی ”میخک صدپر“ را به وجود آورده‌اند. این شخصیت، تا موقع تبخیر کامل عطر، رایحه غالب است.

نوت پایه، دارای آکورد مهمی از ”میتیل ایونون“^{۶۸۹} (۱۰٪) ”وتایوریل استات“، ”چوبِ صندل“^{۶۹۰}، ”مُسک کتون“^{۶۹۱} و ”مُسک آمبرِت“^{۶۹۲} است. این مواد به همراه ”میخک صدپر“، شخصیت مرکزی عطر که فوراً قابل تشخیص است را ایجاد نموده‌اند.

نوت میانی عطر، سیدی از رایحه‌های گل بو است که توسط عطار، به ساده‌ترین اجزاء خود تنزل یافته‌اند. تریپینئول^{۶۹۳} به نمایندگی از ”یاس بنفش“، ”استیرالیل استات“^{۶۹۴} نماینده یاسمن^{۶۹۵}،

coumarin^{۶۸۱}

Vetiveryl acetate^{۶۸۲}

Fougeres^{۶۸۳}

Canoe^{۶۸۴}

Fougere Royal^{۶۸۵}

cis-۳-hexenyl salicylate^{۶۸۶}

benzyl salicylate^{۶۸۷}

ylang^{۶۸۸}

methyl ionone^{۶۸۹}

sandalwood^{۶۹۰}

musk ketone^{۶۹۱}

musk ambrette^{۶۹۲}

Terpineol^{۶۹۳}

styrallyl acetate^{۶۹۴}

gardenia^{۶۹۵}

”فینیل‌اتیل الکل“^{۶۹۶} نمایندهٔ رز، ”هیدروکسی سیترونالال“ (۱۰٪) به عنوان موگوئیت^{۶۹۷} و ”بنزیل استات“^{۶۹۸} و ”آمیل سینامیک آلدیهاید“^{۶۹۹} جایگزین یاس^{۷۰۰}.

نوت اولیّه (۱۴٪) از ترکیب سنتی ترنج^{۷۰۱} و ”چوب بلسان بنفش“^{۷۰۲} بعلاوهٔ اجزائی که به صورت طبیعی در آنها وجود دارند یعنی ”لینالول“^{۷۰۳} و ”لینالیل استات“^{۷۰۴} تشکیل شده است. هرچند شخصیت اساسی این عطر با موادی که بیان گردید ساخته شده، اما غنا^{۷۰۵} و کیفیت آن، بیشتر به علت استفاده از ”اسانس خالص“^{۷۰۶} رز و یاس می‌باشد. استفاده از این دو مادهٔ طبیعی باعث شده، صدها مادهٔ منفرد دیگر که در ترکیب این دو وجود دارند، اضافه گردد. مواد منفرد مذکور، ساختار اصلی را احاطه و آرایش نموده‌اند. در این عطر، نمونهٔ کامل سادگی عطرهای سنتی، همراه با پیچیدگی ناشی از استفاده از مواد اولیّهٔ طبیعی را شاهد هستیم.

علاوه بر محصولات بیان شده که ساختار اساسی فرمول را تشکیل می‌دهند، تعدادی از مواد کمکی^{۷۰۷} که علی‌رغم جزئی بودن مقدارشان، تأثیر^{۷۰۹} قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد^{۷۱۰} و زیبایی^{۷۱۱} عطر دارند، اضافه گردیده است. ”آلدیهاید سی ۱۱ آندکیلینیک“^{۷۱۲} که تأثیر مضاعفی ایجاد می‌کند، با ”استیرالیل استات“^{۷۱۳} بسیار عالی ترکیب شده و پلی^{۷۱۴} مابین نوت‌های اولیّه و مابقی عطر بوجود

phenylethyl alcohol^{۶۹۶}

muguet^{۶۹۷}

benzyl acetate^{۶۹۸}

amyl cinnamic aldehyde^{۶۹۹}

jasmin^{۷۰۰}

bergamot^{۷۰۱}

rosewood^{۷۰۲}

linalool^{۷۰۳}

linalyl acetate^{۷۰۴}

richness^{۷۰۵}

absolutes^{۷۰۶}

auxiliary^{۷۰۷}

trace^{۷۰۸}

effect^{۷۰۹}

performance^{۷۱۰}

aesthetic quality^{۷۱۱}

Aldehyde C11 undecylenic^{۷۱۲}

styrallyl acetate^{۷۱۳}

bridge^{۷۱۴}

آورده است. جای دیگری که اهمیت مواد کم‌حجم و ناچیز نشان داده شده، هنگام تکمیل^{۷۱۵} شخصیت^{۷۱۵} ”میخک صدر“ با اضافه نمودن مقدار اندکی وانیلین^{۷۱۶}، هلیوتروپین^{۷۱۷} و ”زنبق زرد“^{۷۱۸} می‌باشد. استفاده از این مواد در نسبت کم، نشان می‌دهد عطر، چگونه آثارش را با پرداخت، ظریف‌کاری و ریزه‌کاری^{۷۱۹} به اتمام^{۷۲۰} می‌رساند.

وانیلین یکی از مهم‌ترین مواد عطاری است و بکار بردن آن کار بسیار سختی می‌باشد. در یک عطری شرقی^{۷۲۱} ممکن است ۱۰٪ حجم فرمول یا بیشتر آن را وانیلین به خود اختصاص دهد. در حالی که در دیگر گونه‌های عطر، استفاده از آن، حتی به مقدار اندک ۰/۵٪ نیز، می‌تواند رایحه لطیف^{۷۲۲} ”آکورد متعادل“^{۷۲۳} را ”مخفی و کدر“^{۷۲۴} نماید. اما اگر این ماده با احتیاط استفاده شده، بدون اینکه جایگزین شخصیت اصلی عطر گردد، می‌تواند زبری^{۷۲۵} ترکیب^{۷۲۶} را ”صیقلی بخشد“^{۷۲۷} و کمی نیز رایحه شیرین^{۷۲۸} به آن اضافه نماید. هنگامی که قرار است وانیلین به عنوان ماده کمکی^{۷۲۹} و نه قسمتی از ”آکورد اصلی“^{۷۳۰} به ترکیب اضافه شود، توصیه شده اثر را به اتمام^{۷۳۱} نزدیک نماییم و آزمایشات متعددی برای به دست آوردن ”بهترین آکورد“^{۷۳۲} انجام دهیم.^{۷۳۳} این ماده را هیچ‌وقت

completion^{۷۱۵}vanillin^{۷۱۶}heliotropin^{۷۱۷}Orris^{۷۱۸}elegance^{۷۱۹}finish^{۷۲۰}oriental^{۷۲۱}finely^{۷۲۲}balanced accord^{۷۲۳}obscure^{۷۲۴}roughness^{۷۲۵}composition^{۷۲۶}smoothing out^{۷۲۷}sweetness^{۷۲۸}auxiliary^{۷۲۹}main structural accord^{۷۳۰}complete^{۷۳۱}effective level^{۷۳۲}

^{۷۳۳} هنگامی که این ماده به عنوان جزء اصلی عطر (در عطرهای شرقی) مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌بایست در ابتدای زمان ساخت آکورد در فرمول وارد شود و نیازی نیست که اضافه نمودن آن را به آخرین مرحله ساخت عطر بیاندازیم.

نباید فقط به منظور پوشاندن^{۷۳۴} اشتباهات ناشی از قراردادن نادرست مواد در کنار یکدیگر، استفاده نمود. زیرا هنگامی که وانیلین اضافه شود، بوی قوی آن اجازه نمی‌دهد تعادل بین مواد دیگر ارزیابی گردد.

وانیلین مانند رایحه‌های جانوری^{۷۳۵}، به عنوان برانگیزنده هوشیاری^{۷۳۶} نسبت به عطر عمل می‌کند. میزان کمی از این ماده در فرمول، نه تنها شخصیت عطر را^{۷۳۷} “از خفا خارج می‌نماید”، بلکه “سطح تأثیرگذاری”^{۷۳۸} آن را نیز افزایش می‌دهد. این ماده در عطاری، شبیه نمک در آشپزی است. اغلب غذاها، حتی آن‌هایی که نمکین نیستند، از آن بهره می‌برند. اما استفاده بیش از حد آن، می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. در هر حال، وانیلین به عنوان یکی از عناصر ترکیب “میخک صدپر” و عنبر^{۷۳۹} به بسیاری از عطرها راه پیدا کرده است.

“زنبق زرد”^{۷۴۰} هم به همین شکل، حتی هنگامی که به میزان کمی استفاده شود، می‌تواند تأثیر شگفت‌انگیزی بر انتشار^{۷۴۱} رایحه و تکمیل^{۷۴۲} فرمولی که به خوبی ترکیب گردیده بگذارد.

فیجی^{۷۴۳}

مایین آفرینش “ل ایر دو تمپس” و فیجی (۱۹۶۶)، ازدیاد شگرفی در مواد خوش‌بوی مصنوعی به وجود آمد. مواد نو، انگیزه‌ای برای آفرینش آثار خلاقانه جدید گردیدند و شرکت‌ها، عطاران خود را به استفاده از این مواد در فرمول‌های خود تشویق نمودند. تاریخ ساخت فیجی را با نگاهی به مواد مورد استفاده در آن، می‌توان به راحتی تشخیص داد. هرچند همیشه نمی‌توان سرچشمه عطری را در عطر دیگری بیابیم، اما عطاران، عموماً رابطه بین فیجی و “ل ایر دو تمپس” را نسبت مستقیم می‌دانند. در فیجی، ساختار اصلی “ل ایر دو تمپس” با مواد اولیه جدید، کاملاً یا جزئاً، به صورت

cover up^{۷۳۴}

animal^{۷۳۵}

awareness^{۷۳۷}

bring out^{۷۳۷}

level of impact^{۷۳۸}

amber^{۷۳۹}

orris^{۷۴۰}

lift^{۷۴۱}

finish^{۷۴۲}

Fidji^{۷۴۳}

آگاهانه جایگزین شده، اما تعادل بین اغلب مواد، تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است. فیجی را می‌توان “ل ایر دو تمپس” نامید، با این تفاوت که شخصیت غالب “میخکِ صدر” تا حد زیادی با ترکیب سبزیبویی از سُنْبُل و یاس، جایگزین و این تغییر در سرتاسر ساختار عطر منعکس شده است. از تغییرات ساختاری مهم فیجی، ورود “کیس-۳-هگزینیل سالیسیلات”^{۷۴۴} (۶٪) که جایگزین بخشی از “بنزینیل سالیسیلات” شده و لیرال^{۷۴۵} (۸٪) که جای “هیدروکسی سیترونلال”^{۷۴۶} را گرفته، می‌باشد. هر دو تغییر، برای نگهداشتن بوی سبز و رایحه گل‌ها انجام پذیرفته است. نوت‌های چوب و مشک نیز تغییر یافته و با ورود مواد جدیدتری از قبیل ورتوفیکس^{۷۴۷} (۳٪) و آمبرتولاید^{۷۴۸} تقویت گردیده‌اند.

ساخت ورتوفیکس (استیل سدرن)^{۷۴۹} از “چوب سدر”^{۷۵۰} در اوایل دهه ۱۹۶۰، گام مهمی در صنعت شیمیایی مواد معطر به شمار می‌آید. این اختراع باعث شد رایحه لطیف و شگرف چوب، با قیمت متعارفی در اختیار عطار قرار بگیرد. این ماده را نه تنها می‌توان به عنوان جایگزین مشتقات گران “خس خس”^{۷۵۱} استفاده کرد، بلکه در بسیاری از محصولات آرایشی-بهداشتی از قبیل صابون و شامپو، عملکردی عالی از خود نشان می‌دهد. جالب است در فیجی، مقدار اندکی از ماده نسبتاً جدید آن زمان، یعنی پی.تی.بی.سی.اچ.آ. (ورتینکس^{۷۵۲}) نیز وجود دارد. ورتینکس، بیشتر در محصولات آرایشی-بهداشتی استفاده می‌گردد. اما این ماده در فیجی، به عنوان رابط بین نوت‌های چوب، سبز و “تر و تازه” نوت اولیّه عمل نمود.

cis-3-hexenyl salicylate^{۷۴۴}

Lyrall^{۷۴۵}

hydroxycitronellal^{۷۴۶}

Vertofix^{۷۴۷}

ambrettolide^{۷۴۸}

acetyl cedrene^{۷۴۹}

cedarwood^{۷۵۰}

vetiver^{۷۵۱}

Vertenex^{۷۵۲}

هرچند امبرتولاید^{۷۵۳} یکی از مشک‌های صنعتی گران‌قیمت است، اما حتی هنگامی که در حجم کم نیز استفاده شود، تأثیر فوق‌العاده‌ای در “صاف نمودن”^{۷۵۴} رایحهٔ عطر ایفا می‌نماید. این ماده در نوت آغازین نیز همانند نوت پایانی، نقش ایفا کرده و خود را نشان می‌دهد.

اصلی‌ترین جزء رایحهٔ “ل ایر دو تمپس” که همان “میخک صدپر” می‌باشد، در عطر فیجی کاهش و بوی یاس با استفاده از “هگزیل سینامیک آلدهاید”^{۷۵۵} (۵٪) افزایش یافته است. هیچ شکی نیست اگر هدیون^{۷۵۶} در اختیار آفرینندهٔ فیجی بود، حتماً از آن استفاده می‌نمود و فیجی عطر متفاوتی می‌شد. هرچند لزوماً ممکن بود عطر بهتری هم نشود. در مورد بقیهٔ ترکیب عطر می‌توان گفت، رایحهٔ رز با اضافه نمودن “گرانیل استات”^{۷۵۷} “تر و تازه‌تر” شده است.

اگر ما قسمتی از ترکیب فیجی که مستقیماً با “ل ایر دو تمپس” مرتبط است را بررسی نماییم، خواهیم دید شخصیت عمومی آن، کمتر مورد تغییر قرار گرفته، اما چیزی که جدید می‌باشد استفاده از نوت‌های سبز^{۷۵۸} میوه‌ای^{۷۵۹}، سنبل^{۷۶۰} و مقداری بوی خزه^{۷۶۱} است.

نوت‌های سبز یکی از مهم‌ترین نوت‌های عطاری به شمار می‌روند که راه‌شان را تقریباً به انواع مختلف عطرها باز نموده‌اند. اما به دلیل قدرت و شدت زیاد بویایی‌شان، بکارگیری آن‌ها مشکل می‌باشد. از محصولات طبیعی سبزبو که در دسترس عطار قرار دارد، می‌توان از آنقوزه^{۷۶۲} نام برد که به دلیل طبیعی بودن شگرف رایحهٔ آن، در مقابل مواد سبزبوی صنعتی از قبیل “فنیل است آلدهاید”^{۷۶۳}، “کیس-۳-هگزانول”^{۷۶۴} و استرهایش یعنی تریپلال^{۷۶۵} و ورترال^{۷۶۶} که شدیداً قوی و دارای شیمیایی هستند، علاقه‌مندان زیادی را به خود جلب نموده است.

Ambrettolide^{۷۵۳}rounding off^{۷۵۴}hexyl cinnamic aldehyde^{۷۵۵}hedione^{۷۵۶}geranyl acetate^{۷۵۷}Green (بوی پمن بریده شده)^{۷۵۸}fruity^{۷۵۹}hyacinth^{۷۶۰}moss^{۷۶۱}galbanum^{۷۶۲}phenylacetaldehyde^{۷۶۳}cis - ۳- hexanol^{۷۶۴}

نوت سبزِ فیجی، پیچیدگی استثنایی دارد. این پیچیدگی، به دلیل بکارگیری موادِ مختلفی که به میزان اندکی استفاده شده به وجود آمده است. در حقیقت، هنگامی رایحه طبیعی^{۷۶۷} است که هیچ-یک از نوت‌های شیمیایی^{۷۶۸} مورد استفاده در آن، ”غالب و چیره نباشند.“^{۷۶۹} احتمالاً این مواد به شکل بیس‌ها^{۷۷۰} از قبیل بیس سُنبل و نرگس^{۷۷۱} و زیر ترکیبات^{۷۷۲} دیگر به عطر اضافه گردیده‌اند. نرگس طبیعی و ”برگ گل بنفشه“^{۷۷۳} نیز ممکن است در آن استفاده شده باشد.

رابطهٔ بین نوت‌های میوه‌ای و رایحهٔ سبز نیز بسیار مهم است. میزان اندکی از استرهای ضعیف‌تر میوه‌ای، مانند ”آمیل استات“^{۷۷۴} یا ”ایتیل استواتات“^{۷۷۵} می‌توانند خشونت^{۷۷۶} بسیاری از مواد سبز را برطرف نمایند. به این دلیل در عطرها سبز، مخصوصاً آن‌هایی که از آنقوزه بهره گرفته‌اند، بسیار از رایحهٔ نارنگی^{۷۷۷} استفاده شده است. بسیاری از اسانس‌های روغنی ”گیاهان معطر“^{۷۷۸} مانند آرموایز^{۷۷۹}، ”بابونهٔ رومی“^{۷۸۰}، ریحان^{۷۸۱} و ترخون^{۷۸۲} نیز اثر بهبوددهنده^{۷۸۳} بر نوت‌های سبز دارند.

Triplal	۷۶۵
Vertral	۷۶۶
naturalness	۷۶۷
chemical	۷۶۸
predominate	۷۶۹
bases	۷۷۰
narcisse	۷۷۱
subcompounds	۷۷۲
violet leaf	۷۷۳
amyl acetate	۷۷۴
ethyl acetoacetate	۷۷۵
harshness	۷۷۶
mandarin	۷۷۷
aromatic	۷۷۸
armoise	۷۷۹
Roman camomile	۷۸۰
Basil	۷۸۱
estragon	۷۸۲
modifying	۷۸۳

برای به دست آوردن بوی خزه، از مقدار کمی "اسانس خالص"^{۷۸۴} "خزه بلوطی"^{۷۸۵} یا "یاسمور کوهی"^{۷۸۶} استفاده شده که شخصیتی طبیعی را به ترکیب بخشیده است. از دیگر محصولات کمکی^{۷۸۷} می‌توان از "مشک زباد"^{۷۸۸}، وانیل^{۷۸۹} و "آلدهاید سی ۱۴"^{۷۹۰} نیز نام برد. از عطر فیجی، مشتقات زیادی به وجود آمد. زیرا شخصیت گل‌بو، سبک^{۷۹۱} و سبزه‌بوی آن، بعلاوه چسبندگی سالیسیلات‌ها و مشک، این عطر را برای استفاده در محصولات آرایشی، مخصوصاً شامپوها و نرم‌کننده‌های مو مناسب نمود.

"انیس آنیس"^{۷۹۲}

هرچند این عطر کمتر از فیجی به "ل ایر دو تمپس" شبیه می‌باشد، اما همان سنت متداول آن زمان را ادامه داده است. شخصیت (صفت) اصلی این عطر، گل‌بو بوده و از مجموعه‌ای از "گل-های سفید"^{۷۹۳} از قبیل یاس، موگوئیت، "یاس بنفش" مگنولیا^{۷۹۴}، مریم^{۷۹۵}، "پیچ امین‌الدوله"^{۷۹۶} تشکیل شده و "میخک صدپر" و ترکیبی از نوت‌های چوب، مشک و سالیسیلات (۶٪) در آن بکار گرفته شده است.

نوت اولیّه "تر و تازه"^{۷۹۷} که در عطرهای گذشته شاهد آن بوده‌ایم در این عطر، کاملاً غایب است. دو ماده هدیون (۱۰٪) و "هگزیل سینامیک آلدهاید" (۱۲٪) در این عطر غلبه دارند. این دو ماده، بعلاوه مشک‌ها، ۳۰٪ حجم فرمول را به خود اختصاص داده‌اند که این، یک نوآوری در آن زمان

absolute^{۷۸۴}

oakmoss^{۷۸۵}

foin^{۷۸۶}

auxiliary^{۷۸۷}

civet^{۷۸۸}

Vanilla^{۷۸۹} (وانیل طبیعی، متفاوت از وانیلین صنعتی می‌باشد).

aldehyde C₁₄^{۷۹۰}

light^{۷۹۱}

Anais Anais^{۷۹۲}

white flowers^{۷۹۳}

magnolia^{۷۹۴}

tuberose^{۷۹۵}

honeysuckle^{۷۹۶}

fresh^{۷۹۷}

به حساب می‌آید. استفاده از چند ماده، در حجم زیاد، به عنوان ترکیب اصلی عطر، ساختاری است که بسیاری از عطرهاى مدرن، معروف به عطرهاى یکنواخت^{۷۹۸} به این شکل ساخته شده‌اند. عطر "انیس" در طول مدت تبخیرش، تقریباً رایحه ثابتی دارد و این سنت، هم‌اکنون بسیار رایج شده است. بغیر از تأکید زیاد بر نوت‌های گل در "انیس انیس"، ساختار کلی آن، شبیه به عطر فیجی می‌باشد. همچنین ترکیب متفاوتی از مشک‌ها استفاده شده که از جمله مواد این ترکیب می‌توان از "سیکلوپنتادکانولاید"^{۷۹۹} (به میزان ۴٪) یاد نمود. "سیدریل استات"^{۸۰۰} نیز به عنوان جزئی از ترکیب چوب گنجانده شده و نوت‌های چوب با استفاده از نوت‌های "شدیداً قوی"^{۸۰۱} عنبر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این ماده (سیدریل استات) در دسترس عموم نیست و توسط شرکت‌های بزرگ، به صورت دربند^{۸۰۲} نگه داشته می‌شود. هرچند آکورد "میخک صدپر" - سالیسیلات در این عطر، کمتر از "ل ایر دو تِمپس" استفاده شده، اما این آکورد، نقش مهمی را در کل عطر ایفا می‌نماید.

نوآوری مهم دیگر، وارد نمودن رایحه عسل می‌باشد که با استفاده از "فنیل ایتیل فنیل-استات"^{۸۰۳} به دست آمده است. این رایحه را می‌توان با اضافه نمودن "اسانس خالص" موم عسل نیز پشتیبانی نمود. هرچند کیفیت رایحه موم‌ها بسیار متفاوت است، اما استفاده از آن برای طبیعی جلوه دادن بوی مصنوعی گل، اقدامی عالی به شمار می‌رود.

نوت سبز در این عطر، کمتر از فیجی مورد تأکید قرار گرفته و بیشتر دارای شخصیت گل‌بو است. اما نوت سبز در "انیس انیس" با بهره‌گیری از "فنیل است‌آلدهاید"^{۸۰۴} و "کیس-۳-هگزینیل استات"^{۸۰۵} و شاید مقدار اندکی انقوزه ساخته شده است. "اسانس خالص" نرگس^{۸۰۶} نیز ممکن است مورد استفاده قرار گرفته باشد. از مواد دیگری که در ساخت شخصیت گل‌های سپید این عطر استفاده

linear^{۷۹۸}cyclopentadecanolide^{۷۹۹}cedryl acetate^{۸۰۰}intensely powerful^{۸۰۱}Captive^{۸۰۲} (شرکت‌های تهیه‌کننده مواد اولیه، مواد دربند را نمی‌فروشند و فقط در عطر و بیس‌هایی که نمود می‌سازند از آن استفاده می‌نمایند. تنها

عطاران این شرکت‌ها می‌توانند از این ماده به صورت مجزا استفاده نمایند.)

phenylethyl phenylacetate^{۸۰۳}phenylacetaldehyde^{۸۰۴}cis-3-hexenyl acetate^{۸۰۵}Narcisse^{۸۰۶}

شده می‌توان از لیلیال^{۸۰۷}، ”سیکلآمین آلد‌هاید“^{۸۰۸}، بعلاوهٔ ”هیدروکسی سیترونلآل“^{۸۰۹} و لیرال^{۸۱۰} نام برد. رایحهٔ ”گل مریم“ با استفاده از ”شیف بیس“^{۸۱۱} که از ”متیل آنترانیلیت“^{۸۱۲} و هلیونال^{۸۱۳} به دست آمده، شکل گرفته و ممکن است رایحهٔ گل مریم با اضافه نمودن مستقیم ”متیل آنترانیلیت“ ایجاد شده و رایحهٔ خزهٔ این عطر نیز با استفاده از اورنیل^{۸۱۴} به دست آمده باشد.

در پایان می‌بایست به استفاده از میزان نسبتاً زیادی از ”آلد‌هاید سی-۱۴“^{۸۱۵} (۰/۳٪) اشاره نمود که به رایحهٔ گل‌های سفید این عطر، اندکی بوی میوه‌های غیربومی^{۸۱۶} اضافه نموده است. ”انیس آنیس“ نیز در محصولات بهداشتی از قبیل صابون و نرم‌کنندهٔ لباس مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از اجزا این عطر از قبیل سالیسیلات‌ها، مشک‌ها، رایحه‌های چوب و ”آلد‌هاید سی-۱۴“ بیشتر از همهٔ مواد معطر، به لباس می‌چسبند. رایحهٔ گل‌ها نیز کیفیتی طبیعی و ملایم به این قبیل محصولات می‌دهد.

عطر پاریس

در پاریس نیز، شباهت نزدیکی به ساختار ”ل ایر دو تمپس“ وجود دارد. اما در این مورد رایحهٔ غالب، گل‌های بنفشه^{۸۱۷} و رز هستند.

نوآوری مهم در پاریس، استفاده از ”ایزو ای سوپر“^{۸۱۸} (به میزان ۶٪) می‌باشد که به عنوان رایحهٔ چوب، آکوردی را با ترکیبات مشک و ”متیل ایونون“^{۸۱۹} (به مقدار ۱۰٪) به وجود آورده است. یکی دیگر از موادی که در عطاری استفادهٔ فراگیری دارد، ”متیل ایونون“ است. هرچند این ماده

Lilial^{۸۰۷}

cyclamen aldehyde^{۸۰۸}

hydroxycitronellal^{۸۰۹}

Lyral^{۸۱۰}

Schiff base^{۸۱۱}

methyl anthranilate^{۸۱۲}

Helional^{۸۱۳}

Evernyl^{۸۱۴}

aldehyde C14^{۸۱۵}

exotic^{۸۱۶}

violet^{۸۱۷}

Iso E Super^{۸۱۸}

methyl ionone^{۸۱۹}

دارای ایزومرهای مختلفی می‌باشد، اما امروزه بیشتر از نوع گامای (ایزو-آلفا) آن و یا ترکیبی از ایزومرهایش استفاده می‌شود. رایحهٔ این ماده، بویی بین شمیم گل، چوب و زنبق^{۸۲۰} است. این ماده در عطرها، به عنوان پلی مابین نوت میانی و نوت پایه عمل می‌کند. می‌توان گفت با هر نوع ماده‌ای به خوبی ترکیب می‌شود و جایگاهش را به عنوان عنصری ساختاری، در بسیاری از خانواده‌های بزرگ عطاری به دست آورده است.

شخصیت چوب-زنبق در ”ل ایر دو تمپس“، بوسیلهٔ ”وتایوریل آستات“^{۸۲۱} و ”متیل ایونون“ به وجود آمده بود. ولی در پاریس این ترکیب، پایهٔ آکورد بنفشه به همراه ”ایزو ای سوپر“ به عنوان نوت چوب را شکل داده است. ”ایزو ای سوپر“ یکی از مهم‌ترین مواد صنعتی جدید است که بوی چوب و عنبر و برخی از صفات ”متیل ایونون“ را نیز داراست. این ماده، اتصالی طبیعی بین مواد دیگر و آکورد بنفشه به وجود آورده است.

بسیاری از عطاران، هنگام ساخت عطر، به نوت‌هایی از قبیل بنفشه و یا نوت‌های سبز، همانند بلوک‌های ساختمانی نگاه می‌کنند. بدین شکل که این بلوک‌ها را ابتدا ساخته و در پایان در آکورد نهایی در کنار هم قرار می‌دهند. برخی دیگر ترجیح می‌دهند با فرمول‌های باز^{۸۲۲} کار کنند. یعنی مواد را به صورت مجزا در کنار هم قرار می‌دهند که این مواد، جنبه‌های مختلف شخصیت عطرشان را بسازد. (عطاران که وقت زیادی را برای کار با اطلاعات جی.سی. می‌گذرانند تمایل دارند منحصراً از این روش استفاده نمایند.) عطر پاریس احتمالاً از راه ساخت بلوک‌ها خلق شده است. علاوه بر آکورد زیبای بنفشه و رز (به میزان ۱۰٪) که یادآور عطر ”وایت لینن“^{۸۲۳} است، استفاده از دی.ام.بی.سی.ای (به مقدار ۲/۵٪) که به صورت غیرمعمولی، در هر دو عطر زیاد استفاده شده، دارای منافع خاصی می‌باشد. این ماده به عنوان قسمتی از نوت رز به همراه رایحهٔ چوب زمینه، بسیار خوش بو است.

هدیون، ”کیس-۳-هگزینیل سالیسیلات“ و ”بنزینیل سالیسیلات“ (به میزان ۶٪) نیز مواد مهمی می‌باشند که در این عطر استفاده شده‌اند. همچنین، ”گلکسولاید“^{۸۲۴} (به میزان ۵٪) به عنوان

iris^{۸۲۰}vetiveryl acetate^{۸۲۱}open^{۸۲۲}White Linen^{۸۲۳}Galaxolide^{۸۲۴}

قسمتی از رایحهٔ مشک در ترکیب با ”مُسک کتون“، ”سیکلوپنتادکانولاید“ و ”تونلاید“^{۸۲۵} استفاده گردیده است. امروزه رویهٔ معمول عطاران این است بجای استفاده از یک مادهٔ مشک‌بو، از ترکیبی از مواد صنعتی دارای رایحهٔ مشک استفاده نمایند. در نوت‌های سبز نیز این روش مرسوم است. زیرا این پیچیدگی، تأثیر دلچسبی برجای می‌گذارد و باعث طبیعی جلوه نمودن آن می‌گردد.

عطر پاریس، دارای نوت‌های میوه‌ای^{۸۲۶} از قبیل ”آلفا دمسکون“^{۸۲۷} و ”گاما-دیکلکتون“^{۸۲۸} است. این نوت، در مغایرت^{۸۲۹} با بخش سبزیبوی آکورد بنفشه می‌باشد. بنفشه و تمشک^{۸۳۰} که هر دو می‌توانند دارای ایونون‌ها باشند، ارتباطی طبیعی با هم به وجود می‌آورند. ”مقدار اندکی“^{۸۳۱} فرمبِنون^{۸۳۲} نیز می‌تواند در این بافت^{۸۳۳} خوب اثر نماید.

به دلیل پایداری^{۸۳۴} شیمیایی تعداد زیادی از اجزا نوت بنفشه، نوت‌های میوه‌ای و مشک‌ها مانند گلکسولاید در محیط^{۸۳۵} اسیدی، عطرهای شبیه پاریس، در محصولات بهداشتی از قبیل پاک-کننده‌های دستشویی استفاده می‌شود. البته این موضوع نبایستی موجب کاهش قدر و منزلت این عطر زیبا گردد.

Tonalid^{۸۲۵}

fruity^{۸۲۶}

alpha damascone^{۸۲۷}

gamma-decalactone^{۸۲۸}

contrast^{۸۲۹}

raspberry^{۸۳۰}

trace^{۸۳۱}

Frambinone^{۸۳۲}

context^{۸۳۳}

stability^{۸۳۴}

media^{۸۳۵}

عطرهای گل‌بو-آلدهاید^{۸۳۶}: ”شنل شماره ۵“^{۸۳۷}، آرپه^{۸۳۸}، ”مادام راجس“^{۸۳۹}، کالندر^{۸۴۰}،

”ریو گاوچ“^{۸۴۱} و ”وایت لینن“^{۸۴۲}

عبارت ”گل‌بو-آلدهاید“ معمولاً در خصوص گروهی از عطرها استفاده می‌شود که سرچشمه آن به دو عطر بسیار موفق سال ۱۹۲۰ (”شنل شماره ۵“ و آرپه) برمی‌گردد. تمامی این عطرها دارای مقادیر قابل توجهی آلدهاید چربی‌دار^{۸۴۳} در ترکیب با رایحه‌های گل، چوب و نوت‌های جانوری هستند. عطرها قدیمی‌تر در این گروه، اغلب شامل ترکیبی از ترنج^{۸۴۴}، لینالول و ”لینالیل استات“ به عنوان نوت اولیه، بعلاوه ایلنگ که به نوت‌های گل منتهی می‌شود، می‌باشد. بوی غالب آن‌ها، رایحه رز، موگویت و یاس و مقدار کمتری ”یاس بنفش“، ”میخک صدپر“، یا ”گل مریم“ طبیعی است. نوت پایه، شامل مواد چوب‌بو، از قبیل خس خس و ”چوب صندل“، ”میتیل ایونون“، ”نیتروماسک‌ها“ و عنبر است. این گروه با معیار دارا بودن مقدار زیادی وانیلین، به راحتی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

عطرهای ”شنل شماره ۵“ و آرپه

هرچند آلدهایدهای چربی‌دار در عطرها سابق نیز استفاده شده بود، اما غلبه آن در ”شنل شماره ۵“ (به میزان نزدیک به ۱٪) مرحله مهمی در تاریخ عطاری به شمار می‌رود. ترکیب موادی که آکورد مرکزی عطر را ایجاد می‌نمایند، باعث شده عطر موصوف کاملاً شناخته شده باشد. این عطر برای خوش‌بو نمودن تعداد زیادی از محصولات آرایشی-بهداشتی از لوازم آرایشی گرفته تا خوش-بوکننده‌های هوا استفاده شده و ناپایداری نسبی شیمیایی وانیلین (یا ”ایتیل وانیلین“) و آلدهایدهای چربی‌دار که در این گونه عطرها موجود هستند، مشکل زیادی بوجود نیاورده است.

Aldehydic^{۸۳۶}

Chanel No. ۵^{۸۳۷}

Arpège^{۸۳۸}

Madame Rochas^{۸۳۹}

Calandre^{۸۴۰}

Rive Gauche^{۸۴۱}

White Linen^{۸۴۲}

aliphatic^{۸۴۳}

bergamot^{۸۴۴}

”شئل شماره ۵“ بر استفاده شجاعانه و خیال‌انگیز از مواد شیمیایی خوش‌بو، بعلاوه محصولات طبیعی شگرف^{۸۴۵} پایه‌گذاری شده است. ”اسانس خالص“ رز و یاس، تقریباً به میزان ۴ الی ۵٪ استفاده (چرا که استعمال مقادیر متنابهی از مواد طبیعی در آن زمان کاملاً عادی بود) و از مشک، عنبر و ”مشک زباد“ طبیعی نیز بهره گرفته شده است.

نوت اولیّه عطر، ترکیبی سنتی از ترنج، لینالول (موجود در ”چوب بلسان بنفش“)^{۸۴۶} ”لینالیل استات“ و ”بهار نارنج“^{۸۴۷} بعلاوه اسانس ”روغنی کیست“^{۸۴۸} می‌باشد که این اسانس روغنی، بعنوان قسمتی از رایحه عنبر، درخشندگی^{۸۴۹} طبیعی را در مقابل خشونت^{۸۵۰} شیمیایی آلد‌هایدها به وجود است. همچنین اسانس روغنی ایلنگ ”باکیفیت“^{۸۵۱}، در نرم نمودن شخصیت آلد‌هایدی عطر نقش مهمی ایفا نموده است. این اسانس، آکوردی با نسبت ۱:۱ با ”متیل ایونون“ (۸٪) ایجاد نموده و قسمت موکوت این آکورد به سادگی، با ”هیدروکسی سیترونال“ (۱۰٪) ”سینامیک الکل“^{۸۵۲} و استیراکس^{۸۵۳} نمایش داده شده است. ”الکل‌های رزبو“^{۸۵۴} نیز بعلاوه میزان اندکی ”فنیل‌آست-آلد‌هاید“^{۸۵۵} به شخصیت گل‌بوی عطر اضافه گردیده است. در نوت پایه این عطر، ترکیبی از رایحه‌های چوب، از قبیل ”وتایوریل استات“ و ”چوب صندل“ وجود دارد و ”ایزو یوگنول“^{۸۵۶}، وانیلین (به میزان ۱/۵٪) کومارین^{۸۵۷} (به میزان ۵٪) و مقدار ۱۰٪ یا بیشتر نیتروماسک‌ها نیز استفاده شده است.

fine^{۸۴۵}neroli^{۸۴۶}ciste oil^{۸۴۷}radiance^{۸۴۸}harshness^{۸۴۹}good quality^{۸۵۰}cinnamic alcohol^{۸۵۱}styrax^{۸۵۲}Rose alcohols^{۸۵۳}phenylacetaldehyde^{۸۵۴}isoeugenol^{۸۵۵}coumarin^{۸۵۶}

در آرپیج (لانوین^{۸۵۷}، سال ۱۹۲۷) جنبه گل‌بوی عطر با استفاده از بیس‌های گل‌بو، رشد یافته و اهمیت بیشتری بر نوت‌های چوب، شامل ”وتایوریل استات“^{۸۵۸} قرار داده شده و شخصیت جانوری^{۸۵۸} آن با کاهش میزان وانیلین و کومارین^{۸۵۹} ارتقا یافته است.

هرچند تعداد زیادی از عطرها، شامل ”ل اینتردیت“^{۸۶۰} (”ژیونچی“^{۸۶۱}، سال ۱۹۵۷) و توپاز^{۸۶۲} (سال ۱۹۵۹، از عطرهاى اولیّه و موفق اُون^{۸۶۳}) را می‌توان کم و بیش نزدیک به ”شنل شماره ۵“ دانست، اما شخصیت منحصر به فردش، آن را به مولد خانواده عطر تبدیل نموده است. در آرپیج، تأثیر وانیلین و کومارین بسیار کاهش یافته و این گرایش بود که منجر به خلق تعداد زیادی از شاهکارها از قبیل کالچ^{۸۶۴} (هرمس^{۸۶۵}، سال ۱۹۶۱) ”مادام راجس“، ”کلندر“^{۸۶۶}، ”ریو گاوچ“^{۸۶۷} و ”وایت لینن“ در این گروه گردید.

”مادام راجس“

هنگام مقایسه ”مادام راجس“ (راجس، سال ۱۹۶۰) با عطرهاى قبل از آن، مثل ”شنل شماره ۵“ به دلیل افزایش اتکا به مواد صنعتی، متوجه پیشرفت نوت‌های گل می‌شویم. بیس موگوئت (به میزان ۱۵٪) حاوی ”هگزیل سینامیک آلدهاید“^{۸۶۸} و ”فنیل است آلدهاید گلیسرئوآستال“^{۸۶۹} برای تقویت ”هیدروکسی سیترونالال“ (به مقدار بیش از ۱۵٪) ایجاد شده و استفاده از نوع خاصی رز که با بهره‌گیری از اسانس خالص ”موم زنبور عسل“^{۸۷۰} به دست آمده، هویت مستقلی را به این عطر

Lanvin^{۸۵۷}animalic^{۸۵۸}coumarin^{۸۵۹}L'Interdit^{۸۶۰}Givenchy^{۸۶۱}Topaze^{۸۶۲}Avon^{۸۶۳}Caleche^{۸۶۴}Hermes^{۸۶۵}Calandre^{۸۶۶}Rive Gauche^{۸۶۷}hexyl cinnamic aldehyde^{۸۶۸}phenylacetaldehyde glyceracetel^{۸۶۹}beeswax^{۸۷۰}

بخشیده است. جنبه گل‌بویِ عطر، دارای رایحهٔ ”یاس بنفش“ بعلاوهٔ ”میخک صدپر“ می‌باشد. بیس ”میخک صدپر“ که به عنوان نوت کمکی استفاده شده، راهش را به عطرهاى زیادى باز نموده و این بیس که دارای یوگنول و وانیلین است، راه آسانی برای اضافه نمودن مقادیر اندکی از این مواد، به ترکیب به شمار می‌رود. هر دوی این مواد، قدرت تمام‌کنندگی^{۸۷۱} و شیرینی^{۸۷۲} را به ترکیب می-کومارین در این عطر به وسیلهٔ هلیوتروپین^{۸۷۳}، بجای وانیلین، پشتیبانی شده که رایحه‌های ”یاس بنفش“ و ”میخک صدپر“ را نیز کامل نموده است. این دو ماده، در برخی از گونه‌های موگوت نیز وجود دارند. ترکیب ایلنگ و ”متیل ایونون“ نیز در این عطر استفاده شده‌اند.

همانند عطر آرپج، ”وتایوریل استات“ (به میزان ۱۰٪) در ترکیب با مقادیر متناهی از ”چوب صندل“ (در حجم ۸٪) غالب شده و بوی چوب را به وجود آورده است. روش مرسوم این است که هنگام استفاده از ”وتایوریل استات“، مقداری از اسانس روغنی خس‌خس ”تصفیه نشده“^{۸۷۴} به منظور طبیعی نمودن بیشتر رایحه، اضافه گردد. نگه داشتن ”وتایوریل استات“ در ترکیب و عدم جایگزینی آن با خس‌خس، باعث می‌شود کیفیت عالی استات اشتقاقی^{۸۷۵} از خس‌خس (وتایوریل استات) در محصول باقی بماند. نوت چوب نیز با ”چوب سدر“^{۸۷۶} و ”جوئال استات“^{۸۷۷} تقویت گردیده و ”جوئال استات“ با ”چوب جوایاک“^{۸۷۸} به تنهایی در ترکیب با رایحهٔ رز بسیار خوش‌بو می‌باشد. حضور ”خزه بلوطی“^{۸۷۹} به عنوان جز اصلی در ساختار این عطر را می‌توان مسیر جدیدی در این خانواده به شمار آورد که در خلق کلندر و ”ریو گاوج“ موثر واقع گردید.

finish^{۸۷۱}sweetness^{۸۷۲}heliotropin^{۸۷۳}unprocessed^{۸۷۴}derived^{۸۷۵}cedarwood^{۸۷۶}guaial acetate^{۸۷۷}Guaiacwood (عود اللیبیا)^{۸۷۸}oakmoss^{۸۷۹}

رایحهٔ عنبر که در تعداد زیادی از عطرها این خانواده استفاده شده، بسیار پیچیده بوده و در اغلب مواقع، تشخیص آن‌ها در محلول بسیار سخت است. در این مورد “ترکیب ویژه”^{۸۸۰} “امبراروم”^{۸۸۱} که قبلاً نیز در آرپیج استفاده شده بود، نقش بسیار خوبی بازی نموده است.

هرچند “اسانس خالص” و طبیعی گل، در ساخت شخصیت اصلی این عطر، کمتر از “شنل شماره ۵” و آرپیج بکار گرفته شده، اما ممکن است “اسانس خالص” رز، یاس و “گل مریم” نیز استفاده شده باشد. تونکا^{۸۸۲} برای پشتیبانی از کومارین (که به میزان ۱/۵٪ وجود دارد) و مقدار کمی وانیل طبیعی وارد ترکیب شده و میزان اندکی رایحهٔ “دانه‌های آمبرت”^{۸۸۳} نرمی شگفت‌انگیزی به عطر داده و به عنوان قسمتی از اکورد رز اثر نموده است.

تعداد زیادی از عطرها مهم محصولات آرایشی-بهداشتی، “مادام راجس” را الهام‌بخش خود قرار داده‌اند. صابون بسیار پرفروش “کامای”^{۸۸۴} که در میانهٔ دههٔ ۱۹۵۰ میلادی به بازار عرضه شد، هرچند به قبل از “مادام راجس” برمی‌گردد و معمولاً رایحهٔ آن از نوع آرپیج به شمار می‌رود، اما به شیوهٔ تقریباً یکسانی از نوت‌های گل، چوب، ترکیبات آلدیید، بعلاوهٔ خزه‌بلوطی، کومارین و مشک-ها ساخته شده است. ورتوفیکس نیز به عنوان مادهٔ چوب‌بو با ورتینکس (پی.تی.بی.سی.اچ.ای)، نسبتاً فرار و “تر و تازه” برای تقویت نوت‌های “میتیل ایونون”، چوب و گل مورد استفاده قرار گرفته است. “لوندین”^{۸۸۵} نیز برای تقویت لینالول و “لینالیل استات” وارد عطر شده و بیس با کیفیت صابون اجازه داده تعدادی از آلدییدها (شبه به آلدییدهای “شنل شماره ۵”) نقش غالب را بازی نمایند. این تیم^{۸۸۶} امروزه معمولاً از نوع “مادام راجس” شناخته شده و در بسیاری از محصولات آرایشی-بهداشتی استفاده می‌گردد.

speciality^{۸۸۰}Ambrarome^{۸۸۱}tonka^{۸۸۲}ambrette seed^{۸۸۳}Camay^{۸۸۴}Lavandin^{۸۸۵}theme^{۸۸۶}

کَلِنْدِرِ و ”رِوِ كَاوِجِ“

کَلِنْدِرِ در سال ۱۹۶۸ خلق گردید تا تیم ”فلزی“^{۸۸۷} که در آن زمان، توسط ”پاکو رِبَان“^{۸۸۸} در طراحی‌های مُد استفاده می‌گردید، را منعکس نماید. هرچند این عطر، شیوهٔ عمومی ”مادام راجِس“ را ادامه می‌داد، اما نوت‌های رز و موگوئِت، پیشرفت‌های جالبی داشتند. استفاده از ”رز اُکساید“^{۸۸۹} و ”دِفِنیل اُکساید“^{۸۹۰} در ترکیب با ”شمعدانی عطری“^{۸۹۱} نرول و ”گِرانیل اَسِتات“^{۸۹۲} به عنوان قسمتی از ترکیب رز، میزان زیادی از شخصیت فلزی این عطر را به وجود آورده‌اند.

هرچند نمایش نسبتاً سادهٔ جنبهٔ موگوئِتِ عطر، در مسیر مشابهی با ”مادام راجِس“ است، اما تأکید بیشتر بر نوت‌های سبز، استفاده از لیرال (به میزان ۴٪) بعلاوهٔ ”هیدروکسی سیترونال“ و میزان قابل توجهی از ”فنیل است‌آلدهاید“، با تم فلزی جور و مصنوعی بودن نوت‌های فلزی و سبز، با استفاده از اسانس روغنی و طبیعی رز که یکی از زیباترین و غیرقابل جایگزین‌ترین محصولات مورد استفاده در عطاری به شمار می‌رود، جبران گردیده است.

هرچند کَلِنْدِرِ در خانوادهٔ عطرها به اصطلاح آلدهاید-گل‌بو قرار دارد، اما یکی از عطرهایی است که از کم‌ترین میزان آلدهاید که شامل ترکیبی از ”آلدهایدهای سی ۱۰“ و ”سی ۱۲ لاوریک“^{۸۹۳} که جمعاً ۰/۲٪ کل فرمول را تشکیل می‌دهند، استفاده نموده است. دو مادهٔ مهم که وارد ساختار این عطر گردیده‌اند عبارتند از: هدیون (۶٪) و هلیونال^{۸۹۴} (۱٪) که هر دو بعد از خلق ”مادام راجِس“ در دسترس قرار گرفتند. این دو محصول در عطرها ”ایبو ساویج“^{۸۹۵} و دیورِلَا^{۸۹۶} آکورد مهمی را شکل دادند. هلیونال، ”گلیکولیرال“^{۸۹۷} و ”فنیل است‌آلدهاید گلیسرُوآستال“^{۸۹۸} در

metallic^{۸۸۷}Paco Rabanne^{۸۸۸}rose oxide^{۸۸۹}diphenyl oxide^{۸۹۰}geranium^{۸۹۱}geranyl acetate^{۸۹۲}lauric^{۸۹۳}Helional^{۸۹۴}Eau Sauvage^{۸۹۵}Diorella^{۸۹۶}Glycolieral^{۸۹۷}

”پرینتینیل“^{۸۹۹}، ”بیس ویژه‌ای“^{۹۰۰} که احتمالاً در ساخت کلندر استفاده گردیده، در کنار هم قرار گرفته‌اند. هدیون و ”هگزیل سینامیک آلدهاید“^{۹۰۱} (به مقدار ۸٪) یکی دیگر از آکوردهایی می‌باشد که نقش مهمی در خلق بسیاری از عطرهاى مدرن ایفا نموده است. این ترکیب گل‌بوی مصنوعی، به وسیله یاس طبیعی، (به میزان ۳ الی ۴٪) اسانس روغنی استیراکس و مقدار اضافی ایندول^{۹۰۲} ”پرداخت گردیده است.“^{۹۰۳}

بخش چوب‌بوی این عطر، باز بر ”وتایوریل استات“ بعلاوهٔ خس‌خس (۶٪) و ”چوب صندل“ پایه‌گذاری شده است. خزه‌بلوطی با میزان اندکی اورنیل^{۹۰۴} (مادهٔ صنعتی که در نتیجهٔ مطالعه بر روی خزه‌بلوطی ساخته شد.) پشتیبانی گردیده است. اورنیل نقش مهم و در حال رشدی در عطاری مدرن ایفا می‌نماید. کومارین نیز مجدداً همراه با مقدار اندکی وانیلین در این عطر موجود بوده و ”سیکلوپنتادکانولاید“، ”مسک کتون“ را پشتیبانی نموده است.

هرچند کلندر تأثیراتی^{۹۰۵} که استانداردهای امروزه، الزامی می‌دانند را دارا نیست، اما یکی از عطرهاى بسیار زیبا به شمار می‌آید. ترکیب نوت‌های سبز، گل و چوب این عطر، آن را نقطهٔ آغاز ساخت تعداد زیادی از عطرهاى موفق محصولات آرایشی ساخته است.

مقایسهٔ بین کالندر و ”ریو گاوچ“ (”سنت لورنت“، سال ۱۹۷۰) جالب توجه می‌باشد. در حالی که کلندر برای طراحان سنتی و نخبهٔ لباس در پاریس ساخته شد، اما ”ریو گاوچ“ آگاهانه، زمینهٔ جدیدی ایجاد نمود که مورد پسند جوان‌ها، هنرمندان و دانشجویان ساکن در ”ساحل سمت چپ“^{۹۰۶} شهر پاریس قرار گیرد. هرچند ساختار این دو عطر، به میزان قابل ملاحظه‌ای به هم شبیه است، اما

phenylacetaldehyde glycerooacetal ^{۸۹۸}

Printenyl ^{۸۹۹}

speciality base ^{۹۰۰}

hexyl cinnamic aldehyde ^{۹۰۱}

indol ^{۹۰۲}

rounded off ^{۹۰۳}

Evernyl ^{۹۰۴}

impact ^{۹۰۵}

Left Bank ^{۹۰۶}

”ریو گاوچ“ تأثیر فوری بیشتری بر جای می‌گذارد. ولی لطافت^{۹۰۷} و شخصیت کاملاً پُر^{۹۰۸} و تمام‌شده کلندر را دارا نیست.

در ”ریو گاوچ“ همانند کلندر، جنبه گل‌بوی عطر با غلبه رایحه رز ایجاد گردیده اما تأکید بیشتری بر ”شمعدانی عطری“ و نوت‌های آلهایدی گذارده شده است. ”سیکلامن آلهاید“^{۹۰۹} به عنوان قسمتی از رایحه موگوئت به کار رفته که با هدیون و ”هگزیل سینامیک آلهاید“، دوباره ۱۵٪ فرمول را شکل داده‌اند. اغلب تأثیر عطر از شخصیت چوب‌بوی آن به دست می‌آید که با استفاده از ”چوب سدر“ (۲٪) و کفالیس (۳٪) و مقدار اندکی از مواد دیگر تقویت شده است. کفالیس مادهٔ عنبر-چوب‌بویی است که چسبندگی زیادی دارد. کومارین و ”مُسک کتون“ نیز در این عطر موجود می‌باشند.

”وایت لینن“^{۹۱۰}

هرچند می‌توان ”ریو گاوچ“ را پایان‌دهندهٔ سبک و اسلوب سنتی فرمول‌بندی عطرهای گل-بو-آلهاید نامید، اما بعد از آن، وایت لینن انقلابی در ساختار فرمول عطر به وجود آورد که تعداد زیادی از عطرها یکپارچهٔ امروزی، انتظار آن را می‌کشیدند. هرچند این عطر با ”مادام راجس“ و کلندر مرتبط است، اما از شخصیت کاملاً آلهایدی ”شنل شمارهٔ ۵“ پیروی می‌کند. در این عطر از آلهایدها تقریباً به میزان ۱٪ بدون بهره‌گیری از تأثیرات اصلاحی ترنج و ایلنگ یا شیرینی کومارین و وانیلین استفاده شده است. سادگی ایده، واقعاً تعجب‌برانگیز است. استفاده از بلوک‌های مواد در حجم بالا در اکوردی کاملاً متعادل، این سادگی را بوجود آورده است. جایگاه ”وتایوریل استات“ به عنوان اصلی‌ترین مادهٔ چوب‌بوی عطرهاى گذشته، به وسیلهٔ ورتوفیکس^{۹۱۱} (۲۰٪) اشغال گردیده، گالاکسولاید^{۹۱۲} (۲۰٪) به عنوان عنصر غالب مشک‌بو، در ترکیب با ”مُسک کتون“،

^{۹۰۷} subtlety

^{۹۰۸} rounded

^{۹۰۹} Cyclamen aldehyde

^{۹۱۰} White Linen (کتان سفید)

^{۹۱۱} Vertofix

^{۹۱۲} Galaxolide

”سیکلوپنتادکانولاید“ و ”اتیلن براسیلات“^{۹۱۳} وارد عطر شده و این مواد، بعلاوهٔ خس خس، هدیون و ”هیدروکسی‌سیترونال“^{۹۱۴} ۷۵٪ فرمول را به خود اختصاص داده‌اند.

رایحهٔ ”گالاکسولاید“ به دلیل استفاده به عنوان عنصر اصلی عطر پودرهای شوینده و نرم‌کننده‌های لباس، با رخت‌های ”تازه شسته شده“ در ذهن‌ها ارتباط دارد. ممکن است گالاکسولاید به همراه مقدار زیادی از آلدهایدها، عمداً برای ایجاد بوی ”کتان سفید“^{۹۱۴} تازه شسته شده مورد بهره‌برداری قرار گرفته باشد. یا شاید این رایحه بوده که مشوق نامگذاری عطر گردیده است.

شخصیت غالب گل‌بوی این عطر، مجدداً رایحهٔ لطیف رز می‌باشد که با استفاده از مقادیر زیادی نرول^{۹۱۵} یادآور کِلندر، به وجود آمده است. همانگونه که در توصیف عطر پاریس بیان گردید، دی.ام.بی.سی.ای. ارتباط مهمی بین رایحهٔ رز و مواد چوب‌بو به وجود آورده و شخصیت سبز و ”تر و تازه“ ”لیفاروم“^{۹۱۶} در جنبهٔ موگویت این عطر گنجانیده و با مادهٔ بادوام ”آست‌آلدهاید دیفنیل-آستال“^{۹۱۷} پشتیبانی گردیده است.

بوی مصنوعی این عطر باعث گردید برای ایجاد پیچیدگی و کیفیت زیباشناسی، به اسانس طبیعی گل رز نیاز باشد. همانند تعداد زیادی از عطرها، مقدار اندکی از مواد ”میخک صدپر“ به آن، عمق^{۹۱۸} و تمام‌کنندگی^{۹۱۹} می‌بخشد. در پایان، ترکیب سنتی گل‌بو-آلدهایدها که شامل آلدهایدها، نوت‌های گل، چوب و مشک می‌باشد، با اضافه شدن نوت‌های قوی عنبر کامل گردیده است.

ethylene brassylate^{۹۱۳}

White Linen^{۹۱۴}

nerol^{۹۱۵}

Liffarome^{۹۱۶}

acetaldehyde diphenylethylacetal^{۹۱۷}

depth^{۹۱۸}

finish^{۹۱۹}

عطرهای گل‌بو-شیرین: "ل اوریکان"^{۹۲۰}، "اوسکار دلارنتا"^{۹۲۱}، پویزن^{۹۲۲} و "وندربیلت"^{۹۲۳}

این گروه از عطرها که منشأشان به سبک مورد استفاده در دههٔ اول قرن بیستم بر می‌گردد، در مکانی، مابین خانواده‌های گل‌بو و شرقی^{۹۲۴} قرار می‌گیرند. در دههٔ اول قرن بیستم، بسیاری از مواد شیمیایی گل‌بو در حال کشف شدن بود. در آن زمان، مواد مذکور برای ساخت بیس‌های گل‌بو، مانند شاهکارهایی^{۹۲۵} از قبیل "یاس ۲۳۱"، "دیانتاین"^{۹۲۶} و "فلور د اورنجر"^{۹۲۷} استفاده می‌گردید. این بیس‌ها توسط شرکت سوئیسی فرمیچ^{۹۲۸} به بازار عرضه می‌شد و توسط عطاران مورد استفاده قرار می‌گرفت که مستقل از شرکت‌های سازندهٔ مواد اولیه کار می‌کردند. عطاران نیز بیس‌های مذکور را به عنوان نقطهٔ شروع و الهامی برای ساخت عطرهاى جدید بکار می‌بردند. در "ل اوریکان" که توسط کوتی^{۹۲۹} در سال ۱۹۰۵ ساخته شد، بیس‌های گل‌بوی مذکور، همراه با "میتیل ایونون"، آمبرین^{۹۳۰} (بیسى که بر وانیلین پایه‌گذاری شده) کومارین و "مشک زباد"، بعلاوهٔ "وتایوریل استات"، هلیوتروپین^{۹۳۱} و "نیتروماسک‌ها" به عنوان نوت‌های پایه^{۹۳۲} اضافی^{۹۳۳} ترکیب گردیدند. مواد مذکور همراه با نوت اولیه، شامل مواد سنتی ترنج، پرتقال، "بهار نارنج" و ایلنگ در این عطر، سبکی به وجود آورد که بر ساخت شاهکارهای مدرنی از قبیل "اوسکار دلارنتا"، "وندربیلت"، پویزن و "لولو"^{۹۳۴} تأثیر گذاشت. بسیاری از این عطرها، دارای رایحهٔ خزه^{۹۳۵} می‌باشند. عطر "موس د سکس"^{۹۳۶} که بر "ایزوبوتیل کونولاین"^{۹۳۷} پایه‌گذاری شده نیز دارای رایحهٔ خزه است.

L'Origan^{۹۲۰}Oscar de la Renta^{۹۲۱}Poison^{۹۲۲}Vanderbilt^{۹۲۳}oriental^{۹۲۴}master-pieces^{۹۲۵}Dianthine^{۹۲۶}Fleur D'Oranger^{۹۲۷}Firmenich^{۹۲۸}Coty^{۹۲۹}ambreine^{۹۳۰}heliotropin^{۹۳۱}base^{۹۳۲}additional^{۹۳۳}Loulou^{۹۳۴}

”اسکار دلارنتا“ و پویزن

هرچند در ساخت ”ل‌هیورِ بلو“^{۹۳۸} (گرلاین، سال ۱۹۱۲) ایده‌ای شبیه به ایده ”ل‌اورینگان“ مورد نظر سازنده قرار گرفت، اما تعداد کمی از عطرها، طبق این سبک ساخته شدند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۶ سبک مذکور با معرفی ”اوسکار دلارنتا“ احیا گردید.

با وجود ۷۰ سال فاصله عجیب ساخت دو عطر، ”اوسکار دلارنتا“ در مفهوم کلی خود شباهت قابل توجهی به ”ل‌اورینگان“ دارد. خواه این عطر به صورت اصیل^{۹۳۹} فرموله شده یا مانند ”ل‌اورینگان“ با استفاده از بیس‌ها به وجود آمده باشد، ترکیب آن در همان مسیر قرار دارد. در قلب این عطر، ترکیب مشابهی از ”متیل ایونون“، آمبرین، ”میخک صدپر“ و ”شکوفه پرتقال“^{۹۴۰}، با نسبت ۱:۱:۲ موجود است. برای ایجاد شخصیت ”نیمه شرقی“^{۹۴۱} شیرین و پودری^{۹۴۲}، هلیوتروپین (۵/۷٪) کومارین و ”مُسک کتون“ و صمغ‌هایی^{۹۴۳} از قبیل بنزوئین^{۹۴۴} و اوپونکس^{۹۴۵} نیز اضافه شده و ورتوفیکس^{۹۴۶} (۵٪) نیز بجای ”وتایوریل استات“ به عنوان نوت اصلی چوب، بعلاوه مقدار کمی ”چوب صندل“ استفاده گردیده است.

بخش گل‌بوی این عطر، علاوه بر ”میخک صدپر“ و ”شکوفه پرتقال“، با بیس سنتی یاس که به آن ۸٪ هدیون اضافه شده، بعلاوه ”جسیمل“^{۹۴۷} ”چیره گشته است.“^{۹۴۸} نوت‌های رز و مقدار کمی سنبل^{۹۴۹} نیز در این عطر وجود دارند. رایحه شیرین و غالب این عطر، با نوت‌های اولیّه، از قبیل

mossy^{۹۳۵}

Mousse de Saxe^{۹۳۶}

isobutyl quinoline^{۹۳۷}

L'Heure Bleue^{۹۳۸}

originally^{۹۳۹}

orange blossom^{۹۴۰}

semioriental^{۹۴۱}

powdery^{۹۴۲}

resins^{۹۴۳}

benzoin^{۹۴۴}

opoponax^{۹۴۵}

Vertofix^{۹۴۶}

Jessemal^{۹۴۷}

dominated^{۹۴۸}

hyacinth^{۹۴۹}

ترنج، پرتقال و مَندَرین^{۹۵۰} و مقدار زیادی ”لینالیل استات“ (به میزان تقریبی ۱۰٪ که برخی از آن در ترنج طبیعی وجود دارد.) و لینالول درخشش یافته است. ایلنگ و ریحان^{۹۵۱} که حاوی میزان زیادی استراگول^{۹۵۲} هستند، نیز اضافه شده که به نوت‌های شیرین، گل‌بو و پودری آن منتهی می‌شود.

سه نوت دیگر در تکمیل ترکیب غیرمعمول این عطر مهم نقش داشته که عبارت‌اند از: ”زنبق زرد“، احتمالاً در شکل صمغی آن، نوت میوه که با آکوردی بین ”فنوکسی‌اتیل ایزوبوتیرات“^{۹۵۳} و ”دیمتیل بنزیل کاربینیل بوتیرات“^{۹۵۴} ساخته شده و نوت خزه، یادآور ”موس دِسکس“.

دو جزء مهم ”اوسکار دلارنتا“ که بیشتر از همه شخصیت این عطر را می‌سازند، عبارتند از: یوگنول، موجود در آکورد ”میخک صدر“ و ”شیف بیس‌ها“ (شامل ”متیل آنترانیلیت“^{۹۵۵}) که برای ایجاد رایحه ”شکوفه پرتقال“ استفاده شده است. در عطر پویزن (دیور، سال ۱۹۸۵) این ترکیب بعلاوه هلیوتروپین، کومارین و وانیلین، اما با تأکید بیشتر بر ”متیل آنترانیلیت“ دوباره مورد استفاده قرار گرفت. این ماده، بعلاوه ”شیف بیس‌ها“ که از آن مشتق می‌شود، نقطه شروع ساخت رایحه ”شکوفه پرتقال“ و ”گل مریم“ است. در عطر پویزن ”گل مریم“ انتخاب شده و ”آلدهاید سی ۱۸ (به اصطلاح)، گاما دِکالاکتون“ و ”متیل سالیسیلات“ نیز اضافه گردیده است.

ساختار عمومی عطر پویزن شبیه به ”اوسکار دلارنتا“ است. اما مهم‌ترین تفاوت این دو، غیبت ”متیل ایونون“ در پویزن می‌باشد. شخصیت گل‌بو و غلیظ^{۹۵۶} عطر، با اضافه شدن میزان زیادی لیرال (به میزان ۱۰٪) تقویت گردیده است. این ماده که از لحاظ شیمیایی آلدهاید به شمار می‌رود، با ”متیل آنترانیلیت“ ”شیف بیس“ به وجود می‌آورد. به همین شکل، دو آلدهاید دیگر موجود در فرمول (یعنی کانتوکسال^{۹۵۷} و لیلیال^{۹۵۸}) ایجاد ”شیف بیس“ می‌کنند. بخش مشک‌بو به میزان زیادی با

^{۹۵۰} Mandarin (نارنگی)

^{۹۵۱} basil

^{۹۵۲} estragol

^{۹۵۳} phenoxyethyl isobutyrate

^{۹۵۴} dimethyl benzyl carbonyl butyrate

^{۹۵۵} methyl anthranilate

^{۹۵۶} heavy

^{۹۵۷} Canthoxal

^{۹۵۸} Lilial

گالاکسولاید (۵٪) مورد تأکید قرار گرفته و سیلستولاید^{۹۵۹} "مُسک کتون" را تقویت نموده و باعث افزایش شیرینی عطر شده است.

همانند تعداد زیادی از عطرهاى مدرن، نوت "تر و تازه" اولیّه، تا حدّ زیادی حذف و با اسانس "روغنی درخت سرو"^{۹۶۰} که کم و بیش بوی "موادّ مخدّر"^{۹۶۱} می‌دهد، جایگزین گردیده است. همچنین مقادیر متناهی "رز اوکساید"^{۹۶۲} و آلفا و بتا دَمِسکن^{۹۶۳} شخصیت گل-بو-میوه‌ای این عطر را افزایش داده‌اند. این همان تأثیری است که در عطر پاریس نیز دیده می‌شد. ترکیب مندرین و "شمع-دانی عطری"، مقداری "تر و تازگی" به نوت اولیّه می‌دهد و این تأثیر در عطر "جیورجیو" نیز وجود دارد. عطر جیورجیو یکی دیگر از عطرهایی است که رایحه "گل مریم" در آن غالب بوده، بنابراین بیشتر در خانواده گل-بو-سالیسیلات قرار می‌گیرد.

در عطرهاى بعدی همانند لولو (کچارل^{۹۶۴}، سال ۱۹۸۷) نوت‌های شرقی و "گل مریم" موازی با "اوسکار دلارتا" توسعه یافته تا یک تأثیر دورگه^{۹۶۵} "گل-بو-شرقی"^{۹۶۶} به عطر بدهد.

Celestolide^{۹۵۹}

cypress oil^{۹۶۰}

narcotic^{۹۶۱}

rose oxide^{۹۶۲}

damascone^{۹۶۳}

Cacharel^{۹۶۴}

hybrid^{۹۶۵}

floriental^{۹۶۶}

وَنَدْرِیْلَت

عطر دیگری که در خانواده عطرهاى گل‌بو-شیرین قرار می‌گیرد و موفقیت عظیمی را در ایالات متحده به دست آورد، وندریلت بود که در سال ۱۹۸۱ ساخته شد. این عطر از ترکیب نوت‌های اولیهٔ مرکبات ”تر و تازه“، ”شکوفه پرتقال“ و ”گل مریم“، هدیون، ”متیل ایونون“، هلیوتروپین، وانیلین و ”مُسک کتون“ بعلاوهٔ ”ایزو ای سوپر“ به عنوان نوت چوب ساخته شد. این عطر فاقد مقدار زیادی رایحهٔ شیرین گل بوی غلیظ عطرهاى این گروه و دارای میزان کمی یوگنول و ایلنگ یا کومارین است. حتی ممکن است فاقد ایلنگ یا کومارین هم باشد.

ترکیب ”آلیل آمیل گلیکولات“^{۹۶۷} و ”آلیل سیکلوهگزیل پروپیونات“^{۹۶۸} برای ایجاد نوت‌های سبز و میوه‌ای که می‌توان آن را جایگزین بوی میوه و سنبل در اسکار دانست، در آن استفاده شده و افزوده شدن نوت عسل، باعث کمک به رایحهٔ ”شکوفه پرتقال“ در این عطر گردیده است. مانند ”وایت لینن“، صرفه‌جویی تحسین برانگیزی نیز در ساختار این عطر وجود دارد که این صرفه‌جویی با استفادهٔ زیرکانه از ”حجم کم“^{۹۶۹} مواد متباین^{۹۷۰} بسیار جالب توجه است.

گروه عطرهاى شرقی: شالیمار^{۹۷۱}، ”موست دِ کارتیر“^{۹۷۲}، آبسیشن^{۹۷۳}، ”یوٲ دیو“^{۹۷۴}، اوپیوم^{۹۷۵}، ککو^{۹۷۶}

عطرهاى شرقی را به راحتی می‌توان به دو گروه متمایز تقسیم نمود. گروه اوّل شامل عطرهاى شالیمار، ”موست دِ کارتیر“ و آبسیشن که بر آکورد سنتی^{۹۷۷} امبرین^{۹۷۸}، بین ترنج، وانیلین (یا ”ایتیل

allyl amyl glycolate ^{۹۶۷}

allyl cyclohexyl propionate ^{۹۶۸}

nuances ^{۹۶۹}

contrasting ^{۹۷۰}

Shalimar ^{۹۷۱}

Must de Cartier ^{۹۷۲}

Obsession ^{۹۷۳}

Youth Dew ^{۹۷۴}

Opium ^{۹۷۵}

Coco ^{۹۷۶}

classic ^{۹۷۷}

ambreine ^{۹۷۸}

وانیلین^{۹۷۹} کومارین و ”مشک زباد“ و معمولاً نوت‌های چوب و رز پایه‌گذاری شده است. گروه دوّم، شامل ”یوٹ دیو“، اوپیوم و کوکو، که بر رابطهٔ بین ”بنزیل سالیسیلات“ و یوگنول که در ”ل ایر دو تمپس“ دیدیم، استوار است. اما اینجا در ترکیب با ”نعناع هندی“^{۹۸۰} و ”هیدروکسی سیترونالال“ (آکورد مهم دیگری در این نوع عطرها) ادویه‌ها^{۹۸۱}، نوت‌های چوب و کومارین. برای راحتی بیشتر، در این کتاب از ترکیب فوق به آکورد ملیس^{۹۸۲} یاد می‌شود. این ترکیب پایهٔ تعداد زیادی از ”بیس‌های ویژه“ از قبیل ”ملیس فلور“^{۹۸۳} و پیمنال^{۹۸۴} که در ساخت عطرهایی از قبیل ”بلو گراس“^{۹۸۵} و ”مومنت سوپریم“^{۹۸۶} استفاده شده، به شمار می‌رود.

تمامی این عطرها دارای نوت‌های باسان^{۹۸۷} شیرین از قبیل پنزوئین^{۹۸۸}، تولو^{۹۸۹} و اوپونکس، نوت‌های عنبر با استفاده از لادن^{۹۹۰} و رایحهٔ کستروم^{۹۹۱} بعلاوهٔ رز به عنوان رایحهٔ غالب گل هستند.

شالیمار

شالیمار در سال ۱۹۲۵ توسط گرلاین خلق شد و یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین عطرها تاکنون می‌باشد. ساختار این عطر، شبیه سبک عطاری قرن نوزدهم است. در این سبک، مقادیر زیادی از اسانس‌های روغنی که از طریق عصاره‌گیری با روش فشردن^{۹۹۲} و یا تقطیر^{۹۹۳} به دست می‌آید، استفاده می‌شود. همچنین در این سبک، برای تثبیت رایحهٔ اسانس‌های روغنی، مواد جانوری و بالسان اضافه می‌گردد. به این ساختار سنتی، دو مادهٔ صنعتی بسیار مهم که در پایان قرن نوزدهم و اوایل

ethyl vanillin^{۹۷۹}

patchouli^{۹۸۰}

spices^{۹۸۱}

mellis^{۹۸۲}

Melysflor^{۹۸۳}

Pimnal^{۹۸۴}

Blue Grass^{۹۸۵}

Moment Supreme^{۹۸۶}

balsamic^{۹۸۷}

benzoin^{۹۸۸}

tolu^{۹۸۹}

labdanum^{۹۹۰}

Castoreum^{۹۹۱} (”مُند بیدستر“ یا ”مُند بادستر“)

expressed^{۹۹۲}

distilled^{۹۹۳}

قرن بیستم کشف شد، یعنی "ایتیل وانیلین" (به میزان ۳٪) و کومارین (به مقدار ۹٪) اضافه گردیده است. "ایتیل وانیلین" را چهار برابر قوی‌تر از وانیلین به شمار می‌آورند. لذا استفاده ۱۰ الی ۱۲ درصدی از وانیلین در این گونه عطرها عجیب نیست. رایحه غالب نوت اولیّه، تقریباً ۳۰٪ ترنج بعلاوه دیگر مرکبات، "بهار نارنج" و "چوب بلسان بنفش" است. "نعناع هندی" (به حجم ۴٪) "چوب صندل"، "مشک زباد" و خس خس، قسمت‌های دیگر آکورد آمبرین را می‌سازند.

کستروم در شالیمار دارای اهمیت خاصی می‌باشد که جنبه چرمبوی^{۹۹۴} این عطر را ایجاد نموده است. این نوت با استفاده از بیس چرمبو، مانند عطر سنتی "کیور د روسیه"^{۹۹۵} تقویت گردیده است. ایده مشابهی توسط گرلاین در میتسوکو^{۹۹۶} نیز استفاده شده است. (این عطر (میتسوکو) که یکی از اولین عطرهاى خانواده چپیر^{۹۹۷} می‌باشد، دارای نوت‌های میوه‌ای با بکارگیری "آلدهاید سی ۱۴" (آندکالاکتون^{۹۹۸}) است.) "روغن پوست درخت دارچین"^{۹۹۹} قسمتی از جنبه ادویه‌ای عطر را تشکیل می‌دهد و با نوت چرم بسیار "جور شده است."^{۱۰۰۰} ادویه‌های دیگری که در این عطر، خوشبو می‌باشند عبارتند از: اسانس "تخم گشنیز"^{۱۰۰۱}، "درخت جوز"^{۱۰۰۲} و میخک^{۱۰۰۳}.

عطرهای شرقی این گروه، کم‌تر از نوت‌های گل استفاده نموده و اغلب میزان کمی رایحه گل رز که ترکیبی از "روغن طبیعی"^{۱۰۰۴} و "اسانس خالص"^{۱۰۰۵} بعلاوه تعدادی از مواد مصنوعی می‌باشد را بکار برده‌اند. در زمان خلق شالیمار، سیترونلول^{۱۰۰۶} و گرانیول^{۱۰۰۷} از منابع طبیعی مشتق می‌-

leather	۹۹۴
Cuir de Russie	۹۹۵
Mitsouko	۹۹۶
chypre	۹۹۷
undecalactone	۹۹۸
Cinnamon bark oil	۹۹۹
fit	۱۰۰۰
coriander	۱۰۰۱
nutmeg	۱۰۰۲
clove	۱۰۰۳
natural oil	۱۰۰۴
absolute	۱۰۰۵
citronellol	۱۰۰۶
geraniol	۱۰۰۷

گردیدند. رادینول^{۱۰۰۸} از “شمع‌دانی عطری” به دست می‌آمد و گرانیول از پالماروزا^{۱۰۰۹}. این محصولات اشتقاقی به این دلیل که دارای میزان قابل توجهی مواد ریز که از ملات اولیّه‌شان باقی می‌ماند، بودند، کیفیت^{۱۰۱۰} و کارایی^{۱۰۱۱} زیادی در “محصول نهایی”^{۱۰۱۲} از خود نشان می‌دادند که کارایی و کیفیت را هم‌تایان مصنوعی‌شان دارا نیستند.

در زمان خلق شالیمار، بجای استفاده از “اسانس خالص”^{۱۰۱۳} غلیظ^{۱۰۱۴} و رزین‌ها، بهره‌گیری از میزان زیادی “تنتورهای الکلی”^{۱۰۱۵} که از مواد طبیعی به دست می‌آمدند، عرف بود. این تنتورها از وانیل، بنزوئین و تونکا تولید می‌شدند که به “اتیل وانیلین” و کومارین مصنوعی موجود در عطر، جنبه طبیعی می‌بخشیدند. از تنتورهای رایج آن دوره، می‌توان به تنتور “مشک زیاد”، “کستوروم”، “عنبر سائل”^{۱۰۱۶} و مشک نام برد. این محصولات اغلب “اجزا فرار”^{۱۰۱۷} “ملات اولیّه‌شان”^{۱۰۱۸} را نگه می‌داشتند که این اجزا، کیفیت و حیاتی^{۱۰۱۹} باورنکردنی به محصول نهایی می‌بخشیدند.

“موست دِ کارتیر”

“موست دِ کارتیر” در سال ۱۹۸۱ خلق گردید. در ۷۰ سال فاصله مابین این عطر و شالیمار، انقلابی در سبک عطاری و مواد صنعتی جدید به وجود آمد. هرچند بخش اعظمی از ساختار عطرها کلاسیک شرقی، دست‌نخورده باقی ماند، اما به آن، آکوردی شامل میزان تقریباً یکسانی از هدیون، “چوب صندل” و گالاکسولاید اضافه شد. این مواد، بعلاوه وانیلین که در شالیمار با “اتیل وانیلین” جایگزین گردیده بود، ۴۰٪ حجم فرمول را شکل می‌دادند. کومارین نیز جزئی اصلی بود. “سدریل

rhodinol^{۱۰۰۸}palmarosa^{۱۰۰۹}quality^{۱۰۱۰}performance^{۱۰۱۱}end product^{۱۰۱۲}absolute^{۱۰۱۳}concentrated^{۱۰۱۴}alcoholic tincture^{۱۰۱۵}Ambergris (شامبو)^{۱۰۱۶}volatile component^{۱۰۱۷}starting material^{۱۰۱۸}life^{۱۰۱۹}

آستات^{۱۰۲۰} برای پشتیبانی از ”چوب صندل“ و مقدار کمی از اکورد سبزبو-میوه‌ای که بر و ”آلدهاید سی ۱۴“ پایه‌گذاری شده بود، به نوت اولیّه اضافه گردید. ممکن است به این اکورد، مقداری آویشن^{۱۰۲۱} نیز افزوده شده باشد. این ایده (افزودن آویشن) یادآور میتسوکو است.

آبِسِشِن

در آبِسِشِن (”کلوین کلین“^{۱۰۲۲}، سال ۱۹۸۵) توسعه بیشتری در این مسیر دیده می‌شود. در این عطر، اکورد سبزبو-میوه‌ای و ”گیاهان خوش‌بو“^{۱۰۲۳} بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این تأکید در مسیر آلیج^{۱۰۲۴} (لودر^{۱۰۲۵}، سال ۱۹۷۲) و یادآور آن به شمار می‌رود. ترکیب سنتی آرموایز^{۱۰۲۶}، آنقوزه^{۱۰۲۷} و ”متیل چاویکول“^{۱۰۲۸} (عنصر اصلی ریحان و استراگون) که قسمتی از این شخصیت را می‌سازند، مجدداً در بافت^{۱۰۲۹} چیپر^{۱۰۳۰} برای مثال در عطرهاى بندیت^{۱۰۳۱} و کابوچارد^{۱۰۳۲} نیز شاهد هستیم. استفاده از تجیت^{۱۰۳۳} نیز جالب توجه است. زیرا این ماده به صورت جزئی، رایحه تقریبی سیب را به شخصیت سبزبو-میوه‌ای که از میزان اندکی ”تریپالال“ و ”آلیل آمیل گلیکولات“^{۱۰۳۴} به دست می‌آید، اضافه می‌کند. هلیونال^{۱۰۳۵} نیز به این تأثیر کمک و به عنوان پلی ارتباطی با هدیون عمل نموده و در این عطر، در مسیر مشابهی با ”موست دِ کارتیر“ استفاده شده است.

cedryl acetate^{۱۰۲۰}thyme^{۱۰۲۱}Calvin Klein^{۱۰۲۲}aromatic herbal^{۱۰۲۳}Alliage^{۱۰۲۴}Lauder^{۱۰۲۵}armoise^{۱۰۲۶}galbanum^{۱۰۲۷}methyl chavicol^{۱۰۲۸}context^{۱۰۲۹}chypre^{۱۰۳۰}Bandit^{۱۰۳۱}Cabochar^{۱۰۳۲}tagete^{۱۰۳۳}allylamyl glycolate^{۱۰۳۴}Helional^{۱۰۳۵}

در کل، ترکیب عطر، مسیر سنتی شرقی را به دقت دنبال نموده است. به این ترکیب اسانس روغنی مرکبات (که ۲۵٪ فرمول را می‌سازند). اسطوخودوس^{۱۰۳۶}، ”چوب صندل“، ”نعناع هندی“، وانیلین، کومارین، گستروم و رز اضافه گردیده است. شیرینی عمومی این عطر، با انتخاب مواد مشک‌بو از قبیل گلاکسولاید (۵٪) تونلاید، ”اتیلین براسیلات“ و ”مُسک کتون“ بعلاوه با کَشْمِرِن^{۱۰۳۷} (مادهٔ مشک‌بو، میوه‌ای و شیرین که مرتبط با سنتز گلکسولاید می‌باشد). تقویت گردیده است.

قرار دادن نوت‌های عنبر در عطر، همانند بیشتر عطرها، دیگر، از مشکل‌ترین وظایفی است که عطار می‌بایست انجام دهد. هرچند میزان زیادی از رایحهٔ عنبر، با استفاده از مواد کیست-لادن به وجود می‌آید، اما تعدد و گوناگونی بویایی این محصولات، بی‌اندازه زیاد است. عطار برای ساخت عطر عنبربو یا استفاده از این نوت در عطر مستقر، به مهارت و تجربهٔ زیادی در انتخاب و استفاده از این مواد نیاز دارد. به دلیل نقطهٔ جوش نسبتاً بالای این مواد، شناخت محصولات لادن و دیگر مواد رزینی و بالسان در عطر، اغلب از عهدهٔ آنالیزهای جی.سی خارج بوده و دانشجویی که قصد دارد شاهکارهای عطاری گذشته شامل این مواد را بازسازی نماید، می‌بایست بر مهارت‌های خالص بویایی خود تکیه کند.

”یوٲ دیو“

این عطر که در سال ۱۹۵۲ توسط ”استی لودر“^{۱۰۳۸} اصالتاً به عنوان ”افزودنی حمّام“^{۱۰۳۹} وارد بازار گردید، یکی از اندک عطرها، لطیف^{۱۰۴۰} غربی می‌باشد که با اثانول رقیق نگردیده است. این عطر همان مقدار که تحسین شده به همان میزان نیز به دلیل تأثیر سریع^{۱۰۴۱} و کمبود لطافت زیباشناسی مورد انتقاد قرار گرفته است. لیکن یکی از اصیل‌ترین و موثرترین عطرها بشمار می‌آید. موفقیت عظیم این عطر، مخصوصاً در ایالات متّحده و بریتانیا را می‌توان به دلیل نگاهش به گذشته دانست. زیرا این عطر، راه برآوردن نیاز به سبک کنونی عطاری را باز نمود.

lavender^{۱۰۳۶}

Cashmeran^{۱۰۳۷}

Estee Lauder^{۱۰۳۸}

bath additive^{۱۰۳۹}

fine^{۱۰۴۰}

sheer^{۱۰۴۱}

آکورد ملیس که نقش مهمی در این عطر ایفا می‌کند، شامل “آمیل سالیسیلات”، “بنزیل سالیسیلات”، “نعناع هندی” بوده و بخش چوب‌بو در این عطر، با “سدریل آستات” بجای محصولات سنتی اشتقاقی از “خس خس”، مورد تأکید قرار گرفته است. در آن زمان، هنوز ورتوفیکس کشف نشده بود. ادویه‌های غالب این عطر، میخک و دارچین در ترکیب با یوگنول می‌باشند.

هرچند آکورد ملیس، چهارچوبی برای ساخت این عطر ایجاد نمود، اما مواد بالسان شیرین، “چوب صندل”، خزه بلوطی، لادن، وانیلین و نوت‌های حیوانی در ترکیب با ادویه‌ها بودند که به این عطر، شخصیت بزرگی بخشیدند. بنزوئین، استیراکس، تولو و پرو در این عطر، همه دارای اهمیت هستند و کستروم و نیتروماسک‌ها نیز به جنبه جانوری آن کمک می‌نمایند. ممکن است ترکیبات جانوری، بر پایه استرهای “پاراکرسول” در ترکیب با “فنیل آستات” و “چوب سدر” نیز استفاده شده باشد.

اوپیوم

هرچند تأثیر “یوٹ دیو” را می‌توان در “دیورانسس”^{۱۰۴۲} (۱۹۷۰) دید، اما در سال ۱۹۷۷ که اوپیوم توسط “ایوز سنت لورنت”^{۱۰۴۳} به بازار عرضه شد، تم شرقی، در یک عطر بسیار مهم، توسعه بیشتری یافت. این عطر، انگیزه‌ای برای خلق بسیاری از عطرهای بعدی متعلق به آن خانواده را فراهم نمود.

در اوپیوم، دو قسم خانواده شرقی که نماینده‌شان “یوٹ دیو” و شالیمار هستند با ترکیب آکوردهای ملیس و آمبرین به هم پیوند داده شدند. دوباره بر کستروم و نوت‌های باسان و ادویه‌ای تأکید گردید و بخش رایحه رز عطر، بیشتر از گذشته قوت یافت.

در نوت اولیة شالیمار، تفوق با ترنج بود. اما در این عطر، ترکیبی از اسانس روغنی مرکبات، از قبیل پرتقال، لیمو، مندیرین و ترنج، بعلاوه لینالول، لینالیل آستات و اسطوخودوس استفاده شده است. آکورد سنتی ملیس با ترکیب “بنزیل سالیسیلات” (۱۲٪) یوگنول، میخک، “فلفل فرنگی شیرین”^{۱۰۴۴} “نعناع هندی” (۸٪) “هیدروکسی‌سیترونال” (۱۰٪) ورتوفیکس و کومارین (۲/۵٪)

Dioressence^{۱۰۴۲}

Yves St. Laurent^{۱۰۴۳}

pimento^{۱۰۴۴}

ساخته شد. نوتِ کومارین که در اینجا با ترکیبی از وانیلین و "اتیل وانیلین" پشتیبانی شده را می‌توان به عنوان پلی مابین آکوردهای ملیس و آمبرین به شمار آورد. ترکیب مواد رزینی و بالسان، شامل بنزوئن، استیراکس، اوپونکس و تولو نیز به تأثیر کلی شرقی عطر کمک نموده است.

همان‌طور که انتظار داریم به دلیل فاصله زمانی مابین اوپیوم و عطرهای شالیمار و "یوث دیو"، تعدادی از مواد جدید در اوپیوم مورد استفاده قرار گرفته است. "کیس-۳-هگزنیل سالیسیلات"، "بنزیل سالیسیلات" و لیرال، "هیدروکسی سیترونال" را پشتیبانی نموده و مقدار کمی هدیون نیز اضافه شده است. در جنبه رزی عطر با اضافه کردن "فیل‌اتیل دیمتیل کاربینول"^{۱۰۴۵} (۳٪) و "سنتیفولیل"^{۱۰۴۶} توسعه مهمی انجام و شخصیت "تر و تازه" در نوت رز، با استفاده از "گرانیل استات" ایجاد شده و برخلاف عطرهای شرقی ماقبل، نوت مهم آلهایدی نیز در این عطر وجود دارد.

"کوکو"

کوکو که توسط شِنل در سال ۱۹۸۴ به بازار عرضه شد، راهی شبیه به اوپیوم را در پیش گرفت. اما تأکید بیشتری بر نوت‌های گل‌بو گذارد. هدیون نقش اساسی ایفا نمود و لیرال جایگزین "هیدروکسی سیترونال" به عنوان قسمتی از آکورد ملیس گردید. این مواد بعلاوه سالیسیلات‌ها، یوگنول و "نعناع هندی"، ۴۵٪ فرمول را تشکیل می‌دهند. اینجا نیز شاهد استفاده از آکورد ساختاری قوی در قلب یک عطر مدرن هستیم.

به بخش گل‌بوی عطر، ایلنگ اضافه گردیده که بخش "میخک صدپر" آکورد یوگنول-سالیسیلات را از خفا خارج نماید. ایلنگ بعلاوه اجزاء رز و یاس، تأثیر گل‌بوتری به عطر داده که یادآور برخی از عطرهای "پایه ملیس" قدیمی از قبیل "مومنت سوپریم" است. استفاده از "متیل ایونون" نیز در این مسیر می‌باشد. قسمت چوب‌بوی این آکورد، به صورت برجسته، ترکیبی از "ایزو ای سوپر" و "چوب صندل" است.

رئس‌انسان تیم شرقی در ربع قرن اخیر، نقطه شروع تعدادی از گرایش‌های جدید در عطّاری بود. یکی از این گرایش‌ها که در ساخت "موست دِ کارتیر" شاهد آن هستیم، خلق گروهی از عطرها با غلبه رایحه "چوب صندل" می‌باشد. هم‌اکنون مواد صنعتی با ارزشی از قبیل "برهمانول"^{۱۰۴۷}، "صندرانول"^{۱۰۴۸}، "مدرانول"^{۱۰۴۹} و "صندالور"^{۱۰۵۰} که رایحه "چوب صندل" دارند، فراهم گردیده است. این مواد صنعتی بعلاوه "اسانس چوب صندل طبیعی"، در ساخت عطرهایی مانند جوپ^{۱۰۵۱} و سَمسارا^{۱۰۵۲} استفاده گردید. یکی دیگر از گرایش‌های مهم، ساخت عطرهایی به اصطلاح "گل‌بو-شرقی"^{۱۰۵۳} از قبیل لولو است که شیرینی عطر شرقی و پیچیدگی گل‌بو که معمولاً بر پایه "گل مریم" می‌باشد را در خود جمع نموده است. این نوع عطرها را می‌توان پلی مابین عطرهایی شرقی واقعی و عطرهایی شیرین-گل‌بو که در بخش قبلی مورد بحث قرار گرفت، دانست.

عطرهای خانواده "نعناع هندی" - گل‌بو: دیورل^{۱۰۵۴}، "آروماتیک الکسیر"^{۱۰۵۵}، "کوری‌اندر"^{۱۰۵۶}، نووینگ^{۱۰۵۷}، "پالوما پیکاسو"^{۱۰۵۸}

توانایی هدیون برای ترکیب با تعداد زیادی از مواد اولیه مهم عطّاری، یکی از اصلی‌ترین تأثیرات ۳۰ ساله اخیر در عطّاری بوده است. این تأثیر هیچ‌کجا، بهتر از عطرهایی خانواده "نعناع هندی" دیده نمی‌شود. برخی عطّاران، این نوع عطرها را متعلق به خانواده چپیر می‌دانند. اما غلبه نوت‌های گل و "نعناع هندی" و عدم وجود مشک و رایحه‌های جانوری، بغیر از کستروم، قرار دادن این گونه عطرها را در گروه چپیر مشکل می‌کند.

Brahmanol ^{۱۰۴۷}

Sandranol ^{۱۰۴۸}

Madranol ^{۱۰۴۹}

Sandalore ^{۱۰۵۰}

Joop ^{۱۰۵۱}

Samsara ^{۱۰۵۲}

floriental ^{۱۰۵۳}

Diorella ^{۱۰۵۴}

Aromatics Elixir ^{۱۰۵۵}

Coriandre ^{۱۰۵۶}

Knowing ^{۱۰۵۷}

Paloma Picasso ^{۱۰۵۸}

اسانس روغنی “نعناع هندی” یکی از مواد باارزشی است که در عطّاری زیاد استفاده می‌شود. این روغن از برگ‌های خشک گیاهی که در اندونزی و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌روید، به دست می‌آید. این گیاه اغلب در محل کِشت آن و با استفاده از ابزار از رده خارج، تقطیر می‌گردد. استفاده از این ابزار موجب می‌شود مقادیر قابل توجهی آهن وارد این روغن گردد. وجود آهن می‌تواند تأثیر نامطلوبی بر پایداری ترکیب عطر بگذارد. لذا نیاز است به صورت شیمیایی یا با تقطیر دوباره بوسیلهٔ ابزار پیشرفته، این ماده از ترکیب نعناع هندی خارج گردد. با دستگاه‌های پیشرفتهٔ تقطیر، می‌توان روغن با کیفیت‌تری تولید نمود و به این دلیل میزان زیادی از برگ‌های خشک “نعناع هندی” به اروپا وارد می‌شود. تقطیر ملکولی نیز می‌تواند تصفیهٔ بیشتری ایجاد نماید. در عطّاری، اغلب، روغن‌های باکیفیت‌تر که با استفاده از ابزار مدرن به دست می‌آیند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دیورلّا

اولین استفاده از هدیون در “ایو سَویج” بود که توسط “ادموند راودنیتسکا”^{۱۰۵۹} در سال ۱۹۶۶ خلق شد. این عطر رایحهٔ مرکبات داشت، حس “تر و تازگی” ایجاد می‌نمود و حاوی تعدادی از گیاهان خوش‌بو، از جمله آویشن، ریحان و آرموایز بود. در پس‌زمینهٔ این عطر، یاس، “نعناع هندی”، هلیونال، یوگنول، “متیل ایونون”، نوت‌های چوب و کومارین قرار داشت. تعداد زیادی از این مواد، در ساخت دیورلّا (دیور، سال ۱۹۷۲) نیز استفاده شد. عطری منحصر به فرد و درخشان که از آکوردی مابین “نعناع هندی”، هدیون، هلیونال و یوگنول ساخته شده است.

در نوت اولیّهٔ دیورلّا، “لیمو سنگی”^{۱۰۶۰}، “گل شاه‌پسند”^{۱۰۶۱}، ترنج، لینالول و “لینالیل آستات”، اسطوخودوس و استراگون غلبه دارد. بخش گل‌بوی عطر، علاوه بر مقدار اندکی از رایحهٔ رز، حاوی نوت قوی یاس، شامل هدیون (۱۰٪) “کیس-جاسمون”^{۱۰۶۲} (۲٪) “هگزیل سینامیک

Edmund Roudnitska^{۱۰۵۹}

lemon^{۱۰۶۰}

verbena^{۱۰۶۱}

cis -Jasmon^{۱۰۶۲}

آلدهاید، “بنزیل آستات” و ایندول^{۱۰۶۳} بعلاوه “آلدهاید سی ۱۴” که بخش میوه‌ای عطر را می‌سازد، است. همانند “ایو سَویج”، در این عطر، هلیونال (۵٪) و یوگنول، آکوردی با هدیون به وجود می‌آوردند که شخصیت اصلی و مرکزی عطر را در ترکیب با نعنای هندی (۶٪) “متیل ایونون”، خس-خس و “خزه بلوطی بی‌رنگ”^{۱۰۶۴} می‌سازند. دلیل غنای عطر، استفاده از “اسانس خالص” یا مقادیر اندکی از محصولات طبیعی دیگر است. “پتیت‌گرین سیترونیر”^{۱۰۶۵} و هیل^{۱۰۶۶} هردو، در نوسازی بویایی عطر خوب عمل می‌نمایند.

شخصیت “آبگونه”^{۱۰۶۷} هلیونال که نقش مهمی در شخصیت دو عطر “ایو سَویج” و دیورلا بازی می‌نماید، متعاقباً در ساخت نوت‌های میوه‌ای خُنک^{۱۰۶۸} از قبیل کَلیکس^{۱۰۶۹} و در نوت‌های “دریایی”^{۱۰۷۰} مدرن، بر پایه کَلون^{۱۰۷۱} مانند عطرهای “نیو وست”^{۱۰۷۲} و اسکپ^{۱۰۷۳} استفاده گردیده است.

“آروماتیک الاکسیر”

در همان سالی که دیورلا خلق گردید، “آروماتیک الاکسیر” که ترکیبی از “نعناع هندی” و هدیون بود به بازار عرضه شد. هرچند این عطر از بسیاری جهات با دیورلا متفاوت و دارای سالیسیلات‌ها و مقدار کمی نوت اولیئه مرکبات است، لکن تعداد زیادی از نوت‌های پایه، مانند “متیل ایونون” و خس خس مجدداً وجود دارند و مقدار اندکی از یوگنول، لیلیال و هلیونال در این عطر استفاده شده است. تفاوت مهم دیگر بین دو عطر، تأکید بیشتر بر رایحه رز در ترکیب با یاس است.

indol^{۱۰۶۳}colorless oakmoss^{۱۰۶۴}Petitgrain citronnier^{۱۰۶۵}cardamon^{۱۰۶۶}watery^{۱۰۶۷}cool^{۱۰۶۸}Calyx^{۱۰۶۹}marine^{۱۰۷۰}Calone^{۱۰۷۱}New West^{۱۰۷۲}Escape^{۱۰۷۳}

”هیدروکسی‌سیترونالال“ که غیبتش در دیورلّا قابل توجه است، در این عطر وجود دارد که آکورد مهم دیگری را با ”نعناع هندی“ شکل می‌دهد.

ترکیب ”نعناع هندی“، هدیون، رز، ”هیدروکسی‌سیترونالال“، ”متیل ایونون“ و نوت‌های چوب، در برخی از عطرها بعدی از قبیل ”کوری‌آندر“، ”آرامیس ۱۰۷۴“، ”پالوما پیکاسو“^{۱۰۷۵} و نووینگ استفاده شده که می‌توان آن‌ها را خانواده‌ای کوچک اما شاخص به شمار آورد.

”کوری‌آندر“ و نووینگ

در ”کوری‌آندر“ (کوتوریپر^{۱۰۷۶}، ۱۹۷۳) نوت اوّلیّه، شامل گشنیز^{۱۰۷۷}، ایلنگ، ”استیرالیل آستات“ و ”آلدهاید آندکیلنیک“^{۱۰۷۸} بعلاوه ”شمع‌دانی عطری“ به عنوان قسمتی از نوت رز است. نوعی از بیس رز که ۱۰٪ فرمول را شکل می‌دهد، ترکیبی سنتی از ”فنیل‌اتیل الکل“، ”سیترونلول“، گرانبول و ”گرانیل آستات“ می‌باشد و نوت‌های عسل از قبیل ”اتیل فنیل آستات“^{۱۰۷۹} و ”فنیل‌اتیل فنیل آستات“^{۱۰۸۰} موجود است. ”فنیل آست‌آلدهاید“^{۱۰۸۱}، ”روساتول“^{۱۰۸۲}، بابونه^{۱۰۸۳} و ”برگ بنفشه“^{۱۰۸۴} نیز وجود دارند. بغیر از ”هیدروکسی‌سیترونالال“، لیرال و ”فنیل آست‌آلدهاید گلیسر‌وآستال“^{۱۰۸۵} به شخصیت موگوئت عطر اضافه شده‌اند.

Aramis^{۱۰۷۴}

Paloma Picasso^{۱۰۷۵}

Couturier (طرّاع مد)^{۱۰۷۶}

coriander^{۱۰۷۷}

undecylenic aldehyde^{۱۰۷۸}

ethyl phenylacetate^{۱۰۷۹}

phenylethyl phenylacetate^{۱۰۸۰}

phenylacetaldehyde^{۱۰۸۱}

rosatol^{۱۰۸۲}

camomile^{۱۰۸۳}

violet leaf^{۱۰۸۴}

phenylacetaldehyde glycerioacetal^{۱۰۸۵}

هرچند عطرهاى این خانواده را بر پایه هدیون دانستیم، اما در ”کوری‌آندِر“، ”مگنولیون“^{۱۰۸۶} استفاده شده است. این ماده، شبیه به هدیون و کاملاً با آن مرتبط می‌باشد. اگرچه شخصیت ”یاس-گونه“^{۱۰۸۷} بیشتری دارد. این ماده، ۲۰٪ فرمول را شکل می‌دهد و ”نعناع هندی“ ۱۰٪ آن را. ”میتیل ایونون“، ”وتایوریل آستات“، ”سدریل آستات“، ورتوفیکس و ”چوب صندل“ بخش چوب‌بوی عطر را شکل می‌دهند و مقدار کمی از گلکسولاید، قسمت مشک‌بوی آن را.

نووینگ (لُودِر^{۱۰۸۸}، ۱۹۸۸) که ۱۵ سال بعد از ”کوری‌آندِر“ به بازار عرضه شد، شیوه یکسانی را دنبال نمود و این دو عطر، رایحه‌ای شبیه به هم دارند. در نووینگ شخصیت میوه‌ای-”گل مریم“ و هلیوتروپین اضافه گردیده است. نوت خس خس و مقدار کمی از ”ایزو ای سوپر“ در بخش چوب-بوی عطر غلبه دارند. تعداد دیگری از نوت‌های کمکی نیز افزوده شده‌اند.

”پالوما پیکاسو“

تمامی اجزا اصلی که در عطرهاى دیگر این گروه دیدیم، در ”پالوما پیکاسو“ (پیکاسو، ۱۹۸۴) در کنار هم قرار گرفته است. چهار جز اصلی ”نعناع هندی“، هدیون، رز، ”هیدروکسی سیترونالال“ در نسبت تقریبی ۲:۲:۱:۲. (فقط نسبت هدیون ۱ است). مواد چوب‌بوی اصلی، شامل ورتوفیکس (با مقیاس فوق به نسبت ۲) و لیرال (به نسبت ۱) موجود هستند. ”میتیل ایونون“ نیز دوباره مهم بوده و کستروم، نوت چرمی شیرینی را فراهم آورده است. از عطرهاى بحث شده در این گروه، ”پالوما پیکاسو“ بیشتر از همه دارای شخصیت چپیر بوده و رایحه خزه‌ای آشکاری دارد.

معمولاً در عطرهایی که با عطر گذشته توارث دارند، ایده اصیل، ابتکاری و معمولاً ساده عطر اولیه، در عطرهاى بعدی، به میزان زیادی توسعه یافته است. این توسعه، یا با اضافه شدن تعداد زیادتری از نوت‌های کمکی، یا با کمک گرفتن از بیس‌ها و یا با استفاده از ترکیب پیچیده، بجای بکارگیری مواد منفرد انجام گردیده است. ”پالوما پیکاسو“ نمونه واقعی این توسعه است که شاید

Magnolione^{۱۰۸۶}

jasminic olfactory character^{۱۰۸۷}

Lauder^{۱۰۸۸}

وضوح “آروماتیک آلاکسیر” یا “کوری‌آندر” را دارا نباشد. در برخی موارد نیز برای احیای مجدد خانواده‌ای قدیمی و زیاد تجربه شده، ایده اصلی مورد تفسیر ساده و مجدد قرار گرفته است.

عطرهای خانوادهٔ چپیر^{۱۰۸۹} سنتی: “ما گریف”^{۱۰۹۰}، “فم”^{۱۰۹۱}، “میس دیور”^{۱۰۹۲}، “کابوچارد”^{۱۰۹۳}

واژهٔ چپیر از جزیرهٔ قبرس^{۱۰۹۴} که قرن‌های متمادی، محل تلاقی شرق و غرب، برای داد و ستد مواد خوش‌بو بوده اقتباس گردیده است.

در قرن نوزدهم، این جزیره به دلیل تولید عطرهای حاوی روغن مرگبات، پمادهای^{۱۰۹۵} گل‌بو، لادن^{۱۰۹۶} منطقهٔ مدیترانه، رزین‌ها و صمغ‌ها از قبیل استیراکس، بخور^{۱۰۹۷} آپونکس^{۱۰۹۸} و مر^{۱۰۹۹} که از عربستان^{۱۱۰۰} وارد می‌شد، معروف گردید. محصولات جانوری از قبیل “مشک زباد” اتیوپی و “مشک هیمالیا” نیز در بین مواد اولیهٔ نفیس این عطرها وجود داشت.

بنابراین، واژهٔ چپیر اصالتاً، سبکی از عطاری را بیان می‌نماید که در جزیرهٔ قبرس مرسوم بوده است. امروزه این واژه به صورت خاص، به گروهی از عطرها اطلاق می‌شود که مبدأشان عطر باشکوه چپیر است که در سال ۱۹۱۷ توسط کوتی^{۱۱۰۱} خلق گردید. عطری که بر خزه‌بلوطی در ترکیب با ترنج، یاس، لادن و نوت‌های حیوانی از قبیل “مشک زباد” و مشک پایه‌گذاری شده بود. ممکن است به این مواد نوت‌های چوب از قبیل “وتایوریل استات”، “متیل ایونون” و اغلب “نعناع هندی” اضافه

-
- Chypre^{۱۰۸۹}
 - Ma Griffe^{۱۰۹۰}
 - Femme^{۱۰۹۱}
 - Miss Dior^{۱۰۹۲}
 - Cabochar^{۱۰۹۳}
 - Cyprus^{۱۰۹۴}
 - pomades^{۱۰۹۵}
 - labdanum^{۱۰۹۶}
 - incense^{۱۰۹۷}
 - opoponax^{۱۰۹۸}
 - Myrrh^{۱۰۹۹} (درخت مرمتی)
 - Arabia^{۱۱۰۰}
 - Coty^{۱۱۰۱}

شود. اضافه شدن این نوت‌ها، به منظور ایجاد ساختار شخصیتی عطر چپیر می‌باشد. همچنین، ممکن است، مواد متنوعی از قبیل آلدهایدها، نوت‌های سبز، نوت‌های میوه‌ای و چرم‌بو اضافه شود تا جنبه‌های مختلف آکورد چپیر برجسته و زیرخانواده‌های متمایزی ساخته شود.

تنوع زیاد چپیرها باعث شده، این نوع عطرها را تحت عناوین گل‌بو، شرقی و غیره نیز طبقه‌بندی نمایند. اما این عطرها عموماً چپیر نامیده می‌شوند. استفاده گسترده از موادی که آکورد چپیر سنتی را می‌سازند، در انواع دیگر عطرها، این دیدگاه را تقویت می‌نماید. افراد عادی یا حتی عطاران، هنگام تفسیر عطر جدید، هرچند مثلاً عطر شرقی است، اما آن را گل‌بو و واجد جنبه‌های چپیر به شمار می‌آورند.

امروزه، دیگر عطرها چپیر سنتی و زیرشاخه‌های آن، زیاد مرسوم نیستند. اولویت مصرف‌کنندگان در ایالات متحده به نوت‌های شیرین، پودری، گل‌بو تغییر یافته است. در اروپا، سنگر سابق سبک چپیر، نوت‌های شرقی و گل‌بو-شرقی بر بازار مسلط شده‌اند. تمایل در آمریکا، به استفاده گسترده از رایحه پودر بچه جانسون تغییر یافته و در اروپا که رایحه "مایع کُن" ^{۱۱۰۲} (که دارای نوت‌های "تر و تازه" است) حتی در محصولات مراقبت از کودک نیز استفاده می‌شد، تم شرقی که نشان کمی از نوت‌های "تر و تازه" دارد، موفق عمل نموده است. تم شرقی، تقاضای بازار آمریکا، برای عطرها گرم و شیرین را پاسخ می‌دهد. در ایساتیس ^{۱۱۰۳} (ژیونچی ^{۱۱۰۴}، ۱۹۸۴) یکی از محدود عطرها موفق چپیر در سال‌های اخیر، جنبه یاس و مشک‌بوی آکورد، با وارد کردن ۲۰٪ هدیون و ۲۰٪ گالاکسولاید به فرمول، مدرن‌تر گردید و اورنیل ^{۱۱۰۵} بجای خزه بلوطی طبیعی استفاده شد. تأثیر کلی این عطر، گل‌بو-مشک است تا یک چپیر واقعی.

Eau de Cologne ^{۱۱۰۶}Ysatis ^{۱۱۰۳}Givenchy ^{۱۱۰۴}Evernyl ^{۱۱۰۵}

”ما گریف“

عادلانه قضاوت کنیم، ”ماگریف“ یکی از فوق‌العاده‌ترین عطرها است. محدودیت خودخواستهٔ عدم معرفی خالق عطرها را در اینجا شکسته و نام خالق این اثر گران‌بها را بیان می‌نماییم:

”جین کارلز“^{۱۱۰۶}.

چرا که این عطر، تمامی جنبه‌های هنر وی را منعکس می‌نماید. کارلز، تردست ماهری بود که با حقه‌های ورق، شاگردانش را سرگرم می‌نمود. او با مواد عطّاری نیز به همان شیوه، سحر و جادو می‌کرد.

همان‌گونه که انتظار داریم، این عطر، طبق ساختار سنتی نوت اولیّه، میانی و پایه ترکیب گردیده و جدا از تمامی اجزا الزامی آکورد چیپر، از مواد قدرت‌مندی از قبیل ”سیترونالال“ (۱٪) ”آلدهاید چرب“ (۱٪) ”استیرالیل آستات“ (۴٪) و استیراکس در آکوردی که به عطر شخصیت بزرگی می‌دهد، استفادهٔ شجاعانه‌ای گردیده است. همچنین یکی از تکنیک‌های کارلز، استفاده از مواد ساختاری از قبیل ”وتایوریل آستات“، ”متیل ایونون“ و ”هیدروکسی سیترونالال“ و تزئین آن‌ها با تعدادی از مواد صنعتی و طبیعی برای تولید بیس‌ها بود. وی از این بیس‌ها بجای مواد منفرد در عطرهايش استفاده می‌نمود. پیچیدگی حاصله، کیفیت نرم^{۱۱۰۷} و شگرفی به محصول نهایی می‌داد که تکثیر آن را از راه شیوه‌های عادی آنالیز و تطبیق مشکل می‌ساخت. ممکن است که ”ما گریف“ با استفاده از بیس‌هایی از قبیل سلون^{۱۱۰۸}، ”آلدهون آلفا“^{۱۱۰۹} (که بر ”هیدروکسی سیترونالال“ پایه-گذاری شده) و ”موگوئت اینور“^{۱۱۱۰} که از بزرگ‌ترین ”بیس‌های ویژه“^{۱۱۱۱} روئر^{۱۱۱۲} در زمان خودش بوده، ساخته شده باشد.

Jean Carles^{۱۱۰۶}

velvety^{۱۱۰۷}

Selvone^{۱۱۰۸}

Aldehoned Alpha^{۱۱۰۹}

Muguet Invar^{۱۱۱۰}

specialities^{۱۱۱۱}

بغیر از موادی که ذکر گردید، نوت اولیّه، شامل مخلوط ساده‌ای از ترنج و پرتقال است. بیس یاس، موگوئت (”هیدروکسی‌سیترونیلال“ ۱۰٪) و رز، در نوت میانی غالب هستند. در قلب این عطر، آکورد سنتی چیپر، بین ”وتایوریل استات“ (۱۰٪) ”متیل ایونون“، خزّه بلوطی، ”آدهاید سی-۱۴“، کومارین، ”چوب صندل“، ”نعناع هندی“، ”مُسک کتون“ و عنبر وجود دارد. نوت عنبر با ترکیب ساده اما موثر لادن، کندور^{۱۱۳} و وانیل ساخته و مقدار اندکی از نوت‌های جانوری دیگر، از قبیل ”مشک زباد“ نیز استفاده شده است.

میزان زیاد ”آدهاید چربی دار“ بعلاوه سیترونیلال، ارزیابی عطر در ابتدای مدتی که در اتانول قرار داده می‌شود را مشکل می‌کند. زمان قابل توجهی از دوره بلوغ نیاز است که آدهایدها وارد شکل-گیری ”نیمه-استال‌ها“^{۱۱۴} گردند. متأسفانه، استفاده از سیترونیلال در حشره‌کش‌ها و به عنوان عنصر تعداد زیادی از ”پاک‌کننده‌های خانگی“^{۱۱۵}، رایحه ”ما گریف“ را به این محصولات پیوند داده که در شأن بزرگ‌ترین عطر سنتی کل تاریخ نیست.

فم

یکی از اولین عطرهایی که از آندکالاکتون^{۱۱۶} (اصطلاحاً ”آدهاید سی ۱۴“) استفاده نمود میتسوکو بود که در سال ۱۹۱۹ توسط گوئرلین^{۱۱۷} ساخته شد. این عطر حیرت‌آور چیپر، (میتسوکو) یکی از شاهکارهای هنر عطاری است. مانند تعداد زیادی از عطره‌های آن زمان، لیلاک^{۱۱۸} نقش مهمی را در بخش گل‌بوی ترکیب ایفا می‌نمود. این ماده در ترکیب با نوت‌های میوه‌ای و اوپونکس، در ساخت فم (راچس^{۱۱۹}، ۱۹۴۲) دوباره استفاده گردید.

Roure^{۱۱۳}

olibanum^{۱۱۳}

hemi-acetals^{۱۱۴}

household cleansers^{۱۱۵}

undecalactone^{۱۱۶}

Guerlain^{۱۱۷}

lilac^{۱۱۸}

Rochas^{۱۱۹}

فیم که یادآور شیوه فرمول‌بندی قدیمی تری است، میزان نسبتاً زیادی نوت‌های اولیئه^{۱۱۲۰} تر و تازه^{۱۱۲۱} که بر ”لیمو سنگی“ و ترنج، بعلاوه^{۱۱۲۲} ”پتینگرین سترانیر“^{۱۱۲۳} پایه‌گذاری شده دارد. در قلب آکورد چیپر زمینه، نوت میوه‌ای-یاس، (ممکن است نوع یاس بنزول^{۱۱۲۴} استفاده شده باشد) خزه-بلوطی، ”متیل ایونون“، ”نعناع هندی“ و لادن، بعلاوه^{۱۱۲۵} مقادیر اندکی از مواد چوب‌بو قرار دارد. نوت میوه‌ای در فیم، احتمالاً با اضافه شدن بیس‌هایی از قبیل بیس معروف ”پرونول آو دِ لِر“^{۱۱۲۶} که دارای ”آلدهاید سی ۱۴“ می‌باشد، وارد گردیده است. گرمای^{۱۱۲۷} پس‌زمینه^{۱۱۲۸} این عطر، از مواد بالسان و ادویه‌هایی از قبیل ”زیره سبز“^{۱۱۲۹} و دارچین^{۱۱۳۰} که بوسیله^{۱۱۳۱} ”میخک صدپر“ بر پایه^{۱۱۳۲} یوگنول، ایزویوگنول، هلیوتروپین و ایلنگ، پشتیبانی گردیده، به دست می‌آید.

”میس دیور“

فرمول‌بندی سبک چیپر، توان تطبیق‌پذیری زیادی به عنوان نقطه شروع عطرهایی که دارای شخصیت کاملاً متفاوتی هستند دارد. در ”میس دیور“ (سال ۱۹۷۴) بهتر از هر جای دیگری این توان دیده می‌شود. در آکورد مرکزی چیپر، ترنج، یاس، خزه‌بلوطی، ”نعناع هندی“، ”وتایوریل استات“، لادن و نوت‌های جانواری، ۶۰٪ فرمول را تشکیل می‌دهند و این عطر، در زمان عرضه به بازار، ابتکاری شگفت‌انگیز به شمار می‌آمد. حتی امروزه نیز از جمله عطرهایی است که چه بر روی نوار مقوایی یا هنگام کاربرد، به راحتی قابل تشخیص می‌باشد.

”ون ورت“^{۱۱۳۳} که دو سال جلوتر توسط بالمین^{۱۱۳۴} ساخته شد، بر مقدار زیادی اسانس‌های روغنی انقوزه^{۱۱۳۵} و شمع‌دانی عطری پایه‌گذاری گردید. (متأسفانه اکنون، برای کسب بازار وسیع‌تر،

petitgrain citronnier^{۱۱۳۰}

benzol^{۱۱۳۱}

Prunol of de Laire^{۱۱۳۲}

warmth^{۱۱۳۳}

underlying^{۱۱۳۴}

cumin^{۱۱۳۵}

cardamon^{۱۱۳۶}

Vent Vert^{۱۱۳۷}

Balmain^{۱۱۳۸}

شخصیت تأثیرگذار این عطر زیبا تغییر یافته است.) در ”میس دیور“ نیز همانند ”ون ورت“ بر نوت‌های سبز تأکید شد. ترکیب آنقوزه با آکوردی از آلد‌هایدها (”سی ۱۱ آندکیلینیک“ و ”سی ۱۰“) ”استیرالیل استات“ و استیراکس که در ”ما گریف“ هم دیده می‌شود، در این عطر نیز موجود است. بعلاوه، نوت ادویه‌ای خشک^{۱۱۳۰} مبتنی بر فلفل^{۱۱۳۱} و گشنیز، اسطوخودوس و ”بهار نارنج“ نیز وجود دارد. این تعادل فوق‌العاده میان مواد مغایر، همیشه ”میس دیور“ را یکی از عطرهای تحسین شده توسط عطاران ساخته است.

دوباره بیس یاس مرسوم در آن دوره، جنبه اصلی گل‌بوی عطر را بوجود آورده است. در نسخه‌های مدرن‌تر این عطر، همانند ”مایع آرایش“^{۱۱۳۲} آن، لیرال، جایگزین بخش یا تمام ”هیدروکسی‌سیترونالال“ شده و نوت استیراکس با استفاده از ”فینیل پروپیل الکل“ که یکی از اجزا اصلی آن به شمار می‌رود، تقویت گردیده است. نوت پایه که از بسیاری جهات، شبیه ”ما گریف“ است به این دلیل که از ”نعناع هندی“ (۱۰٪) به میزان بیشتری استفاده نموده، متفاوت می‌باشد.

در تقابل با نوت اولیّه کمی ”زنده و ناخوش‌آیند“^{۱۱۳۳} عطر، رایحه گرم عنبر و نوت‌های جانوری و شمیم نرم^{۱۱۳۴} و پودری ”زنبق زرد“^{۱۱۳۵} و وانیلین استفاده شده و به منظور ایجاد غنای عطر، رایحه یاس و اسانس ”گل مریم طبیعی“ به عطر اضافه گردیده و مقدار کمی از روغن ”تخم کرفس“^{۱۱۳۶} نیز آکورد دلچسبی با ”گل مریم“ به وجود آورده است.

هنگامی که ”میس دیور“ ساخته شد، همه اسانس‌های ”گل مریم“ بوسیله فرآیند ”عطرگیری روغنی“^{۱۱۳۷} سنتی (فصل ۴ را ببینید) به دست می‌آمد. امروزه، به دلیل هزینه بالای

galbanum^{۱۱۲۹}dry^{۱۱۳۰}pepper^{۱۱۳۱}Eau de Toilette^{۱۱۳۲}harsh^{۱۱۳۳}softness^{۱۱۳۴}orris^{۱۱۳۵}celery seed^{۱۱۳۶}enfleurage^{۱۱۳۷}

نیروی انسانی و همچنین محدودیت‌های مذهبی در خصوص استفاده از چربی حیوانات، در کشورهای تولیدکننده، از قبیل هند، اغلب اِسلوت‌های “گل مریم” از طریق عصاره‌گیری با استفاده از حلال به دست می‌آید. این دو شیوه عصاره‌گیری، در شخصیت بویایی محصول اثر گذاشته و آن‌ها را از یکدیگر بسیار متمایز می‌سازد. عصاره به دست آمده از روش‌های مدرن، دارای شخصیت سبزتری است، اما غنای “متراکم”^{۱۱۳۸} محصول سنتی را دارا نیست که این غنا، در بسیاری از عطرهاى گذشته، بسیار مهم بوده است.

جدا از تأثیر این عطر بر تعدادی دیگر از عطرهاى فاخر، عطرهاى نوع^{۱۱۳۹} “میس دیور” راهشان را به محصولات آرایشی-بهداشتی باز نموده مخصوصاً در خوشبو نمودن صابون‌ها باارزش بوده‌اند. ترکیب نوت‌های سبز، لوندین، “استیرالیل آستات” و “آلدهاید چربی‌دار”، شخصیت گل‌بویی که توسط ایلنگ ایجاد شده، نوت‌های یاس-میوه‌ای و رز، “پی.تی.بی.سی.اچ.ای.”، “متیل ایونون” و ورتوفیکس، با پیش‌زمینه عنبر-خزه‌ای، پایه عطرهاى معروف لوکس که در دهه ۱۹۶۰ خلق شد را ایجاد نمودند. هم‌اکنون نیز این پایه، مدلی برای تعدادی از برندهای امروزی به شمار می‌رود.

کابوچارد

در سال ۱۹۴۴، دو یا سه سال قبل از ساخت “ما گریف” و “میس دیور”، یکی دیگر از عطرهاى اصیل چپیر، به نام بندیت^{۱۱۴۰} برپایه “ایزوبوتیل کوینولین”^{۱۱۴۱} به وسیله پیگوت^{۱۱۴۲} به بازار عرضه شد. این عطر الهام‌بخش کابوچارد گردید. کابوچارد ملایم‌تر^{۱۱۴۳} و تجاری‌تر، اما با ایده‌ای مشابه ایده بندیت بود.

jammy^{۱۱۳۸}

type^{۱۱۳۹}

Bandit^{۱۱۴۰}

isobutyl quinoline^{۱۱۴۱}

Piguet^{۱۱۴۲}

softer^{۱۱۴۳}

هرچند در کابوچارد، تمام مواد سنتی چیپر وجود دارد، اما تغییرات مهمی ایجاد شده است. علی‌رغم پیچیدگی حاصله، عطر پیوستگی حیرت‌آوری دارد که از آکوردهای مختلفی که بر "ایزوبوتیل کوینولاین" پایه‌گذاری گردیده، ساخته شده است.

شخصیت کمی خاکی^{۱۱۴۴} این عطر، با نوتِ اولیّه، شامل آرموایز (۲٪) انقوزه و ریحان کاملاً ترکیب شده و همانند تعداد زیادی از عطرها، مدرن که دارای نوت‌های سبز هستند، مندرین به عنوان قسمتی از نوت "تر و تازه"، بعلاوهٔ ترنج سنتی، لینالول و "لینالیل استات" مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. "استیرالیل استات" (۲٪) که در بندیت قسمتی از ترکیب یاسمن توسعه‌یافته بود، دوباره استفاده و همانند تعداد زیادی از عطرها، با "آلدهاید آندکیلینیک" ترکیب شده است.

همان‌گونه که از سبک چیپر انتظار می‌رود، یاس و "هیدروکسی‌سیترونال" (۱۵٪) در بخش گل‌بوی کابوچارد غلبه دارند. اما میزان اندکی سنبل^{۱۱۴۵} برای پشتیبانی از انقوزه و نوت "تر و تازه" رز که با گرانول ایجاد شده، وجود دارد. رایحهٔ یاس که در "ما گریف" و "میس دیور" استفاده شد از نوع سنتی آن نیست و بر پایهٔ "بنزیل استات"، جسِمال (۴٪) و "هگزیل سینامیک آلدهاید" (۶٪) پایه‌گذاری شده است.

کابوچارد در مقایسه با انواع دیگر چیپر، میزان نسبتاً زیادی "چوب صندل" (۶٪) دارد. شاید استفاده از "چوب صندل" در ترکیب با "هگزیل سینامیک آلدهاید" تأثیرگذار بر ساخت "مادام راجِس" در سال بعد بوده و ترکیب مشابهی نیز در آرامیس^{۱۱۴۶} (عطر مردانه‌ای شبیه به کابوچارد) استفاده شده است. در نهایت، این عطر، آکورد "چیپر-کوینولاین"^{۱۱۴۷} را به صورت ثابتی در عطرها، مردانه به وجود آورد. رابطهٔ مهم دیگری که در خلق دو عطر کابوچارد و آرامیس استفاده شده، مابین "ایزوبوتیل کوینولاین"^{۱۱۴۸} و "مُسک‌آمبرِت"^{۱۱۴۹} است. هم‌اکنون برای حفظ سلامتی^{۱۱۵۰} دیگر

earthly^{۱۱۴۴}hyacinth^{۱۱۴۵}Aramis^{۱۱۴۶}quinolinechypre^{۱۱۴۷}isobutyl quinoline^{۱۱۴۸}musk ambrette^{۱۱۴۹}

توان از ”مسک‌آمبرت“ استفاده نمود. مشکل است جایگزین آن، مشکى یافت که همان تأثیر بویایی را برجای گذارد. مشک دیگری که در کابوچارد استفاده شد آمبرتولاید^{۱۱۵۱} بود. ترکیب ماکروسیکلیک^{۱۱۵۲} بسیار زیبا اما گرانی که در تشریح فیجی (عطری بسیار متفاوت اما نه کاملاً غیرمرتبط) بدان اشاره شد.

بیس چپیر سنتی، دارای ”نعناع هندی“ (۶٪) ”میتیل ایونون“ (نوع بتای آن در آرامیس نیز استفاده گردیده) ”وتایوریل استات“، ”سیدریل استات“، خزه بلوطی و نوت‌های جانوری است. جالب است ”آلدهاید سی ۱۸“ در مسیر مشابهی با ”آلدهاید سی ۱۴“ که در تعداد زیادی از چپیرهای قبلی استفاده شده، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. بخش مهمی از شخصیت عنبر با استفاده از داینامون^{۱۱۵۳} ماده ویژه‌ای^{۱۱۵۴} که از سیستیس^{۱۱۵۵} مشتق شده، به دست می‌آید. استفاده از این ماده مشکل، اما پخش شونده و بسیار پایدار است.

دیگر جنبه‌های عطر، عبارت از نوت‌های بالسان از قبیل بنزوئین است. بعلاوه، کستروم و نوت قسط^{۱۱۵۶} (ماده طبیعی که دیگر قابل استفاده نیست) که با ”ایزوبوتیل کونولاین“ ترکیب شده و شخصیت چرم‌بو ایجاد نموده است. همان‌گونه که قبلاً دیدیم، ادویه‌ها از قبیل دارچین و میخک با نوت‌های چرم خوب عمل می‌نمایند. لذا در این عطر نیز دوباره موجود بوده و با آکورد ”میخک صدپر“ از یوگونول، هلیوتروپین و وانیلین پشتیبانی می‌گردند.

کابوچارد عطری است که به تحقیق زیادی نیاز دارد. زیرا سرشار از روابط بین مواد است. هرچند متأسفانه، امروزه کم و بیش از مد افتاده است. زیرا عطرهای مردانه، این خانواده را تسخیر نموده و تعدادی از ویژگی‌هایی که در عطرهای مدرن لازم می‌باشد را دارا نیست. ویژگی‌های مدرنی

safety^{۱۱۵۰}ambrettolide^{۱۱۵۱}macrocyclic^{۱۱۵۲}Dynamone^{۱۱۵۳}speciality^{۱۱۵۴}cistus^{۱۱۵۵}costus^{۱۱۵۶}

که موجود نیست عبارتند از: عدم وجود ساختار یکپارچه^{۱۱۵۷}، نوت شیرین، نوت پودری یا غلبه نوت-های گل. روزی که خانواده چپیر دوباره مد شود ممکن است با استفاده از مواد مدرن، از قبیل ”ایزو ای سوپر“، تیمبرول^{۱۱۵۸} و هدیون بعلاوه نوت بنفشه^{۱۱۵۹}، همان‌گونه که در عطر چپیر-کونولاین قدیمی‌تر به نام ”جولی مادام“^{۱۱۶۰} استفاده گردید، بازسازی شود.

”شئل شماره ۱۹“

”شئل شماره ۱۹“ که در سال ۱۹۷۱ خلق شد، ”نمونه اولیه‌ای“^{۱۱۶۱} از تعداد اندکی از عطرهاى سبزو است که نمی‌توان به هیچ‌یک از گروه‌ها، مرتبط دانست. هرچند تمام اجزای ساختاریش، همان‌هایی هستند که قبلاً با آن برخورد کردیم. اما این اجزا، به شیوه‌ای اصیل در کنار هم قرار گرفته‌اند تا یکی از شاهکارهای بزرگ و زیبای عطّاری سنتی فرانسوی را بسازند. جالب توجه‌تر اینکه این عطر، در زمانی به بازار عرضه شد که عطّاری به سمت عطرهاى ”سبک زندگی“^{۱۱۶۲} از قبیل عطرهاى ”زیوگاوج“ و چارلی پیش می‌رفت.

این عطر به دلیل عدم شمول برخی مواد، ویژه است. به همان اندازه، چون دارای برخی مواد دیگر است نیز خاص می‌باشد. آلدیها، ”مشک‌های صنعتی“، سالیسیلات‌ها یا وانیلین وجود ندارند یا به مقدار اندکی استفاده شده‌اند. هرچند نوت‌های چوب و گل در این عطر، یادآور برخی از عطرهاى گل-بو-آلدیها هست، اما نوت‌های سبز و خزه‌ای، بعلاوه مقدار زیادی ”زنبق زرد“ و هدیون، این عطر را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت نموده است.

انقوزه، بعلاوه ترنج، لیمو و ایلنگ، در نوت اولیه این عطر غلبه دارند. میزان اندکی ”امیل آستات“ برای از بین بردن خشونت انقوزه بسیار خوب عمل می‌کند. نوت‌های رز، شامل ابلوت

monolithic^{۱۱۵۷}Timberol^{۱۱۵۸}violet^{۱۱۵۹}Jolie Madame^{۱۱۶۰}archetype^{۱۱۶۱}lifestyle^{۱۱۶۲}

طبیعی رز که ۱۵٪ ترکیب را می‌سازد و ترکیب موگوئت (۲۰٪) همان‌گونه که در “مادام راجس” استفاده شده و میزان اندکی از “بیس ویژه”^{۱۱۶۳} “یاس از نوع اسیلوتی”^{۱۱۶۴} بیشتر بخش گل‌بوی سنتی این عطر را می‌سازند.

بغیر از شخصیت سبزبو در این عطر، “زنبق زرد” فوراً به عنوان جزء اصلی نمایان می‌گردد. “زنبق زرد” در اغلب عطرها موجود، به عنوان نوت اصلاح‌کننده^{۱۱۶۵} عمل می‌کند. ولی در این عطر، جزء اصلی ساختار می‌باشد. قیمت “زنبق زرد” که گران بود، در طول سال‌های گذشته، باز هم به صورت چشمگیری بالا رفته و یافتن “زنبق زرد” با کیفیت مناسب نیز بسیار مشکل گردیده است. علی‌رغم وجود آهن مصنوعی، در عصاره طبیعی “زنبق زرد” بیس مصنوعی، نمی‌تواند به خوبی عصاره طبیعی عمل نماید. “متیل ایونون” (۶٪) ارتباط کاملی بین “زنبق زرد” و مواد چوب‌بو فراهم نموده است.

بوی چوب عطر، از ورتوفیکس (۱۲٪) نوت‌های خس‌خس، “سدریل استات” و “چوب صندل” بعلاوه “چوب جویاک”^{۱۱۶۶} ساخته شده است. شخصیت خزه‌ای آن، از خزه‌بلوطی و ترکیبی که بر پایه “ایزوبوتیل کونولاین” یادآور “مووس دِ سَکس”^{۱۱۶۷} پایه‌گذاری شده، به دست می‌آید. همچنین میزان اندکی نوت “میخک صدپر ادویه‌ای”^{۱۱۶۸} شامل شیرین‌ترین ادویه‌ها، از قبیل میخک^{۱۱۶۹} و “فلفل فرنگی شیرین”^{۱۱۷۰} وجود دارد. برای ایجاد غنای فوق‌العاده در این عطر، تعدادی از مواد دیگر در حجم اندک اضافه گردیده است. در تولید این عطر، ممکن است از تنوره‌های مشک، “عنبر سائل” (شاهبو) و “مشک زباد” نیز استفاده شده باشد.

speciality ^{۱۱۶۳}

absolute type jasmin ^{۱۱۶۴}

modifying ^{۱۱۶۵}

guaiacwood (عودالانبیا) ^{۱۱۶۶}

Mousse de Saxe ^{۱۱۶۷}

spicy carnation note ^{۱۱۶۸}

clove ^{۱۱۶۹}

Pimento (هلفل گلینه) ^{۱۱۷۰}

در این عطر، سبک فرمول‌بندی سنتی (استفاده از نوت‌های اولیّه، میانی و پایه) را شاهد هستیم. نسبت‌های ساختاری این عطر، شبیه عطرهایی از قبیل ”مادام راجس“ است. نبوغ عطاری بکار رفته باعث شده میزان ۲۰ الی ۲۵٪ هدیون به ترکیب اضافه گردد. این ماده در سرتاسر عطر نمایان بوده و حیات، قدرت انتشار و شخصیت گل‌بوی شگرفی را به آن می‌دهد. هدیون به تنهایی حرفی برای گفتن ندارد. به این دلیل، مدتی سپری شد تا پتانسیل واقعی این ماده، توسط عطاران کشف گردد. اما توانایی این ماده برای تشکیل تعدادی از آکوردهای مهم بویایی و ارتقاء عملکرد عطر، باعث شده، امروزه بیشتر از همه مورد استفاده قرار گیرد.

متأسفانه، خارج از بازار مُد، تعداد کمی از عطرهایی که به اندازه ”شنل شماره ۱۹“ دارای شخصیت سبزبو هستند، خریدار دارند. علی‌رغم این، عطری که آشکارا به ”شنل شماره ۱۹“ شبیه بوده و مقداری موفقیت تجاری به دست آورده، سایلنس^{۱۱۷۱} (جکامو^{۱۱۷۲}، ۱۹۷۹) نام دارد. در این عطر، بوی انقوزه به وسیله نوت کسپس اصلاح گردیده تا هویت و زیبایی برجسته‌ای به عطر بدهد. در عطره‌های موفق امروزی، اغلب، ترکیبی از نوت‌های سبز و میوه‌ای دیده می‌شود. بیشتر ساختار این عطر (سایلنس) شبیه به ”شنل شماره ۱۹“ می‌باشد. هرچند ”بنزیل سالیسیلات“ مقدار کمی شخصیت گل‌بو به آن اضافه نموده است.

عطر دیگری که از نظر مردم، الهام گرفته از ”شنل شماره ۱۹“ است، ”بیوتیفول“^{۱۱۷۳} (استی لودر^{۱۱۷۴}، ۱۹۸۶) می‌باشد. هرچند میزان زیادی از جنبه‌های چوب‌بو و گل‌بوی این دو عطر، شبیه به هم می‌باشند، اما غیبت نوت‌های خزه‌ای و سبز، ”بیوتیفول“ را به مسیر دیگری هدایت نموده و اضافه شدن نوت‌های پودری و میوه‌ای به باقی‌مانده ساختار، عطر آمریکایی سنتی که شخصیت^{۱۱۷۵} و اصالت^{۱۱۷۶} قابل توجهی دارد را به وجود آورده است.

Silences^{۱۱۷۱}

Jacomo^{۱۱۷۲}

Beautiful^{۱۱۷۳}

Estee Lauder^{۱۱۷۴}

character^{۱۱۷۵}

originality^{۱۱۷۶}

سبک جدید عطاری: اِترِنیتی^{۱۱۷۷}، تِرِزِر^{۱۱۷۸}، "اِسپِلِ بُونْد"^{۱۱۷۹}، دُوون^{۱۱۸۰}، کَزْمیر^{۱۱۸۱} و اَمِراج^{۱۱۸۲}

به دلیل گرایش به ساخت عطره‌های یکپارچه^{۱۱۸۳} (تک‌بو) در طول ده سال اخیر، بجای ساختار سنتی که بر اساس نوت‌های اولیّه، میانی و پایه بنا می‌گردید، شاهد ظهور سبک جدیدی از تکنیک عطاری هستیم که نهایتاً با ساخت عطره‌هایی از قبیل تِرِزِر (لَنکام^{۱۱۸۴}، ۱۹۹۰) کَزْمیر (چوپارد^{۱۱۸۵}، ۱۹۹۱) دُوون (دیور، ۱۹۹۱) و "اِسپِلِ بُونْد" (لُودِر، ۱۹۹۱) به بلوغ رسید. بدون شک، کشف این تکنیک، به کمک آنالیزهای جی.سی.سی. بود و الهامی برای آغاز نسل جدید مکرر عطرها ایجاد نمود که منجر به انقلابی در دنیای عطاری خلاق گردید.

پیشرفت اولیّه این نوع فرمول‌بندی، اغلب به دلیل علاقه آمریکایی‌ها که عطره‌های قوی^{۱۱۸۶}، شیرین، گل‌بو و زودبو^{۱۱۸۷} را می‌پسندیدند، بود. ایشان توقع داشتند در مقابل پولی که پرداخت می‌کنند کالایی به همان نسبت باارزش دریافت دارند. هم‌اکنون تأثیر این سبک، در بازارهای سنتی‌تر از قبیل فرانسه و اسپانیا نیز دیده می‌شود.

عطری که بی‌درنگ و مقدّم از بقیه محصولات جدید به بازار عرضه شد، اِترِنیتی بود. عطرِ گل-بو، شیرین، پودری که از ترکیب "بَنزِیلِ سالیسیلات" و "ایزو ای سوپر" که با یکدیگر ۲۵٪ فرمول را شکل می‌دادند، ساخته شد. در بسیاری از جهات، شیوه ترکیب این عطر، شبیه رایحه صابون تجملی بود که بر مواد نسبتاً گرانی از قبیل لیلیال، لیرال، لینالول، تِرِپِنینول، یوگنول، "ایونون بتا"، هلیوتروپین

Eternity^{۱۱۷۷}Trésor^{۱۱۷۸}Spellbound^{۱۱۷۹}Dune^{۱۱۸۰}Casmir^{۱۱۸۱}Amarige^{۱۱۸۲}monolithic^{۱۱۸۳}Lancome^{۱۱۸۴}Chopard^{۱۱۸۵}strong^{۱۱۸۶}immediate smelling^{۱۱۸۷}

و گالاکسولاید پایه‌گذاری شده و به این مواد، ترکیب^{۱۱۸۸} اُسمانتوس^{۱۱۸۹} نیز اضافه گردیده است. این عطر همچنین احتمالاً حاوی اِسلوت‌های طبیعی می‌باشد که شخصیت میوه‌ای و گل‌بوی لطیف و حس کیفیت لازم را ایجاد می‌نماید.

تکنیک جدید عبارت است از استفاده از تعداد نسبتاً کمی از مواد صنعتی ماندگار^{۱۱۹۰} که امکان استفاده از آن‌ها در ”حجم بالا“^{۱۱۹۱} مثلاً ۲۵٪ یا بیشتر وجود دارد. بدون اینکه این مواد، خشونت برخی از مواد قدیمی و طبیعی را دارا باشند. برای توسعه شخصیت آکورد مرکزی عطر، می‌توان از مواد دیگری در فرمول استفاده نمود. این مواد، عطر را تزیین نموده و تا اندازه‌ای، هارمونی^{۱۱۹۲} زیباشناسی، برای آکورد ناقص^{۱۱۹۳} مرکزی آن ایجاد می‌کند. مثلاً آکورد متداول چپیر در این سبک، بر مواد محدودی از قبیل خزه بلوطی، خس خس و ”نعناع هندی“ پایه‌گذاری می‌گردد.

تِرِزِر نمونه بارز نوع جدید فرمول‌بندی است که بر پایه میزان تقریباً مساوی از هدیون، ”ایزو ای سوپر“، گلکسولاید و ”میتیل ایونون“ که ۸۰٪ فرمول را تشکیل می‌دهند، شکل گرفته است. در کنار این ساختار عظیم، ترکیب سبزو، میوه‌ای، موگوئت، بنفشه و نوت‌های چوب (احتمالاً به شکل بیس‌ها) که بسیاری از آن‌ها یادآوری عطر پاریس هستند، بعلاوه هلیوتروپین و وانیلین استفاده شده است. دقیقاً ترکیب یکسانی از چهار ماده، دوباره در ”اسپل‌بوند“ استفاده گردیده اما در ترکیب با ”میخک صدر“ و جنبه ”گل مریم“ عطر پویزن. با افزودن ”لینالیل استات“ کمی شیرینی کلی این عطر، اصلاح شده است.

در کز میر، تکنیک مشابهی استفاده شده اما در بافت^{۱۱۹۴} (زمینه) شرقی. فرمول کز میر، بر میزان زیادی هدیون (۲۰٪) گلکسولاید و ”ایتیلن براسیلات“ پایه‌گذاری شده است. ترکیبی از ”ایزو ای

complex^{۱۱۸۸}Osmanthus^{۱۱۸۹}long-lasting^{۱۱۹۰}high levels^{۱۱۹۱}harmony^{۱۱۹۲}unrounded^{۱۱۹۳}context^{۱۱۹۴}

سوپر“، ورتوفیکس و وانیلین (۱۴٪) که در کنار هم ۸۰٪ فرمول را شکل داده‌اند. به منظور احترام به شخصیت شرقی عطر، لینالول و “لینالیل استات” بعنوان نوت اولیّه و میزان اندکی رز، خس خس و “نعناع هندی” در پس‌زمینه حاضر می‌باشند. نوت پر قدرت میوه‌ای که علامت مشخصه بسیاری از عطرهاي مدرن آمریکایی است، نیز وجود دارد.

عطر نیمه شرقی دیگری که هدیون و گلکسولاید در آن غالب بوده و این دو ماده ۵۰٪ فرمول را می‌سازند، دون (دیور، ۱۹۹۱) است. این عطر مقداری از شخصیت آبسین را داراست. نوت اولیّه آن، سبزبو-میوه‌ای “تر و تازه” است. در نوت میانی، ترکیب رایحه رز و نوت‌های یاس قرار دارند. در نوت پایه نیز “چوب صندل”، “نعناع هندی” و وانیلین (هرچند کمتر از آبسین) استفاده گردیده‌اند. این عطر به دلیل استفاده از میزان قابل توجهی “زنبق زرد” متمایز است.

در عطر گل‌بوی سنتی دیگر، یعنی امراج (ژیونچی، ۱۹۹۱) اکورد غالب، هدیون (۳۰٪) “بنزیل سالیسیلات” (۲۵٪) و ترکیبی از “ایزو ای سوپر” و تریموفیکس^{۱۱۹۵} است. در کنار این ساختار تعدادی از نوت‌های میوه‌ای، بعلاوه پس‌زمینه گل‌بوی غنی^{۱۱۹۶} شامل ایلنگ، “گل مریم”، نرگس، یاس، بنفشه و کسی^{۱۱۹۷} استفاده شده است.

تعداد کمی از این عطرها را می‌توان در شجره‌نامه پذیرفته شده متعارف جای داد. ساختار بکار رفته در این عطرها، آن‌ها را کاملاً از عطرهاي گذشته متمایز نموده است. مثل اینکه عطار، دنیای کاملاً جدیدی را کشف کرده که در آن دنیا می‌تواند رویاهایش را طبق سبک جدید آفرینش، خلق نماید. شاید در آینده، همان‌گونه که در دهه ۱۹۲۰ دیده شد، شکوفایی عطرهایی که با این تکنیک ساخته شده‌اند را شاهد باشیم. عطرهاي آینده، الهام گرفته از عطرهاي موفق گذشته هستند. اما این مصرف‌کننده است که تصمیم خواهد گرفت.

Trimofix^{۱۱۹۵}rich^{۱۱۹۶}cassie^{۱۱۹۷}

ضمائم

ضمیمه شماره یک: ترجمه لغات انگلیسی به فارسی، به ترتیب اساس مروف لاتین

a method of Creation ¹¹⁹⁸ in Perfumery	روش برای آفرینش در عطّاری
Absolute	اسانس فالص
Absolute type	نوع ابسولوتی
Active	کنش‌گر
Adaptation	سازگاری
Additional	اضافی
Aesthetic Quality	کیفیت زیباشناسی
Aesthetically Pleasing	فوش‌آیند از لحاظ زیباشناختی
Alcoholic Tincture	تنتورهای الکلی
Aldehydic	آلدهایدی
Algal	جلبکی
Aliphatic	چربی‌دار
Almond blossom	شکوفه بادام
Amber	عنبر
Ambergris	عنبر سائل، شاهبو
Ambrette seed	مُشک دانه
Analytical Smelling Technique	مهارت تملیلی بویایی
Angelica	سنبل قطایی
Animalic	جانوری
Anisic	بادیان (ومی، انیسون)
Apple	سیب
Armoise	آرموایز
Aroma-chology	روانشناسی رایحه
Aromatic	معطر
Aromatic Herbal	گیاهان فوشبو
Auxiliary	کمکی
Awareness	هوشیاری
Azalea	آزالیا

¹¹⁹⁸ کلمات مرسوم در ادبیات عطّاری، به انگلیسی، با مروف بزرگ شروع شده است.

Baby Powder	پودر نوزاد
Back up	پشتیبانی نمودن
Balance	تعادل، متعادل
Balanced Accord	آکورد متعادل
Balsamic	کاجی، وابسته به بلسان
Base	بیس، پایه
Base Note	نوت پایه
Basic Formula	فرمول پایه‌ای
Basic Structure	سافتار پایه
Basil	ریمان
Beeswax	موم زنبور عسل
Benzoin	بنزوئین، درخت مسن لبه، عسل‌بند
Bergamot	ترنج
Birch tar	درخت فان، درخت غوشه
Blender	مخلوط‌کننده
Bridge	پُل
bring out	فارغ نمودن از فضا
Camphor-Cineol	کافوری
Captive	در بند
Cardamon	هل
Carnation	میفک صدپر
Carrier	مامل
Carry-over Effect	انتقال احساس به استنشام بعدی
Cassie	کسی
Cassis	کسیس
Castoreum	کستروم، جند بیدستر یا جند بادستر
Cedarwood	چوب سدر، سرو آزاد
Character	صفت
Character	شخصیت
Characteristic	دارای صفت اختصاصی (ممیز)، علامت مشخصه
chart integrator	ادغام‌کننده چارت
Chassis	پوست
Chemical	شیمیایی

Chocolatelike with a Touch of Incense	شبییه شکلات با مقدار کمی بفور
Chypre	چیپر
Cinnamic	دارچینی
Cinnamon Bark oil	روغن پوست درخت دارچین
Ciste oil	روغن کیست
Citrus	مرکبات
Citrus oils	اسانس‌های روغنی مرکبات
Civet	مشک زباد
Civet cat	گره زباد
Clary sage	مریم گلی
Classic	سنتی
Classification des Parfums	طبقه‌بندی عطرها
Close	شبییه
Close Matches	همتا سازی نزدیک
Clove	میفتک
Coconut	نارگیل
Complete	اتمام، کامل
Completion	تکمیل
Complex	پیچیده، ترکیب
Complex Organic Molecule	مولکول‌های پیچیده آلی
Complexity	پیچیدگی
Componder	ترکیب‌کننده
Composition	ترکیب
Compound	ترکیب، ترکیب نمودن
Compounding Notes	نوت‌های ترکیب
Concentrate	غلیظ
Concrete	کانکریت
context	بافت
Contrast	تباين، مغایرت
Contrasting	متباين
Copycat	مقلد
Coriander	تخم گشنیز
Costus	قسط

countercurrent Extraction	عصاره‌گیری مخالف
Cover up	پوشاندن
Cucumber	خیار
Cumin	زیرهٔ سبز
cut	تقلیل کیفیت یافته
cut Grass	علف بریده شده
cutoff level	سطح مذف
Cypress oil	روغن درفت سرو
Decorate	تزئین نمودن، آرایش نمودن
Deo-Cologne	دئو-کلن
Depth	ژرفا، عمق
Derivatives	مشتقات
Derived	اشتقاقی
Descent	نزاد
Descriptive	توصیفی
Diffusive	پخش‌شوندگی
Distillation	تقطیر
Distilled	تقطیر شده
Dominant	غالب
Dominate	چیره گشتن
Dress up	تزئین نمودن
Dry Wood	چوب خشک
Dusty	گرد و خاک
Earthy	خاکی
Eau de Cologne	مایع کُلن
Eau de parfum	مایع عطر
Effect	تأثیر
effective level	بهترین آکورد
Elegance	ریزه‌کاری
End Product	موصول نهایی
Enfleurage	عطرگیری (روغنی)
Essential Character	شخصیت اساسی
Essential Oil	اسانس (روغنی)

Estragon	ترّفون
Eucalyptus	اوکالیپتوس
Exotic	غیربومی
exploding	گسترش
Express	فشردن
Expression	فشردن
Extraction	عصاره‌گیری
Extrait	اکستریت
Fatigue	فستگی
Fecal	مدفوعی
Fermentation	تخمیر
Final	نهایی
Fine	شگرف، فاخر، لطیف
Fine Perfumery	عطّاری فاخر
Finish	اتمام، تکمیل، تمام‌کنندگی
Finished	کامل
Finishing	پرداخت نمودن
Fit	مور شدن
Fixative	تثبیت‌کننده
Flavor	طعم
Floral	گل، گل‌بو
Floral Balsamic	گل‌بو-کاجی
Floral Fresh	گل‌بو- تر و تازه
Floral-Green	گل‌بو - سبز
Floral-Oriental	گل‌بو-شرقی
Floriental	گل‌بو-شرقی
Flower	گل
Foin	یاسمور کوهی
Form	شکل
Fougere	فوجِر
Fractional Molecular Distillation	تقطیر ملکولی جزء به جزء
Fragrance	عطر
Fragrance Specialist	متفصّل عطر

Fresh	تر و تازه
fruit	میوه
Fruity	میوه‌ای
Fruity Green	میوه‌ای سبز
Functional Products	ممصولات کاربردی
Galbanum	انقوزه
Gardenia	یاسمن
Gas Chromatography	گاز کروماتوگرافی
GC/MS-plus-Perfumer	جی.سی.اس. / ام.اس. و عطار
general lack of Impact	نقصان عمومی تأثیر
genetic	پیدایشی
Geranium	شمعدانی عطری
Good Quality	با کیفیت
Grasse	گریس
Green	سبز
Green Effect	تأثیر سبز
Guaiacwood	چوب جوایاک، عودالنیا
Harmony	هارمونی، هماهنگی
Harsh	فشن، زنده، ناملایم
Harshness	فشونت
Hay	یونجه
Heavy	غلیظ
Hexagon of Perfumes	شش ضلعی عطرها
hidden peaks	نقاط ماکزیموم مخفی
Honey	عسل
Honeysuckle	پیچ امین‌الدوله
Hungary Water	مایع مجارستانی
Hyacinth	سنبل
Hybrid	دورگه
Identity	هویت
Imitate	تقلید کردن
Immediate Smelling	زودبو
Impact	تأثیر

in the Direction of	در مسیر
in the Family	هم‌خانواده
Incense	بخور
Insoluble	غیرقابل حل
Inspired by	الهام گرفته شده
Intensely Powerful	بسیار قوی، شدیداً قوی
Intensity	قدرت
Iris	زنبق
Jasmine	یاس
Jonquille	نسترن
Juniper Berry	درخت عرعر
Labdanum	لادن
Lavandin	لوندین
Lavender	اسطوخودوس
Lavender Water	مایع اسطوخودوس
Leafy	برگی
Leather	چرم، چرم‌بو
leave	برگ
Lemon	لیمو سنگی
Lemongrass	لیمو علفی
Level of Impact	سطح تأثیرگذاری
life	میات
Lift	انتشار
Light	سبکی
Lilac	یاس بنفش (یاس شیروانی)
Lily of the Vally	زنبق‌الوادى
Lime	لیمو
Linear	خطی
Long-Lasting	ماندگار
Macerate	خیساندن
Magnolia	مگنولیا
main Structural Accord	آکورد اصلی
Mandarin	نارنگی، مَندَرین

Map of Perfumes	نقشهٔ عطرها
Marine	دریایی
Mass Spectrometer	طیف‌سنجی جرمی
master-piece	شاهکار
Matching	تطبیق، نظیرسازی، شبیه سازی، همانندسازی
Media	ممیط
Medium Volatility	فرارِیت متوسط
Memorability	قابلیت ماندن در خاطره‌ها
Memorable	قابل یادآوری
Metallic	فلزی
Middle note	نوت میانی
Mimosa	گل ابریشم
Minty	نعناعی
Mirabelle	آلو زرد
Modifying	اصلاح‌کننده، بهبوددهنده
Monolithic	یکپارچه
Monoterpenes	مونوترپین‌ها
Moss	فزه
Mossy	فزه
Muddiness	تیرگی
Muguet	موگوت
Mushroom	قارچ
Musk	مشک
Musk Deer	آهوی فتن
Myrrhe	مُر، درفت مرمکی
Narcisse	نرگس
Narcotic	مواد مخدر
Natural	طبیعی
Natural Character	شخصیت طبیعی
Natural oil	روغن طبیعی
Naturalness	طبیعی
Nerol	نرول
Neroli	بهار نارنج

newly discovered Synthetic	مواد صنعتی تازه کشف شده
Niche	جایگاه ویژه
Nitriles	نیترال‌ها
Nuance	مجموعه
Nutmeg	درخت جوز
Oakmoss	فزه بلوطی
Obscure	مففی، کدر
Odor	رایحه
Olibanum	کُنْدُر
Open	باز
Opoponax	اوپونکس
Orange Blossom	شکوفه پرتقال
Organic chemistry	شیمی آلی
Oriental	شرقی
Originally	اصیل
Orris	زنبق زرد
Osmanthus	اُسمانتوس
Overload	سربار شدن
Palmarosa	پالماروزا
partial anosmia	نابویایی بخشی
Patchouli	نعناع هندی
Peach	هلو
Peaks	نقاط ماکزیموم
Pepper	فلفل
Peppermint	نعناع پیاپانی، نعناع فلفلی
Performance	عملکرد، کارایی
perfume	عطر
Perfume, the story of a murderer	عطر، داستان یک قاتل
Perfumers	عطاران
Perfumery house	خانه عطّاری، شرکت عطّاری
Persistence	ماندگار
Personality	شخصیت
Peru balsam	پرو بالسام

Pimento	فلفل فرنگی شیرین، فلفل گینه
Pine	کاجی
Pineapple	آناناس
Pleasing	فوش آید
Pomade	پماد
Port	درگاه
Powdery	پودری
Preblended	سافته شده
Predominate	غالب بودن، چیره بودن
printer-plotter	چاپگر-رسم کننده
Proportion	نسبت
psychophysic	روان فیزیک
Quality	کیفیت
Quasi-Natural	شبه طبیعی
Radiance	درخشندگی
Raspberry	تمشک
Reflect	انعکاس
Replacement	جایگزین
Resin	صمغ
Resinoid	رزینوئید
Resonance	همنوایی
retention time	زمان ابقا
Rhubarb	ریواس
Rich	غنی
Richness	غنا، غنابفش
Roman Camomile	بابونه رومی
Root	ریشه
Rose	رز
Rosemary	رزماری
Rosewood	چوب بلسان بنفش
Roughness	زبری
Rounded	پُر
Rounded off	پردافت نمودن، صاف نمودن

Roundness	عنا، کمال
Sandalwood	چوبِ صندل
Schiff base	شیف بیس
Seed	تخم، بذر
Semioriental	نیمه شرقی
Separation	جداسازی
Sharpness	تیزی
Simplicity	سادگی
Single	منفرد
Smell	بو
Smelling in Patterns	تشخیص الگوهای بویایی
smelling like elephant's feet	بوی پای فیل
Smelling Strip	نوار بویایی
Smoky	دودی
Smooth out	صیقلی بفشیدن
Soapy	صابونی
société Technique des Parfumeurs de france (STPF)	جامعه عطّاران فرانسه
Solvent Extraction	عصاره‌گیری از طریق مائل
Speciality Base	بیس ویژه
spent Wax	موم استفاده شده
Spice	ادویه
Stability	پایداری
Stable	پایدار
starting material	ملات اولیه‌شان
Staying power	ماندگاری
Strawberry	توت فرنگی
Strength	شدّت، قدرت
Strong	قدرت
Structure	ساختار
Style	سبک
Styrax	استیراکس
Subcompounds	زیرترکیبات، ترکیبات فرعی
Subtlety	لطافت

super Blotter	نوار کاغذی بزرگ
Sweet	شیرین
Sweet Orange	پرتقال شیرین
Synergism	سینرژی
Synthesis	سنتز
Systematically	به صورت منظم
Terpenes	ترپنها
Texture	بافت
the art of the intuitive Accord	هنر خلق آکورد فطری (غریزی)
the descent of Perfumes	توارث (نژاد) عطرها
Theme	تِم
Thyme	آویشن
Tincture	تنتور
Toilet water	مایع آرایش
Toiletry	آرایشی
Tolu	تولو
Tonka	تونکا
Top Note	نوت اولیّه
Touched up	دگرگون
Trace	جزئی، مقدار اندک
Tuberose	گل مریم
Tunnel Smelling	تونل بویایی
Unique	منمصر به فرد
Unity of Impression	وحدت تأثیر
Unprocessed	تصفیه نشده
Unrounded	ناقص
Vacuum	فلاً
Vacuum codistillation	کمد تقطیر در فلاً
Vanilla	وانیل
Vapor Pressur	فشار تبخیر
Variant	جایگزین
Variants and Modifiers	جایگزین‌ها و اصلاح‌کننده‌های منتفب
Vertofix	ورتوفیکس

Vetiver	فس فس
Vetivert Oil	اسانس روغنی فس فس
Violet	گل بنفشه
Violet leaf	برگ گل بنفشه
Volatile Component	اجزا فرار
Volatility	فراریت
Watermelon	هندوانه
Wax	موم
White Flowers	گل‌های سفید
White Linen	کتان سفید
Wishful Smelling	بویی که آرزو داریم
Within the Area	در امتداد
Wood	چوب
Woody	چوب‌بو
Ylang oil	روغن ایلنگ

ضمیمه شماره دو: ترجمه لغات فارسی به انگلیسی، به ترتیب مروف فارسی

Toiletry	آرایشی
Armoise	آرموایز
Aroma-chology	آروماکولوژی
Azalea	آزالیا
Main Structural Accord	آکورد اصلی
Balanced Accord	آکورد متعادل
Aldehydic	آلدهیدی
Mirabelle	آلو زرد
Pineapple	آناناس
Thyme	آویشن
Musk Deer	آهوی فتن
Complete, Finish	اتمام
Volatile Component	اجزا فرار
chart integrators	ادغام‌کننده‌های چارت
Spice	ادویه
Absolute	اسانس فالص
Essential Oil	اسانس روغنی
Vetivert Oil	اسانس روغنی فُس فُس
Citrus oil	اسانس روغنی مرکبات
Styrax	استیراکس
Lavender	اسطوخودوس
Osmanthus	اُسمانتوس
Derived	اشتقاقی
Modifying	اصلاح‌کننده
Originally	اصیل
Additional	اضافی
Extrait	اکستریت
Inspired by	الهام گرفته شده
Lift	انتشار
Carry-over Effect	انتقال امساس به استشمام بعدی
reflect	انعکاس
Galbanum	آنقوزه

Opoponax	اوپونکس
Eucalyptus	اوکالیپتوس
Ylang	ایلنگ
Good Quality	با کیفیت
Roman Camomile	بابونه رومی
Anisic	بادیان رومی، انیسون
open	باز
Context, texture	باخت
Incense	بمور
Seed	بذر
leave	برگ
Violet Leaf	برگ گل بنفشه
Leafy	برگی
Intensely Powerful	بسیار قوی
Benzoin	بنزوئین، درخت مسن لبه، عسل‌بند
Smell	بو
smelling like elephant's feet	بوی پای فیل
Wishful Smelling	بویی که آرزو داریم
Systematically	به صورت منظم
Neroli	بهار نارنج
Modifying	بهبوددهنده
effective level	بهترین آکورد
Base	بیس
Speciality Base	بیس ویژه
Palmarosa	پالماروزا
Stable	پایدار
Stability	پایداری
Base	پایه
Diffusive	پخش‌شوندگی
Rounded	پُر
Sweet Orange	پرتقال شیرین
Finishing, Round Off	پردافت نمودن
Peru Balsam	پرو بلسام

Back up	پشتیبانی نمودن
Bridge	پُل
Pomade	پماد
Baby Powder	پودر نوزاد
Powdery	پودری
Chassis	پوست
Cover up	پوشاندن
Honeysuckle	پیچ امین‌الدوله
Complexity	پیچیدگی
Complex	پیچیده
genetic	پیدایشی
Effect, Impact	تأثیر
Green Effect	تأثیر سبز
Contrast	تباين
Fixative	تثبیت‌کننده
Seed	تخم
Coriander	تخم گشنیز
Fermentation	تخمیر
Freshness	تر و تازگی
Fresh	تر و تازه
Terpenes	ترپن‌ها
Estragon	ترفون
Complex, Composition	ترکیب
Compound	ترکیب نمودن، ترکیب
Componder	ترکیب‌کننده
Bergamot	ترنج
Dress up	تزئین نمودن
Decorate	تزئین نمودن، آرایش نمودن
Smelling in Patterns	تشفیص الگوهای بویایی
Unprocessed	تصفیه نشده
Matching	تطبیق
Balance	تعادل
Distillation, Distilled	تقطیر

Fractional Molecular Distillation	تقطیر ملکولی جزء به جزء
Imitate	تقلید کردن
cut	تقلیل کیفیت دادن
Completion, Finish	تکمیل
Theme	تم
Finish	تمام‌کنندگی
Raspberry	تمشک
Tincture	تنتور
Alcoholic Tincture	تنتورهای الکلی
The Descent of Perfumes	توارث نژاد عطرها
Strawberry	توت فرنگی
descriptive	توصیفی
Tolu	تولو
Tonka	تونکا
Tunnel Smelling	تونل بویایی
Muddiness	تیرگی
Sharpness	تیزی
Société Technique des Parfumeurs de France (STPF)	جامعه عطّاران فرانسه
Animalic	جانوری
Niche	جایگاه ویژه
Variant, Replacement	جایگزین
Variants and Modifiers	جایگزین‌ها و اصلاح‌کننده‌های
Separation	جداسازی
Trace	جزئی
Algal	جلبکی
Fit	چور شدن
GC/MS-plus-Perfumer	جی.سی.ام.اس. و عطّار
printer-plotter	چاپگر-رسم‌کننده
Aliphatic	چربی‌دار
Leather	چرم
Leather	چرم‌بو
Wood	چوب
Rosewood	چوب بلسان بنفش

Guaiacwood	چوب جوایاک (عودالنیا)
Dry Wood	چوب خشک
Cedarwood	چوب سدر (سرو آزاد)
Sandalwood	چوب صندل
Woody	چوب‌بو
Chypre	چپیر
Dominate	چیره گشتن
Carrier	مامل
Nuance	مهم کم
life	میات
bring out	فارج نمودن از ففا
Earthy	فای
Perfumery House	فانۀ عطاری، شرکت عطاری
Moss	فزه
Mossy	فزه‌ای
Oakmoss	فزه‌بلوطی
Fatigue	فستگی
Vetiver	فس‌فس
Harsh	فشتن
Harshness	فشونت
Linear	فطی
vacuum	فلاً
Pleasing	فوش آیند
Aesthetically Pleasing	فوش آیند از لفاظ زیباشناختی
Cucumber	فیار
Macerate	فیساندن
Deo-Colognes	دئو-کلن‌ها
Characteristic	دارای صفت افتصاصی ممیز
Cinnamic	دارچینی
within the area	در امتداد
in the direction of	در مسیر
Captive	دربند
Nutmeg	درخت جوز

Juniper Berry	درخت عنبر
Birch Tar	درخت فان، درخت غوشه
Radiance	درخشندگی
Port	درگاه
Marine	دریایی
touched up	دگرگون
Smoky	دودی
Hybrid	دورگه
Odor	رایحه
Rose	رز
Rosemary	رزماری
Resinoid	رزینوئید
Aroma-chology	روانشناسی رایحه
psychophysic	روان‌فیزیکی
a method of Creation in Perfumery	روش‌های برای آفرینش در عطّاری
Ylang oil	روغن ایلنگ
Cinnamon Bark oil	روغن پوست درخت دارچین
Cypress oil	روغن درخت سرو
Natural oil	روغن طبیعی
Ciste oil	روغن کیست
Basil	ریحان
Elegance	ریزه‌کاری
Root	ریشه
Rhubarb	ریواس
Roughness	زبری
retention time	زمان ابقا
Iris	زنبق
Orris	زنبق زرد
Lily of the Vally	زنبق‌الوادای
Harsh	زنده
immediate smelling	زودبو
Cumin	زیره سبز
Subcompounds	زیرترکیبات، ترکیبات فرعی

Depth	ژرفا
Structure	سافتار
Basic Structure	سافتار پایه
Structural	سافتاری
Simplicity	سادگی
Adaptation	سازگاری
Green	سبز
Style	سبک
Light	سبک
Overload	سربار شدن
level of Impact	سطح تأثیرگذاری
cutoff level	سطح مذف
Hyacinth	سنبل
Angelica	سنبل فطایی
Synthesis	سنلز
Classic	سنلی
Apple	سیب
Synergism	سینرژی
master-piece	شاهکار
Quasi-Natural	شبه طبیعی
Close	شبیبه
Matching	شبیبه سازی
Chocolatelike with a Touch of Incense	شبیبه شکلات با مقدار کمی بفور
Character, Personality	شخصیت
Essential Character	شخصیت اساسی
Natural Character	شخصیت طبیعی
Strength	شدت، قدرت
Intensely Powerful	شدیداً قوی
Oriental	شرقی
Hexagon of Perfumes	شش ضلعی عطرها
Form	شکل
Orange Blossom	شکوفه پرتقال
Almond Blossom	شکوفه بادام

Fine	شگرف
Geranium	شمعدانی عطری
Sweet	شیرین
Sweetness	شیرینی
Schiff base	شیف بیس
Organic chemistry	شیمی آلی
Chemical	شیمیایی
Soapy	صابونی
Rounding off	صاف نمودن
Character	صفت
Resin	صمغ
Smooth out	صیقلی بخشیدن
Classification des Parfums	طبقه‌بندی عطرها
Natural, Naturalness	طبیعی
Flavor	طعم
Mass Spectrometer	طیف‌سنجی جرمی
Honey	عسل
Extraction	عصاره‌گیری
Solvent Extraction	عصاره‌گیری از طریق مّال
countercurrent Extraction	عصاره‌گیری مخالف
Perfumer	عطّار
Perfumers	عطّاران
Fine Perfumery	عطّاری فاخر
Fragrance	عطر
Perfume	عطر
Perfume, the Story of a Murderer	عطر، داستان یک قاتل
Enfleurage	عطرگیری روغنی
Characteristic	علامت مشخصه
cut Grass	علف بریده شده
Depth	عمق
Performance	عملکرد
Amber	عنبر
Ambergris	عنبر سائل (شاهبو)

Dominant	غالب
Predominate	غالب بودن، چیره بودن
Concentrate, Concentrated, Heavy	غلیظ
Roundness	غنا
Richness	غنا، غنابخش
Rich	غنی
Exotic	غیربومی
Insoluble	غیرقابل حل
Fine	فاخر
Volatility	فراریت
Medium Volatility	فراریت متوسط
Basic Formula	فرمول پایه‌ای
Vapor Pressur	فشار تبخیر
Expression	فشردن
Expressed	فشردن
Metallic	فلزی
Pepper	فلفل
Pimento	فلفل فرنگی شیرین، فلفل کینه
Fougere	فوجیر
Memorable	قابل یادآوری
Memorability	قابلیت ماندن در خاطره‌ها
Mushroom	قارچ
Preblended	ساخته شده
Intensity	قدرت
Strong	قدرت
Staying Power	قدرت ماندگاری
Costus	قسط
Pine	کاجی
Balsamic	کاجی، وابسته به بلسان
Performance	کارایی
Carbowax	کاربوواکس
Camphor-Cineol	کافور
Completed	کامل

Finished	کامل
Concrete	کانکریت
White Linen	کتان سفید
Castoreum	کستروم، جند بیدستر یا جند بادستر
Cassie	کسی
Cassis	کسیس
Roundness	کمال
vacuum codistillation	کمک تقطیر در خلأ
Auxiliary	کمی
Olibanum	کندر
Active	کنش‌گر
Quality	کیفیت
Aesthetic Quality	کیفیت زیباشناسی
Gas Chromatography	گاز کروماتوگرافی
Civet Cat	گربه زباد
Dusty	گرد و خاک
Grasse	گریس
exploding	گسترش
Flower	گل
Floral	گل
Mimosa	گل ابریشم
Violet	گل بنفشه
Tuberose	گل مریم
Floral	گل‌بو
Floral-Green	گل‌بو - سبز
Floral Fresh	گل‌بو- تر و تازه
Floral-Oriental	گل‌بو- شرقی
Floriental	گل‌بو- شرقی
Floral Balsamic	گل‌بو- کاجی
White Flowers	گل‌های سفید
Aromatic Herbal	گیاهان فوشبو
Labdanum	لادن
Subtlety	لطافت

Finely	لطیف
Fine	لطیف
Lavandin	لَوْنْدین
Lime	لیمو
Lemon	لیمو سنّی
Lemongrass	لیمو علفی
Long-Lasting	ماندگار
Persistence	ماندگار
Toilet Water	مایع آرایش
Lavender Water	مایع اسطوفوئوس
Eau de Parfum	مایع عطر
Eau de Cologne	مایع کُلن
Hungary Water	مایع مجارستانی
Contrasting	متباین
Fragrance Specialist	متفصّل عطر
Balanced	متعادل
Media	ممیط
End Product	ممصول نهایی
Functional Products	ممصولات کارکردی
Obscure	مخفی، کدر
Blender	مفلوط‌کننده
Fecal	مدفوعی
Myrrhe	مُر، درخت مرمتی
Citrus	مرکّبات
Clary Sage	مریم کلی
Derivatives	مشتقات
Musk	مشک
Ambrette Seed	مُشک دانه
Civet	مشک زبّاد
Aromatic	معطر
Contrast	مغایرت
Trace	مقدار اندک
Copycat	مقلّد

Magnolia	مگنولیا
starting material	مکات اولیه‌شان
Unique	منمصر به فرد
Mandarin	مکدرین
Single	منفرد
newly discovered Synthetic	مواد صنعتی تازه کشف شده
Narcotic	مواد مخدر
Muguet	موگوت
complex Organic Molecule	مولکول‌های پیچیده آلی
Wax	موم
spent Wax	موم استفاده شده
Beeswax	موم زنبور عسل
Monoterpenes	مونوترپین‌ها
Analytical Smelling Technique	مهارت تحلیلی بویایی
Clove	میفک
Carnation	میفک صدپر
fruit	میوه
Fruity	میوه‌ای
Fruity Green	میوه‌ای سبز
Partial Anosmia	نابویایی بخشی
Coconut	نارگیل
Mandarin	نارنگی
Unrounded	ناقص
Harsh	ناملایم
Narcisse	نرگس
Nerol	نرول
descent	نژاد
Proportion	نسبت
Jonquille	نسترن
Matching	نظیرسازی
Peppermint	نصاع بیابانی، نصاع فلفلی
Patchouli	نصاع هندی
Minty	نصاعی

Peaks	نقاط ماکزیموم
hidden peaks	نقاط ماکزیموم مخفی
Map of Perfumes	نقشه عطرها
general lack of Impact	نقصان عمومی تأثیر
Smelling Strip	نوار بویایی
super Blotter	نوار کاغذی بزرگ
Top Note	نوت اوپتیه
Base Note	نوت پایه
Middle Note	نوت میانی
Compounding Notes	نوت‌های ترکیب
Absolute Type	نوع ابسولوتی
Final	نهایی
Nitriles	نیترال‌ها
Semioriental	نیمه شرقی
Vanilla	وانیل
Unity of Impression	وحدت تأثیر
Vertofix	ورتوفیکس
Harmony	هارمونی
Cardamon	هل
Peach	هلو
Matching	همانندسازی
Harmony	هماهنگی
Close Matche	همتاسازی نزدیک
in the Family	هم‌خانواده
Resonance	همنوایی
Watermelon	هندوانه
the art of the intuitive Accord	هنر فلق آکورد فطری (غریزی)
Awareness	هوشیاری
Identity	هویت
Jasmine	یاس
Lilac	یاس بنفش، یاس شیروانی
Gardenia	یاسمن
Foin	یاسمور کوهی

Monolithic	یکپارچه
Hay	یونجه

ضمیمه شماره سه: فهرست عطرها، مواد اولیه اختصاصی و بیس‌ها

نام عطرها، سازنده و سال ساخت

نام عطر	خانه عطاری سازنده	سال ساخت
Amarige	Givenchy	۱۹۹۱
Anais Anais	Cacharel	۱۹۷۹
Arpège	Lanvin	۱۹۲۷
Aramis	Lauder	۱۹۴۵
Aramis ۹۰۰	Lauder	۱۹۷۳
Aromatics Elixir	Clinique	۱۹۷۲
Bandit	Piguet	۱۹۴۴
Beautiful	Lauder	۱۹۸۶
Blue Grass	Arden	۱۹۳۵
Cabochar	Gres	۱۹۵۸
Calandre	Rabanne	۱۹۴۸
Caleche	Hermes	۱۹۶۱
Calyx	Prescriptives Inc	۱۹۸۷
Canoe	Dana	۱۹۳۵
Casmir	Chopard	۱۹۹۱
Chanel No. ۵	Chanel	۱۹۲۱
Chanel ۱۹	Chanel	۱۹۷۱
Charlie	Revlon	۱۹۷۳
Chloé	Lagerfeld	۱۹۷۵
Chypre	Coty	۱۹۱۷
Coco	Chanel	۱۹۸۴
Coriandre	Couturier	۱۹۷۳
Diorella	Dior	۱۹۷۲
Dioressence	Dior	۱۹۷۰
Dune	Dior	۱۹۹۱
Eau Sauvage	Dior	۱۹۶۶
Escape	Calvin Klein	۱۹۹۱
Eternity	Calvin Klein	۱۹۸۸

Femme	Rochas	۱۹۴۶
Fidji	Laroche	۱۹۴۶
Fleurs de Rocaille	Caron	۱۹۳۳
Fougère Royal	Houbigant	۱۸۸۲
Giorgio	Giorgio	۱۹۸۱
Je Reviens	Worth	۱۹۳۲
Jolie Madame	Balmain	۱۹۵۳
Joop	Joop	۱۹۸۷
Knowing	Lauder	۱۹۸۸
L'Air du Temps	Ricci	۱۹۴۸
L'Heure Bleue	Guerlain	۱۹۱۲
L'Interdit	Givenchy	۱۹۵۷
L'Origan	Coty	۱۹۰۵
Loulou	Cacharel	۱۹۸۷
Madame Rochas	Rochas	۱۹۶۰
Ma Griffe	Carven	۱۹۴۴
Miss Dior	Dior	۱۹۴۷
Mitsouko	Guerlain	۱۹۱۹
Moment Suprême	Patou	۱۹۳۳
Must de Cartier	Cartier	۱۹۸۱
New West	Lauder	۱۹۸۸
Obsession	Calvin Klein	۱۹۸۵
Opium	St. Laurent	۱۹۷۷
Oscar de la Renta	Stern	۱۹۷۶
Paloma Picasso	P. Picasso	۱۹۸۴
Paris	St. Laurent	۱۹۸۳
Poison	Dior	۱۹۸۵
Quelques Fleurs	Houbigant	۱۹۱۲
Rive Gauche	St. Laurent	۱۹۷۰
Samsara	Guerlain	۱۹۸۹
Shalimar	Guerlain	۱۹۲۵
Silences	Jacomo	۱۹۷۹
Spellbound	Lauder	۱۹۹۱

Topaze	Avon	۱۹۵۹
Trésor	Lancome	۱۹۹۰
Vanderbilt	Vanderbilt	۱۹۸۱
Vent Vert	Balmain	۱۹۴۵
Volupté	Oscar de la Renta	۱۹۹۲
White Linen	Lauder	۱۹۷۸
Youth Dew	Lauder	۱۹۵۲
Ysatis	Givenchy	۱۹۸۴

مواد شیمیایی ویژه، مشتقات و سازنده آن

ماده شیمیایی ویژه و مشتقات	سازنده
Agrunitrile	Dragoco
Ambroxan	Henkel
Brahmanol	Dragoco
Calone	Pfizer
Canthoxal	I.F.F
Cashmeran	I.F.F
Cassione	Firmenich
Cedramber	I.F.F
Celestolide	I.F.F
Cycloamylone	I.F.F
Damascone alpha	Firmenich
Damascone beta	Firmenich
Dimetol	Givaudan
Dragojasimia	Dragoco
Dupical	Quest
Dynamone	Givaudan Roure
Evernyl	Givaudan Roure
Frambinone	Dragoco
Fiorivert	Quest
Galaxolide	I.F.F
Glycolierral	Givaudan Roure
Hedione	Firmenich
Helional	I.F.F
Hivertal (see Triplal)	Dragoco
Indolal (Florindal)	Dragoco
Isodamascone	Dragoco
Iso E super	I.F.F
Jessemal	I.F.F
Kephalis	Givaudan Roure
Lactoscatone	Dragoco
Liffarome	I.F.F
Lilial	Givaudan Roure
Lylal	I.F.F
Madranol	Dragoco
Magnolione	Givaudan Roure
Methyl cyclo citrone	I.F.F
Muguet aldehyde	I.F.F
Musk T (ethylene brassylate)	Tagasako
Oncidal	Dragoco
Parmavert	Bedoukian
Rholiate	Dragoco

Rosalva	I.F.F
Sandalore	Givaudan Roure
Sandranol	Dragoco
Sandela	Givaudan Roure
Tonalid	P.F.W
Triplal (see Hivertal)	I.F.F
Vertacetal	Dragoco
Vertenex (PTBCHA)	I.F.F
Vertofix	I.F.F
Vertral	Dragoco

بیس‌های ویژه و سازنده آن

بیس‌های ویژه	سازنده
Aldehyde alpha	Roure
Althenol	Roure
Ambrarome	Synarome
Cassis ۲۸۱	Dragoco
Dianthine	Firmenich
Dorinia	Firmenich
Jasmine 231	Firmenich
Florizia	Firmenich
Fleur d'Oranger	Firmenich
Melysflor	Firmenich
Mousse de Saxe	de Laire
Muguet Invar	Roure
Parmantheme	Firmenich
Pimenal	Roure
Printenyl	Roure
Selvone	Roure
Vertralis	Dragoco

کتاب‌شناسی

- Appell, L. 1964. Physical foundations in perfumery. Amer. Perf. and Cosm.
- Arctander, S. 1969. Perfume and Flavor Chemicals. Publ. by the author, Montclair, NJ.
- Becker, K., Koszinowsky, J., and Piringer, O. 1983. Permeation von Riechund Aromastoffen durch Polyolefine. Deutsche Lebensmittel-Rundschau.
- Bell, H. 1985. The solubilization of perfumery materials by surface active agents. Soap, Perf., Cosm.
- Burrell, J. W. K. 1974. The behavior of perfumery ingredients in products. J. Soc. Cosm. Chem.
- Carles, J. 1961. Une méthode de création en parfumerie. Recherches, Dec. 1961. English transl. A method of creation in perfumery, Soap, Perf., Cosm.
- Comité Français du Parfum and Société Française des Parfumeurs. 1990. Classification des Parfums. Paris.
- Dervichian, D. 1961. Role de la structure moleculaire dans la fixation des parfums dans le savon. La France et ses parfums. Paris.
- Devos, M., Patte, F., Rouault, J., Laffort, P., and van Gemert, L. J. 1990. Standardized Human Olfactory Thresholds. IRL Press, Oxford.
- Führer, H. 1970. The practice of composition. Dragoco Report.
- Gilbert, A. N., and Wysocki, C. J. 1987. The smell survey results. National Geographic.
- Haldiman, R. F., and Schuenemann, T. 1990. The hexagon of fragrance families. Dragoco Report.
- Hyman, A. M. 1977. Factors influencing the psychophysical function for odor intensity. Sensory Processes.
- Jellinek, J. S. 1959. The physico-chemical behavior of perfume materials in various carriers. Am. Perfumer Aromat.

- Jellinek, J. S. 1961. Evaporation and the odor quality of perfumes. *J. Soc. Cosm. Chem.*
- Jellinek, J. S. 1964. The effect of intermolecular forces on perceived odors. *Ann. N. Y. Acad. Sci.*
- Jellinek, J. S. 1978. Fixation in perfumery—What we understand. *Perfumer and Flavorist.*
- Jellinek, J. S. 1979. The psychophysical function and the perfumer. *Dragoco Report.*
- Jellinek, J. S. 1990. A consumer oriented classification of perfumes. *Dragoco Report.*
- Jellinek, J. S. 1991a;. Perfumes and odors as a system of signs. In *Perfumes: Art, Science, and Technology*, P. M. Müller and D. Lamparsky, eds. Elsevier, London/New York.
- Jellinek, J. S. 1991b. The impact of market research. In *Perfumes: Art, Science, and Technology*, P. M. Müller and D. Lamparsky, eds. Elsevier, London/New York.
- Jellinek, J. S. 1992. Perfume classification: a new approach. In *Fragrance: The Biology and Psychology of Perfume*, S. Van Toller and G. H. Dodd, eds. Elsevier, London/New York.
- Jellinek, J. S., and Warnecke, U. 1976. Faserhaftende Parfümierung von Wäscheweichspülern. *Seifen-Öle-Fette-Wachse.*
- Jellinek, P. 1954. *The Practice of Modern Perfumery*, transl. by A. J. Krajckeman. Leonard Hill Ltd. London.
- Jellinek, P. 1993. *Die psychologischen Grundlagen der Parfumerie*, 4th edition, Hüthig Verlag, Heidelberg.
- Lea, C. H., and Swoboda, P. A. T. 1958. Flavor thresholds of aliphatic aldehydes. *Chem. & Ind., London.*
- Leffingwell, J. C., and Leffingwell, D. 1991. GRAS flavor chemicals—detection thresholds. *Perfumer and Flavorist.*
- Moreno, O., Bourdon, R., and Roudnitska, E. 1974. *L'intimité du parfum*. Perrin, Paris.
- Muller, P. M., Neuner-Jehle, N., and Etzweiler, F. 1993. What makes a fragrance substantive? *Perfumer and Flavorist.*

- Naves, Y. R. 1957. Natural odorants and their synthetic reproduction: Past, present, and future. *Soap, Perf., Cosm.*
- OECD. n.d. *OECD Guidelines for Testing of Chemicals*, Organization for Economic Cooperation and Development. Paris.
- Patte, F., Etcheto, M., and Laffort, P. 1975. Selected and standardized values of suprathreshold intensities for 110 substances. *Chem. Senses and Flavor.*
- Pickthall, J. 1956. An approach to soap perfumery. *Soap, Perf., Cosm.*
- Pickthall, J., 1974. Perfumes and colour reactions in soaps. *Soap, Perf., Cosm.*
- Poucher, W. A. 1955. A classification of odours and its uses. *J. Soc. Cosm. Chemists* 6(2):80; *Amer. Perf. and Ess. Oil Review*, July.
- Roehl, E. L., and Knollmann, R. 1970. Olfactory and analytical control of the odour-effect of perfumes in various cosmetic preparations. *Proceedings of the Joint Symposium on Perfumery of the BSP and SCC of Great Britain, Eastbourne, Sussex.* Also Naarden News.
- Roudnitska, E. 1962. The young perfumer and scents. *Dragoco Report.*
- Roudnitska, E. 1991. The art of perfumery. In *Perfumes: Art, Science, and Technology*, P. M. Müller and D. Lamparsky, eds. Elsevier, London/New York.
- Saunders, H. C. 1973. An approach to fitting a perfume to the polarity of its substrate. *Cosmetics and Perfumery.*
- Sauvageot, F. 1987. Differential threshold and exponent of the power function in the chemical senses. *Chem. Senses.*
- Sfiras, J., and Demeilliers, A. 1957. Molecular structure and organoleptic quality. *S.C.I. Monograph.*
- Sfiras, J., and Demeilliers, A. 1964. Étude par chromatographie gazeuse de la vapeur odorante émise par une savonette parfumée. *Recherches.*
- Sfiras, J., and Demeilliers, A. 1966. Rendement parfumant d'une savonette déterminé par chromatographie. *Recherches.*
- Sfiras, J., and Demeilliers, A. 1974. Étude par chromatographie gazeuse de la vapeur odorante émise par une savonette parfumée. *Recherches.*
- Shiftan, E., and Feinsilver, M. 1964. Practical research of the art of perfumery. *Ann. N.Y. Acad. Sci.*

- SRI International. 1992. Flavors and Fragrances. Menlo Park, CA.**
- Stevens, S. S. 1957. On the psychophysical law. Psychol. Rev.**
- Stoddart, M. 1990. The Scented Ape. Cambridge University Press, Cambridge.**
- Stravinsky, I. 1942. Poetics of Music, transl. by A. Knodel and I. Dahl. Harvard University Press, Cambridge, MA.**
- Streschnak, B. 1991. Support materials for odorant mixtures. In Perfumes: Art, Science, and Technology, P. M. Müller and D. Lamparsky, eds. Elsevier, London/New York.**
- Sturm, W., and Mansfeld, G. 1975. Haftung und Fixierung von Riechstoffen. Chemiker-Ztg. 99(2):69-78; Engl. transl. Tenacity and fixing of aromatic chemicals, Perfumer and Flavorist.**
- Wells, F. V. 1960. Le Comportement des parfums sur la peau. Parf. Cosm. Savons.**